یا من عنده اُمّ الکتاب

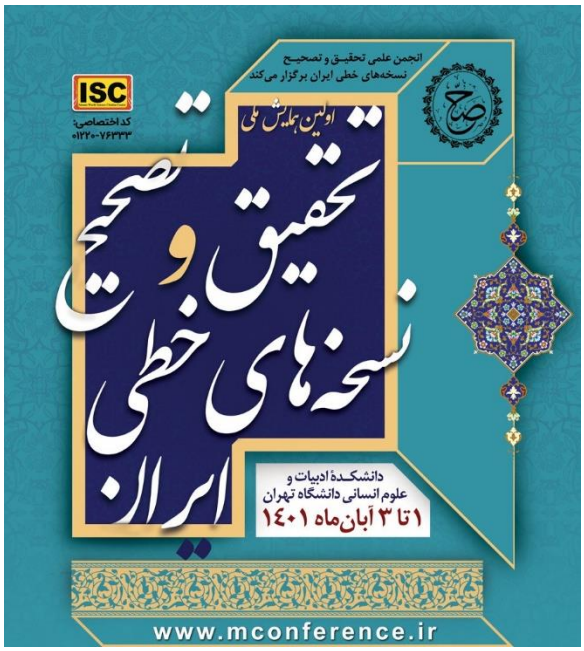

دورهٔ نخست

شمارهٔ یک (شمارهٔ ۱ پیاپی) جلد دوم

پاییز ۱۴۰۱ هجری شمسی

برگزارکننده

انجمن علمی تحقیق و تصحیح نسخه‌های خطی ایران

هیأت رئیسه:

دبیر علمی: دکتر علی محمد مؤذنی

دبیر اجرائی: دکتر زهیر طیب

ویراستار: دکتر نیلوفرسادات عبدالهی

کمیته علمی:

دکتر سید محمد منصور طباطبایی

دکتر محمّد سرور مولایی

دکتر توفیق هاشم پور سبحانی

دکتر احمد خاتمی

دکتر سعید شفیعیون

دکتر علی افضلی (عربی)

دکتر میلاد جعفر پور

کمیته اجرائی:

دکتر بهادر باقری

دکتر سعید شفیعیون

دکتر الهام ملک زاده

هیأت علمی بین المللی:

دکتر محمد قمر عالم (دانشگاه علیگر هندوستان)

دکتر اسد علی خورشید (دانشگه علیگر هندوستان)

دکتر احمد حسین بکر (دانشگاه قاهره مصر)

دکتر نورعلی نور زاد (پژوهشکده فارسی تاجیکستان)

دکتر ابو رتاج الرفاعی (تراث العربی مملکة المغرب)

دکتر هند فخری سعید (دانشگاه موصل عراق)

دکتر نوری الموسوی (دانشگاه بابِل عراق)

مشاوران علمی:

دکتر الهام ملک زاده (پژوهش و تصحیح اسناد تاریخی)

دکتر سید حسین مرعشی (تصحیح مخطوطات عربی)

دکتر زینب کوشکی (ادبیات فارسی در حوزه بین المللی)

دکتر آزاد محمودی (خطوط اسلامی)

دکتر احسان شکر اللهی (ادب فارسی در شبه قاره هند)

دکتر مرتضی رضوانفر (کتیبه های دوران اسلامی)

فهرست

دورهٔ نخست (۱) شمارهٔ نخست (۱) پیاپی (۱) پاییز ۱۴۰۱ هجری شمسی / جلد دوم

زهیر طیب (مدیر انجمن علمی تحقیق و تصحیح نسخه های خطی ایران و دبیر اجرایی همایش)

نخستین ها

صفحهٔ ۱-۸[۱]

مقالات و سخنرانی های علمی

نیلوفرسادات عبدالهی

آسیب شناسی کم‌توجهی به دستنویس‌های مصوّر شاهنامه در شاهنامه‌پژوهی (مطالعه موردی: نسخهٔ بایسنقری)

صفحه ۳۸۲-۴۰۷

محمدکاظم حسنوند مهسا خانی اوشانی

مطالعهٔ ارتباط زبان متن و زبان تصویر در نسخ خطی مصور دوره ایلخانی با استناد به دیدگاه رولان بارت

صفحه ۴۰۸-۴۲۱

فاطمه سادات سعادتمند

شبکهٔ واژگان و کاربردهای آن در نسخه‌کاوی و متن‌پژوهی

صفحه ۴۲۲-۴۴۲

۱. این یادداشت به نقل از جلد نخست مجموعه آمده، براین اساس در شمار صفحات جلد دوم نیامده است.

مرضیه اسماعیلی علیرضا شیخی

واکاوی کتیبه‌ها و خطوط نقش بسته بر جامه‌های فتح ایرانی

صفحه ٤٤٣-٤٧٨

طاهره شیشه بری، الهه خاکباز الوندیان، ابراهیم کاظم نژند اصل

حفاظت و مرمت وقف‌نامه کاغذی سهم سادات قنات حسن آباد مهریز یزد

صفحه ٤٧٩-٤٩٩

محمدجواد ناسک جهرمی علی اشرف امامی

معرفی و بررسی دو رساله از شاه‌داعی شیرازی و تصحیح نسخهٔ خطی آن (رساله شجره و رساله فی معرفةالنفس)

صفحه ٥٠٠-٥٢٢

سید محمد کاظم علوی فریده یزدی نژاد محمدرضا ارشادی نیا

بررسی و تصحیح رسالهٔ "الکلمات الربوبیهٔ" اثر سید موسی بن فضل الله حسینی کلانتری

صفحه ٥٢٣-٥٤١

فرزین حبیب زاده معصومه سعیدی

لزوم آشنایی با تصحیح و تحقیق نسخه های خطّی قرآنی و حدیثی و منابع و روشهای آن

صفحه ٥٤٢-٥٧٢

اعظم سلمانی صفا

معرفی قرآنهای خطی منسوب به امام حسین(ع)

صفحه ٥٧٣-٥٨٧

رحیم پاک نژاد

کتابچهٔ وبائیه؛ یادگاری از عصر ناصری

صفحه ٥٨٨-٥٩٤

یاسر ملازئی

ملاحظاتی انتقادی دربارهٔ تصحیح نسخهٔ خطی زبدةالتواریخ اثر ملاکمال منجم یزدی

صفحه ۵۹۵-۶۰۷

محمود عالی پور

رساله در وصف اعضاء یا انتخابی از چهل ناموس؟

صفحه ۶۰۸-۶۲۰

طاهره میرزائی مرتضی چرمگی عمرانی

بازتاب آموزه‌های تعلیمی در نسخهٔ خطی «قوانین دستگیری»

صفحه ۶۲۱-۶۴۰

شبنم امیری نجمه درّی

تحلیل بن‌مایه‌های داستانی منظومهٔ خرم و زیبا

صفحه ۶۶۴-۶۱۴

شبنم امیری نجمه درّی

پوستر وبینارهای اولین همایش تحقیق و تصحیح نسخه های خطی ایران

صفحه ۶۶۵-۶۷۸

نخستین ها...

زهیر طیب[۲]

دبیر اجرایی نخستین همایش ملّی تحقیق و تصحیح نسخه‌های خطی ایران

نخستین کارها چند ویژگی دارند:

- ناپخته و نوکارند؛ پس برخودار از نقاط ضعف قابل تکمیل و تکاملند.
- جسورانه اند؛ پس گاهی ممکن است متهورانه و حتّی گستاخانه به نظر برسند.
- محدودند؛ پس شاید پهنهٔ فراخ کار را محدود جلوه دهند.
- کم پشتوانه اند؛ پس ای بسا که خُرد و بی قدر به نظر می آیند.

امّا همهٔ این ویژگی ها در برابر یک ویژگی، رنگ می بازد و آن این که نخستین کارها:

- بدیعند؛ پس دلپذیر و تأثیرگذار و خاطره انگیزند.

در دانش سترگ مخطوطات (codicologoy) بطور معمول، فضل تقدّم و اقدم و پیشین بودن، ملاکی است که نیروی آن در گزینش ضبطهای متنوع از یک کتاب، بر آراستگی ها و صنعت پردازی های نسخه‌های خطی پسین می‌چربد.

با استعارت از همین واقعیت آشنای پژوهشی، ما به یاری خدا و با قوّت قلبی که از استادان و دانشمندان این دوران گرفتیم، پا در میدانی بزرگ و لجّه ای عمیق نهادیم و از پس فترتی مدید که بر فضای مخطوطات و تصحیح متون خطی در کشور رخ داده بود و گاه آن را بخطا تا سرحدّ غلط گیری و ویرایش متن کاسته بود، در سال ۱۳۹۸ هجری خورشیدی، اساس "انجمن علمی تحقیق و تصحیح نسخه های خطی ایران"، مرکزی که باید دهه ها قبل بنیاد می یافت تا عظمت علم و فرهنگ ما را آینه دار باشد، جسورانه و با طلب همّت از

۲. دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران. Tayyeb@ut.ac.ir

پیران این خرابات پایه گذاشتیم. باید از دهها دانشمند نامدار رشته های مختلف علوم نام برد تا حقّ سلسلهٔ جلیلهٔ مصححان و نسخه شناسان و مفهرسان و تراجم نویسان را که خیمه دار این کاروان بوده اند ادا کرد؛ کاری که باید روزی ان شاء الله انجام پذیرد.

نخستین اقدامات انجمن علمی تحقیق و تصحیح نسخه های خطی ایران پس از کسب موافقت کمیسیون عالیقدر انجمن های علمی ایران و تأسیس، فراهم آوردن بسترهایی به منظور انعکاس دستاوردهای علمی عرصهٔ تصحیح و نسخه شناسی بود؛ به این منظور، نشریهٔ علمی «پژوهشهای نسخه شناسی و تصحیح متون» قابل دستیابی در Codicology.ir از ابتدای سال ۱۴۰۰ به صورت دوفصلنامه آغاز بکار کرد که تا کنون ۳ شماره از آن با انتشار دهها مقالهٔ علمی و تخصصی در عرصهٔ نسخه شناسی و متن شناسی و تصحیح، به مرکزی برای انتشار دستاوردهای تحقیقاتی پژوهشگران و منبعی فیّاض برای بهره مندی علاقمندان و دانشجویان تبدیل شده است.

دیگر، از آنجا که گسترش ارتباطات اعضای انجمن علمی و دیدارهای و شنیدارها و سخنرانی ها نیز نقش بسزایی در گرمای محیط علمی و تحقیقاتی این عرصه دارد، با هماهنگی معاونت محترم پژوهشی وزارت علوم تحقیقات و فناوری در سال ۱۴۰۱، امسال، اقدام به برگزاری نخستین همایش ملّی تحقیق و تصحیح نسخه های خطی ایران با همکاری دانشگاههای علامه طباطبایی، پردیس بین الملل دانشگاه تهران و دانشگاه اصفهان نموده، هرچند که بلای جهان گیر کرونا و در پی آن زمین لرزه های متعدد، تاب و توان را برای برگزاری درخور چنین رخداد علمی از همهٔ ما گرفت، در حدّ مقدور کوشیدیم شمع نوفروغ این محفل روشن بماند و چراغ نیمه افروختهٔ این دانش به خاموشی نگراید. پس با اعلام عمومی و پذیرش مقالات از پژوهشگران و اعضای محترم هیأت علمی دانشگاههای کشور، جذب مقالات و سخنرانیهای علمی را از سراسر کشور آغازیده و با همکاری اعضای محترم کمیتهٔ علمی که یکایک آنها در خود آفرین‌ها و تحسین ها به جهت همکاری در این برههٔ خاص زمانی بودند، کار داوری و اعلام نتایج را به سامان رساندیم. اینک نتیجهٔ این کوشش جمعی را با یادکرد و آرزوی آرامش روان برای از دست رفتگان، پیش‌کش اهل دانش و بینش می نماییم.

گزارش های آماری این همایش در چند نمودار در پایان این نوشته برای مزید استحضار شما گرامیان تقدیم می گردد. امید است این همایش در سالهای بعد با حضور متراکم استادان، پژوهشگران و دانشجویان علاقمند پربارتر گردد و بیخ تناور فرهنگ بر این مُلک و ملّت، میوه، شادابتر بخشد. از همهٔ مؤسسات، نمایه های علمی، مراکز آموزش عالی و تحقیقاتی و استادان گرامی و اعضای هیات مدیرهٔ انجمن که در این جهت همکاری داشتند

بویژه جناب آقایان دکتر خاتمی (دانشگاه شهید بهشتی)، دکتر شفیعیون (دانشگاه اصفهان)، دکتر حسن زاده نیری و دکتر مستعلی پارسا (دانشگاه علامه طباطبایی)، دکتر منصور طباطبایی و دکتر افضلی (دانشگاه تهران) سپاس و تشکر دارم.

پیوست – گزارش آماری

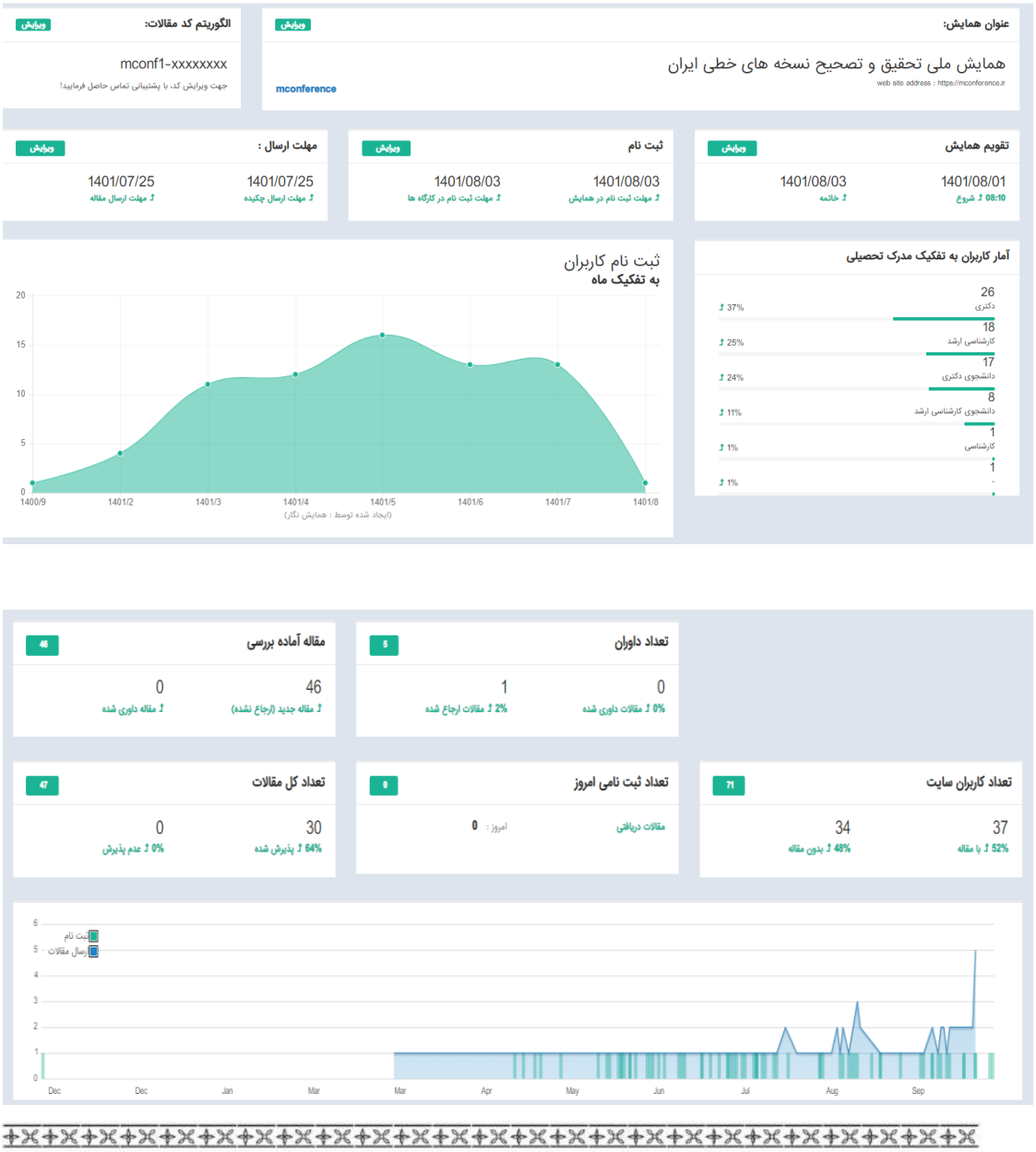

انجمن علمی تحقیق و تصحیح
نسخه‌های خطی ایران برگزار می‌کند
ISC
کد اختصاصی:
۰۱۲۲۰-۷۶۳۳۳
اولین همایش ملی
تحقیق و تصحیح
نسخه‌های خطی
ایران
دانشکدهٔ ادبیات و
علوم انسانی دانشگاه تهران
۱ تا ۳ آبان‌ماه ۱۴۰۱
www.mconference.ir
تاریخ های مهم
مهلت ارسال مقالات: ۳۱ خرداد ۱۴۰۱
اعلام نتایج داوری: ۳۱ شهریور ۱۴۰۱
محورهای همایش
• سنت های تاریخی نسخه های خطی ایرانی در ایران و جهان
• کتابخانه های نسخ خطی و مراکز میراث نسخ خطی ایرانی در ایران و جهان
• پژوهشهای ادبی و زبانی در نسخ خطی ایرانی
• فهرست نویسی، ویرایش، تحقیق و انتشار نسخه های خطی
• حفظ، حفاظت، و دیجیتالی سازی نسخه های خطی
• حفاظت از میراث فرهنگی مخطوط شامل اسناد و نسخه های خطی
آدرس دبیرخانه: ایران، تهران، خیابان شهید مطهری، خیابان میرعماد، خیابان هشتم، پلاک ۸، طبقه اول (واحد ۳) - کدپستی: ۱۵۸۷۹۶۴۸۱۴
تلفن تماس: ۰۲۱۸۸۱۷۲۰۹۹
ایمیل: info@makhtootat.ir

پوستر همایش

کتابچهٔ وبائیه؛ یادگاری از عصر ناصری

رحیم پاک‌نژاد[۱]

چکیده

وبا یا مرض موت که به مرگامرگی نیز شـــهرت داشـــته، از جمله بیماری‌های همه‌گیر در تاریخ ایران بوده که نهادهای گوناگون جامعه را عمیقاً تحت تأثیر قرار داده‌اســـت. نظر به اهمیت این بیماری و پیامدهای ســـوء آن، در عصر قاجار رساله‌هایی پیرامون ریشه‌یابی و نحوهٔ درمان آن تألیف شد. یکی از این رساله‌ها کتابچهٔ وبائیه است که به دستور عبدالحسین میرزا فرمانفرما و به‌قلم میرزا محمود خان دکتر، در عصر ناصرالدین شاه قاجار تحریر و در میان مردم توزیع گردید. در این مقاله، مروری خواهیم داشـــت بر محتوای کتابچهٔ وبائیه و دســـتورالعمل‌های مؤلف آن در جهت پیشگیری و درمان وبا. رویکرد نگارنده در مقالهٔ پیش رو، توصیفی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده کرده است.

کلیدواژه‌ها: وبا، کتابچه وبائیه، میرزا محمود خان دکتر، عصر قاجار.

مقدّمه

عصر قاجار -بی‌تردید- از پرمناقشه‌ترین اعصار در تاریخ میهن ماست. جنگ‌های ایران و روس در عهد سلطنت فتحعلی شاه، اقدامات و اصلاحات اساسی قائم مقام و امیرکبیر، دو ترور ناصرالدین شاه، وقوع انقلاب مشروطه، حضور مؤثر قدرت‌های غربی در سپهر سیاست ایران و سرانجام، بحران تجدد از جمله مسائل مهم این دوره است که رخدادهای بعدی تاریخ ایران را عمیقاً تحت تأثیر قرار داد. یکی از مســـائل بغرنج در تاریخ اجتماعی این دوره، شیوع بیماری وبا (مرگامرگی، مرض موت) است که به‌جهت سرعت در سرایت و خطر مرگ، به‌نوعی همه نهادهای جامعه را درگیر می‌کرد. این بیماری به‌دنبال فقدان امکانات اولیهٔ بهداشـــتی بروز می‌کرد و با فقر و قحطی، پیوندی

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران - am۷۲.paknejad@gmail.com

عمیق داشت؛ چراکه هم حاصل تنگدستی و تنگسالی بود و هم موجد این دو (ناطق، ۱۳۵۸: ۱۱).

نخستین شیوع وبا در ایران، در سال ۱۲۳۶ ه.ق رخ داد و منشاء آن در هندوستان بود. این همه‌گیری از جنوب ایران آغاز شد، رفته‌رفته به مرکز کشور رسید و تلفات بسیاری برجای نهاد. دومین شیوع وبا در ایران نیز به سال ۱۲۴۵ ه.ق بازمی‌گردد که مجدداً از هند آغاز و از طریق هرات به مناطق مختلف ایران کشیده شد.

دوره‌های همه‌گیری وبا در عهد قاجار ادامه یافت اما بعدتر با تنظیم مقررات مربوط به بهداشت و درمان، ایجاد قرنطینه و رعایت اصول بهداشتی از ایران رخت بربست. نظر به اهمیت مرض وبا و آثار سوء آن در جامعه، بسیاری از اطباء در عصر قاجار به تحقیق و بررسی پیرامون ابعاد مختلف این بیماری پرداختند. در این دوره رساله‌های متعددی درباره علت و ماهیت وبا تحریر شد و بحث‌های گسترده‌ای در این باره صورت گرفت که بعضاً رنگ و بوی خرافه و اسطوره داشت (نک. کریمخان زند، ۱۳۹۱). اطباء در این رساله‌ها علاوه بر ماهیت وبا (که گه‌گاه با طاعون یکسان تصور می شد) به پیشگیری و راه‌های درمان آن نیز توجه می‌کردند؛ چراکه مسئلهٔ اصلی، نحوهٔ رویارویی عامه مردم با این بیماری و تبعات گستردهٔ آن در سطح جامعه بود.

یکی از این رساله‌ها، کتابچه وبائیه است که در سال ۱۳۱۰ ه.ق منتشر شده است. این رساله -همچنان‌که از نام آن پیداست- جزوه‌ای است مختصر دربارهٔ مرض وبا[1]. مؤلف آن «حاجی میرزا محمودخان دکتر» است (متولد ۱۲۸۳ ق در تهران) که ابتدا در دارالفنون و بعد در پاریس به تحصیل طب و جراحی اشتغال داشت (روستایی، ۱۳۸۲: ۱۸۹-۱۸۸). محمودخان دکتر، فرزند «میرزا عبدالکریم معتمدالحکما» صاحب عناوینی نظیر علم‌الامراض و دستورالعلاج است (مشار، ۱۳٤٤: ٥٤). به جهت شیوع وبا در سال ۱۳۰۹-۱۳۱۰ ه.ق (نک. ناطق، ۱۳۵۸: ۱۹-۱۸؛ فووریه، بی‌تا: ۳۹۳-۳۹۵) بود که این کتابچه به‌فرمان عبدالحسین میرزا فرمانفرما در ربیع‌الاول همان سال کتابت و «مجاناً» در کرمان توزیع شد.

پیشینهٔ پژوهش

هرچند کتابچهٔ وبائیه که موضوع بحث این جستار است تاکنون مورد توجه محققان و مورخان قرار نگرفته، اما پیرامون تاریخچه و پیامدهای وبا در جامعه، کتاب‌ها و مقالاتی منتشر شده است. مرحوم هما ناطق (۱۳۵۸) در کتاب مصیبت وبا و بلای حکومت، تأثیرات اقتصادی و اجتماعی بیماری وبا در عصر قاجار را بررسی کرده است.

لازم به یادآوری ا ست که کتاب یاد شده، مجموعه مقالات ناطق ا ست و در یکی از مقالات آن به بیماری وبا پرداخته شـده. شـهرام کیانی، نخسـتین رسـالۀ وبا و طاعون در عهد قاجار را به قلم محمودمیرزا قاجار (۲۰۲۰) با عنوان ضیاءالمحمود، ت صحیح و منت شر کرده ا ست. مقالاتی نیز درباره وبا و پیامدهای سیا سی و اجتماعی آن در ایران عصـر قاجار، نوشـته شـده که برخی از آنها عبارت اسـت از: مواجهه طبابت عمومی با بیماری‌های وبا و طاعون در ایران دوره قاجار (کریمخان زند، ۱۳۹۱)؛ بررسـی و تحلیل پراکندگی بیماری‌های وبا و طاعون در ایران و تأثیر آنها بر گسـترش بحران‌های اجتماعی ۱۲۱۰_۱۲۶۵ ه.ق (جعفری و فروغی، ۱۳۹٤)؛ وبا و پزشـکینه‌سـازی: عوامل گذار به دولت مدرن مداخله‌جو در دوره قاجار (انصافی و احمدوند، ۱۴۰۰).

نگاهی به محتوای *کتابچۀ وبائیه*

مؤلف پس از حمد باری تعالی، به توصیۀ پیامبر (ص) و ائمۀ اطهار (ع) مبنی بر «حفظ صحت و ممالک و بلدان» اشاره دارد و حفظ صحت را «تکلیف افراد بنی نوع انسان» قلمداد می‌کند. از آنجا که «در این اوان مرض مخوف وبا در اغلب بلاد ایران شایع گشته و موجب هلاکت اشخاص بی شمار می شود» مصنّف این «کتابچه» را ترتیب دیده. نویسـنده، هم توصـیه هایی برای پیشـگیری از ابتلا به و با دارد - که به آن «معالجۀ و قا یه» می‌گو ید- و هم د ستورالعمل‌هایی برای درمان آن؛ به‌نوعی که اگر ک سی « سواد فار سی» و «اندک هوش فطری» دا شته با شد، با مراجعه به این جزوه می‌تواند وبا را درمان کند. ذیل مطلب «بیان تدابیر و شـرایطی که می باید قبل از بروز و با مراعات رفتار نماید» با اسـتناد به نظر «اغلب اطبا حاذق اروپ» وبا، بیماری مسـری دانسـته شـده که از طریق آب سـرایت می‌کند و منشـاء آن «در سـواحل رودخانۀ گانژ[۲] هندوسـتان و بسـیاری از آب‌های راکد ممالک حارّه» و همچنین اجتماعاتی اسـت که به مقولۀ حفظ صـحت اهمیتی نمی‌دهند. برای جلوگیری از ورود وبا به شـهرها باید «اوضاع و ترتیبات قرانتین»[۳] را اجرا کنند و «لباس و ملزومات مسافرین را دود گوگرد دهند و با ادویه ضدعفونی آنها را به‌دقت غیرمسـری و سـالم سـازند». دیگر توصـیۀ مؤلف، «پاک نگاه داشـتن» آب آشـامیدنی، جوشـاندن آن و همچنین کم‌کردن معا شرت‌ها در زمان ظهور این بیماری ا ست. در زمینۀ ش ست‌و شوی لباس‌ها ا شاره دارد که از «محلول اسـید فینیک» اسـتفاده شـود و اگر «رایحه» آن غیرقابل تحمل اسـت از «محلول پرمنگنات دو پطاس» بهره‌ببرند و در غیر این صـورت، از «محلول داراشـکنه (یک مثقال در هزار مثقال آب)» اسـتفاده کنند. مصـنّف،

دستورالعمل‌هایی برای مراقبت از مبتلایان وبا نیز دارد. مثلاً این که در اطراف رختخواب بیمار، آب آهک گذاشته شود و «مدفوع شخص وبائی را یا در خارج شهر زیر خاک کنند و یا در چاه ریزند و روی آن بلافاصله آب آهک یا محلول زاج سبز ریزند». همچنین لازم است که «رختخواب و اسباب چوبی» مبتلایان را بسوزانند و «تا دوازده روز» به اتاق بیمار رفت‌وآمد نشود. نیز غذاها «به‌دقت» پخته و «گرم‌گرم» مصرف شوند و مطلقاً «مطبوخ شب‌مانده صرف نکنند». همچنین لازم است که در هنگام بروز وبا حتی‌الامکان از شهرها دوری شود؛ چراکه در زمان شیوع، «دهات و ییلاقات و دامنه‌های کوه محققاً بر شهر رجحان دارند»، ضمناً «بهترین اوقات برای فرار از وبا شب است». مؤلف با استناد به آراء پاستور «که یکی از علمای دانشمند بزرگ و از اهل مجلس انستیتو» است، استفاده از «دارچینی» را برای پیشگیری از وبا مفید می‌داند. دومین مطلب این رساله «در بیان مختصری از مرض وبا» و «تدابیر و شرایطی» است «که باید در هنگام ابتلای به آن مجری دارند». مؤلف در این قسمت تاکید دارد که مطالب این کتابچه پیرامون «وبای هندی» است و آن را «وباء آندمیکی» می‌داند. در سطرهای بعدی، به‌نوعی مطالب پیشین را تکرار می‌کند اما می‌کوشد با ارجاع به آزمایش‌های «دکتر کخ آلمانی» این مطالب را مستند سازد. به‌زعم نویسنده، وبا یک «میکرب» است که «باسیل‌های»آن در آب جوشیده «چندان خوب نمو نمی‌کنند» اما در آب‌هایی که «مواد آلیه» داشته باشند، سرعت نمو آن افزایش می‌یابد. همچنین «در ده درجه زیر صفر، تا یک ساعت تحمل می‌کنند و بعد هلاک می‌گردند». در بخش مربوط به «علامات» مدت «کمون» این بیماری ۳۶ الی ۵۶ ساعت ذکر شده که با در نظر گرفتن بروز علائم «به سه زمان» تقسیم می‌شود:

۱. اسهال مقدمه‌ای
۲. جمودت و سرد شدن بدن
۳. تعامل و ردّ فصل یا مرمّت

فرد مبتلا در «اسهال مقدمه‌ای» فاقد «قولنج» و «مغص»[۴] است اما «قراقر بطن» دارد. در این مرحله، «تب نیست و اگر باشد، بسیار کم است». همچنین «اشتها تقریبا محفوظ» اما «عدّهٔ اسهال متصل» افزایش می‌یابد. به مبتلا، احساس خستگی دست می‌دهد و «پس از سه الی هفت روز» وبا ظهور می‌کند. در مرحلهٔ دوم، «مدفوعات» افزایش چشمگیری می‌یابند و یک نوع «سیلان و نزولهٔ امعائی» رخ می‌دهد، به‌نوعی که مدفوع «بسیار آبکی و بی‌رنگ» می‌شود و در آن «اجسام سفیدرنگ که آنها را به دانه‌های برنج شبیه نموده‌اند» شناور است. در این زمان

است که عضلات دچار «تشنج» می‌شوند و «قی‌های مائی» و «اضطراب» هویدا می‌گردد. لاغر شدن صورت، فرورفتن چشم‌ها، کشیده شدن بینی، نازکی صدا و رنگ‌پریدگی پوست در این مرحله صورت می‌گیرد. همچنین «حرارت دست‌ها و دهان، ده تا دوازده درجه، پایین‌تر از حالت طبیعی می‌رسد و حال آنکه درجهٔ حرارت اجزاء مرکزی بدن مرتفع می‌شود». این مرحله که در برخی «حالات نادره دو یا سه ساعت طول می‌کشد، [در حالت عادی] از سی ساعت تجاوز نمی‌نماید». در مرحلهٔ سوم، کبودی‌ها رفع شده و حرارت به پوست بازمی‌گردد. درجهٔ حرارت روده کاهش یافته و «ترشح بول» دوباره منظم می‌گردد. ضمناً «صدا باز می‌شود، نبض سرعت پیدا می‌کند و به‌مرور اعمال و افعال مختلفهٔ بدن دوباره منظم شده، شفای کامل پس از چند روز» حاصل می‌شود. البته ممکن است پس از بهبودی نیز «اختلالات اعضاء هضم» و «رخاوت اعصاب» کماکان باقی بماند و همچنین محتمل است که بیمار پس از بهبودی، دوباره به وبا مبتلا شود، چراکه «وبا مثل بعضی امراض از قبیل سرخجه و آبله» در بدن «خودایمنی» ایجاد نمی‌کند.

مؤلف، دوگونه از وبا را برمی‌شمارد که عبارت‌اند از «وبای صاعقه» و «وبای خشک». در گونهٔ اول -که «بسیار نادر است» و «گاهی در هندوستان» مشاهده می‌شود- فرد مبتلا در عرض ٢٤ ساعت بلکه ٦ تا ٨ ساعت می‌میرد. در حالت دوم که «در هنگام اپی‌دمی» ملاحظه می‌شود، مایع مترشح در امعاء وجود دارد اما «بواسطهٔ فلج امعاء به خارج دفع نمی‌گردد». نویسنده سپس به مقولهٔ تشخیص بیماری وبا می‌پردازد و اشاره دارد که مدفوع شخص مبتلاء به وبا «پس از قلیل مدت» به‌شکل «مایع سفید صابونی یا مثل آب برنج» درمی‌آید. اما در اسهال ناشی از خوردن میوه، «موادّ مدفوعه، زرد رنگ»اند. بخش پایانی این کتابچه به روش‌های درمان مرض وبا اختصاص یافته و مصنّف دستورالعمل‌های متعددی را برای علاج وبا ذکر کرده است. برای مثال، توصیه می‌کند که ٢ الی ٤ مثقال اسید لاکتیک در شربت قند حل کرده و چند قطره عطر نعناع به آن اضافه کنند. همچنین مطبوخ پوست گنه‌گنه، مطبوخ پوست گردو و مطبوخ پوست انار، از هرکدام چهار-پنج قهوه‌خوری به‌تدریج بخورند. کلرال هیدراته به‌مقدار پنج تا ده نخود بخورند و در هنگام قی، متصل یخ ببلعند. همچنین لازم است که در هنگام شیوع وبا، در «دواخانه‌های شهر و اگر ممکن است در بعضی خانه‌ها» داروهایی نظیر اسید لاکتیک، نفتالین، خردل، اسید فنیک، پرمنگنات دو پطاس، زاج سبز، آب‌های گازدار و محلول‌هایی نظیر «اسید فنیک یک در هزار» و «پرمنگنات دو پطاس یک در هزار» موجود باشد. در ترقیمه (انجامه) این کتابچه آمده است: «کتبه زین‌العابدین

بن مرحوم محمد شریف قزوینی فی الثامن شهر ربیع‌الاول سنه ۱۳۱۰».

نتیجه‌گیری

کتابچهٔ وبائیه از جمله رساله‌های مهم پیرامون مرض وباست که به‌قلم حاجی میرزا محمودخان دکتر در سال ۱۳۱۰ ه.ق تألیف شده است. توصیه‌هایی برای پیشگیری از ابتلا به وبا، دستورالعمل‌هایی برای درمان این بیماری، نحوه‌های مراقبت از مبتلایان، علامت‌های بیمار در مراحل مختلف بیماری، و تقسیم‌بندی بیماری وبا به دوگونهٔ اصلی صاعقه و خشک از جمله مباحث مهم کتابچهٔ وبائیه است. مطالب این رسالهٔ مختصر، کاملا مستند به یافته‌های جدید علمی در آن روزگار است و جنبه‌ای کاربردی دارد. رسالهٔ فوق‌الذکر به‌نحوی تدوین و تحریر شده که برای عامهٔ مردم قابل استفاده باشد.

یادداشت‌ها

۱. محفوظ در کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی به شمارهٔ ۱۸٤۱۵۲.
۲. رود گنگ (بزرگترین رود شبه‌قاره هند).
۳. قرنطینه.
٤. درد شکم.

منابع

- انصافی، مصطفی؛ احمدوند، شجاع؛ ***«وبا و پزشکینه‌سازی: عوامل گذار به دولت مدرن مداخله‌جو در دوره قاجار»***؛ پژوهش‌نامهٔ علوم سیاسی، س۱٦، ش۲، بهار ۱٤۰۰؛ ۷-٤۲.
- جعفری، علی‌اکبر؛ فروغی، نسرین؛ ***«بررسی و تحلیل پراکندگی بیماری‌های وبا و طاعون در ایران و تأثیر آنها بر گسترش بحران‌های اجتماعی ۱۲۱۰_۱۲۶۵ ه.ق»***؛ تاریخ‌نامهٔ ایران بعد از اسلام، س٦، ش۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹٤؛ ۷۱-۱۰۰.

- روستایی، محسن؛ ***تاریخ طب و طبابت در ایران (از عهد قاجار تا پایان عصر رضاشاه)***؛ ج۲، تهران؛ سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی، ۱۳۸۲.
- فووریه، ژوانس؛ ***سه سال در دربار ایران***؛ ترجمهٔ عباس اقبال آشتیانی؛ به‌کوشش همایون شهیدی، تهران؛ دنیای کتاب، بی‌تا.
- کریم‌خان زند، مصطفی؛ ***«مواجههٔ طبابت بومی با بیماری‌های وبا و طاعون در ایران دورهٔ قاجار»***؛ مجلهٔ تاریخ علم، د۱۰، ش۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۱؛ ۹۳-۱۲۶.
- محمودمیرزا قاجار؛ ***ضیاءالمحمود***؛ به‌کوشش شهرام کیانی، ایران آکادمیا، ۲۰۲۰ میلادی.
- مشار، خانبابا؛ ***مؤلفین کتب چاپی***؛ ج٤، تهران؛ بی‌نا، ١٣٤٤.
- ناطق، هما؛ ***مصیبت وبا و بلای حکومت***؛ تهران؛ گستره، ۱۳۵۸.

مجموعه مقالات علمی نخستین همایش ملّی تحقیق و تصحیح نسخه های خطی ایران
انجمن علمی تحقیق و تصحیح نسخه های خطی ایران کد اختصاصی ISC: ۰۱۲۲۰-۷۶۳۳۳
اخبار و گزارشها | مقالات علمی | مطالعات علمی

ملاحظاتی انتقادی دربارهٔ تصحیح نسخهٔ خطی زبدةالتواریخ

اثر ملاکمال منجم یزدی

یاسر ملازئی[۱]

چکیده

در عصر صفویه (۹۰۷ ـ ۱۱۴۸ ه.ق) الگوها و سنت‌های تاریخ‌نگاری ایرانی، در عین استمرار، دچار دگرگونی شد. در بین انواع متون تاریخ‌نگاری برجای مانده از این دوره، تواریخ عمومی یکی از جنبه‌های پررونق سنت تاریخ‌نگاری صفوی به شمار می‌روند که نمونه‌ای از آن زبدةالتواریخ است. این اثر توسط یکی از اعضای خاندان منجم یزدی، یعنی ملاکمال منجم تألیف شده، حوادث را از ابتدای عالم تا سال ۱۰۸۹ ه.ق در برمی‌گیرد و تاکنون چند مرتبه به مرحلهٔ تصحیح رسیده است. هدف مقالهٔ پیش‌رو، بررسی یکی از نمونه‌های تصحیح شدهٔ این اثر است که غلامرضا مهدوی روانجی، تصحیح آن را برعهده داشته و توسط پژوهشگاه حوزه و دانشگاه منتشر شده است. از آنجا که مبنای اصلی مصحح در تصحیح این اثر، نسخه خطی کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی (شمارهٔ ۹۵۴۴) بوده، مقالهٔ پیش‌رو مي‌کوشد تا مقابله و مقایسه‌اي بین نسخهٔ خطي کتابخانه مجلس با متن تصحیح شدهٔ آن توسط مهدوی راونجی انجام داده و ملاحظاتی انتقادی دربارهٔ تصحیح نسخهٔ خطی آن ارائه نماید. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که آشفتگی و پراکندگی‌هایی در این متن مصحح مشاهده می‌شود که می‌توان آن را در سه قالب: برداشت‌های نادرست مصحح از متن، وجود جاافتادگی در کلمات و جابه‌جایی حروف آن و اشکالات موجود در سالشماری‌ها، دسته‌بندی کرد. از سوی دیگر، به همان اندازه که فرایند تصحیح نسخه‌های خطی در پژوهش‌های تاریخی و ادبی از اهمیت برخوردار است، ضرورتِ اتخاذِ رویکردی انتقادی در تصحیح این نسخه‌ها، نیز وجود دارد.

واژگان کلیدی: نسخهٔ خطی، زبدةالتواریخ، تاریخ‌نگاری صفوی، ملاکمال منجم.

۱ . دانشجوی دکتری گروه تاریخ، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛ ایمیل: yassermollazaei@ut.ac.ir

مقدمه

واکاوی روند تاریخ‌نگاری ایران در دورهٔ صفویه، یکی از عرصه‌های پژوهشی در حوزهٔ مطالعات صفویه‌شناسی است که شناسایی ابعاد گوناگون آن، چه در قالب تحقیقات تک‌نگاری و چه در قالب تحقیقات عمومی‌تر، تاکنون توجه پژوهشگران و محققان متعددی را به خود جلب کرده است (نک به: کویین، ۱۳۸۷؛ صفت‌گل، ۱۳۸۸؛ Melville, ۲۰۱۲). تاریخ‌نگاری ایران در این دوره از دو الگوی تداوم و تحول پیروی کرد؛ به طوری‌که از یک طرف، تعدادی از الگوهای تاریخ‌نویسی که قبل از دورهٔ صفویه در تاریخ‌نگاری ایرانی رایج بود، در این دوره نیز استمرار پیدا کرد و توسط مورخان به کار گرفته شد. از طرفی دیگر، متناسب با وضعیت سیاسی و مذهبی ایران در دورهٔ صفویه، الگوهای جدیدی در تاریخ‌نگاری این دوره رایج و در فعالیت‌های تاریخ‌نویسی مورخان این دوره به کار گرفته شد. حاصل به کارگیری این الگوها همچنین تکاپوهای تألیفی که مورخان عصر صفوی در حوزهٔ تاریخ‌نگاری انجام دادند، تولید حجمی گسترده از متون بود که می‌توان آنان را در دسته‌بندی‌های مختلف و متنوعی قرار داد: از رواج شهرنامه‌نویسی یا تولید تواریخ محلی که تحولات و دگرگونی‌های ناحیه‌ای خاص را بازتاب می‌داد، همچون تذکرهٔ صفویه کرمان یا احیاءالملوک گرفته، تا تنظیم تواریخ سلسله‌ای که دربارهٔ صفویان و پادشاهان آن نوشته می‌شدند. در کنار موارد ذکر شده، یکی دیگر از مُدل‌های تاریخ‌نگاری در این دوره، تولید تواریخ عمومی بود که حوادث تاریخی را از ابتدای عالم تا زمان مؤلف دربرمی‌گرفت. نمونه‌های متعددی از این مدلِ تاریخ‌نویسی در دورهٔ صفویه در دست است که مقالهٔ پیش‌رو، در راستای تحلیل و بررسی یکی از این متون، یعنی زبدةالتواریخ اثر ملاکمال منجم یزدی، سامان یافته است. بررسی این اثر همچون دیگر متون تاریخی، از ابعاد و زوایای گوناگونی امکان‌پذیر است و هدف اصلی این پژوهش، تنها توجه به یکی از این ابعاد و زوایای پژوهشی این اثر، یعنی مقابله و مقایسهٔ نسخه خطی با متن تصحیح شدهٔ آن است. سؤال اصلی این پژوهش بر این مبنا قرار دارد که در نتیجهٔ مقابله و مقایسهٔ متن مصحَّح کتاب زبدةالتواریخ از غلامرضا مهدوی روانجی، چه ملاحظاتی قابلیت ارزیابی دارند؟ به عبارتی دیگر، روند تصحیح این متن توسط مصحح بر مبنای نسخه اصلی آن (یعنی نسخه خطی موجود در کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی به شماره ۹۵٤٤) چگونه بوده است؟ برای پاسخ بدین سؤال و تبیین منسجم‌تر بحث، در ابتدا اثر زبدةالتواریخ و ویژگی‌های آن شامل نام مؤلف و فعالیت‌های او، موضوع کتاب، برخی از نسخه‌های موجود و همچنین نمونه‌های

تصحیح شدهٔ این اثر، معرفی شده و سپس ملاحظاتی انتقادی دربارهٔ نحوهٔ تصحیح نسخهٔ خطی این متن، ارائه می‌شود.

دربارهٔ پیشینهٔ این پژوهش نیز باید ذکر کرد که تاکنون پژوهشی که نسخهٔ خطی زبدة‌التواریخ را با متن تصحیح شدهٔ آن، مقابله و مقایسه کند، صورت نگرفته و پژوهش‌های اندک‌شمار دربارهٔ این اثر، به مقالاتی محدود می‌شود که بر سبک تاریخ‌نگاری خاندان منجم، تمرکز داشته‌اند. از جملهٔ این آثار می‌توان به مقالهٔ علی‌اصغر مصدق (۱۳۷۹) با عنوان «خاندان منجم یزدی و تاریخ‌نگاری دورهٔ صفوی» و همچنین مقالهٔ «تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری خاندان منجم یزدی» از انوش و همکاران (۱۳۹۸) اشاره کرد.

ملاکمال منجم و معرفی اثر *زبدة‌التواریخ*

کمال بن جلال منجم یزدی به عنوان دومین نسل از خاندان منجم یزدی در دربار صفویان شناخته می‌شود (مصدق، ۱۳۷۹: ۵؛ انوش و دیگران، ۱۳۹۵: ۹۳). متأسفانه دربارهٔ سال تولد او اطلاعات چندانی در دست نیست، اما مسلّم است که وی پسر ملاجلال، منجم بزرگ دربار شاه عباس اول صفوی و معاصر سه تن از شاهان صفوی یعنی شاه عباس اول، شاه صفی و شاه عباس دوم، بوده است. شغل اصلی او همچون پدرش، جایگاه منجمی در دربار بود؛ با این حال، برخی معتقدند که وی هیچ‌گاه نتوانست جایگاهی مهم و والایی همانند پدرش، در دربار کسب کند (نک به: مقدمهٔ زبدة‌التواریخ از شعله کویین، ۱۳۹۸: ۳۸). در کنار فعالیت‌هایی که ملاکمال در حوزهٔ نجوم و تنجیم درباری انجام داد (نسخه خطی زبدة‌التواریخ، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۹۵٤٤، برگ ۱۰۹ب)، در دورهٔ شاه عباس دوم به تاریخ‌نویسی روی آورد و کتاب زبدة‌التواریخ را تألیف کرد. این اثر در دسته‌بندی‌های موضوعیِ متون تاریخ‌نگاری، جزو تواریخ عمومی به شمار می‌رود؛ زیرا از نظر بازهٔ زمانی، حوادث از ابتدای عالم و هبوط آدم (ع) آغاز شده و براساس نسخه خطی کتابخانه مجلس تا سال ۱۰۸۹ ه.ق ،یعنی دوره شاه سلیمان صفوی را دربرمی‌گیرد.

توضیحات و توصیفات ملاکمال منجم در زبدة‌التواریخ را می‌توان از منظر بازه‌های زمانی در سه دورهٔ: حوادث قبل از اسلام، حوادث از تولد پیامبر (ص) تا ابتدای صفویان و حوادث مربوط به دورهٔ صفویان دسته‌بندی کرد. در

قسمت حوادث قبل از اسلام که کمترین حجم را در بین دو قسمت دیگر شامل می‌شود، توصیفات ملاکمال منجم از نظر موضوعی، ناظر بر ذکر نام پیامبران و پادشاهان معاصر با آنان بوده که ذیل هر کدام، به معرفی پیامبران و پادشاهان پرداخته، همچنین به مهمترین حوادث زمانهٔ آنان اشاره کرده است. در قسمت بعد، یعنی حوادثی که از تولد پیامبر (ص) تا ابتدای دورهٔ صفویه را شامل می‌شود، ملاکمال منجم با تشریح و توصیف بیشتری نسبت به دورهٔ قبل از اسلام، به ذکر دولت‌هایی که بر ایران حکومت می‌کردند، اشاره کرده است. همچنین این قسمت از دو ویژگی دیگر برخوردار است؛ اول اینکه: ملاکمال در کنار ذکر حکومت‌های ایرانی، به شرح دولت‌های مجاور ایران نیز همچون عثمانیان و ازبکان توجه داشته (نک: نسخه خطی، برگ ۳۹ الف ـ برگ ٤٤ الف). دوم، توجه به ذکر ولادت امامان و حوادث زمانهٔ هر کدام از ائمه در اثر تألیفی ملاکمال از اهمیت برخودار بوده است. قسمت سوم که بحث اصلی ملاکمال منجم را شکل داده، حوادث دوران صفویه از زمان ریشه‌های شکل‌گیری آن تا سال ۱۰۸۹ ه.ق را دربرمی‌گیرد. الگوی اصلی ملاکمال در شرح و تفصیل مباحث این قسمت، توصیف حوادث بر مبنای سلطنت پادشاهان صفوی بوده و ذیل هر کدام بر مبنای سالشماری، به ذکر مهمترین حوادث سیاسی و نظامی در زمانهٔ هر پادشاه پرداخته است. وی در توصیف حوادث هر پادشاه صفوی در مقایسه با دو دورهٔ قبل (قبل از اسلام و از تولد پیامبر(ص) تا ابتدای صفویه) با تفصیل بیشتر اما گاه با اختصار اشاره کرده است. نمودار زیر میزان توصیفات ملاکمال را از سه دورهٔ ذکر شده بر مبنای تعداد برگ نشان می‌دهد (نمودار شمارهٔ ۱).

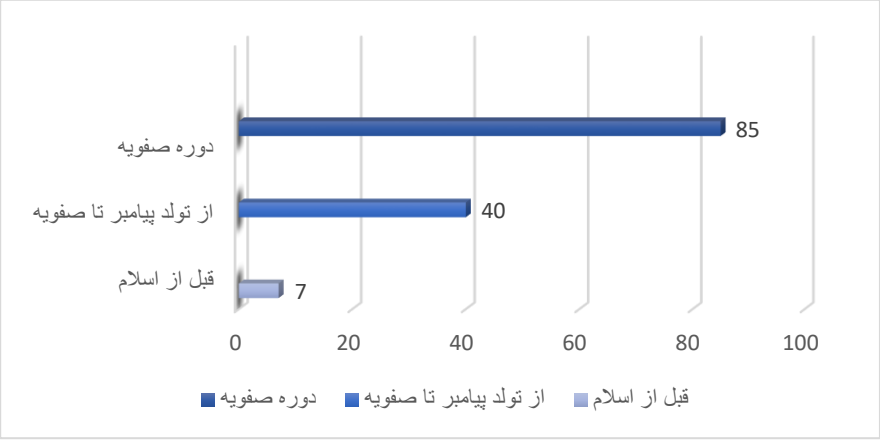

نمودار شمارهٔ ۱ ـ بسامد توصیفات مولف از سه دورهٔ زمانی بر مبنای تعداد برگ در نسخه خطی مجلس

زبدةالتواریخ از جمله آثاری است که خوشبختانه امروزه از آن نسخه‌های خطی متعددی در دست است که نمونه‌هایی از آن در جدول زیر معرفی شده است (جدول شمارهٔ ۱):

جدول شمارهٔ ۱ ـ لیست برخی از نسخه‌های خطی *زبدةالتواریخ*

ردیف	محل نگهداری	شماره نسخه
۱	کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ـ تهران	٦٥٠٨
۲	کتابخانه دانشکدهٔ حقوق، دانشگاه تهران ـ تهران	٥٤ ج
۳	کتابخانه مجلس شورای اسلامی ـ تهران	١٤١٣٥
٤	کتابخانه مجلس شورای اسلامی ـ تهران	٩٥٤٤
٥	کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی ـ قم	٢٣/١٨٤
٦	کتابخانهٔ آستان قدس ـ مشهد	٩٥٩٦
٧	مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی ـ تهران	٢٤٥/١

وجود نسخه‌های خطی متعدد از کتاب زبدةالتواریخ از یک طرف و ارائهٔ داده‌های تاریخی باارزش در این کتاب دربارهٔ حوادث تاریخ ایران در دورهٔ صفویه و قبل از آن، زمینه‌ای برای توجه پژوهشگران به تصحیح این اثر را فراهم کرده است. تاکنون دو نمونه از این اثر تصحیح شده و در دست است. رفعت خامه‌یار، زبدةالتواریخ را با عنوان «تاریخ مختصر: زبدةالتواریخ » در سال ۱۳۹۸ تصحیح و انتشارات تمدن علمی آن را منتشر کرده‌است. مبنای مصحح برای تصحیح این اثر، براساس چهار نسخه (دو نسخه موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی و دو نسخه موجود در کتابخانهٔ ملک) بوده است. همچنین در تابستان سال ۱۳۹۷، غلامرضا مهدوی روانجی این اثر را تصحیح و با مقدمه‌ای از شعله کویین دربارهٔ تاریخ‌نگاری دورهٔ صفوی، در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه منتشر کرد. این اثر در زمستان سال ۱۳۹۸ تجدید چاپ گردید. مصحح برای تصحیح این متن از سه نسخهٔ موجود در مجلس شورای

اسلامی (شمارۀ ۹۵٤٤)، کتابخانۀ دانشکده حقوق دانشگاه تهران (شماره ٥٤ ج) و کتابخانۀ آستان قدس (شمارۀ ۹۵۹٦) استفاده کرده است. در بین سه نسخه ذکر شده، اساس، نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی بوده (نک به توضیحات مصحح: ۸٦) و از دو نسخۀ دیگر، در مواردی جزئی استفاده شده است. کاتب نسخۀ خطی کتابخانه مجلس، ابوالمهدی بن سلیمان حسینی نعمت‌اللهی بوده که در سال ۱۰۸۹ ه.ق آن را کتابت کرده است[۲]. هدف اصلی این تحقیق، واکاوی روند تصحیح مهدوی روانجی از زبدةالتواریخ است. از آنجا که مبنای اصلی این تصحیح نسخه مجلس بوده، این تحقیق نیز بر پایۀ همین نسخه سامان یافته است. ملاحظات موجود در تصحیح این نسخه خطی را می‌توان در سه بحث: برداشت‌های نادرست مصحح از متن نسخه خطی، جاافتادگی‌ها و حذفیات در متن تصحیح شده و اشکالات موجود در سالشماری‌ها دسته‌بندی کرد.

۱. برداشت‌های نادرست مصحح از متن نسخه

اولین ملاحظه‌ای که می‌توان برای نحوۀ تصحیح مهدوی روانجی از زبدةالتواریخ مطرح کرد، مربوط به برداشت‌های نادرست ایشان از برخی صفحات و کلمات موجود در متن است. این برداشت‌های نادرست، چگونگی فهم جمله را برای خواننده دچار اشکال می‌کند. برای نمونه مصحح در ابتدای آغاز احوال قراقویونلوها، اذعان کرده که نسخۀ خطی مجلس، صفحات ۸۷ و ۸۸ را ندارد (نک به تصحیح، قسمت پاورقی: ١٦٨) اما مراجعه به نسخه خطی نشان می‌دهد که این دو صفحه در نسخۀ خطی مجلس موجود هستند (نک به نسخه خطی، برگ ٤٤ ب و ٤٥ الف). علاوه بر این ادعای نادرست، مصحح در دو صفحۀ ذکر شده، دو کلمه را نادرست تصحیح نموده؛ به گونه‌ای که با مفهوم متن همخوانی ندارد. به نظر می‌رسد مصحح به دلیل شباهت نوشتاری، دچار خطا و اشتباه شده و معادل‌های دیگری را به کار برده که با مفهوم جمله در نسخۀ خطی همخوانی ندارد. یکی از این موارد عبارت « یورش سه ساله » است (نک نسخه خطی، برگ ٤٤ ب) که به یکی از یورش‌های معروف تیمور گورکانی به ایران اشاره دارد؛ اما مصحح در تصحیح، آن را به صورت «پسرش سه ساله» ضبط کرده است (نک به تصحیح، ص ١٦٨). همچنین در قسمتی دیگر، ملاکمال منجم به زندانی شدن سلطان احمد جلایر و قرایوسف قراقویونلو در مصر اشاره

[۲] . نک به مشخصات کامل نسخه در سایت کتابخانۀ مجلس به آدرس:
https://dlib.ical.ir/faces/search/bibliographic/biblioFullView.jspx?_afPfm=-١٤als٦٠gjh

کرده و در نسخه خطی برای آن اصطلاح «محبس» (نک به نسخه خطی، برگ ٤٥ الف) یا زندانی شدن را به کار برده، اما مصحح این واژه را به صورت «مجلس» ضبط کرده است (نک به تصحیح، ص ١٦٩). استفاده از این دو واژه، نه تنها کاملاً برخلاف نسخه خطی است، بلکه در فهم جملات ابهام ایجاد می‌کند. علاوه بر مورد ذکر شده، مصحح در حوادث مربوط به دورهٔ صفویان بار دیگر اذعان کرده، صفحات ١٢١ و ١٢٢ در نسخه خطی موجود نیست (نک به تصحیح، قسمت پاورقی، ص ١٩٥) اما مراجعه به نسخهٔ خطی مجلس نشان می‌دهد که این دو صفحه در نسخه خطی موجود است (نک: نسخه خطی، برگ ٦١ ب و ٦٢ الف). علاوه بر برداشت‌های نادرست مصحح در باب موجود نبودن چند برگ در نسخه خطی مجلس، برداشت‌های متفاوت از برخی کلمات نیز منجر به لطمه‌خوردن به عبارات موجود در متن شده است. برای نمونه، زمانی که ملاکمال منجم به زلزلهٔ خراسان و زاوه اشاره می‌کند (نک به نسخه خطی، برگ ٩٧ الف)، متن به صورت زیر تصحیح شده: « خبر رسید که دروازه و محولات و خراسان زلزله شد» (نک به تصحیح: ٢٥٣). این امر منجر به ایجاد این تصور برای خواننده می‌شود که اصطلاح مستقل «دروازه»، نام یک مکان است؛ در حالی که نام این منطقه، زاوه است. از نمونه‌های دیگری که حاکی از برداشت‌های اشتباه مصحح بوده می‌توان به تکرار نادرست نام «اوزبک‌خان» اشاره کرد که در نسخهٔ خطی به همین صورت آمده (نک به نسخه خطی، برگ ٢٥ب) اما در تصحیح به صورت «آونگ‌خان» ضبط شده است (نک به تصحیح: ١٣٦)؛ با این حال اگر تعبیر اوزبک‌خان از نظر مصحح به اشتباه در نسخه خطی مجلس ضبط شده، این مورد دست‌کم می‌بایست در پاورقی توضیح داده می‌شد. نمونهٔ دیگر از برداشت‌های نادرست مصحح، نام بهرام بن اشک است (نک به نسخه خطی، برگ ٦ الف) که در تصحیح به صورت اشک بن اشک ضبط شده است (نک به تصحیح: ١٠٠).

جدول شمارهٔ ٢ ـ مقابله و مقایسهٔ چند نمونه از برداشت‌های نادرست مصحح از متن نسخهٔ خطی

در نسخهٔ خطی	در متن تصحیح شده
امیر تیمور در زمانی که یورش سه‌ساله نموده	امیر تیمور در زمانی که پسرش سه ساله نموده
باز مجتمع گشتند و در محبس با یکدیگر شرط کردند	باز مجتمع گشتند و در مجلس با یکدیگر شرط کردند

خبر رسید که در زاوه و محولات و خراسان زلزله شد	خبر رسید که دروازه و محولات و خراسان زلزله شد
بر سر اوزبک‌خان آمد و بعد از جنگ اوزبک‌خان کشته شد	بر سر آونگ‌خان آمد و بعد از جنگ آونگ‌خان کشته شد
بدین ترتیب: اشک‌بن‌اشکان و شاپوربن‌اشک و بهرام‌بن‌اشک	بدین ترتیب: اشک‌بن‌اشکان و شاپوربن‌اشک و اشک‌بن‌اشک

۲. جاافتادگی و حذفیات کلمات و عبارات در تصحیح

علاوه بر برداشت‌های نادرست مصحح از برخی کلمات و جملات در نسخهٔ خطی و اعمال آن اشتباهات در متن تصحیح شده، ملاحظهٔ دیگر مربوط به وجود جاافتادگی و حذفیات برخی کلمات و یا جابه‌جایی حروف موجود در آن است. جاافتادگی‌ها و جابه‌جایی‌هایی که بر خلاف آنچه که در نسخه هست، در متن تصحیح شده اعمال شده، بدون اینکه مصحح توضیحی دربارهٔ آن در پاورقی ارائه دهد. برای نمونه، در نسخهٔ خطی مجلس، زمانی که ملاکمال منجم فرزندان تیمور را بر می‌شمارد، نام کامل یکی از پسران تیمور توسط کاتب به صورت «پیرمحمد میرزا سعد وقاص بن میرزا جهانگیر» ضبط شده (نک به نسخه خطی، برگ ۳٤ الف) اما در تصحیح، این نام با حذف میرزا سعد وقاص به صورت «پیرمحمد بن میرزا جهانگیر» نوشته شده است (نک به تصحیح، ص ۱۵۰)؛ مصحح دربارهٔ این تغییر اعمال شده در متن تصحیحی، توضیحی در پاورقی ارائه نداده است. در جای دیگر، زمانی که ملاکمال به ذکر پادشاهی چنگیزخان می‌پردازد، به دوستیِ پدر چنگیزخان با شخصی به نام آونگ‌خان اشاره دارد (نک به نسخه خطی، برگ ۲۵ ب) اما مصحح این نام را تنها به صورت «خان» آورده و آونگ را از آن حذف کرده است (نک به تصحیح: ۱۳۵). همچنین در جای دیگر، مصحح با ایجاد جاافتادگی کلمه در تصحیح بر روند آن جمله تأثیر گذاشته است: آنجای که ملاکمال منجم به ولادت امام حسن (ع) می‌پردازد، اشاره می‌کند که امام به مدت ده سال بر سر قبر جدّشان معتکف شدند (نک به نسخه خطی، برگ ۱۱ ب) اما مصحح «ده سال» را اضافه نکرده است (نک به تصحیح: ۱۱۱). همچنین در قسمت مربوط به صفویان، در زمان حوادث سال ۱۰۲٤ ه.ق، مصحح واژه «نوروز» را

که در نسخه به همین صورت آمده (نک به نسخه خطی، برگ ۹٤ ب) به صورت «نوروزز» ضبط کرده است (نک به تصحیح، ص ۲۵۰). در جای دیگر، در نسخه خطی هنگام آغاز بحث پادشاهان صفوی و نسب آنان، عبارت «نسب عالی این پادشاهان به حضرت امام موسی کاظم (ع) منتهی می‌شود» (نک به نسخه خطی، برگ ٤۹ الف) استفاده شده اما مصحح آن را به گونه‌ای تصحیح کرده که منظور از این عبارت نه مجموعهٔ پادشاهان صفوی بلکه منظور تنها شاه اسماعیل اول است. در متن تصحیحی، چنین آمده است: «نسب عالی این پادشاه به حضرت امام موسی کاظم (ع) منتهی می‌شود» (نک به تصحیح: ۱۷۵). در جای دیگر از نسخه خطی، در سال ۹۸۰ ه.ق زمانی که به دستور شاه اسماعیل دوم مبنی بر قتل شاه‌قلی از فعل «فرمود» استفاده شده: « فی سنهٔ ۹۸۰ شاه اسماعیل حکم فرمود که شاه قلی ... » (نک به نسخه خطی، برگ ۷٤ الف) اما مصحح این فعل را به صورت جمع- برای برای احترام به فاعل جمله- آن را به صورتِ "فرمودند" آورده است « فی سنهٔ ۹۸۰ شاه اسماعیل حکم فرمودند که شاه قلی ... » (نک به تصحیح: ۲۱۷)؛ در چنین شرایطی فعل، باید یا بر مبنای نسخهٔ خطی تصحیح شود یا اگر کاتبِ نسخه آن را اشتباه ثبت کرده، مصحح می‌بایست در پاورقی توضیح و اشاره‌ای بدان داشته باشد. همچنین در موردی دیگر، زمانی که ملاکمال منجم، ذیل وقایع سال ۱۰٤۲ ه.ق به تکاپوهای نظامی شاه صفی در شمال غرب ایران اشاره دارد، بر اساس نسخهٔ خطی از عبارت «... داخل تبریز شدند و نقب‌ها و سیبه‌ها قریب به قلعه رسیده بود» (نک به نسخه خطی، برگ ۱۱۰ب) اما در تصحیح مصحح، واژه نقب‌ها حذف شده است (نک به تصحیح: ۲۷۸). نمونه‌های دیگری از این نوع حذفیات، جاافتادگی‌ها و همچنین جابه‌جایی حروف موجود در کلمات به طور پراکنده در قسمت‌های دیگر متن وجود دارد که با نسخه همخوانی ندارد. برای نمونه، در قسمت ذکر سلاطین سلجوقیان روم، دو بار پشت سرهم از واژه «نزاع» استفاده شده است. « ... این موجب نزاع نزاع برادران شد ... » (نک به نسخه خطی، برگ ۳۸ ب) و مصحح، نزاع تکراری را حذف کرده است و به صورت « این موجب نزاع برادران شد » (نک به تصحیح، ص ۱۵۹)؛ در مجموع در چنین شرایطی، یا مصحح باید آنچه که در نسخه آمده را در تصحیح می‌آورد یا اینکه اگر توصیفات کاتب را اشتباه و خطا می‌دانند، دست‌کم در قسمت پاورقی توضیحاتی دربارهٔ آن ارائه داده می‌داد. البته مصحح در برخی مواقع توضیحات داده است.

جدول شمارهٔ ۳ ـ مقابله و مقایسهٔ چند نمونه از جاافتادگی‌ها، جابه‌جایی‌ها و حذفیات کلمات

در نسخهٔ خطی	در متن تصحیح شده
میرزا شاهرخ که ذکر او گذشت، پیرمحمد میرزا سعد وقاص بن میرزا جهانگیر که صاحبقران او را ولیعهد کرده بود	میرزا شاهرخ که ذکر او گذشت، پیرمحمد بن میرزا جهانگیر که صاحبقران او را ولیعهد کرده بود
بنابر قرب جوار و دوستی که پدرش با آونگ‌خان داشت	بنابر قرب جوار و دوستی که پدرش با خان داشت
بر سر قبر جدّ بزرگوارش معتکف بود و ده سال در آنجا به عبادت مشغول بود	بر سر قبر جدّ بزرگوارش معتکف شد و در آنجا به عبادت مشغول بود
و در شیخ زاهد نوروز کردند	و در شیخ زاهد نوروزرز کردند
نسب عالی این پادشاهان به حضرت امام موسی کاظم (ع) منتهی می‌شود	نسب عالی این پادشاه به حضرت امام موسی کاظم (ع) منتهی می‌شود
فی سنهٔ ۹۸۰ شاه اسماعیل حکم فرمود که شاه قلی	فی سنهٔ ۹۸۰ شاه اسماعیل حکم فرمودند که شاه قلی
داخل تبریز شدند و نقب‌ها و سیبه‌ها قریب به قلعه رسیده بود	داخل تبریز شدند و سیبه‌ها قریب به قلعه رسیده بود
این موجب نزاع برادران شد	این موجب نزاع برادران شد

۳. اشکالات موجود در سالشماری‌ها

ملاکمال منجم در تألیف زبدةالتواریخ برای ذکر وقایع و حوادث قبل از دورهٔ صفویه، از مبنای سالشمار به طور

مرتب استفاده نکرده و عمدتاً برای شرح وقایع آن دوره‌ها، مبنا را ذکر دولت‌ها و حکومت‌ها قرار داده است؛ اما با آغاز بحث دورهٔ صفویه این الگو را تغییر داده و در سطحی عمومی، حوادث را بر مبنای سلطنت هر پادشاه و سپس در سطحی جزئی، حوادث دورهٔ هر پادشاه را بر مبنای سالشمار ذکر کرده است. مقابله و مقایسهٔ نسخه خطی مجلس با متن مصحح، حاکی از آن است که مصحِّح در ضبط برخی از سالشماری دچار خطا و اشتباه شده و بین آنچه در نسخه خطی مجلس آمده و متن مصحّح مطابقتی نیست. برای نمونه، زمانی که ملاکمال منجم سال ورود صفدرخان ایلچی هند به دربار شاه صفی را ذکر می‌کند، در نسخه خطی به سال ۱۰۴۷ ه.ق اشاره شده (نک به نسخه خطی، برگ ۱۱۵ ب) اما مصحح این سال را به صورت ۰۴۷۱ ضبط کرده است (نک به تصحیح: ۲۸۸). به نظر می‌رسد که مصحح در ضبط این سال، با خطای جابه‌جایی اعداد مواجه شده است. همچنین در قسمتی دیگر از حوادث زمانهٔ شاه صفی، در ضبط دو سال دچار خطا و اشتباه شده به طوری که سال‌های ذکر شده توسط مصحح نه با سالشماری حوادث مطابق می‌باشد و نه با آنچه که در نسخه خطی قید شده است. مصحح در ذکر رفتن شاه صفی از قزوین به ابهر، سال ۱۰۴۹ را قید کرده است (نک به تصحیح: ۲۸۲) اما مراجعه به نسخه خطی نشان می‌دهد که این سال، ۱۰۴۵ ه.ق است (نک به نسخه خطی، برگ ۱۱۲ ب). همچنین مصحح در تصحیح سال بعد از آن نیز این اشتباه را تکرار کرده‌اند. ایشان هنگامی که سفر شاه صفی به اردبیل را گزارش می‌دهند، آن را همچنان سال ۱۰۴۹ ه.ق ضبط کرده‌اند (نک به تصحیح: ۲۸۶) اما در نسخه خطی این سال به صورت ۱۰۴۶ ه.ق آمده است (نک به نسخه خطی، برگ ۱۱۴ ب). همچنین در جایی دیگر، سالی که در نسخه ۹۳۸ ه.ق آمده (نک به نسخه خطی، برگ ۵۸ الف) را به صورت ۹/۹ ضبط کرده است (نک به تصحیح: ۱۹۰).

جدول شمارهٔ ٤ ـ مقابله و مقایسهٔ چند نمونه از سالشماری‌های موجود در نسخهٔ خطی با متن تصحیح شده

در نسخهٔ خطی	در متن تصحیح شده
فی سنهٔ ۱۰٤۷ صفدرخان ایلچی هند به پابوس رخصت مشرف شد	فی سنهٔ ۰٤۷۱ صفدرخان ایلچی هند به پابوس رخصت مشرف شد

و فی سنهٔ ۱۰٤٥ در چهارشنبه ۱۲ محرم از قزوین کوچ فرموده	و فی سنهٔ ۱۰٤۹ در چهارشنبه ۱۲ محرم از قزوین کوچ فرموده
و فی سنهٔ ۱۰٤٦ در اردبیل به زیارت حضرات و دیدن سان ...	و فی سنهٔ ۱۰٤۹ در اردبیل به زیارت حضرات و دیدن سان ...
و فی سنهٔ ۹۳۸ شاه عالم پناه به هرات رفته	و فی سنهٔ ۹/۹ شاه عالم پناه به هرات رفته

نتیجه‌گیری

کتاب زبدةالتواریخ از جمله تواریخ عمومی برجای مانده از دورهٔ صفویه است که به تألیف ملاکمال منجم یزدی، دومین نسل از خاندان منجم یزدی بعد از پدرش ملاجلال منجم، سامان یافته است. ملاکمال منجم این اثر را در دورهٔ شاه عباس دوم صفوی تألیف کرد و اکنون نسخه‌های خطی متعددی از آن در اختیار صفوی‌پژوهان قرار دارد که در مراکز مختلف علمی و دانشگاهی نگهداری می‌شوند. همین موضوع زمینه‌ای را فراهم کرد که برخی از محققان دست به تصحیح این متن بزنند. یکی از این نمونه‌ها از غلامرضا مهدوی روانجی است که پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، آن را منتشر کرده است. پژوهش پیش‌رو کوشید تا با رویکردی انتقادی، مقابله و مقایسه‌ای بین این متن تصحیح شده با نسخهٔ مبنای آن یعنی نسخه خطی موجود در کتابخانه مجلس (با شماره ۹٥٤٤) انجام دهد؛ که حاصل این مقابله و مقایسه، یافتن برخی ابهامات و آشفتگی‌ها در روند تصحیح این متن مصحّح بوده است. یکی از این آشفتگی‌ها، به برداشت‌های نادرست مصحح دربارهٔ برخی کلمات، عبارات و صفحات نسخه خطی مربوط می‌شود: از ادعاهای نادرست مصحح مبنی بر نبود چهار صفحه از نسخه خطی گرفته تا اعمال برخی کلمات در جملات که نه تنها با نسخه همخوانی ندارد، بلکه روند فهم جمله را تحت تأثیر قرار می‌دهد. علاوه بر این موارد، اعمال حذفیات و وجود جاافتادگی‌ها دربارهٔ برخی کلمات و حروف موجود در قسمت‌های مختلف تصحیح مشاهده می‌شود که حتی در صورت عدم اعمال آنان در متن، نیاز به ذکر توضیحاتی در پاورقی در باب آنها هست. آشفتگی سوم که در متن تصحیح شده مشاهده می‌شود، مربوط به برخی از سالشماری‌هاست که مصحح در تنظیم برخی از

آنها، خلاف سال موجود در نسخه خطی را ثبت کرده یا در تصحیح سال، با مشکل جابه‌جایی و جاافتادگی اعداد مواجه شده‌اند. در مجموع، وجود ابهامات در برخی از متون تاریخی تصحیح شده، این موضوع اساسی را مطرح می‌سازد که به اندازه اهمیت تصحیح نسخه‌های خطی در فرآیند تحقیقات و پژوهش‌های تاریخی و ادبی، ضرورت اتخاذِ رویکردی انتقادی به مقابله و مقایسه بین نسخه خطی و متن تصحیح شده، وجود دارد.

منابع و مآخذ

ـ منجم یزدی، ملاکمال (۱۳۹۸)، زبدةالتواریخ، مصحح غلامرضا مهدوی راونجی، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

ـ منجم یزدی، ملاکمال، زبدةالتواریخ، کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی، نسخهٔ خطی شماره ۹۵٤٤.

ـ انوش و دیگران (۱۳۹۸)، «تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری خاندان منجم یزدی»، مجله پژوهش‌های تاریخ ایران و اسلام، سال ۲٦، شماره ۱۸، ص ۸۹ ـ ۱۱۰.

ـ مصدق، علی‌اصغر (۱۳۷۹)، «خاندان منجم یزدی و تاریخ‌نگاری دورهٔ صفوی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۳۷ و ۳۸، ص ٤ ـ ۷.

ـ صفت‌گل، منصور (۱۳۸۸)، «تاریخ‌نویسی در ایران عصر صفوی (۱۱٤۸ ـ ۱۰۳۸ ه.ق)؛ مراحل و گونه‌شناسی»، پژوهش‌های علوم تاریخی، سال ۱، شماره ۱، ص ٦٥ ـ ۸٤

ـ کویین، شعله (۱۳۸۷)، تاریخ‌نویسی در روزگار فرمانروایی شاه عباس اول صفوی: اندیشه، گرته‌برداری و مشروعیت در متون تاریخی عهد صفویه، ترجمه: منصور صفت‌گل، تهران: دانشگاه تهران

رساله در وصف اعضاء یا انتخابی از چهل‌ناموس؟

محمود عالی‌پور[۱]

چکیده

در یادداشت پیشِ رو ضمن اشاره به اطّلاعات نادرست و غیردقیق فهرست‌های نُسَخ خطی دربارهٔ نسخه‌های موجود در کتابخانه‌ها و تأثیر آن بر گمراهی و اشتباه مصحّحان، به معرّفی و بررسی متنی پرداخته‌می‌شود که در برخی از منابع نسخه‌شناسی با عنوان «رساله در وصف اعضاء از سر تا ساق» ثبت شده‌است. این نوشتار با مطالعه و بررسی رسالهٔ مزبور به این نکته اشاره دارد که دستنویس یادشده، آنچنان که فهرست‌نگاران گفته‌اند، رساله‌ای مستقل در باب سراپا یا وصف اعضاء نیست؛ بلکه در واقع خلاصه و گزیده‌ای از کتاب «جزئیّات و کلیّات» یا «چهل ناموس» ضیاء نخشبی است که در قرن نهم گزینش شده‌است. نگارندهٔ این مقاله با سنجش متن اصلی و متن گزیده، به وجوه اختلاف و تشابه آن‌ها پرداخته و از این رهگذر خوانندگان محترم را به برخی از نکته‌های نسخه‌شناسی توجّه داده‌است.

واژگان کلیدی: فهرست‌نویسی، گزینش و انتخاب، چهل‌ناموس، سراپا، وصف اعضاء.

۱. مقدّمه

وجود نسخه‌های خطّی بی‌شمار و پراکنده در سراسر جهان، ابزار و امکاناتی را می‌طلبد تا دستیابی مصحّحان را به این دستنویس‌ها آسان‌کند. ابزارهایی که تحتِ عنوان «فهرست نُسَخ خطّی» از آن‌ها یادمی‌شود. همهٔ نسخه‌پژوهان به این نکته اذعان‌دارند که از نخستین مراحل تصحیح یک متن، نسخه‌جویی و شناخت رونوشت‌های مختلف از یک متن است که این امر ممکن‌نمی‌شود، مگر با مطالعه و جستجو در فهرست‌های نسخ خطی که امروزه

۱ . دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه اصفهان. ایمیل: mahmoud.aalipour@yahoo.com

به دو شکل چاپی و دیجیتال وجوددارد. حال که تنها راه پیش روی پژوهندگان، رجوع به این فهارس است، فهرست-نگاران باید با به کار بردن روش‌های علمی دقیق و کم‌خطا، این راه سخت را بر دیگران هموارکنند و اطلاعات درستی را در اختیار مصحّحین و دانشوران این عرصه قراردهند.

البته عوامل گوناگونی موجب‌می‌شود که علی‌رغم زحمت‌های فراوان فهرست‌نویسان، خطاهای فاحش بی-شماری به فهرست‌ها وارد و در نتیجه موجب گمراهی و اشتباه محقّقان شود. به نظر نجیب مایل هروی، بیش‌ترین لغزشی که به دست نگارندگان فهرست‌ها به وجود می‌آید، برخاسته از بی‌توجّهی به کتاب‌شناسی نُسَخ و بسندگی آنان به ارائهٔ نسخه‌شناسی توصیفی است. از دیدگاه او بیشینهٔ آثار موجود در حوزهٔ نسخه‌شناسی از صحّت انتساب نسخه‌ها به نگارندگانشان به‌درستی یادنکرده و بنای کار خود را تنها بر مطالعهٔ سطحی و گذرای دیباچه‌ها، مقدّمات، ظهریّه‌ها، ترقیمه‌ها و نیز تورّقِ گذرای برخی صفحات یک اثر نهاده‌اند و این موضوع موجب شده تا نسبت‌های نادرست کتاب‌شناسی به فهارس ورود پیدا کند(ر.ک: مایل هروی،۱۳۹۵: ۳٤۷). این خطاها دربارهٔ نام مؤلّف و کاتب، محلّ کتابت، عنوان، محتوای دستنویس، زمان تألیف یا کتابت و مسائلی از این دست رخ‌می‌دهد که هر یک در روند تصحیح یک اثر، بسیار مهم و تأثیرگذارند.

انگیزه‌ای که موجب نگارش این مقاله شد، برخورد نویسندهٔ این مقاله با اغلاطی از این دست بود که دربارهٔ دستنویسی با عنوان «رساله در وصف اعضاء از سر تا ساق» در فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا) و دیگر منابع نسخه‌شناسی به‌کار رفته‌بود. در ادامه ضمن اشاره به اطلاعات فهرست‌شدهٔ نسخهٔ مزبور و نقد و ردّ صحت انتساب این اطلاعات، تلاش‌می‌شود تا هویّت واقعی این نسخه نمایان شود.

۱. ۱. معرّفی نسخه در منابع

زمانی که نویسندهٔ این کلمات، به‌مناسبتی «فهرستگان نسخه‌های خطّی ایران» را مطالعه‌می‌کرد، با عنوان نسخه‌ای روبرو شد که بسیار جلبِ توجّه می‌کرد. بویژه وقتی به اطّلاعات توصیفی فهرست‌کننده برخورد، این جذّابیّت دوچندان شد. نسخهٔ مذکور در فهرست اینگونه معرّفی شده‌بود:

- «در وصف اعضاء از سر تا ساق/ به نظم و نثر برای عضدالملک/ جز انیس‌العشاق رامی/ تهران: دانشگاه/

شمارهٔ: ٦٤٧٧/ **آغاز:** و سرداران مملکت سخن‌دانی که سخن سربستهٔ ایشان در سیر سرسری نیست، در سرگذشت چنین گویند که سر صومعهٔ حواس است... صفت پیشانی صحیفه‌ایست وافی و آیینه‌ایست صافی محل اسرار و مقر انوار... **انجام:** بالوادالمقدس ... بپایان رسید بر غزل ردیف پای: تاکشیدی دو زلف را در پای/ هر طرف فتنه‌ای بود بر پای... از سرپای{تمت} الانتخاب بعون الله الوهاب فی سنه ثلاث و ثمانین و ثمانمائه بدارالسلام بغداد. خط: نستعلیق، بی‌کا، تا:۷۷۳ق[۲]، جا: بغداد، افتادگی: آغاز، کاغذ: سمرقندی، جلد: تیماج قهوه‌ای، ۹٤برگ/ ۱۱ سطر...»(درایتی،۱۳۹۱: ۱٤/ ٥۳۸).

باتوجّه به این مطالب، گویا با نسخه‌ای شبیه انیس‌العشّاق شرف‌الدین رامی یا چهل‌ناموس ضیاء نخشبی روبرو هستیم که احتمالاً هم‌زمان و یا حتّی پیش از آن‌ها به نگارش درآمده‌است؛ زیرا وفات نخشبی در سال ۷٥۱هـ.ق ودرگذشت رامی به سال ۷۹٥ هـ.ق بوده و تاریخ نگارش نسخهٔ مورد بحث در فنخا، سال ۷۷۳ هـ.ق ثبت‌شده‌است. بنابراین باید کشف تازه‌ای در حوزهٔ مطالعات کُتُب معروف به «سراپانامه» شده‌باشد! بویژه که در این فهرست صراحتاً نسخه را متنی (جز انیس‌العشّاق) معرّفی‌کرده‌است. چنین گمانی نویسنده را به مطالعه و تصحیح نسخهٔ تازه‌یابی ترغیب‌کرد؛ از آنجا که این نسخه در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران نگهداری‌می‌شود، نخستین اقدام، مطالعهٔ فهرست نُسَخ خطّیِ این دانشگاه بود. راقم این حروف در همان مطالعهٔ ابتدایی متوجّه مهمترین اشتباه فهرستگان نسخه‌های خطّی ایران شد و آن ثبتِ اشتباه تاریخ تألیف نسخهٔ مزبور بود. در فهرست دانشگاه تهران بر اساس اطّلاعات ترقیمهٔ نسخه، تاریخ تحریر ۸۸۳ هـ.ق ضبط شده‌است(ر.ک: دانش‌پژوه،۱۳٥۷: ۲۷٤/۱٦). با این اوصاف، دیگر موضوع کشفِ سراپانامه‌ای کهن‌تر از (یا هم‌زمان با) انیس‌العشّاق و چهل‌ناموس منتفی‌شده‌بود؛ ولی این اثر هنوز از اَقدمِ این‌گونه آثار به شُمار می‌آمد.

۲. هرچند می‌توان احتمال‌داد که ذکر تاریخ تألیف نسخه به صورت عددِ (۷۷۳) از اغلاط مَطبعی باشد و فهرست‌نویس متوجّه عبارت ترقیمهٔ نسخه یعنی: «تمّت ... فی سنه ثلاث و ثمانین و ثمانمائه بدارالسلام بغداد» برابر با سال ۸۸۳ ق بوده‌است، ولی به هر صورت وجود عددِ (۷۷۳) در شناسنامهٔ نسخه و کم‌دقّتی در نگارش یا اصلاح آن بوسیلهٔ فهرست‌نگار، می‌تواند مصحّحین و پژوهشگران تازه‌کار را فریب‌دهد؛ به این دلیل در مطالعهٔ فهارس نُسَخ خطّی باید ضمن دقّت به تمام توضیحات فهرست موجود(بویژه ترقیمهٔ کاتب یا مؤلّف)، به منابع اصیل دیگر(مانند خودِ نسخه یا فهرست‌های مستقل و تخصّصی)-آن نیز مراجعه‌کرد.

با دریافت عکس نسخهٔ یادشده ،متوجّه‌شدم که علاوه بر افتادگی آغاز نسخه -آنچنان که فهرست‌نویسان گفته‌بودند- انجامِ آن نیز که شامل اتمام متن و ترقیمه است، افتادگی‌دارد؛ در حالیکه در فهرست‌ها به سلامتِ پایان نسخه اشاره شده‌بود. مطالعهٔ دو فهرست کتابخانهٔ دانشگاه تهران و فنخا، نویسنده را متوجّه این نکته کرد که نسخهٔ مشارٌالیه باید انتخاب و گزینشی از اثری دیگر باشد. چرا که در انجامهٔ آن، این عبارت درج‌شده‌بود: «تمّت الانتخاب بعون الله الوهاب ...» (همان‌جا). گویا فهرست‌نویسان دقّتِ لازم را در مطالعهٔ ترقیمهٔ این نسخه به کار نبرده‌اند و همین موضوع موجب شده تا اطّلاعات غلطی دربارهٔ عنوان و استقلال نسخه به‌دست بدهند. با خواندن چند صفحه از دستنویس موردِ نظر مشخّص شد که این متن، اثری مستقل در وصف اعضاء و از گونهٔ سراپانامه‌ها نیست؛ بلکه درواقع گزینش و تلخیصی از همان کتابِ «چهل‌ناموس» یا «جزئیّات و کلیّات»ِ ضیاء نخشبی است که احتمالاً حدود یک قرن بعد از آن تألیف شده‌است.

تا اینجا دریافتیم که: عنوان نسخه در دو فهرست دانشگاه تهران و فنخا و همچنین تاریخ تألیف آن در فنخا نادُرست بوده‌است . اشتباه دیگری که فهرست‌نویسان مرتکب شده‌اند، دربارهٔ نام «مهدی الیه»- این دستنویس است که با عنوان «عضدالملک» ضبط‌شده‌است. وجودِ این غلط فاحش در فهارسِ نُسَخ خطّی را جمله‌ای مکتوب در بخشی از این نسخه، به‌دست داده‌است: «ای عضدالملک بدان ایّدَکَ الله که دیربازست که میان تعویذ و بازو، عشق و پیوستگیست...»(گ ٤٢ پ). از آنجا که فهرست‌نویسان متوجّه ملخّص‌بودن اثر مذکور نشده‌اند، در نتیجه این سخنِ غلط را به ثبت رسانده‌اند. در بخشی از چهل‌ناموس، جملهٔ بالا که گزینشگر عمداً آن را اندکی تغییرداده، به این شکل آمده‌است: «ای عضدالاخوان! أیّدک الله! اگر مرا که از دست شده‌ام، دست دهی...»(نخشبی،۱۳۸۸: ۲۳٤).

بنابراین با مطالعهٔ این نمونه به خوبی می‌توان اغلاط موجود در فهرست‌های نسخ خطّی را -که بر اثر کم‌دقّتی به این منابع راه‌یافته‌اند- شناخت و تأثیر آن را بر روند مراحل شناسایی، طبقه‌بندی و تصحیح متونِ کهن بررسی‌کرد. در ادامه تلاش می‌شود تا خوانندگان محترم را با این رساله بیشتر آشنا کنیم.

۲. بحث و بررسی

در این بخش پس از توضیحی کوتاه دربارهٔ ماهیت اصلی نسخهٔ یادشده، به مقایسهٔ آن با متن گزینش‌شده، یعنی چهل ناموس ضیاء نخشبی پرداخته‌می‌شود. این نسخه در سال ۱۳۵۷ بوسیلهٔ مرحوم دانش‌پژوه فهرست شده‌است و از آن زمان تا اسفندماه سال ۱۳۸۹ (سال تصویربرداری از دستنویس)، هم نسخه از نظر فیزیکی دچار تغییرات شده و افتادگی‌هایی یافته‌است و هم اطّلاعات فهرست‌شدهٔ آن مورد سهو و خطا قرارگرفته‌است؛ بنابراین جایِ آن دارد که باتوجّه به وضعیّت کنونی این دستنویس و نیز منقولات پیشین فهرست‌نگاران، اطّلاعات شناسنامه‌ای آن را به شکل زیر تصحیح و تکمیل کرد:

- تلخیصی از چهل‌ناموس ضیاء نخشبی، تألیف در ۸۸۳ق، آغاز: افتاده، انجام: افتاده، تهران: دانشگاه / شمارهٔ: ٦٤٧٧، خط: نستعلیق، بی‌کا، جا: بغداد، کاغذ: سمرقندی، جلد: تیماج قهوه‌ای ترنجی مقوایی، عطف تریاکی از یکسوی، جیبی، ۷۹ برگ/ ۱۱ سطر، ۱۰×۱۷، ۱۱س، ۵×۱۲.

۲. ۱. مؤلّف اثر

به دلیل افتادگی آغاز و انجام نسخهٔ کنونی، هیچ‌گونه نام و نشانی از مؤلّف اثر نمی‌توان به دست آورد. توجّه به ترقیمهٔ نسخهٔ موجود (تا سال ۱۳۵۷) که مورد استفادهٔ دانش‌پژوه قرارگرفته‌است، نیز اطّلاعی دربارهٔ نام گزینشگرِ چهل‌ناموس در اختیار ما نخواهدگذاشت؛ زیرا در انجامهٔ موجود در نسخهٔ فهرست‌شدهٔ آن زمان هم از نام نویسنده اثری نیست. ولی با این حال، باتوجّه به محتوای متن، می‌توان آگاهی اندکی راجع به شخصیت مؤلّف به دست داد.

از میان شواهد شعری که در این نسخه آمده(←همین مقاله: چند صفحهٔ بعد)، بیش از دیگر شاعران، از شاعری به نام «شوقی» یاد شده‌است. از این نکته شاید بتوان این نتیجه را گرفت که شخص گزینشگر در واقع همین «شوقی» بوده که به پیروی از «نخشبی» خواسته اشعاری را با ذکر نام خود در این انتخاب بیاورد.[۳] هرچند احتمال آن

[۳] . در ذیل، اشعار شوقی مشاهده می‌شود:

نیز هست که بگوییم به دلیل علاقهٔ زیاد برگزینندهٔ چهل‌ناموس به شاعری به نامِ «شوقی» از اشعار او بیش از دیگران یاد کرده، ولی به نظر این موضوع خیلی دور از ذهن می‌نماید.

وجود برخی نشانه‌ها در نسخهٔ مذکور، مذهب تشیّع نویسندهٔ این متن را ثابت‌می‌کند. صاحبِ اثر در گزینش داستان‌ها و حکایات موجود در چهل‌ناموس، گاه داستان‌های مربوط به خُلَفای سه‌گانه را حذف کرده و گاه حکایت را به‌گونه‌ای به امامان شیعه نسبت داده‌است. برای نمونه در جملات زیر با حذفِ نام عثمان و عبارت «رضی‌الله عنه» -که ویژهٔ اهل سنّت است- از چهل‌ناموس و جایگزین‌کردن عبارت «امیرالمؤمنین»، «علیه‌السّلام» و صفاتی نظیر «ولایت‌پناه»، «باب علم» و «حقیقت‌بین» که شیعیان دربارهٔ مولا علی(ع) به کار می‌برند، عقیده و مذهب خود را در این گزیده نمایان‌ساخته‌است.

- دید شوقی چشم شوخش را چو غلطان کعبتین — در بساط عشق‌بازی باز نقش خویش دید
- بی عشق مزن شوقی دلسوخته یکدم — چون بر تو شمرند یکایک همه دمها
- ریزد بوصف آن لب شکر ز کلک شوقی — زینسان حدیث شیرین از نیشکر نیاید
- ترا شوقی هنر شیرین‌زبانیست — مشو خاموش یک ساعت ز گفتار
- پسته پیش دهان او هیچست — گفت شوقی حدیث سربسته
- شوقی یکی جواب بگو چون دو بشنوی — اینست سِر که گوش دو تا و زبان یکیست
- روز و شب در هوای ساعد اوست — دل شوقی چو مرغ دست آموز
- مرا سررشتهٔ زلف بتان سرگشته میدارد — خلاصی نیست شوقی پای بر دامی که من دارم
- ساق سیمینش بگاه رفتنت دل می‌برد — چون توانی رفت شوقی چون بپایی بستهٔ

چهل‌ناموس:

- «و آن شنیده‌باشی که در نوبت خلافت امیرالمؤمنین عثمان رضی‌الله‌عنه... اعرابیی پلید چشم قصد مجلس آن پاک-چشم کرد... اعرابی چشم فرو افکنده در مجلس خلیفه درآمد چون چشم عثمان بر چشم او افتاد گفت ای اعرابی از مجلس ما بیرون رو که از چشم تو بوی زنا می‌آید »(نخشبی،۱۳۸۸: ۷۹).

- (نمونهٔ روبرو از نسخه، در چهل‌ناموسِ ضیاء نخشبی وجودندارد و شخص گزیننده به متن افزوده‌است. این موضوع مشخّصاً می‌تواند نمایانگر مذهب تشیّع او باشد؛ چرا که در این نمونه از ویژگی‌های خاصّهٔ حضرت امیر(ع) سخن گفته‌است).

تلخیص:

- «نقلست که اعرابی ناپاک‌چشمی قصد مجلس امیرالمؤمنین علیه‌السّلام کرد در اثنای راه چشم او بر چشم نرگس‌چشمی افتاد و چشم او چار شد ... چون به مجلس امیرالمؤمنین علیه‌السلم درآمد و چشم حقیقت‌بین آنحضرت بر چشم او افتاد فرمود که از مجلس ما بیرون رو که از چشم تو بوی زنا می‌آید »(گگ۱۱ ر، ۱۲پ).

- «سینه صندوقیست پرجواهر علم و اسرار و نوادر حکمت و آثار چنانکه حضرت ولایت‌پناه که باب علمست درین باب میفرماید علیه‌السّلم علمی مَعِی اَینَما مَرَّیتُ یَتبَعُنی. صَدرِی وِعَاءً لَهُ لا جَوفَ صندوقِ. ترجمه علم من با من بود هرجا روم او با منست سینهٔ من جای او نه جوف صندوق و کتایب»(گ ۵۲ پ).

۲. ۲. شیوهٔ گزینش

برگزینندهٔ کتاب چهل‌ناموس، روش یکسان و قاعده‌مندی را برای انتخاب خود به کار نبرده‌است. این بی‌روشی را می‌توان در نوعِ آغاز هر توصیف، کوتاهی و بلندی فصول، کمیّتِ اشعار و افزایش و کاهش طول جملات مشاهده-کرد. به‌طور کلّی آنچه دربارهٔ ساختار این گزیده می‌توان بیان‌کرد، این است:

الف) شخص گزینشگر از چهل عضوی که ضیاء نخشبی در چهل‌ناموس وصف‌کرده، تنها بیست و هفت عضو را برگزیده‌است[٤].

ب) شیوهٔ نامگذاری سرفصل‌های این متن نیز با نوشتهٔ ضیاء نخشبی متفاوت است. برای نمونه در چهل ناموس نامگذاری عناوین به این شکل است: «ناموس هشتم در مناقب چشم»؛ ولی در متن گزیده تنها نوشته شده‌اشت: «صفت چشم». تذکّر این نکته نیز بایسته است که برخی از فصولِ نسخه، عنوان ندارند و نویسنده جای آن را خالی گذاشته که باتوجّه به محتوای آن و سنجش با متن اصلی، می‌توان عنوان‌های آن را شناسایی‌کرد. نکتهٔ دیگر دربارهٔ عناوین فصول این است که گاهی گزیننده، اسامی فصول را تغییر داده‌است. برای نمونه به جای «رخساره» عنوان «رو»، به جای «زنخ» عنوان «ذقن» و به جای «جان» عنوان «روح» را آورده‌است. گاهی هم فصل‌های کتاب را جابجا کرده‌است. مثلاً توصیف «رخساره» که در چهل‌ناموس پس از وصف «بینی» آمده، در این گزینش پس از وصف «خط» قرار گرفته‌است.

ج) برگزیننده علاقهٔ زیادی به آوردن نمونه‌های شعری برساخته یا مشهور در گزیدهٔ خود داشته‌است؛ همو تأکید داشته که سروده‌های ضیاء نخشبی را به هیچ‌وجه در متن منتخَب واردنکند و نیز بسیاری از شواهد شعری که نخشبی آورده را حذف‌کند. با این توضیحات باید اشعار موجود در متن گزیده را این‌گونه دسته‌بندی‌کرد: ۱. حذف اشعار ضیاء نخشبی، ۲. تغییر و تفاوت در واژگان شواهد شعری نخشبی، ۳. جایگزینی و استفاده از ابیات متفاوت با چهل‌ناموس، ٤. استفاده از اشعار شاعران مشهور مانند حافظ، سلمان، کاتبی و خاقانی.

د) حذف اصطلاحات پزشکی و حکایات عرفانی موجود در چهل‌ناموس از دیگر تغییراتی است که در این گزیده به چشم می‌خورد. ضیاء نخشبی آشنا به علم طب و گویا از سالکان طریقت چشتیّه بوده‌است؛ از این جهت در اثر او به توضیحات پزشکی و اصطلاحات عرفانی قابل توجّهی برمی‌خوریم. ولی در گزیدهٔ این اثر بسیاری از این موضوعات

[٤] .شمارهٔ اعضاء توصیفی و منتخَب این دستنویس بیست و شش عضو است؛ ولی با توجّه به افتادگی آغاز نسخه و در نظرداشتن این نکته که آغاز چهل‌ناموس «در مناقب موی» است، می‌توان حدس‌زد که افتادگی ابتدای این دستنویس نیز در «وصف مو» بوده‌است و باید شمارهٔ این اعضاء را به عددِ بیست و هفت افزایش داد.

طبّی و عرفانی حذف یا کوتاه شده‌است.

هـ) روش برگزینندهٔ چهل‌ناموس به این شکل نبوده که از ابتدای یک فصل به‌ترتیب جملات و عبارات را تلخیص-کند؛ بلکه در این‌باره راه و روش متفاوتی داشته‌است. گاه چند پاراگراف پیاپی یا پراکنده را در یک پاراگراف خلاصه-کرده‌است. گاهی جمله‌ای که در چهل ناموس در ابتدای وصف بوده را در وسط یا انتهای خلاصهٔ خود آورده و بالعکس؛ و گاهی یک جملهٔ طولانی را در یکی دو عبارت تلخیص کرده‌است.

و) شیوهٔ به کار رفته در آغاز هر فصل متفاوت و ناهمسان است؛ در حالی که در پایان هر فصل روشی یکسان مشاهده می‌شود. به این معنی که برگزیننده، همانند ضیاء نخشبی، هر فصل را با ابیاتی در وصف آن عضو از بدن به پایان بُرده، ولی در آغازِ هر فصل به یک روش عمل نکرده‌است. گاهی با نوشتنِ یک شعر، فصل را آغاز کرده و گاه با بیانِ یک مقدّمه و توصیف کوتاه مانند چهل‌ناموس.

ز) ناگفته نبایدگذاشت که گاهی در نسخهٔ مورد بحث، واژگان چهل‌ناموس تغییر یافته که این موضوع از نظر آشنایی با رسم‌الخط و گونهٔ زبانی روزگار و دیار کاتب یا مؤلّف می‌تواند مورد توجّه قرارگیرد. برای نمونه کاتب این نسخه همه‌جا واژهٔ سفید را با حرف «باء» به شکل «سبید» نوشته‌است نه «سپید»(سبیده‌دم: گ ۲۸ ر، سبید: ۱۰ ر، ۲۳ ر، ۲۵ ر) . در حالیکه شیوهٔ مختار او در سراسر متن، حفظ رسم‌الخطِ حرف «پ» با سه نقطه است. نگارشِ واژهٔ «گسنه» به جای «گرسنه»(گ ۷۵ ر) و به کار بردن واژهٔ «بوسه‌خوردن»(گ ٥٦ ر) از دیگر ویژگی‌های زبانی و واژگانی این نسخه است.

۲. ۳. سنجشِ *چهل‌ناموس* با تلخیص آن

در بخش پیش رو نمونه‌هایی از دو متن اصلی و گزیده برای نمایاندن شیوهٔ برگزیننده و میزان تفاوت و تشابه کار او با چهل‌ناموس ارائه می‌شود.

چهل‌ناموس:

- «سرانی که سرِ سران اصحاب معانی‌اند، اگر سر انصافی بجنبانند، سخنی چند در صفت سر که آن نه سرسریست، سراسر گفته آید »(نخشبی،۱۳۸۸: ۳۰).

- عزیز من! اگرچه محلّ سجده هفت عضو است، «اُمِرتُ ان اسجُدَ علی سبعةِ أعضاء» امّا هیچ عضوی مشرّف‌تر از پیشانی نیست و لهذا اگر یکی را در سجده بی آنکه او را به پیشانی عذری باشد به بینی اکتفا کند نزدیک امام ابویوسف و امام غزنوی و صاحبیه رحمة اللّه علیهما درست نباشد(هان: ٤٧-٤٦).

- ای مردم چشم و ای چشم مردم! اگر چشم از کسی بر کسی نزنی و به گوشه چشم در من نگری با تو بگویم که چشم چیست. عبهر باغچهٔ سرور تا دامن و گریبان نور، دو شمع از نور

تلخیص:

- «و سرداران مملکت سخن‌دانی که سخن سربستهٔ ایشان در سِر سرسری نیست، در سرگذشت سر چنین گویند»(گ۱ پ).

- اگر چه بحکم حدیث نبوی علیه السّلام حیث قالَ اُمِرتُ اَن اَسجُدَ عَلَی سَبعَةِ اَعضاءٍ محلّ سجده هفت عضوست امّا جهت این امر هیچ عضو کلّی‌تر از پیشانی نیست و ازینست که بعضی فقها گفته‌اند که اگر یکی در سجده بی‌آنک او را عذری باشد پیشانی بر زمین نرساند و به بینی اکتفا کند نماز درست نباشد(گ٤ پ).

- ای مردم چشم و ای چشم مردم اگر بعین عیان و بصیرت اعیان نظر کنی معیّن گردد که چشم دو عبهر منظورست و دو چشمهٔ نور. دو ستارهٔ روز دو کوکب دلفروز دو آهوی مشکین دو کعبتین رنگین(گ۷ ر)

اندوخته دو چراغ از پیه افروخته... . نی نی! چشم چیست؟ دو آهوی مشکین، دو کعبتین رنگین، دو ستاره روز، دو کوکب دل‌افروز (همان: ۷۱).

- اصحابی که در جلّاب عبارت ایشان، همه چاشنی شیرین‌لبان است اگر عبارت مرا که حلاوت دیگر دارد چاشنی قبول خود دهند، جلّابی که از شهد لب قوام شکر یافته‌است در حلق وقت ایشان ریخته‌آید... . ای لب لطافت از لطافت تو خندان!... نام لب شهدآمیز تو می‌برم لب من شهدآلوده می‌گردد. اگرچه از آتش‌گفتن زبان نسوزد اما لب شیرین خوبان که رنگ آتش دارد از آنهاست که از یاد او کام وقت شیرین گردد(همان: ۱۳۷).

- اصحابی که در جلّاب عبارت ایشان همه چاشنی قند شیرین‌لبانست در صفت لب محبوب چنین بر زبان آرند که ای لب فصاحت از ملاحت لب تو خندان چون نام لب شکرین تو می‌برم. لب من شهدآلود می‌گردد اگرچه از آتش‌گفتن زبان نسوزد امّا لب خوبان که رنگ آتش دارد از ذکر آن مذاق جان شیرین گردد(گگ ۲۷ر، ۲۸پ).

منابع

- دانش‌پژوه، محمّدتقی(۱۳۵۷). ***فهرست نسخه‌های خطّی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران***، جلد شانزدهم، تهران: دانشگاه تهران.
- درایتی، مصطفی(۱۳۹۱). ***فهرستگان نسخه‌های خطّی ایران(فنخا)***، جلد چهاردهم، تهران: سازمان

اسناد و کتابخانه ملّی.

- مایل هروی، نجیب(۱۳۹۵). ***تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطّی***، تهران: سوره مهر.
- نخشبی، ضیاءالدّین(۱۳۸۸).***جزئیات و کلیّات(چهل‌ناموس)***، تصحیح علی‌محمّد مؤذّنی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

پیوست - تصاویر برگهایی از نسخه خطی چهل ناموس - دانشگاه تهران

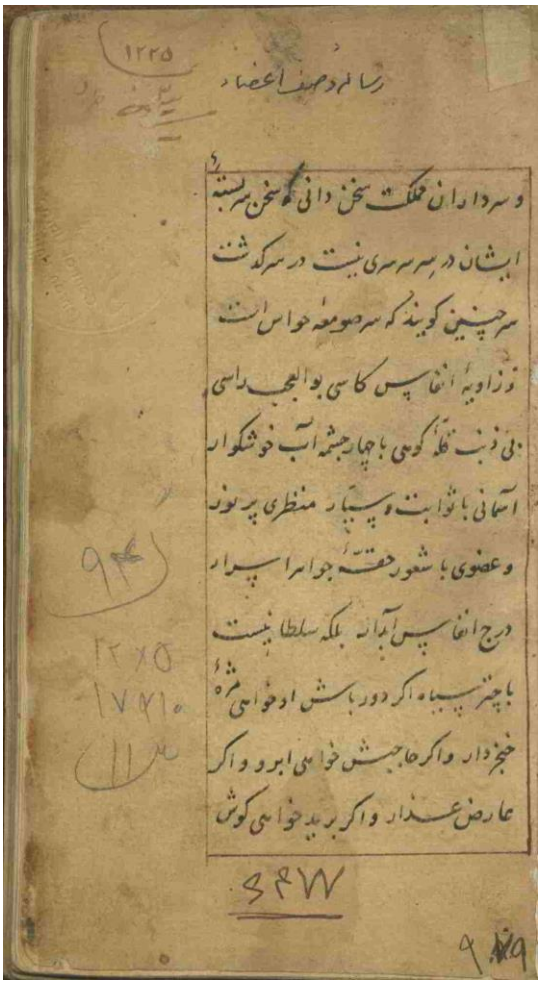

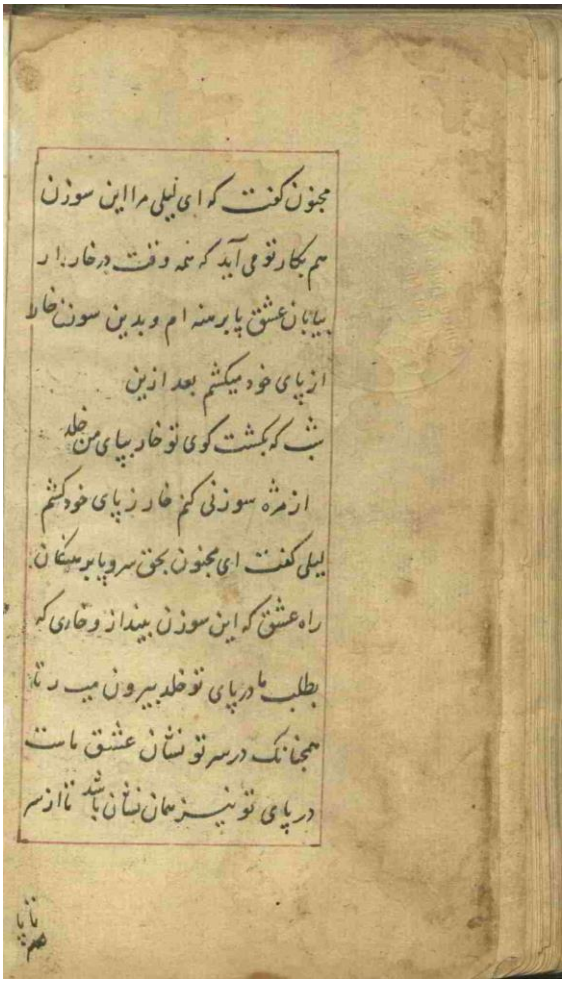

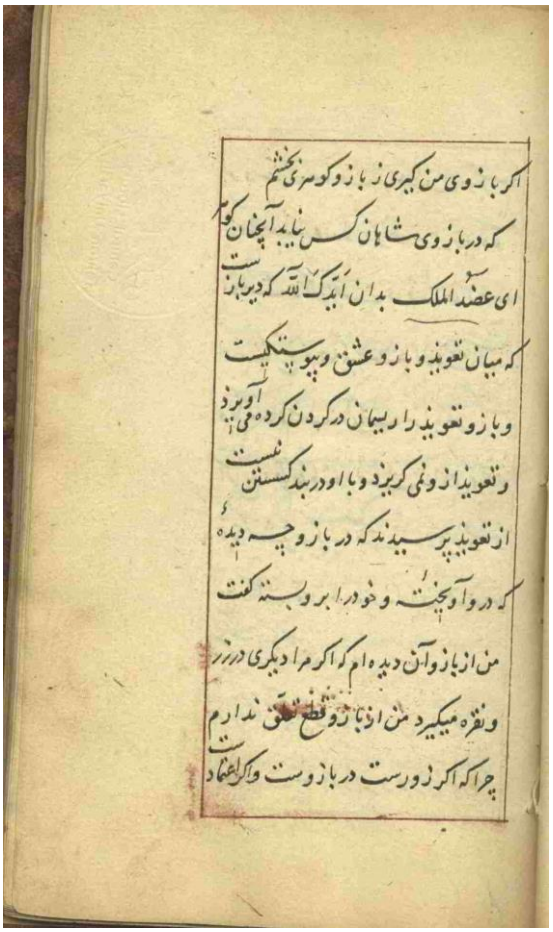

اگر بازوی من گیری ز بازو کوس نگذارم
که در بازوی شاهان کس نیابد آنچنان کوهر
ای عضد الملک بدان ایدک الله که دیو بازست
که میان تعویذ و بازو عشق و پیوستگیست
و بازو تعویذ را ریسمان در گردن کرده می آویزد
و تعویذ از وی نمی گریزد و با او در بند گسستن نیست
از تعویذ پرسیدند که در بازو چه دیده
که در وا آویخته و خود را بر وی بسته گفت
من از بازو آن دیده ام که اگر مرا دیگری در زر
و نقره میگیرد من از بازو قطع تعلق ندارم
چرا که اگر زورست در بازوست و اگر اعتماد

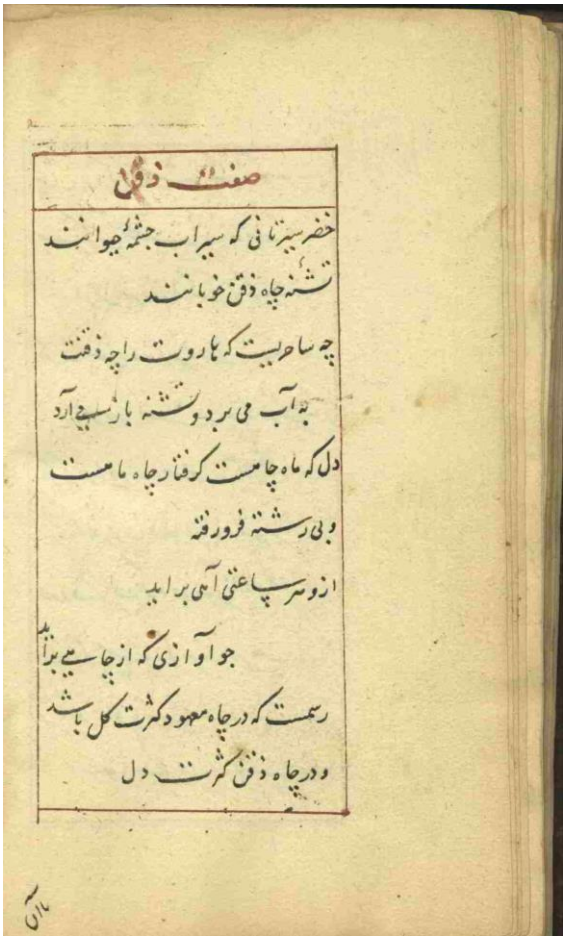

صفت ذقن

خضر سیرتانی که سیراب جشمهٔ حیوانند
تشنه چاه ذقن خوبانند
چه ساحریست که هاروت را چه ذقنت
به آب می برد و تشنه بار سیبی آرد
دل که ماه چاهست گرفتار چاه ماهست
و بی رشته فرو رفته
از و سر سپاهی آهی برآید
جو او آزی که از چاهی برآید
رسمست که در چاه معهود کثرت کل باشد
و در چاه ذقن کثرت دل

بازتاب آموزه‌های تعلیمی در نسخهٔ خطی «قوانین دستگیری»

طاهره میرزائی[۱] مرتضی چرمگی عمرانی[۲]

چکیده

توجه به زبان و فرهنگ فارسی در هند منجر به پیدایش جنبش دستورنویسی برای زبان فارسی در این سرزمین شد. «قوانین دستگیری» یکی از این منابع آموزش دستور زبان است که در قرن سیزدهم هجری نگاشته شده است. شواهد دستوریِ این کتاب به گونه‌ای انتخاب گردیده که متضمن پیامی اخلاقی و تربیتی باشد و جنبهٔ تعلیمی ادبیات فارسی به عنوان مهم‌ترین گونه ادبی در تاریخ ادبیات ایران، در نظر گرفته شود. در این نوشتار سعی شده که با تکیه بر نسخه خطی «قوانین دستگیری» دستور زبان فارسی به عنوان یکی از جلوه‌گاه‌های مهم، جهت بیان مواعظ و نصایح اخلاقی، مطرح و جایگاه ادبیات فارسی و به ویژه بُعد تعلیمی آن در میان غیرفارسی زبانانِ شبه‌قاره، تبیین شود. نتیجه این تحقیق که به شیوه توصیفی-تحلیلی، انجام شده، نشان می‌دهد که نویسنده این کتاب، با متون نظم و نثر فارسی و قوانین دستور زبان، کاملاً آشنا بوده و در کنار آموزش دستور زبان، تعالیم اخلاقی و تربیتی ارزشمندی را در هر دو بخش مقدمه و متن به صورت آگاهانه و با مهارت تمام، ارائه کرده و نتایج تربیتی آن را در نظر داشته است.

کلید واژه: متون شبه قاره، نسخه خطی قوانین دستگیری، غلام دستگیر، آموزه‌های تعلیمی.

مقدمه

ادبیات تعلیمی، بخش بزرگی از ادبیات فارسی است که پند و اندرز، آموزه‌های زهدآمیز و اخلاقیات، گونه‌های رنگارنگ آن است. حتی درون‌مایه‌های تغزلی و حماسی نیز در ادبیات فارسی به نوعی با آموزش‌های

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. t-mirzaei@pnu.ac.ir
۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. momraniyasin@yahoo.com

اخلاقی پیوند خورده است. به طور کلی فیلسوفان، زاهدان و رهبران دینی، معلمان و اندرزگویان اجتماعی هر یک از منظری خاص در ایجاد این ادبیات سهم دارند. به عبارتی دیگر، ادبیات تعلیمی یعنی «نوشته هایی که هدفشان آموزشِ چیزی به خواننده یا مخاطب باشد. بنابراین تعریف، تمامی نوشته‌های دینی، اخلاقی، حکمی، انتقادی، اجتماعی، سیاسی، علمی، پندنامه و حتی متونی که به آموزش شاخه‌ای از علوم و فنون یا مهارت‌ها می‌پردازند، ادبیات تعلیمی هستند.» (انوشه، ۱۳۸۱: ٤٤/۲) عرصه کاربرد اصطلاح ادب تعلیمی بسیار وسیع است؛ «زیرا به هر حال، هر اثری مطلبی را تعلیم می‌دهد اما معمولاً این اصطلاح را وقتی به کار می‌برند که قصد و هدف نویسنده، آشکارا تعلیم فنی باشد؛ مثل الفیه ابن‌مالک و ... البته؛ ما آن قسمت از آثار تعلیمی را که صرفاً به آموزش دانشی می‌پردازند، «نظم» می‌خوانیم که مستقیماً جزو آثار ادبی نیستند؛ اما آثاری چون مثنوی، بوستان و حدیقه که آموزش‌های اخلاقی و عرفانی در آنها مبتنی بر رعایت اصول ادبی است، باید شعر اطلاق کرد و آنها را مستقیماً جزو آثار ادبی دانست.» (شمیسا،۱۳۷۸: ۲٤۸) تعلیمی که از طریق این آثار ادبی صورت می‌گیرد با آموزشی که دانش‌ها، مهارت ها و حتی اخلاق را به صورت رسمی یاد می‌دهند، تفاوت‌هایی دارد. از جمله این که: تعلیم به وسیله ادبیات در بسیاری از موارد، غیر مستقیم است؛ زیرا بسیاری از آموزه‌های ادبیات از طریق دلالت ضمنی تحقق می‌یابند. همچنین در «آثار ادبی، عواطف و احساسات نیز ارزش شناختی پیدا می کنند و در آموزش نقش ایفا می‌نمایند. بنابراین موضوعات آموزشی با یکی از حالات عاطفی پیوند می‌خورد و همراهی و همدلی آموزنده را با موضوع و فرآیند یادگیری موجب می‌شود. از این روی، آموزش و تعلیم با خشنودی و رضایت بیشتر یادگیرنده، همراه شده و این امر موجب می‌گردد تا میزان گرایش او به یادگیری افزایش یابد و قوه ادراک او بیشتر برانگیخته شود.» (رضی، ۱۳۹۱: ۱۰٤و ۱۰۵)

دامنه موضوعی ادبیات تعلیمی، بسیار گسترده است؛ و «عموماً دارای سه مضمون و نگرش است بخشی از مضامین درباره اخلاق، بخشی مربوط به دین و پاره ای متعلق به حکمت است. بی‌گمان اوج ادب تعلیمی در ادبیات فارسی قرن هفتم هجری است که با ظهور سعدی و مولانا این نوع ادبی به نهایت کمال خود می رسد». (تمیم داری،۱۳۷۹: ۲٤۰)

حوزه ادبیات تعلیمی در قالب و شیوه بیان نیز بسیار متنوع است. تا جایی که می‌توان آثار دستورزبان را از

نظر آموزش نکات تربیتی و مسایل اخلاقی هم مورد توجه قرار داد؛ به عبارت دیگر، شواهد دستوری را به نحوی گزینش کرد که همزمان، پیامی تربیتی نیز مطرح شود. این موضوع به هنگام آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبان، اهمیتی ویژه می‌یابد و بُعد تعلیمی ادبیات فارسی را برجسته‌تر می نماید. «قوانین دستگیری» دست‌نوشته‌ای است که برای آموزش قوانین دستوریِ زبان فارسی به غیرفارسی زبانان هندی نگاشته شده و تعلیم آموزه‌های اخلاقی از راه شواهد دستوری در آن به چشم می‌خورد. این نسخه منحصر به فرد و بسیار ارزشمند را «غلام دستگیر» در سال ۱۲٦٥ه.ق در حیدرآباد دکن، نوشته است و تک نسخه آن به شماره ۲۰۸۵ در کتابخانه گنج‌بخش پاکستان نگهداری می‌شود. به این اثر علمی در منابع کتابشناسی، همچون کتابشناسی دستور ایرج افشار، اشاره شده است. (افشار،۱۳۳۳: ۳۷) و در کتاب تاریخ ادبیات فارسی در شبه قاره هند، از آن به عنوان یک کتاب علمی و مفصل یاد شده است. (محمود، ۱۳۸۰: ۳۵۳)

همانطور که می‌دانیم «نفوذ بیشتر و گسترده‌تر فرهنگ و زبان فارسی در شبه قاره هند با تأسیس سلسله گورکانیان هند به دست بابر، در سال ۹۳۲ هجری بنیاد نهاده شد، آغاز شد. مهار حکومت گورکانیان در آغاز در دست رجال ایرانی قرار داشت و در نتیجه می‌توان گفت: سلسله‌ای که ظهیرالدین بابر در هند پی افکند، یك دولت تمام عیار ایرانی بود.» (بوسورث، ۱۳٤۹ : ۳۰۵) از این تاریخ تا قرن‌ها زبان فارسی، زبان رسمی دربار هند، زبان سیاست و ادب و شعر بود. دیری نکشید که شاعران بسیاری از آن سامان در کشمیر و لاهور و دهلی و دیگر جای‌ها، برخاستند و در آن دیار کتاب‌های معتبر در انواع گوناگون نظم و نثر به فارسی پرداخته شد. (صفا،۱۳۷۱ : ٤۲۲) این علاقه و توجه به زبان فارسی در شبه قاره باعث شد که در زمینه آموزش دستور زبان نیز آثار ارزشمندی پدید آید که قوانین دستگیری یکی از آنهاست، که با تکیه بر مهم‌ترین منابع دستورزبان آن روز و به زبانی ساده و روان نگاشته شده است. نویسنده کتاب با متون نظم و نثر فارسی به خوبی آشنا بوده و اکثر قریب به اتفاق شواهد دستوری را از متون شعری فارسی برمی‌گزیند. البته بهره‌گیری از شعر و ادبیات به عنوان شاهد مثال دستور، یکی از سنت‌های پسندیده دستورنویسی است و «دستور را که نوعاً علمی خشک است طراوت بخشیده و آن را تر و تازه می‌کند » (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ٦٦) با این وجود، بسیاری از صاحب‌نظران بر این امر خرده گرفته و بر این باورند که نظم و نثر از نظر ساخت دستوری دو گونه متفاوت زبان فارسی هستند که

نمی‌توان از یکی(شعر) برای دیگری(ساختمان نثر دستور) شاهد آورد. همچنین بسیاری از این اشعار از قدما نقل شده، در حالی که زبان همواره در حال تغییر است و چه بسا قوانین دستوری به کار رفته در یک شعر قدیمی، امروزه دیگر کاربردی نداشته باشد. پس شعر- مخصوصاً اشعار قدیمی- نمی‌تواند گواه صادقی بر ساخت و کاربرد دستور زبان باشد. مضاف بر اینها، شعر زاییده هنر زبان است و در بسیاری از موارد اجزا و ارکان دستوری را در هم می‌شکند و دستورزبان ، مجموعه قراردادهايي است كه به تفهيم و تفاهم بين گوينده و شنونده كمك مي‌كند. حالا اگر گوينده به طور استثنايي در شرايطي قرار گرفت كه حس كرد با شكستن اين قراردادها بهتر مي‌تواند با مخاطبش رابطه برقرار كند، حوزه اين قراردادها را به طرز معقولي گسترش دهد. چون دستور زبان وسيله است نه هدف. شاعر، حق دارد با افزايش حوزه اختيارات خويش، به زبان قابليتی بيش از آنچه در واقع دارد، ببخشد. اين به معناي قانون‌شكني نيست، بلكه تلاشي است براي تكامل بخشيدن به قانون. بنابراين برای قوانين دستوری در هر زمان، بهتر است که از زبان رایج میان افراد جامعه در همان زمان، شاهد آورد. (باطنی،۱۳۹۰: ٦٩)

به هر حال بهره‌گیری از شعر برای آموزش زبان به ویژه در متون شبه قاره دیده می‌شود. حتی امروزه نیز در آموزش زبان به زبان‌آموزان خارجی استفاده از اشعار و متون داستانی مناسب، روشی مهم و متداول به شمار می‌رود و نظریه‌پردازانِ آموزش زبان‌ها گزینش و تدریس نمونه‌های خوبِ شعر و نثر داستانی را که با سطح آگاهی‌های زبان آموز متناسب باشد، در دوره‌های آموزش زبان به خارجیان توصیه می‌کنند. اصولا «ارائه نمونه های ادبی، ابزاری طبیعی در راه آموزش زبان است؛ طبیعی از این نظر که با هدف ابزارشدن برای آموزش زبان، پدید نیامده و در بطن خود سویه‌های دیگری را هدف گرفته و زبان آموز خود را درون دستگاه مصنوع آموزشی احساس نمی‌کند، رابطه عاطفی خود را با متن و به تبع آن با مدرس خویش حس کرده و شعور یادگیری‌اش را فعال می‌کند. برانگیختن شعور در هر کنشی برای به سرانجام رساندن کنش به هدف است. در فرآیند یادگیری زبان به کمک متون ادبی مناسب به یاری و هدایت مدرس، گفت و گویی بین خواننده و متن در می‌گیرد که متأثر از ویژگی‌های این متون است. حاصل این گفت و گو، دریافت مهارت‌هایی در درک، خواندن، نوشتن متن و در نهایت صحبت‌کردن توسط زبان‌آموز است. مهارت‌هایی که منتج به کسب مهارت ارتباطی شده و منطبق با

رویکردی است که شناخت زبانی برتر را شناخت جامعه شناختی زبان می داند و مهارتی کاربردی در جامعه است.» (لطافتی، ۱۳۸۷: ۱۱۳) حفظ کردن اشعار، موجب غنی‌تر شدن آموزش زبان می‌شود. اشعار به سبب آهنگین بودن، آسان‌تر به ذهن سپرده می‌شوند. به همین منظور از گذشته‌های دور تاکنون، برای به خاطر سپردن موضوعات مختلف درسی، آنها را به نظم در آورده‌اند.

شیوه کار در کتاب «قوانین دستگیری» هم متأثر از این موضوع است؛ یعنی آموزش مباحث دستوری به عنوان بستری برای عرضه شعر تعلیمی و اخلاقی فارسی در نظر نویسنده مطرح بوده است. «غلام دستگیر» که خود دارای قریحه شعری است، برای انتخاب شواهد شعری ذوق و سلیقه قابل تحسینی به خرج می‌دهد و کتاب خود را از این نظر پربار و غنی می‌سازد.

۱-۱. پیشینه

درباره ادبیات تعلیمی و آموزه‌های اخلاقی در متون مختلف ادبی، کتاب‌ها و مقالات فراوانی نوشته شده است؛ اما در زمینه آموزه‌های اخلاقی در متون دستوری، پژوهشی درخور ذکر، انجام نشده است. همچنین با توجه به این که تصحیح نسخه خطی قوانین دستگیری، به تازگی انجام شده و این اثر تاکنون چاپ نشده، درباره آموزه‌های اخلاقی این کتاب هم تحقیقی انجام نشده است.

۱. آموزه های تعلیمی *قوانین دستگیری*

آموزه‌های تعلیمی «قوانین دستگیری» در دو بخشِ مقدمه مؤلف و بخش متن کتاب به شرح زیر بررسی می‌شود:

۱-۲. آموزه‌های مقدمه مؤلف

از امتیازات برجسته کتاب قوانین دستگیری نسبت به آثار همانندش، مقدمه ادیبانه و عالمانه آن است که براعت استهلالی زیبا را در این اثر به نمایش می‌گذارد. گویی با یک اثر ادبی فاخر نثر فارسی روبرو می شویم. آنجا که غلام دستگیر، سخن را این‌گونه آغاز می‌کند:

«کلمه ستایش و نیایش، شایان شاهنشاهی که شاهی شاهان جهان، نمی است از یَم جود او و کلام سپاس بی‌قیاس، سزاوار دارایی که دارایی سکندر و دارا، رشحه‌ای است از دریای بخشش او و قوانین درود صرف دستگیری که به دستگیریِ نحو رأفتش، دشتگیران دشت گمراهی به شاهراه نجات شتافته و رساله قواعد اهل عجم همچو کتاب ضوابط عرب به اصلاح هدایتش، بُلغة صحت و صواب یافته و کلمات رضوان به انحای رحمت رحمان لفیف و مقرون به جمله آل اطهار و اصحاب خیار و اولیاء کبار او باد» (دستگیر، ۱۲٦۵: ۲)

این گونه آغازیدن کلام، قبل از هر چیز ما را با فردی مومن، معتقد و متعهد به باورهای دینی و اصول اخلاقی آشنا می‌کند و به کلام خویش معتمد می‌سازد.

همچنین در بخشی از نوشته خود، فضل و دانشش را فیض بی‌کران الهی می‌داند: «این ناقص العقل کامل الجهل با وجودی که تعلیم ماهر فن فارسی و صحبت زباندان نیافته لیکن محض به فیضان ایزد متعال و محنت و ریاضت مطالعة ده دوازده سال این تألیف را به شهر حیدر آباد دکن - صانها الله عن الافات و الفتن- صورت اِختتام و معنی حسن اِنصرام داده.» (دستگیر، ۱۲٦۵: ٤)

و در جای دیگر ضمن بیان اهمیت علم لغت‌شناسی، کسب آن را نتیجه خواستِ خدا و هدایت مستقیم او می‌داند: «دریافت این مراتب را خیلی تتبّع می باید که کار هر کس نیست، مگر چیزی که خواست خدای کریم و هدایت کرد به صراط مستقیم.»(دستگیر، ۱۲٦۵: ۲۷۳)

اعتماد به حکمت الهی نیز به عنوان یک آموزه دینی مهم از این عبارات قوانین دستگیری دریافت می‌شود:

«الغرض ای مجیب دعوات و قاضیُ الحاجات به فحوای فعلِ «الحکیم لا یخلو عن الحکمهٔ» اولادِ نسبی در سنّ صغر از برِ من به رشته جگر کشیده عوضش، خلف الصدق معنوی و نعم البدل باطنی بخشیده توقع آن است که تا قیام قیامت در مهد سلامت مصون و محفوظ داشته نافع عوام و خواص گرداند».

۱-۱-۲. امانت‌داری و استناد علمی

از ویژگی‌های انسان‌های دیندارِ راستین، امانت‌داری و حفظ نام و اعتبار بزرگان است. در یک اثر تألیفی، ذکر

منابع و مآخذ آن هم بر غنای علمی مطالب آن می‌افزاید و هم نشان از امانت‌داری نویسنده کتاب دارد که تلاش علمی دیگران را به نام خودش عرضه نکند. در مقدمه کتاب قوانین دستگیری پس از معرفی کتاب و سبب تألیف، منابع مورد استفاده مؤلف، به صورت کامل بیان شده است؛ هر چند این اثر به خاطر ارائه مطالب تحلیلی-انتقادی بسیار مفید نویسنده، بیشتر یک نگارش و انشاء به شمار می‌رود تا تألیف؛ امّا ذکر منابع آن در ابتدای نسخه و در اثنای کلام، یکی از نشانه‌های امانت‌داری و قدرشناسی نویسنده است. غلام دستگیر برای علم و عالم چنان جایگاهی والا در نظر دارد که از ابتدا تا انتهای اثرش هرگز مطلبی را بدون استناد به منبع موثق و معتبر، بیان نکرده و این موضوع برای او چنان اهمیت دارد که حتی درباره یکی از قواعد دستوری که از کتابی ناشناس بیان کرده، منبع آن را ذکر می‌کند: «این قاعده از کتاب کلان حجم که اسمش و اسم مولفش معلوم نشد، مرقوم گشته. » (دستگیر، ۱۲٦٥: ۷۳)

۲-۱-۲. ارج نهادن به علم و عالم

یکی از باورهای برخاسته از دین مبین اسلام، احترام به عالم و معلم است در قوانین دستگیری در موارد زیر مطرح گردیده است :

«پوشیده مباد که این اشکالات نظر به مثل من عامِ ناس است و نیست کلام در این. امّا مقامی که امام اهل لغات، موقف آن دارد پس آن معذور است بلکه مصیب و مشکور، زیرا که می‌بیند نزدیک هر شرر، شمس را و با هر قطره بحر را و نیز بعد ادراک سوال و جواب مرقوم الصدر، اعتراضات مذکور، مثل صریر باب است یا طنین ذباب.» (دستگیر، ۱۲٦٥: ۱٤٥)

۳-۱-۲. فروتنی و خاکساری

غلام دستگیر که به گواه منابع تاریخ ادبیات، مقام علمی بالایی داشته، در جای جای اثرش در برابر عالمان روزگار، تواضع و فروتنی خویش را نشان می‌دهد؛ او در مقدمه کتاب، خود را خاک پای علما نامیده و چنین می‌نویسد: «اما بعد، می‌گوید، خادم علمای دین و خاک پای فضلای شرع متین، غلام دستگیر ابن غلام حسین بن محمد حبیب الله - غفر الله لهم و لجمیع المسلمین و المسلمات- : در حدیث شریف آمده «إذا ماتَ المُؤمِنُ

وَ تَرَکَ وَرَقَهً واحده علیها العلم تکونُ تِلکَ الورقه یومَ القیمه ستراً بینه و بین النار و اعطاهُ اللهُ مدینةً اوسع من الدنیا سَبعَ مَرّاتٍ» اگرچه مراد از لفظ علم، علم دین است و ضوابط فارسی غیر این؛ لیکن متوقع ام که به اشتراک اسم ارحم الراحمین به رحمت خویش، معاصی من عاصی ببخشد» (دستگیر، ۱۲٦٥: ٤)

و در جای دیگر در قالب تشبیهاتی زیبا در مقابل دانشی مردان روزگار، فروتنی می‌کند: «نسبت من هیچ مدان که هنوز پَل و چفته نادانی در کف دارم با ماهران گذشته بی تأمل، نسبت بیاج کدوست در بلندی با درخت چنار یا سُهای شب بدر است با آفتاب نصف نهار.» (دستگیر، ۱۲٦٥: ٦)

همچنین نویسنده در بخش معرفی کتاب، این حاصل ریاضت و مطالعه دوازده ساله خویش را « خزف پاره های کم قیمت» می‌داند :

«از آنجا که این حقیر غلام و خادم دستگیر دارین غوث تقلین است این مختصر را به قوانین دستگیری مسمی گردانید. ای کریم بی نیاز این خزف پاره های کم قیمت را به اشترای قبول خاص و عام گران بها گردان» (دستگیر، ۱۲٦٥ :۷)

و خود را قحطزده کنعان علم و فهم می‌شمارد: «و یا غفور بنده نواز این روسیاه جهان عصیان را به روسفیدی آن جهان برسان. ای اخوان با صفا هر گاه این قحطزده کنعان علم و فهم، بضاعت مزجات به حضراتِ عزیز آورده به اخلاق یوسفی از اعطای غِلّه استغفار، جایع عصیان را شبعان فرمایند.» (دستگیر، ۱۲٦٥: ٤٩)

یکی دیگر از نشانه‌های خاکساری و فروتنی نویسنده، هنگامی روشن می‌شود که خاطر خود را با ویژگی «فاتر» یعنی کُند و دیر فهم و دیگران را ماهر و کامل می‌نامد :

« اگر توضیحش به سماعت از ماهر یا از خاطر فاتر به سرخی «اعنی» و امثله متعدد تحت بعض قواعد اگر چه تطویل لیکن برای توضیح و تقریب به فهم مبتدی یا قلت وقوع برخ ضوابط تاییداً آوردم.» (دستگیر، ۱۲٦٥: ٤٨)

همچنین خود را روایتگر نعمت فضل و دانشی می‌داند که خداوند به او عطا کرده و از هر گونه فخر فروشی

اظهار دوری می‌کند: « بیان مذکور برای اشاعت مفاخر نیست چه «بئس مثوی المتکبرین» آمده بلکه اذاعت «و اما بنعمةِ ربک فحدث» نموده» (دستگیر، ۱۲٦٥ه: ۷)

۲-۲. آموزه‌های تعلیمی و اخلاقی متن کتاب

۲-۲-۱.آموزه‌های تعلیمی

قوانین دستگیری در کنار آموزش قواعد دستور زبان فارسی، موضوعات گوناگون دیگری از جمله حروف‌شناسی، تاریخ و جغرافیا، حکمت و ... را نیز تعلیم داده و به یک دایرة المعارف گونه بدل شده است. دانش و آگاهی غلام دستگیر، منحصر به علوم ادبی نبوده است. او در زمینه حکمت، منطق و نجوم هم اطلاعات فراوانی داشته که جلوه‌هایی از آن در نوشته‌هایش دیده می‌شود. از جمله، ماهیت حروف در اصطلاح حکما و یا اصطلاحات علم منطق و ... . نویسنده به این گونه‌گونی موضوعات کتابش، در مقدمه اشاره کرده است: «و از اینهاست آگاهی بر علوم یعنی بر بعضی مسائل صرف و نحو و منطق و حکمت و فنّ انشا به آسانی در امثله و اکثر مسائل علم معانی» (دستگیر، ۱۲٦٥: ۳)

اطلاعات این نویسنده توانا درباره جغرافیا و تاریخ و مردم‌شناسی نیز قابل تحسین است. وی فصلی را به بیان اطلاق پارس بر ملک ایران و اینکه در زمان قدیم از کجا تا کجا را پارس می‌نامیده اند و تحدید و معنی عراق و تعداد زبان پارسی که هفت است و ذکر فصاحت و تفصیل آن بعد عربی بر دیگر زبانها اختصاص داده است. او ضمن بیان انواع لغت که شامل اصلی، مشترک، مولد، مختلف و معجم می‌شود، محدوده جغرافیایی سرزمین‌های عرب‌نشین را مشخص می‌کند. همچنین در جای دیگر، معنا و مصداق عراق عجم و عراق عرب را بیان می‌کند. درباره تاریخ و فرهنگ برخی از شهرها همانند سمرقند و نیشابور و اصفهان، اطلاعات بسیار خوبی ارائه داده و خواننده به صورت کامل و مفصل حدود جغرافیایی زبان فارسی و خاستگاه برخی واژه ها را فرا می‌گیرد.

در بخش دیگری از این کتاب ارزشمند، نصف قرآن و ثلث و ربع قرآن بیان و آیات آن مشخص شده است.

اطلاعات تاریخی و نسب‌شناسی نویسنده، در فصلی با موضوع مقدار عمر انبیا از حضرت آدم تا خاتم

پیامبران علیهم السلام و فاصله زمانی بین انبیا و خود را نشان می‌دهد. همچنین مطالب مربوط به تاریخ ادبیات و ذکر اولین شاعر پارسی‌گوی ایرانی و فتح ایران توسط اعراب در قرن دوم هجری، معرفی قوم بنی نائط که از شیعیان عراق بوده و به هند مهاجرت کرده‌اند، بیان شده است. علاوه بر اینها، بحثی تخصصی و مفصل در واحد وزن مثل قیراط، شعیر، مثقال و.. اعداد و معدود آنها، درباره واحد شمارش برای اشیا، حیوانات و انسان‌ها بر تنوع مطالب این کتاب و ترغیب و تشویق خواننده به مطالعه آن افزوده است.

در جای دیگری از این کتاب، درباره انواع خط از ثلث و ریحان و نسخ و توقیع و تعلیق به تفصیل سخن گفته و فرق بین آنها بیان شده است. همچنین اصول و قواعد نامه‌نگاری، املا، نوشتن کلمات و عناوین مختلف در نامه‌ها متناسب با موضوع آن بیان گردیده و برخی آداب و رسوم نامه‌نگاری مربوط به فرهنگ ایرانی انعکاس شده، همچنین الفاظ و اصطلاحات مربوط به کاتبان، تحت عنوان قبضات آمده که نشان از آشنایی دقیق نویسنده با فرهنگ ایرانی دارد.

غلام دستگیر در فصلی دیگر از کتاب خود، اسمای الهی و نام‌های پروردگار که به زبان غیر عربی اعم از فارسی، عبری و سریانی آمده از قبیل ایزد، ایل، تنکری و ... را مطرح کرده و با ارائه شواهد شعری زیبا از شاعران بزرگ فارسی زبان، چون نظامی، کلام خویش را زینت می‌بخشد. پس از آن با توجه به عبارت «السلطان ظل الله» اسامی مخصوص پادشاهان را در ممالک مختلف از قبیل «خسرو» برای ایرانیان، «تبابعه» برای اهل یمن، «رای» برای پادشاهان هندوستان و «قیصر» برای رومیان و «فغپور» برای پادشاهان چینی و ... ذکر کرده و اطلاعات بسیار مفید و ارزشمندی را در این زمینه به رشتهٔ تحریر می‌کشد.

همچنین در بخشی از کتاب، حروف شناسی و نحوه تلفظ دقیق آنها بیان شده است: «پارسی زبانان، «الف» ممدود را دو الف اعتبار می کنند بر این تقدیر در این لغات، ذال منقوط حرف سوم است نه دوم بر فرضی که آذر با ذال منقوط باشد و حال آن که اکثر پارسی زبانان به دال غیر منقوط این لغت را تصحیح کرده اند که اگر پیش از او حرف صحیح ساکن بود مهمل خوانند و اگر صحیح متحرک یا حرف علت ساکن یا متحرک بود معجم خوانند چنانچه نصیرالدین طوسی این ضابطه را به نظم آورده، قطعه:

آنان که به فارسی سخـن می رانند　　در مـوضع ذال، دال را نـنـشانـند
ماقبل وی ار سـاکنِ جز وای بود　　دال است وگر نه ذال معجم خوانند

(دستگیر، ۱۲٦۵: ۳۸٤)

غلام دستگیر برای تلفظ هر کدام از حروف الفبای فارسی و ابدال و ادغامی که در آنها صورت می‌گیرد، مثالی ارائه می‌دهد: اکثر این نمونه‌های شعری متضمن پندی اخلاقی و تربیتی نیز هست؛ «اما همزه غیر معنوی گاهی در اوائل و اواسط و اوخر کلمات می آید؛ شیخ سعدی گوید:

بدی را بدی سهل باشد جزا　　اگر مردی اَحسِن الی مَن اَسَا

(دستگیر، ۱۲٦۵: ۳۲۵)

در بحث تلفظ حرف «الف» یا همزه، بیتی از فردوسی بیان شده که دوری از فرمانروایی هوای نفس را هم متذکر می‌شود :

سراسر ببندید دست هوا　　هوا را مدارید فرمان روا

(دستگیر، ۱۲٦۵: ۳۳۱)

و در همین موضوع رباعی زیر از «بیدار رازی» آمده است که اهمیت احترام به بزرگتر را یادآور می‌شود:

خاقانیا اگر تو سخن نیک دانیا　　پندی بگویمت بشنو رایگانیا

هجوکسی مکن که به سِن مِه بود ز تو　　شاید که او پدر بود و تو ندانیا

(دستگیر، ۱۲٦۵: ۳۳٦)

در جای دیگر برای شاهد مثال کلمه «افیون» که گاهی «هپیون» تلفظ می‌شود، نمونه شعری از ناصر خسرو بیان شده که همانند دیگر اشعار او ماهیت تعلیمی دارد :

داد کن ار نام نیک خواهی ازیرا عقل تو را هزل دشمن است چو هپیون

(دستگیر، ۱۲٦۵: ۳۲۲)

و قطعه ای از ناصر خسرو به عنوان نمونه برای ابدال حرف «ت» به «د» بیان شده و یکرنگی و دوری از نفاق و دورویی را هم مد نظر دارد:

به فعل و قول زبان یک نهاد باش و مباش به دل خلاف زبان چون پشیز زراندود

مباش مادح خویش و مگوی خیره مرا که من ترنج لطیف خوشم تو بیمزه تود

(دستگیر، ۱۲٦۵: ۳٦٤)

بیت زیر هم که گوینده آن ذکر نشده، به عنوان شاهد مثال تلفظ «است» آمده که بعد از مصوت‌های بلند به صورت «ست» تلفظ می‌شود؛ اما در کنار آن ارزش ترک آز و حرص را هم بیان می‌کند:

ز اغنیا است هر که آز گذاشت چشم امید از جهان برداشت

(دستگیر، ۱۲٦۵: ۵۲٦)

در کتاب «قوانین دستگیری» بیشترین شواهد دستوری از آثار سعدی، انتخاب شده و این نکته علاوه بر این که از اعتبار و مقبولیت سعدی در شبه قاره حکایت دارد، به خاطر تعلیمی بودن ماهیت سخنان او نیز می‌باشد؛ مثلا در کاربرد فعل «باشد» به معنی «شاید» به نقل از سعدی این سخن گهربار آمده است:

«هر بدی که توانی به دشمن مرسان باشد که روزی دوست گردد.» (دستگیر، ۱۲٦۵: ۱۸)

در حالی که لفظ «باشد» در بسیاری از ابیات به معنی شاید به کار رفته که نکته تربیتی خاصی هم ندارند .

درباره معانی واژه «پس» به معنی زمان پسین، بیت زیبای سعدی را مثال زده که در ضمن به مخاطب یادآور می‌شود برای ذخیره آخرت توشه‌هایی فراهم آورد:

برگ عیشی به گور خویش فرست کس نیارد ز پس، تو پیش فرست

(دستگیر، ۱۲٦۵: ۲۵۸)

و یا در بحث کاربرد حرف «را» در معنی کسره اضافه بیت زیر آمده که مخاطب را از عیب‌جویی دیگران بر حذر می‌دارد:

چون رد و قبول همه در پردهٔ غیب است زنهار تو کس را نکنی عیب که عیب است

(دستگیر، ۱۲٦۵: ۲۵۸)

در مبحث اسم تفضیل هم بیشترین نمونه‌ها از کلام سعدی و سرشار از نکات تربیتی است:

«و گاهی اسم تفضیل بنا بر ضرورت وزن از مفضلٌ‌علیه، مؤخر می‌آید چون در این قول سعدی؛

«سگ از مردمِ مردم آزار، بِه» یعنی سگ بهتر است از مردمِ مردم آزار.» (دستگیر، ۱۲٦۵: ۲۵٤)

در بحث مربوط به معانی حرف «به» هم نمونه شعری زیبا و پندآموز از سعدی بزرگ بیان شده که دوری از شهوت را متذکر می‌شود:

که شهوت آتش است از وی بپرهیز به خود بر آتش دوزخ مکن تیز

(دستگیر، ۱۲٦۵: ٤۸۵)

همچنین در کاربرد «الا» به عنوان «تنبیه» [آگاه و متوجه ساختن متکلم] بیت زیر آمده که خردمندی و فرخنده‌خویی را مقارن ترک عیب‌جویی دانسته است:

الا ای خردمند فرخنده خوی هنرمند نشنیده ام عیب جوی (دستگیر، ۱۲٦۵: ۷۲۷)

از آنجا که نویسنده این کتاب خود، دارای قریحه شاعری بوده، گاه شاهد مثالِ مباحث دستوری را از سروده‌های خویش برگزیده است. در این گونه موارد هم اشعاری بیان شده که متضمن پندی اخلاقی هستند؛ بیت زیر نمونه تلفظ :

عدویی که اظهار عیبت کند بِه از دوستداری که اخفا کند. (دستگیر، ۱۲٦۵: ٤۸۸)

نویسنده «قوانین دستگیری» برای تفهیم برخی قواعد دستوری از زبان محاوره و گفتگوی روزمره، مثال زده و در این موارد هم موعظه‌های اخلاقی را در نظر دارد:

«گاهی مفضل علیه به جهت اختصار به قرینه عملش حذف کرده شود چنان که در این نثر«خدا بزرگتر است» یعنی بزرگتر از همه.» (دستگیر، ۱۲٦۵: ۲۰۷)

«پوشیده نماند که کنایت متفاوت می شود به حسب تعریض و تلویح و رمز و اشارت و ایما پس اگر مقصود از کنایت موصوف غیر مذکور شد آن را تعریض نامند. چنانچه در عرضه شخصی که مسلمانی را اذیت رساند بگویی مسلم کسی است که سلامت مانند مسلمانان از دست و زبان او و غرض تو نفی اسلام از آن موذی باشد.» (دستگیر، ۱۲٦۵: ۱۹۰)

در «قوانین دستگیری» از بسیاری از شاعران فارسی‌گوی ایرانی و هندی ، نمونه بیت ارائه شده که در تمامی آنها پیامی اخلاقی و تربیتی مورد توجه نویسنده بوده است :

بیت زیر از کمال اسمعیل به عنوان شاهد مثال کاربرد حرف «از» به معنی «در» ذکر شده است که توجه به درویشان دین حق را هم توصیه می کند:

دین ز درویشان طلب نز خواجگان باشکوه زانکه گوهر از صدف یابی نه از ماهیِ وال

(دستگیر، ۱۲٦۵: ۳٤۷)

و بیت زیر از حافظ به عنوان نمونه کاربرد ضمیر «ش» با فاصله از مضاف خود که باز هم احترام و توجه به درویشان را سفارش می‌کند؛

نظر کردن به درویشان منافی بزرگی نیست سلیمان با چنان حشمت، نظرها بود با مورش

(دستگیر، ۱۲٦۵: ٤۱۱)

همچنین به هنگام ارائه مثال برای کاف تعلیل، بیت زیر از بیدل دهلوی نقل شده که پیام دوری از تکبر و برتری‌طلبی را بیان می‌کند :

مکن گردن‌فرازی تا نسازد دهر پامالت که نَی آخر به جُرم سرکشیها بوریا گردد

(دستگیر، ۱۲٦۵: ٤۲٤)

بیت زیر از صائب تبریزی، شاهد مثالِ میم نهی حاضر که برای منع از کارها بر صیغهٔ امر حاضر آمده، که متضمن پیام اخلاقی دوری از بددهنی و ناسزاگویی هم هست :

دهن خویش به دشنام میالا صائب کاین زر قلب به هر کس که دهی باز دهد

(دستگیر، ۱۲٦۵: ٤٤۷)

همچنین از خاقانی، نمونه شعری زیر در مبحث انواع «ی» و به عنوان شاهد مثال «ی» زاید ذکر شده که به صبر و بردباری در برابر ناخوشی‌های زندگی را توصیه می‌کند:

به هر ناسازیی درساز و دل بر ناخوشی خوش کن که آبت زیر کاه است و کمالت زیر نقصانی

(دستگیر، ۱۲٦۵: ٤۹۲)

بیت زیر شاهد مثال حرف «را» ی تخصیص است که دوری از تکبر را تذکر می‌دهد:

تخم تکبر مفشان سینه را پشت بده صحبت دیرینه را

(دستگیر، ۱۲٦۵: ۷۱۸)

یکی از وجوه امتیاز کتاب «قوانین دستگیری» ذکر نمونه شعر از شاعران کمتر شناخته شده فارسی است،

که نشان از شناخت نویسنده از شاعران فارسی‌زبان در دوره های مختلف تاریخی دارد. مثلا از «ملافونی یزدی» ابیات زیر به عنوان شاهد مثال برای الحاق حرف «ب» به فعل منفی آمده است:

بیا زاهدا ترک سالوس کن ریا را به زنجیر محبوس کن

و گر نه مکن آشنایی به من بمفروش زهد ریایی به من

(دستگیر، ۱۲٦۵: ۳۵۸)

و یا در مبحث مربوط به حرف «که» بیت زیر از «واعظ کاشفی» ارائه شده است :

دل که پُر از وصف حیا می شود آئینه نور خدا می شود

(دستگیر، ۱۲٦۵: ٤۲٦)

و در ادامه از شاعری به نام «قتیل»

چه کنی گر شود آماده خدایی به قصاص تو که خون همه کس ریزی و پروا نکنی

(دستگیر، ۱۲٦۵: ٤۲۷)

به هنگام ارائه مثال برای معانی مختلف حرف «از» بیت زیر از «مولانا بنائی» بیان شده که موضوع دوری از کبر و غرور هم در نظر نویسنده بوده است:

ای رقیب از اعتبار خود چه می نازی به کبر عبرت از روزی که من هم اعتباری داشتم

(دستگیر، ۱۲٦۵: ۳۹۹)

برای کاربرد «چنان» در معنای «چون» هم بیت زیر از «محسن مآثر» در توصیه به خوش‌خُلقی ذکر شده:

گل چنان بی ثمریهای چمن می پوشد آن چنان عیب ترا خُلق حسن می پوشد

(دستگیر، ۱۲٦۵: ۷۲۵)

۲-۲-۲. آموزه‌های فرهنگی و فرهنگ عامه

میان فرهنگ و ادبیات در طول تاریخ پیوندی عمیق وجود داشته است. یکی از عوامل مهم آموزش و گسترش فرهنگ یک ملت به جوامع دیگر ادبیات است. در کتاب «قوانین دستگیری» موارد فراوانی از فرهنگ عامه ایران در خلال مباحث دستوری به چشم می‌خورد و خواننده این کتاب در کنار یادگیری قواعد دستوری با مقولاتی از فرهنگ عامه این سرزمین نیز آشنا می‌شود: ذکر کنایات و ضرب المثل‌های فارسی به عنوان بارزترین مقوله فرهنگ عامه در قوانین دستگیری، فراوان به چشم می‌خورد که برخی از آنها به شرح زیر است:

و «پشم در کلاه ندارد» کنایت از شخصی است که قدر و مرتبه و حالی نداشته باشد و امثال اینها بسیار آمده.(دستگیر، ۱۲٦٥: ۳۳۳)

«اول کاسه دُرد و امروز باز همان آش در کاسه و آنچه در بغداد است گرد سر خلیفه» که در ریشخند، استعمال کنند (دستگیر، ۱۲٦٥: ٥٨١)

در «قوانین دستگیری» تعدادی از ترانه‌های عامیانه فارسی نیز بیان شده که برخاسته از فرهنگ عامیانه ایران است:

مسلسل زلف بر رخ ریته دیری گل و سنبل به هم آمیته دیری

پریشان چون کری دان تار زلفان به هر تاری دلی آویته دیری

(دستگیر، ۱۲٦٥: ۷۸۰)

برخی از آیین‌های مربوط به فرهنگ ایرانیِ پیش از اسلام در قوانین دستگیری بیان شده است:

«سده، دهم بهمن ماه که در روز آبان و روز جشن مغان است و از آن روز تا آخر سال صد روز تمام و سدق معرب آن؛ شیوای طوس گوید بیت: یکی جشن کرد آن شب و باده خورد / سده نام آن جشن فرخنده کرد.» (دستگیر، ۱۲٦٥: ٥٥٩)

«نوروز، به معنی روز نو است و آن دو باشد یکی نوروز عامه و دیگری نورزو خاصه و نوروز عامه، روز اول فروردین ماه است که آمدن آفتاب به نقطه اول حمل باشد و رسیدن او به آن نقطه اول بهار است». (دستگیر، ۱۲٦۵: ۵۵۹)

همچنین برخی از مقوله‌های فرهنگ عامه در حوزه‌های رفتاری همانند بازی‌های محلی در قوانین دستگیری مطرح شده که در کمتر منبعی به آن اشاره شده است؛ از آن جمله‌اند: «نسبت من هیچ مدان که هنوز پل و چفته[۳] نادانی در کف دارم با ماهران گذشته بی تامل نسبت بیاج کدوست در بلندی با درخت چنار یا سُهای شب بدر است با آفتاب نصف نهار معهذا حسن و قبح این تالیف بعد از ملاحظه و مراجعه به رسائل فارسی که مأخذ این واقع گشته واضح خواهد شد

«جدارک و جدانک به ضم جیم تازی نام بازی که آن را «کوزه‌گردان» گویند. » (دستگیر، ۱۲٦۵: ۳۸۹)

«لهفت به ضم لام و فتح فا بر وزن و معنی لعبت است و آن صورتی که دخترکان از پارچه سازند و با آن بازی کنند .» (دستگیر، ۱۲٦۵: ۵٦۰)

«مغلاغ و مغلاج بالفتح، گوی که جوزبازان، جوز در آن اندازند و معنی ترکیبی آن گودال بازی است مغ گودال و لاغ بازی.» (دستگیر، ۱۲٦۵: ۵۳۷)

نتیجه‌گیری

تألیف کتب آموزش دستور زبان فارسی که در نتیجهٔ ارتباطات فرهنگی و زبانی میان ایران و هند، به وجود آمد در ایجاد علاقه و اقبال عمومیِ غیرفارسی زبانان به زبان فارسی و فرهنگ ایرانی، سهم فراوانی دارد. از آنجا که

[۳] - پل و چفته: دو چوب بازی مخصوص اطفال که چفته بزرگتر و «پل » کوچکتر است و نام دیگر این بازی «الک دولک » است که در اصفهان «تک » نام دارد. در تداول اهالی خراسان، این بازی را لُوچُمبَه گویند. چوب بزرگ در بازی « چالیک ». چوبی که کودکان تهرانی در بازی «الک دولک » آن را «الک » نامند. (دهخدا)

ادبیات تعلیمی، اصلی‌ترین و مهم‌ترین گونهٔ ادبی در تاریخ ادبیات ایران است، آموزش دستور زبان فارسی می‌تواند بستری مناسب، جهت طرحِ آموزه‌های اخلاقی به شیوه غیرمستقیم باشد؛ یعنی آموزش نکات تربیتی لازم در قالب قواعد دستوری، بیان گردد. این موضوع درباره آثاری که در فراسوی مرزهای ایران و برای غیرفارسی زبانان نگاشته شده، اهمیتی ویژه می‌یابد. «قوانین دستگیری» هم به جهت محتوای غنی آن که تنوع مطالبش آن را دایره‌المعارف‌گونه کرده و هم به جهت این که در خارج از ایران نگاشته شده و جایگاه زبان و ادبیات فارسی را در بین غیر فارسی زبانان تبیین می‌کند، بسیار حائز اهمیت است. برآیند تحقیق در دو بخش مقدمهٔ خودنوشت و متن کتاب که با توجه به معتبرترین منابع دستوریِ آن دوره نوشته شده، حاکی از آن است که در هر دو بخش آموزه‌های اخلاقی و نکات تربیتی مدّ نظر نویسنده بوده است. مهم‌ترین پیام اخلاقی که از هر دو بخش دریافت می‌شود، دوری از کبر و غرور و ستایش فروتنی و خاکساری است. همچنین پاسداشت حرمت علم و علما و بیان ارزش دانش‌اندوزی نیز بسیار مورد نظر نویسنده است. در این کتاب به جز قوانین دستوری، مطالبی درباره جغرافیا، تاریخ، نسب‌شناسی و تفسیر قرآن و حکمت و منطق آمده که بُعد تعلیمی آن را قوّت می‌بخشد.

منابع

- افشار، ایرج؛ (۱۳۳۳)، ***کتابشناسی دستور زبان فارسی***، تهران: فرهنگ ایران زمین.
- انوشه، حسن؛ (۱۳۸۱)، ***فرهنگ‌نامه ادب فارسی***، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- باطنی، محمد رضا؛ (۱۳۷۰)، ***نگاهی تازه به دستور زبان***، تهران: آگه.
- بوسورث، کلیفورد ادموند؛ (۱۳٤۹)، ***سلسله‌های اسلامی***، فریدون بدره‌ای(مترجم)، تهران: بنیاد فرهنگ.
- تمیم داری، احمد؛ (۱۳۷۹)، ***کتاب ایران*** (تاریخ ادب پارسی، مکتب ها، دوره ها، سبک ها و انواع ادبی) تهران: مرکز مطالعات فرهنگی و بین‌المللی.
- دستگیر، غلام؛ (۱۲٦۵)، ***قوانین دستگیری***، نسخه دست نویس موجود در مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- دهخدا، علی‌اکبر؛ (۱۳۸۵)، ***لغت‌نامه***، دوره دو جلدی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- رضی، احمد،؛ (۱۳۹۱)، ***کارکردهای تعلیمی ادبیات فارسی***، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، شماره پانزدهم،۱۳۹۱؛ صص ۱۲۰-۹۷.
- شمیسا، سیروس؛ (۱۳۷۸)، ***انواع ادبی***، چاپ ششم، تهران: فردوسی.
- صفا، ذبیح الله؛ (۱۳۷۱)، ***تاریخ ادبیات در ایران***، جلد ۵، تهران: فردوس.
- فرشیدورد، خسرو؛ (۱۳۸۲)، ***دستور مفصل امروز***، چاپ اول، تهران: سخن.
- لطافتی، رؤیا، (۱۳۸۷)، ***ادبیات، بستری مناسب برای آموزش زبان به زبان آموز ایرانی***، پژوهش های زبان های خارجی، شماره ٤٦، ۱۳۸۷، ص۱۰۱-۱۱۵.
- محمود، سیدفیاض، سید وزیرالحسن عابدی؛ (۱۳۸۰)، ***تاریخ ادبیات فارسی در شبه قاره هند***، چاپ اول، تهران: رهنمون.

مجموعه مقالات علمی نخستین همایش ملّی تحقیق و تصحیح نسخه های خطی ایران
انجمن علمی تحقیق و تصحیح نسخه های خطی ایران کد اختصاصی ISC: ۰۱۲۲۰-۷۶۳۳۳
اخبار و گزارشها | مقالات علمی | مطالعات علمی

تحلیل بن‌مایه‌های داستانی منظومهٔ خرم و زیبا (بر اساس نسخه‌های خطی موجود همراه با معرفی و ذکر اطلاعات نسخه پژوهی)

شبنم امیری[۱] نجمه دری[۲]*

چکیده

ادبیات غنایی از نظر حجم و ثقل و قدمت نخستین ساحت ادبی است و به همین نسبت، شعر غنایی بخش اعظم میراث ادبی برجای مانده از زبان فارسی است. منظومه‌های غنایی گونهٔ خاصی از اشعار غنایی هستند که از سویی به علت مضامین عاشقانه و دیگر سوی به دلیل دارابودن ساختار روایی اهمیت ویژه‌ای دارند. در ژانر خاص مورد نظر ما آثار برجای مانده بیشتر درحوزه ادبیات عامه قابل بررسی است. خرم و زیبا یکی از این نوع منظومه‌های غنایی است که در قرن دوازدهم توسط شاعری متخلص به فدایی سروده شده است. از این منظومه تعدادی نسخه خطی در دست است که با توجه به فراز و فرود داستان و حضور بن‌مایه‌های داستانی چون بی‌فرزندی، سفر از طریق دریا، پوشیدن لباس مبدل، وزیر خردمند و ... از منظومه‌های جذاب در نوع خود به شمار می‌رود. منظومهٔ خرم و زیبا نسبت به آثار مشابه خود رنگ و بوی حماسی بیشتری دارد و ابیات مربوط به شرح جنگ‌ها و نبردها و رویارویی تن به تن و توصیف ابزار آلات و ... حجم بیشتری نسبت به آثار مشابه دارد. همچنین اشاره به مکان‌ها و شخصیت‌های واقعی و ذکر اسامی خاص و عدم حضور عناصر فانتزی از جمله ویژگی‌هایی است که آن را بیشتر به صورت روایت تاریخی از یک داستان مشهور عرضه می‌کند تا یک قصه با عجایب دور از ذهن. با توجه به عواملی که در خصوص این منظومه برشمردیم در این پژوهش بن‌مایه‌های داستانی این منظومه غنایی را استخراج کرده و سپس به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و پژوهش‌های اسنادی مورد واکاوری قرار داده‌ایم و از آنجا که نسخهٔ کامل این منظومه که تصحیح علمی شده باشد در دسترس نیست، به معرفی مشخصات نسخه‌های خطی و

۱ . دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
۲ . دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). n.dorri@modares.ac.ir

ویژگی‌های فنی آن‌ها پرداخته‌ایم و سعی بر آن بوده است که معرفی جامعی از این منظومه جذاب غنایی در حوزه پژوهش‌های ادبیات عامه ایران ارائه دهیم.

کلیدواژه: منظومه غنایی، ادبیات عامه، خرم و زیبا، نسخه خطی، تصحیح متن

۱- مقدمه

منظومه‌های عامیانه از چند جهت در ادبیات فارسی دارای اهمیت است. مهم‌ترین وجه اهمیت این منظومه‌ها نشان دادن جهان‌بینی و بینش مردم است و از این طریق می‌توان بسیاری از زوایای فکری و روحیات و خلقیات و شیوه‌های زندگی نسل‌ها را باز شناخت. از گونه‌های ادبیات منظوم عامیانه، غنا و حماسه است که در تاریخ ادبیات فارسی، پیشینه‌ای طولانی و پرمایه دارند. «شعر غنایی به نوعی از شعر گفته می‌شود که احساسات، عواطف، هیجان‌ها و اندیشه‌های شخصی شاعر را بیان می‌کند. این احساسات و اندیشه‌ها می‌توانند عاشقانه، مذهبی، فلسفی یا اجتماعی باشند.» (شریفی، ۱۳۸۸: ۸۹۸). «شعر غنایی تنها بیان کنندهٔ احساسات شخصی سراینده نیست. اصطلاح غنایی به منظومه‌های داستانی عاشقانه که جنبهٔ روایی دارند و شاعر در آنها از احساسات و اندیشه-های قهرمان‌های داستان سخن می‌گوید، نیز گفته می‌شود.» (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۱۸۸). همچنین «شعر غنایی در تعریف ادبای غرب، شعری کوتاه و غیرروایی است و اگر بلند باشد به آن شعر غنایی نمایشی می‌گویند زیرا معمولا شعر وقتی طولانی می‌شود که متضمن داستانی باشد. از آنجا که در ایران هنر نمایش رواج نداشته است، ما به شعرهای بلند غنایی ادبیات فارسی، شعر غنایی داستانی می‌گوییم.» (شمیسا، ۱۳۷۸: ۱۲٤) منظومه‌های عامیانه حدّ فاصل بین ادبیات غنایی و ادبیات عامه هستند و در بین مردم به دلیل جذابیت‌های فراونشان مقبولیت بسیار دارند.

۱-۱- پیشینه تحقیق

با توجه به اینکه نسخهٔ خطی این منظومه تاکنون تصحیح نشده در باره اطلاعات نسخه خطی و تصحیح آن پژوهشی یافت نشد. اما پژوهش‌های بسیاری در زمینهٔ طبقه‌بندی بن‌مایه‌های داستانی منظومه‌های عامیانه نوشته

شده است. جعفرپور و علوی مقدم (۱۳۹۱) در مقالهٔ «ساختار بن‌مایه‌های داستانی امیر ارسلان»، ساختار بن‌مایه-های داستانی امیرارسلان را در چهار بخش بن‌مایه‌های شگفت‌انگیز، بن‌مایه‌های حماسی- عیاری، بن‌مایه‌های عاشقانه و بن‌مایه‌های دینی، بررسی کرده‌اند. دری و فقیهی (۱۳۹۲) در پژوهش خود با نام «تحلیل بن‌مایه‌های داستانی منظومه عزیز و نگار» نتایج تحقیق و تحلیل خود در بن‌مایه‌های این داستان عامیانه را روایت کرده‌اند. حاجیانی و دیگران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «بن‌مایه‌های فولکلوریک در طومارهای نقالان» با استفاده از فهرست جهانیِ طبقه‌بندی بن‌مایه‌های روایات عامه، چارچوبی فراهم کرده‌اند تا بن‌مایه‌های طومارها دسته بندی و فهرست شوند. رسمی و دیگران (۱۳۹٦) در مقالهٔ «بن‌مایه‌های داستان اصلی و کرم» به بررسی بن‌مایه‌های داستان اصلی و کرم می‌پردازند. حسینی و دیگران (۱٤۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «طبقه‌بندی و تحلیل بن‌مایه مرگ عشاق درمنظومه‌های عاشقانه فارسی» به مرگ عشاق در منظومه‌های عاشقانهٔ عامیانه می‌پردازند.

دربارهٔ منظومهٔ خرم و زیبا نیز یلمه‌ها، احمدرضا (۱۳۹۲) در کتاب «قصر بی‌قراری: بررسی و تحلیل هشت منظومهٔ غنایی ناشناخته» به معرفی و شرح اجمالی این منظومه می‌پردازد. امامی و دیگران (۱۳۹۳) در مقالهٔ «منظومهٔ خرّم و زیبا نمونه‌ای عالی از آمیختگی حماسه و غنا» به تحلیل و بررسی ویژگی‌های حماسی موجود در این منظومه عامیانه می‌پردازند. در پژوهش حاضر از تحقیقات یاد شده بهره بردیم و در عین حال با بررسی بن مایه ها و تمرکز بر واکاوی موضوعی منظومه و معرفی نسخه ، سعی کرده‌ایم مطالعه نوآوری لازم را دارا باشد.

۲- معرفی نسخه‌های خطی موجود از منظومه خرم و زیبا

«از خرم و زیبا پنج نسخه خطی در ایران وجود دارد. این نسخه‌ها عبارتند از:

۱- نسخه خطی کتابخانه دانشکده الهیات مشهد به شمارهٔ ۲۲۷۸۵ که از دست‌نوشته‌های قرن دوازدهم هجری است که به خط نستعلیق کتابت گردیده و تنها ٤۲ برگ از آن باقی مانده است.

۲- نسخه خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی به شمارهٔ ۳٤۹۰ که به خط نستعلیق شکسته کتابت گردیده و از نسخه‌های قرن سیزدهم هجری است و مشتمل بر ٤٤۸ صفحه (بدون آغاز و انجام) می‌باشد.

۳- نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان به شمارهٔ ۱۱۱ (ایضا ۵۰٦)؛ این دست‌نوشته از نسخه‌هایی است که به قلم سید میرزا بن میر سید احمد در تاریخ ۱۲٦۳ هجری قمری به خط نستعلیق کتابت گردیده و دارای

۱۶۲ برگ است.

٤- نسخه خطی کتابخانه ملی تبریز به شمارهٔ ۲۸۹٦ که به خط نستعلیق در ٤٤۲ برگ کتابت گردیده و تاریخ کتابت آن نامشخص است.

٥- نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شمارهٔ ٥۱۷٥ که دست‌نوشته‌ای است به خط نستعلیق و دارای ۲۱۳ برگ که آغاز آن افتاده است و در قرن سیزدهم هجری کتابت گردیده است.» (یلمه‌ها، ۱۳۹۲: ۱۳٥-۱۳٦)

نسخه‌ای که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است نسخهٔ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان به شمارهٔ ۱۱۱ می‌باشد که کاملترین و قدیمی‌ترین نسخهٔ موجود است.

۳- ویژگی‌های زبانی و دستوری نسخه مورد پژوهش

زبان در منظومه‌های عامیانه، با توجه به عام بودن مخاطبان بیشتر به سوی زبان محاوره میل دارد و از تکلف و تصنع فنون ادبی خالی است. در این بخش برخی از این ویژگی‌های زبانی و موارد خاص را که در این منظومه مشاهده شده است، استخراج کرده‌ایم که به آنها اشاره می‌شود:

۳-۱- افزودن الف در آخر افعال ماضی:

چه دید آن ترک شیرافکن هم آورد بجوشید از غضب گفتا به آن مرد

۳-۲- آوردن «بای» اطلاق به اول افعال به صورت جدا از فعل همراه با «ه» بیان حرکت:

به گفت این و عمود گوهرآگین بگردانید بر دور سر از کین

به گفت آن روز کین لشکر **به دیدم** امید زندگی از خود بریدم

۳-۳- استعمال «همی» به جای «می»:

همی کشت و همی انداخت از بور چه شیری کوفتد در گلهٔ گور

٤-٣- غلطهای املایی موجود در متن: در گذشته معمولا هم سرایندگان این گونه منظومه‌های عامه و هم کاتبان آن‌ها سواد بالایی نداشتند، به همین دلیل وجود غلط‌های املایی اجتناب ناپذیر است. همچنین طریقه انتقال این منظومه‌ها بیشتر به صورت شفاهی و اجرای شبه نقالی در قهوه‌خانه‌ها بود و به همین جهت وجود اغلاط املایی در صورت مکتوب آن، قابل پیش بینی به نظر می‌رسد.

خار گشتن به جای خوار گشتن در چندین بیت به چشم می‌خورد:

نمایم سیل خون بر دشت جاری ز عزت‌شان دراندازم به خاری

هم‌چنین برخواستن به جای برخاستن:

چه این بشنید از دربار برخواست برای رزم دشمن همت آراست

نوشتن «خواموش» به جای «خاموش»:

گهی بر گوشهٔ خواموش بنشست گهی از نور عشق از جای میجست

٥-٣- استفاده از فعل «هست» به جای فعل «است»:

کنون که امروز ما را فرصتی هست نباید رایگانش داد از دست

چه بردند آن پری را در سراندیب ز دشمن هست او را بیم و آسیب

۳-٦- استفاده از «به» زاید بر سر «نزد»: «به» حرف اضافه نیز به متمم چسبیده که لازم است در نسخه مصحح جدا نوشته شود.

بوصل او نیاری شب بروزی به نزد دلبرت خود را نسوزی

۳-۷- استعمال «اندر» به جای «در»:

شهان در قلب لشکر جای کردند برای کین دم اندر نای کردند

۳-۸- آوردن حرف ربط «چه» به جای «چو» که مربوط به نوع تلفظ این حرف ربط است و استفاده از آن در اطالهٔ کلام که در آثار مشابه نیز مشاده می‌شود.

چه سعد از آن جماعت مطمئن گشت ز دیگر سو فغان برخاست از دشت

چه معیار دلاور دید در جنگ که خیل مصریان را عرصه شد تنگ

چه شد روز دگر خورشید طالع زمین از پرتواش گردید لامع

گزارش داستان

در سال‌های پیشین جوانی در عراق زندگی می‌کرد با نام جوان‌بخت که پیشه‌اش تجارت بود. او صاحب فرزند نمی‌شد و شب و روز به درگاه خداوند دعا می‌کرد. در کشور عراق منجمی پیر بود که به او گفت اگر از کشور روم با زنی ازدواج کنی؛ در این سن صاحب فرزندی خواهی شد. شاه اسماعیل صفوی پس از بازگشت از روم به ایران، کنیزان رومی بسیاری را اسیر کرده و به تبریز آورده بود که در میان آن‌ها دختری از خویشان قیصر روم بود. جوانبخت در تجارتی که به ایران داشت، در قزوین از حضور اسیران خبردار شد و خود را به تبریز رسانید و با دادن مبلغی آن

دختر را خرید و به عقد خویش درآورد. خداوند در پنجاه سالگی به او فرزندی عطا کرد و او نامش را خرم گذاشت. جوانبخت نذر کرده بود اگر خداوند به او فرزندی بدهد با پای پیاده، به خانه خدا سفر کند. بدینسان راهی سفر حج شد. بعد از زیارت، چند روزی در دمشق بود. در آن‌جا زنی، همسر جوانبخت را شناخت. حکایت در شام پیچید و به گوش شاه روم رسید. شاه روم، جوانبخت را طلب کرد و از نام و نشان همسر پرسید. جوانبخت برمی‌گردد و با همسر، اوضاع را در میان می‌گذارد. کنیز، نژاد خود را بر جوانبخت آشکار نمود که جدّش از نژاد سلطان است و سلطان روم پسرعمویش است. شاه از آن‌ها می‌خواهد در کشور روم بمانند. برادرزادۀ جوانبخت، سعد نام داشت. او نیز در بارگاه قیصر روم، مشغول خدمت شد. خرّم جوانی رشید گردید و مانند پدر، پیشۀ تجارت را برگزید. در سن هجده سالگی پدر از او خواست برای کسب تجربه، عازم سفر شود. خرّم غلامی به نام محرّم داشت که بیش از بقیه غلامان، به او نزدیک بود. او این در سفر همراه خرم بود. پس از بیرون آمدن از دمشق، خرّم و محرّم، در مرغزاری به استراحت پرداختند. خرّم دختری زیبا را در خواب می‌بیند و از او نام و نشان می‌پرسد و او خود را زیبا فرزند فرخ سیر، پادشاه سراندیب معرفی می‌کند. بدین ترتیب خرّم عاشق و شیفته زیبا می‌شود. خرّم برای دیدن معشوق به سمت سراندیب راهی می‌شود. او به همراه دیگر بازرگانان سوار بر کشتی می‌شود. کشتی دچار طوفانی می‌شود و می‌شکند. پس از دو روز و دو شب، خرم به ساحلی می‌رسد که جزیره‌ای سبز و معمور است. در آن جزیره به یاد معشوق افتاده و بار دیگر خواب او را می‌بیند. خرم در جزیره، جوانی را که در دست دشمن اسیر است، نجات می‌دهد. جوان خود را محترم شاه، پادشاه اقلیم دکن معرفی می‌کند. محترم شاه، خرم را با خود به شهر دکن برده و او را سردار سپاه خود کرد. شاه هر دم بر رتبۀ او می‌افزود و او را بر دیگران، مقدّم می‌کرد. آن‌ها به او حسادت ورزیدند و طرحی ریختند تا شاه را نسبت به او بدبین کنند. خلف‌بیگ از سرهنگان دربار، به قصر خرم رفته و خنجر او را می‌دزدد، سپس وارد قصر دختر محترم شاه شده و یکی از خواجگان او را به قتل می‌رساند. شاه در بالای قصر دختر، خنجری را که به خرم داد بود پیدا می‌کند و دستور می‌دهد سر خرم را از تنش جدا کنند. اما وزیر خردمند او، آصف، او را از این تصمیم منصرف می‌کند و از او می‌خواهد خرم را به زندان بیندازد تا موضوع روشن شود. بدین ترتیب خرم به زندان می‌افتد. قیصر روم که از ماجرا آگاهی می‌یابد، فردی به نام معیار را به جستجوی خرم می‌فرستد. معیار پس از جستجوهای فراوان، متوجه می‌شود که خرم در سرزمین دکن، زندانی است. معیار به روم برمی‌گردد تا ماجرا را برای قیصر بازگوید. از آن سوی نیز محرم، وارد شهر دکن شده و نزد خلف بیگ می‌رود و پس از نشان دادن قابلیت‌های خود، محرم اسرار او می‌گردد. سرانجام محرم، زندانبان شد و خلف‌بیگ داروغه را در رفتن به زندان ملازمت کرد. در

آنجا خرم را دید و در وقتی مناسب به سراغ او رفت. محرم ساز و برگ سفر را فراهم می‌کند و در شب تیره، خرم را از زندان نجات می‌دهد. آن دو همدم، از شهر بیرون رفته و پس از طی سه شبانه‌روز، در شب چهارم در کنار برجی به استراحت می‌پردازند. خرم در اطراف برج، متوجه گلیمی پیچیده می‌شود و پس از باز کردن آن دختری را می‌بیند. این دختر همان زیباست که او در خواب دیده است. زیبا پسرخاله‌ای به نام شمایل شاه داشت که در گوشه‌ای از سرزمین هند حاکم بود و از هواخواهان زیبا بود. شمایل شاه پس از آگاهی از غیبت زیبا، جمعی از دلیران هندی را آماده کرد تا به جستجوی زیبا بروند. زیبا چون از جستجوی پسرخاله‌اش آگاه شد سعی می‌کرد موضوع را از خرم پنهان کند. ولی آنگاه که خرم از موضوع آگاهی یافت، از او خواست که همراهش به ایران برود. زیبا، لباس مردانه‌ای می‌پوشد و همراه خرم و محرم، راهی ایران می‌شوند. آن‌ها در راه، بارها با سپاهیان شمایل شاه می‌جنگند و در یکی از این جنگ‌ها خرم زخمی شده و از معرکه می‌گریزد و زیبا و محرم اسیر می‌شوند. از طرف قیصر روم، سپاه عظیمی به سرکردگی سعد و معیار، برای کمک به خرم فرستاده می‌شود. معیار با ترفندهای گوناگون، زیبا و محرم را فراری می‌دهد. زیبا به سراندیب برمی‌گردد و خرم نیز به سراغ محترم شاه می‌رود و از او برای جنگ با شمایل شاه کمک می‌طلبد. بدین ترتیب جنگ بزرگی بین خرم و شمایل شاه صورت می‌گیرد. سرانجام خرم، شمایل شاه را اسیر می‌کند و به زیبا می‌سپارد تا آن‌گونه که می‌خواهد با او رفتار کند و از کشته شدن پسرخاله‌اش غمگین نشود. خرم پس از جنگ به سراندیب برگشته و به همراه محترم شاه و سرداران، به خواستگاری زیبا می‌رود و زیبا را به عقد خود درمی‌آورد. زیبا در حضور شاهان هند، شمایل شاه را بر مسند می‌نشاند و خود همراه خرم، برای ملاقات پدر و مادر، راهی شام می‌شود.

٤- عناصر داستان

از پنج عنصر اصلی داستانی درونمایه و زاویه دید مربوط به تکنیک داستان نویسی است و در روایت شناسی نیز کابرد بسیار دارد. در منظومه های عامیانه از آنجا که زاویه دید اغلب دانای کل است؛ ما یا حضور شخصیتی درون یا برون متن به نام راوی سر و کار داریم که داستان اصلی و یا داستانهای درونه ای را از زبان خودش و یا از زبان شخصیتهای داستان برای ما تعریف می‌کند. همین امر موجب می‌شود روایات اول شخص بیشتر به صورت واگویه‌ها و دعاها و مناجات‌ها و یا دلسروده‌ها و ناله‌ها در خلال داستان روایت شود و اگر در بخش حماسی قرار گیرد به صورت رجزها و مناظرات قهرمانی و اغلب با توصیفات بسیار و مبالغه همراه باشد. بر همین اساس در این پژوهش تاکید

بیشتر ما بر تحلیل بن‌مایه ها بوده است که تم اصلی و درونمایه منظومه را شکل می‌دهند و از عناصر اصلی نیز در این بخش به بررسی سه عنصر شخصیت، زمان و مکان خواهیم پرداخت.

۱-٤- شخصیت‌های داستان

این منظومه طولانی شخصیتهای فرعی بسیار دارد با نامهای مختلف که به عنوان شاهان یا پهلوانان ایرانی یا غیر ایرانی و یا همراهان و ویزران و ... در صحنه‌ها حاضر می‌شوند و اغلب نقش چندان پررنگی هم ندارند و گاه بعد از ایفای نقش کوتاهی در جنگ با وجود رجزخوانی هایی که دارند و توصیفاتی که شاعر در بیان قدرت و شجاعت آنها آورده است، به زودی کشته می‌شوند و از سیر حوادث داستان حذف می‌شوند. بر همین اساس در این بخش در کنار شخصیتهای اصلی یعنی خرم و زیبا ، بیشتر از شخصیت‌هایی نام خواهیم برد که کنش‌های آن‌ها در روند داستان تغییری ایجاد کرده است.

خرم: شخصیت و قهرمان اصلی داستان که پسر جوانبخت و مادری اهل روم است. در خواب عاشق زیبا می‌شود و برای رسیدن به معشوق مرارت‌های بسیاری را تحمل می‌کند.

زیبا: دختر پادشاه سراندیب و جانشین پدر بعد از مرگ او است. زیبا نیز در خواب عاشق خرم شده و برای وصال به او از تاج و تخت پادشاهی خود می‌گذرد.

نیکوبخت: پدر خرّم که تاجری بزرگ بود و تا اواخر عمر در آرزوی فرزند به سر می‌برد.

محرم: نزدیک‌ترین غلام خرّم که در سختی‌ها و مشکلات یار و یاور او بود و در چندین صحنه از داستان او را نجات می‌دهد.

شمایل شاه: پسر خالهٔ زیبا و رقیب عشقی خرّم است که بعد از ترک وطن زیبا، به جای او بر تخت پادشاهی می‌نشیند.

قیصر: پادشاه روم که پسرعموی مادرِ خرّم است.

سعد: پسرعموی خرّم که برای کمک به او از روم راهی هند شده است و دلاوری‌های بسیاری از خود نشان می‌دهد.

معیار: یکی از عیّاران دربار پادشاه روم که او را برای خبرگرفتن از اوضاع خرم به سوی هند راهی می‌کنند.

شاه اسماعیل صفوی: از این پادشاه فقط یک بار در ابتدای داستان نام برده شده است. او در یکی از جنگ-هایش چند تن از اسیران رومی را با خود به ایران آورده و مادر خرّم یکی از این اسیران است.

محترم شاه: پادشاه دکن که در اوایل داستان خرّم جان او را نجات می‌دهد و به این ترتیب او شیفته خرّم می‌شود و او را یکی از سرداران سپاه خود می‌کند.

ملک‌شاه: شاه بنگاله که دختر خودش را به عقد محترم شاه درآورده است و در جنگ‌های بین خرّم و شمایل شاه با سپاهیانش به کمک خرّم می‌رود.

آصف: وزیر خردمند محترم شاه که در چندین جای داستان جان خرّم را نجات می‌دهد.

هوشنگ: یکی از سربازان سپاه سعد که مورد اعتماد و مشورت او بود و در زمان بیماری و مسمویت سعد رهبری سپاه را به عهده داشت.

تهمتن خان: از سرداران مؤثر در سپاه شمایل‌شاه که رشادت‌های فراوانی برای شمایل‌شاه از خود نشان می-دهد.

شیربازو: یکی از امیران سپاه شمایل‌شاه که بر لشکر خرّم شبیخون زد. در این شبیخون خرم زخمی شد و از معرکه خارج شد و محرم و زیبا توسط شیربازو اسیر شدند.

همانطور که مشاهده شد نام شخصیت‌های اصلی داستان ایرانی هستند. این موضوع اصالت و انتساب این قصه به ایران را نشان می‌دهد. وجود این نام‌ها به خصوص نام پادشاهان تاریخی؛ داستان و حوادث آن را شبیه به یک روایت تاریخی نشان می‌دهد و وجود اسامی ایرانی مثل هوشنگ و تهمتن فضای داستان را بیشتر حماسی می‌کند.

۲-٤- مکان‌های داستان

همانند نام شخصیت‌ها مکان‌ها نیز در این داستان متنوع و دور از هم هستند. در فضاهای جنگی و حماسی داستان شخصیت‌های لشکر دو جناح از شهرها و کشورهای مختلفی گرد هم آمده‌اند. از جمله کابلی، مصری، زنگی، افغان، هندی، رومی، ایرانی و ... . در ادامه از مکان‌های اصلی داستان صحبت خواهیم کرد. پدر خرم اهل **خراسان** و **نیشابور** است و بعد از ترک وطن در **عراق** زندگی می‌کند و برای تجارت به شهرهای ایران مثل **اصفهان** و **قزوین** سفر می‌کند. بعد از ازدواج راهی **مکه**، **دمشق**، **شام** و **روم** می‌شود. خرّم نیز عازم سفر می‌شود و به شهرهای مختلفی از جمله **حیدرآباد**، **دکن**، **بنگاله**، **سراندیب** و.... سفر می‌کند. به نظر می‌رسد «انتخاب شهرهای هند، به دلیل اقامت سراینده در آن سرزمین‌ها است.» (یلمه‌ها، ۱۳۹۲: ۱٤٦) در گذشته در حوزهٔ ایران فرهنگی بزرگ سفرهای زیادی به شام، روم، هند و چین می‌شده است و معمولا جنگ‌هایی بین آن‌ها با ایران صورت می‌گرفته است. در بسیاری از داستان‌ها شاه یا شاهزاده، عاشق دخترانی از این سرزمین‌ها می‌شده و راهی سفر می‌شدند. این سرزمین‌ها هم بواسطه دوری و هم تفاوتهای فرهنگی و نژادی، معمولا مناطق اسرارآمیزی برای مردم فارسی زبان ایران بوده و برای انتساب داستانها مکان مناسبی بوده است. در این داستان برخی از مکان‌ها واقعی هستند مثل خراسان و نیشابور و... و برخی دیگر از نوع همان مکان‌های داستانی هستند.

۳-٤- زمان

معمولا بیشتر قصه‌ها و افسانه‌های عامیانه با عبارت «روزی روزگاری» و یا «در زمانهای دور» و مانند این شروع می‌شوند و این موضوع دلیلی بر زمان‌مند نبودن داستان‌ها است که باعث هیجان و جذابیت داستان می‌شود و مردم در هر زمانی که داستان را بخوانند با آن همزادپنداری می‌کنند. از طرف دیگر اسامی خاص افراد دخیل در داستان مثلا پادشاهان یا وزرا و حکما و ... که مربوط به دوران تاریخی خاصی هستند، باورپذیری داستان را بیشتر می‌کنند و باعث می‌شود ذهن حقیقت جوی شنونده و خواننده راحتتر اقناع شود. زمان این داستان همانطور که در ابتدا اشاره شده است، با توجه به ذکر نام مستقیم پادشاه، مربوط به دوران شاه اسماعیل صفوی یعنی قرن دهم هجری می‌باشد.

۵- مهم‌ترین بن‌مایه‌های داستان

بن‌مایه یا موتیو (motive/motif) همان مضامین تکرارشونده است که در قالب کهن الگوها در داستان تداوم و تکامل می‌یابد. در واقع عنصر اصلی سازنده داستان تکرار همین مضامین و نقش‌مایه‌هاست.» (داد، سیما، ذیل بن مایه). فتوحی، بن‌مایه را اینگونه تعریف می‌کند: «بنمایه عبارت است از هر عنصر تکرار شونده در اثر ادبی که حساسیت آفرین باشد.» (فتوحی، ۱۳۹۱ : ۳۳۶) او در ادامه در مورد عنصر تکرارشونده توضیح می‌دهد و می‌گوید که این عنصر به دو مفهوم اطلاق می شود: یکی، به ایده مرکزی یک اثر و دیگری، به ترکیبی از عناصر زبانی که در یک متن تکرار می شوند و برجستگی می یابند. مثل غنیمت شتمردن وقت که بن‌مایهٔ بسیاری از آثار غنایی مانند اشعار خیام می باشد، یا دریا در آثار مولوی یا مرگ که در شعر «صدای پای آب» سهراب سپهری، مدام تکرار می‌شود. (همان: ۳۳۶)

«بن‌مایه‌ها را به دلیل تعدد و تنوعی که دارند می‌توان به عناوین اصلی مانند اشخاص، حوادث، مفاهیم، مکان‌ها و ... تقسیم کرد.» (پارسانسب، ۱۳۸۸: ۲۳) برخی از مهم‌ترین بن‌مایه‌های داستان خرم و زیبا به ترتیب حضورشان در داستان عبارتند از:

۱-۵- بی‌فرزندی: این بن‌مایه نقطهٔ آغاز اغلب افسانه‌ها و داستان‌های عامیانه است. در این داستان‌ها معمولا پادشاه یا شخصی که صاحب فرزند نمی‌شود، از طریق دعا، جادو و یا عناصر فانتزی بچه‌دار می‌شود. این روند، یعنی پدید آمدن فرزند بواسطه دعا و نذر و نیاز یا پیشگویی و استفاده از عناصر فانتزی بر محبوبیت او می‌افزاید و ظرفیت قهرمانان برای پذیرش صفات و ویژگی‌های برجستهٔ داستانی که لازمه جذابیت در سیر حوادث است بیشتر در آنها وجود خواهد داشت. در داستان خرم و زیبا نیز داستان با بی‌فرزندی پدرِ خرم و ناراحتی او از این بابت شروع می‌شود اما سرانجام دعاهای او مستجاب می‌شود و زمانی که به سن پیری رسیده صاحب فرزندی می‌شود:

عطار و کاتب سر رشته دارش — ز مهر و ماه و سنگ در کنارش
مدام از شرب و عشرت بر سبویش — نبودی در جهان هیچ آرزویش
به خاطر لیک ازین رو داشت باری — که در عالم نبودش هیچ کاری

ازین رو متصل غمناک می‌بود جبین خود بروی خاک میسود
چه قدش از نگاهت چون کمان شد اجابت تیر آهش را نشان شد

۲-۵- پیشگویی: یکی از بن‌مایه‌هایی که در داستان‌های عامیانه به چشم می‌خورد پیشگویی حوادث آینده است. «شاید بتـوان پیشینة پیشگویی را به زماني برگرداند که بشر شروع به شناخت خود کرده است؛ چرا که آدمي همواره نگران آینده خود بوده و این نگراني سبب شده تا عواملي را بررسد که رهانندة او از چنگال آشفتگي گردد.» (دری و قائدزاده، ۱۳۹۳: ٤٨) در متون حماسی اغلب پیش گویی ها نقش مهمی در سیر حوادث برعهده دارند چنانکه در داستان رستم و اسفندیار و یا رستم و سهراب می بینیم پیشگویی‌ها روند داستان را تحت تاثیر قرار می‌دهند. در این داستان پیشگویی فرزنددار شدن پدر خرم به واسطهٔ ازدواج با دختر رومی مشاهده می‌شود که توسط منجم پیری انجام می‌شود.

در آن کشور منجم بود پیری ز احکام ریاضی بی نظیری
به نزد پیر آمد مرد تاجر برو احوال خود را کرد ظاهر
چه پیر آورد اسطرلاب در پیش دلش از طالع او یافت تشویش
بگفت از طالعت گردید معلوم که گر خواهی زنی از کشور روم
ازان زن بخشدت لطف خداوند درین پیرانه سر فرزانه فرزند
به هجده سالگی لیک آن یگانه فتد نوریش بر سر از زمانه
وطن بگذارد و در غربت افتد بدام صد و بال و محنت افتد

۳-۵- خواب و رویا (آغاز عشق): «عنصر مهم و کلیدی داستان‌ها خواب است که اغلب نقش پیش‌گویانه هم دارند. ... خواب‌ها در آغاز قصه‌های عاشقانه وسیلهٔ آشنایی عشاق است.» (ذوالفقاری، ۱۳۹۷: ٤٩). آغاز عشق به دلیل دیدن چهره معشوق در خواب و رویا معمولا نقطه عطف بسیاری از داستان‌های غنایی در ادب عامه و رسمی است و نمونه‌های آن در داستان‌های هزار و یکشب نیز بسیار است. در این داستان هم زیبا و هم خرم در خواب عاشق یکدیگر می‌شوند:

چنان در خواب دید از بخت بیدار — بتی مه‌پیکری خورشید رخسار
بدستش دست خرم بود و از مهر — بدو میگفت آن ماه پری‌چهر
که ای خسرو روش یوسف حمایل — بطاق ابرویت محراب مایل
بود عهدی که محوم بر جمالت — ولی ناچار سازم با خیالت
شبی شد ذرّه پرور آفتابت — بسالی پیش از این دیدم بخوابت
از آن شب اخترم تاریک گشته — ز هجرت رشته‌ام باریک گشته
چه خرّم حرف مهرانگیز بشنید — چه اشک خونش بر خاک غلطید

٤-٥- سفر و ترک وطن: در این داستان چندین بار این بن‌مایه تکرار می‌شود. بار اول آنجاکه جوانبخت (پدر خرم) ترک وطن می‌کند. بار دیگر خرم برای دیدن زیبا ترک وطن می‌گوید و از راه دریا به سوی سراندیب راهی می‌شود. سفر به خصوص از طریق دریا و مشکلات و خطرات همراه آن همواره یکی از بن‌مایه‌های داستان‌های عامیانه به شمار می‌رود. سعد نیز برای یاری رساندن به خرم از سرزمین خود خارج می‌شود . به سوی سراندیب راه می‌افتد.

به دریا کشتی بختش چه بشکست — به تخته پارهٔ زد دست و بنشست
در آن دریا ز جور چرخ دوّاب — به کار خویش سرگردان چه گرداب
خلیل آسا گهی بر اوج می‌رفت — طراز منجنیق موج می‌رفت
گهی یونس صفت در قعر دریا — به جای لؤلؤ و در داشت مأوا
میان آب آن دلداده بر باد — چه آتش گرم بانگ آه و فریاد
ز بخت تیرهٔ خود دیده پر خون — فراز موج همچون بید مجنون
دو روز و شب در آن دریای پر موج — حضیضش گاه منزل بود و گه اوج
سیم روز اخترش بنمود یاری — و زان دریا رساندش بر کناری
صحیح آمد برون از آب چون در — بساحل رخت خویش افکند چون

در انتهای داستان نیز خرم در خواب پدرش را می‌بیند که از او می‌خواهد به وطن برگردد. بعد از بیدار شدن از

خواب، از دوری پدرش در دلش غم بزرگی پدیدار می‌شود. این موضوع را با زیبا درمیان می‌گذارد. زیبا با خرم موافقت می‌کند و او را از غم رهایی می‌بخشد. در ادامه زیبا شهر و کشور خود را برای دیدن پدر و مادر خرم ترک می‌کند و به همراه یاران و همراهانشان پس از واگذاری تاج و تخت به شمایل‌شاه از سراندیب خارج می‌شوند:

برون آمد حرم بانوی خرگاه — شهان هند را بنمود آگاه
شمایل شاه را پس خواند در پیش — نشاند او را به تخت و مسند خویش
چه او را داد جا بر تخت شاهی — ز خسرو کرد بی‌حد عذرخوهی

۵-۵- وزیر خردمند: در منظومه خرم و زیبا همانند اغلب داستان‌های عامیانه وزیری خردمند و نیک‌اندیش وجود دارد که گره‌ای از داستان باز می‌کند. در این داستان، آصف وزیر خردمند محترم شاه است که در زمان توطئه درباریان و نزدیکان محترم‌شاه علیه خرم، پادشاه را از آن کار منع کرده و جان خرم را نجات می‌دهد. این حوادث قبل از ملاقات خرم و زیبا رخ می‌دهد. گفتنی است نام آصف از آنجا که یادآور داستان حضرت سلیمان و آصف برخیاست در اینجا نیز تاکیدی بر نقش مثبت این وزیر خردمند است.

به خدمت ایستاده بود آصف — ز حرف قتل خرّم گشت واقف
بسی گردید احوالش مشوش — به جانش زین سخن افتاد آتش
برای التماس افتاد بر خاک — بگفت ای طینتت از ظنّ بد پاک
مرا رازی ز دل باشد ز خرّم — که جانت را برون آرد ازین غم
بدان ای شاه ملک کامرانی — که خرّم عشق می‌ورزد نهانی
برای دختر فرخ سیر شاه — بجر من نیست از عشقش کس آگاه
بچندی پیش از اینش دیده در خواب — دلش از شوق روی اوست بیتاب
ز بس با ان پری دارد محبّت — بخوبان جهانش نیست الفت
به غیر از دختر فرخ سیر شاه — نخواهد هیچکس گر هم بود ماه
تو خود دانی که سرداران لشکر — به خرّم دشمنی دارند یکسر
یقین ز ایشان بود این مکر و حیله — که خرّم کشته گردد زین وسیله

ز یار و دشمن خود بر خبر باش ز خون بی‌گناهان بر حذر باش
ترا جانی ز نو داد آن جوان مرد نشاید بد سزای نیکوئی کرد
تفحص کن نخستین ماجرا را چه شد تحقیق امر قتل فرما

٦-٥- اولین ملاقات عاشق و معشوق: اولین باری که خرّم و زیبا یکدیگر را ملاقات می‌کنند، زمانی است که خرم به شهر سراندیب رسیده و با محرم در پای برجی استراحت می‌کنند، در آنجا دختری پیچیده شده در گلیم می‌بینند که همان زیبا می‌باشد. این بنمایه نیز به صورت دختر کشته شده و در صندوقچه نهاده و یا در گلیم و پارچه پیچیده شده در داستانهای مشابه و از جمله هزار و یکشب دیده می‌شود که اغلب توسط حسودان و یا خشم پدر و ... به این روز افتاده و توسط قهرمان نجات پیدا می‌کند.

به پای برج چون نزدیک گردید به خون غلطیده بی جان پیکری دید
ز جا برخاست محرم هیمه اندوخت ز آه گرم خویش آتش برافروخت
ز جا برداشت آن را با گلیمش بزودی باز آمد در حریمش
به محرم گفت آتش ساز روشن که تا گردد عیان این راز بر من
گلیم کهنه را خرم چه وا کرد به چشمش خون به جای اشک جا
به خون غلطیده زیبا دختری دید شفق آلوده رخشان اختری دید

٧-٥- لباس مبدل پوشیدن: عیاران و قهرمانان قصه‌های عامیانه برای اجرای مقاصد خود تغییر شکل می‌دهند. این بن‌مایه فراوان در داستان‌های هزار و یک شب و داستان‌های عامه با زمینهٔ عیاری مثل داستان سمک عیار مشاهده می‌شود. در این داستان نیز زیبا برای خارج شدن از شهر خود به همراه خرم، لباس مردانه می‌پوشد و تغییر شکل می‌دهد:

روایت می‌کند فرخنده راوی که چون شد رایشان باهم مساوی
به رفتن چون درست گردید تدبیر فرستادند محرم را بر پیر
سه دست اسباب شاهی با دو مرکب فرستاد از برای سیم غبغب

به مغرب چون نهان گردید خورشید پری رخ جامهٔ مردانه پوشید

۸-۵- نامه‌نگاری: مهم‌ترین وسیله ارتباطی عشاق در داستان‌های عامیانه، نامه‌نگاری است به خصوص زمانی که فاصله‌ای میان عاشق و معشوق وجود داشته باشد. این نامه‌ها فرصتی در اختیار شاعر قرار می‌دهد تا مضامین عاشقانه بسراید. در داستان خرّم و زیبا نیز گاهی با دور افتادن خرم و زیبا از یکدیگر، نامه‌هایی با محتوای شکایت از بی‌وفایی، آرزوی وصال، وصف گذشته‌ها و دعا بین آن‌ها رد و بدل می‌شود. همچنین عرصه نامه نگاری فضایی در اختیار شاعر قرار می‌دهد تا انواع قالبعای ادبی نظیر غزل، قطعه دوبیتی و یا رباعی را نیز در خلال اشعار خود بگنجاند.

به عنوان مثال نامه نوشتن خرم به زیبا و دادن آن به باد صبا:

سوی باد صبا بنمود رو را به نزد یار قاصد ساخت او را
بگفت ای عاشقان را نامه آور به من رحمی که بسیارم مکدّر
به گفت ای عاشقان را محرم راز به ناکامی مهجوران سبب ساز
بیا ای داغ بلبل از تو تازه بیا ای چهره گل از تو غازه
نسیمت سرمه سای چشم بلبل شمیمت عطرسای سنبل و گل
بیا ای مایهٔ آرام عاشق که هم پیکی و هم پیغام عاشق

و در جای دیگر:

امیر کشور زیبایی و ناز بلای جان عاشق شوخ طناز
پیامی دارم از آشفته کاری سیه روزی پریشان روزگاری
اسیری دل به بند دل ربایی غریبی بی تو با درد آشنایی
نیاید بر زبانش غیر نامت رسانیده بدربان این پیامت
که تا کی سوزم از داغ جدایی بس است ای بی‌مروت بی‌وفایی

نمانده بیش از این بر دل قرارم چه گیسویت پریشان روزگارم

و نامه نوشتن زیبا به خرم و اظهار گله و شکایت:

به سوی عاشقی از وصل ناکام چنین بنوشت معشوق دلارام
که ای پیمان شکن دل داده بر باد که ما را کرده یکبارگی یاد
پسندیدی مرا در بند دشمن بر آن درد و حمیّت باد احسن
تو رفتی و مرا برجاست افسوس نویسد خسروم بی‌ننگ و ناموس
مرا در عشق خود بد نام کردی چنینم خوار و دشمن کام کردی
مرا بگذاشتی گشتی فراری زهی بی‌دردی و بی‌ننگ و عاری
مرا انداختی در چنگ دشمن کشیدی پای از عشقم بدامن
نداری لیک تقصیری درین باب دلت خورد است در جای دیگر آب
دل سپرده‌ات را باز بردی به دلدار دگر آن را سپردی

۹-۵- تعقیب و گریز: در جای جای داستان شاهد این بن‌مایه هستیم. این بن‌مایه با تعلیقی که ایجاد می‌کند به هیجان و جذابیت داستان می‌افزاید و فضا را بیشتر حماسی نشان می‌دهد تا روحیهٔ قهرمان طلبی مخاطبان را ارضا کند. به عنوان مثال زمانی که سعد در اثر خوردن سم، مسموم شده و سپاهیانش از شمایل‌شاه شکست می‌خورند، او به همراه هوشنگ از میدان جنگ می‌گریزد و شمایل و سپاهش به دنبال آن‌ها می‌روند:

چه شد روز دگر خور ذرّه پرور برون آورد شاه از قلعه لشکر
فکند از کوه بر هامون عنان را تعاقب کرد خیل رومیان را
سری پر خشم و جانی کینه اندوز رسانید آن جماعت را سیم روز
چه هوشنگ دلاور گشت آگاه که باز از پی رسیدش خیل بدخواه
نبودش چاره‌ای چون غیر پیکار فرود آورد لشکر را به ناچار

۱۰-۵- ملاقات با پیر: این بن‌مایه در بسیاری از داستان‌های عامیانه تکرار شده است. خرم بعد از شبیخون دشمن زخمی شده و اسبش او را از معرکه خارج می‌کند. بعد از گذشتن چند روز و التیام زخم‌هاش به غاری می‌رسد که پیری در آن زندگی می‌کند. در آن‌جا به راز گفتن با پیر می‌پردازد و شرح ماوقع خود را برای او بازگو می‌کند. این پیر در ادامه زبان مرغان را به او آموزش می‌دهد که این بخش نیز یادآور داستان قرآنی حضرت سلیمان و منطق الطیر سلیمانی است.

سخن پرداز این دیباچهٔ راز — چنین کرد از نیاز عشق آغاز
که خرم گشت چون چندی به پیدا — به راهش کوهساری شد هویدا
در آن بنموده جا پیری موافق — در آن ظلمت بعینه صبح صادق
دلش گنجینه اسرار فیّاض — بنام آن پاک طینت شیخ مرتاض
چه خرم دید پیر پاک گوهر — فرود آورد پیشش از ادب سر
نمودش پرسش احوال آن پیر — سراپا شرح حالش کرد تقریر
بیان فرمود نزد پیر آگاه — هم از جنگ و شکست و عشق آن ماه

۱۱-۵- اعمال خارق عادت: یکی از این اعمال خارق عادت در داستان این است که خرم زبان مرغان را می-آموزد. بعد از شکست خرم از سپاه شمایل‌شاه، در حالی که زخمی شده است، اسبش او را از معرکه دور می‌کند و جستجوی سپاهیان شمایل‌شاه برای یافتن خرم بی‌نتیجه می‌ماند. مدتی بعد به غاری در کوهی می‌رسد و در غار با شیخ مرتاضی رو به رو می‌شود که به او زبان مرغان را آموزش می‌دهد که در ادامه داستان تاثیرگذار است و جان محترم شاه را با این توانایی نجات می‌دهد. این درونمایه که در بسیاری قصه ها و حکایات عامه یا کلاسیک فارسی آمده است همواره از جذابیت زیاد برخوردار بوده است و با توجه به سخنگو بودن مرغانی چون طوطی و ... از ابتدا به ذهن انسانها متبادر شده و منشأ پیدایش این بنمایه داستانی بوده است.

جوابش داد آن پیر ستوده — که ای در هر نیک و بد آزموده
بسی چون کردهٔ خدمتگزاری — ز من البته خواهی یادگاری
مرا چون کردهٔ بسیار خدمت — گشایم بر دلت بابی ز رحمت

باندک وفت اندر کار استاد — زبان مرغ‌ها تعلیم او داد

نبرد با حیوانات: در بسیاری از داستان‌های عامیانه، قهرمان داستان باید با دیو یا اژدها یا دیگر حیوانات مهیب بجنگد و آن‌ها را شکست بدهد. در این داستان ماجرای بریدن گیسوی دختر ملک‌شاه که مارهایی کشنده هستند، از حوادث خارق عادت است. به دلیل اینکه دختر ملک شاه موهای کوتاهی داشته است، دایهٔ او به جای موهای بلند، مارهای بر سر او می‌پروراند که در شب ازدواج او با محترم‌شاه، به قصد جان محترم شاه بر گردنش می‌پیچد. خرم که قبلا زبان مرغان را آموخته بود از طریق گفتگوی دو مرغ از این راز آگاه می‌گردد و با کشتن مارها محترم‌شاه را از مرگ نجات می‌دهد.

چه زلف آن سمنبر بود کوتاه — کدورت داشت دایم دایه زین راه
چه از کوتاهیش دل بود ناشاد — به افعی گیسوانش ترتیب داد
وزان تدبیر زلفش را رسا کرد — ولیکن بخت او را نارسا کرد
کنون نتوان به تنگ ماه خفتن — که زلف سرکشش پیچد به گردن
هزار افسوس از این ملک و ازین مال — که امشب می‌شود البته پامال
چه خوابد شاه گلرخ را پهلو — بپیچد گیسوش بر گردن او
گلوگیرش کند ندهد امانش — شود بگسسته ربط جسم و جانش
کند هرکس به کشف راز جرأت — فتد یکباره اعضایش ز قوت
ز پا افتد به حال ناتوانی — نیاید بهرهٔ از زندگانی
به بستر چند روز آرام گیرد — به روز چارم و پنجم بمیرد
چه بر خرم بیان این راز کردند — ز جای خویشتن پرواز کردند

و در ادامه:

چه آمد این نوا بر گوش خرم — فغان برداشت از بس محنت و غم
کف خود را به کف می‌سود از افسوس — ز دارای دکن گردید مأیوس

ولی آخر نماندش تاب در دل — بلااندیشه شد در حجله داخل
چه داخل شد در آن قصر زر اندود — ملک را دید پای بر پای می‌سود
نموده زلف دلدارش گلوگیر — مگر روحش نمود آهنگ شبگیر
برنگ افعی پیچیده بر هم — به حلقوم شهش تابیده بر هم
چه زینسان دید خرم گشت .... — به تندی دست زد بر زلف دلبر
بدست آورد آن گیسوی سرکش — ز قوت داد بسیارش کشاکش
نه دارای دکن را چاره گردید — نه هم زنجیر زلفش پاره گردید
چه شد ناچار تیغ آورد بیرون — به گیسوی سمنبر زد شبیخون
چه گیسویش به خنجر پاره بنمود — در ان هنگامه خسرو چشم بگشود

۱۲-۵- کهن الگوی آزمون: یکی از بن‌مایه‌های مهم در داستان‌های عامیانه، آزمون یا آزمایش (عاشق یا معشوق یا خواستگاران و مدعیان)است. قهرمان در داستان‌های عامیانه از راه‌هایی مانند برآورد توان رزمی و جنگی، سوالات علمی و مناظره آزموده می‌شوند. این بن‌مایه به صورت کهن‌الگویی در ادبیات فارسی وجود دارد. «گذر سیاوش از آتش در شاهنامه آزمایش پاکدامنی اوست. خسرو در منظومهٔ خسرو و شیرین، برای آزمودن میزان عشق فرهاد ابتدا با او مناظره می‌کند، سپس او را به بیستون می‌فرستد که فرهاد از هر دو آزمون موفق به درمی‌آید.» (ذوالفقاری، ۱۳۹۷: ٤٣) بانو گشسب، کتایون و بسیاری دیگر از شخصیت‌های اسطوره ای ایرانی و غیر ایرانی، خواستگاران خود را می‌آزمایند و قهرمان در جریان داستان موظف است از آزمون‌های دشواری عبور کند که اغلب با قدرت بدنی و تیزهوشی او و یا بواسطه عنصر شانس پشت سر گذاشته می‌شوند تا او را به جایزه معهود و موعود برساند. در این منظومه نیز «آزمایش قهرمان داستان، جهت ارزشیابی توان قهرمان (عاشق)، برای دستیابی به معشوق است. خرم برای حذف رقیب عشقی خود با شمایل شاه دست به جنگ‌های طاقت‌فرسایی می‌زند و هر چند در یکی از جنگ‌ها زخمی می‌شود ولیکن سرانجام در آزمایش خویش پیروز است.» (یلمه‌ها، ۱۳۹۲: ١٤٤-١٤٥)

۱۳-۵- ازدواج فرامرزی: در بسیاری از داستان‌های عاشقانه، عاشق و معشوق از دو کشور مختلف هستند. در داستان بیژن و منیژه در شاهنامه، منیژه اهل توران و بیژن اهل ایران است. «شهریاران و پهلوانان به عنوان طبقاتی

از جامعهٔ ایرانی در شاهنامه، به منظور یافتن همسری همسان، رسیدن به اهداف شخصی یا به دلیل مصلحت‌های سیاسی اقدام به گزینش همسر در خارج از مرزهای ایران کرده‌اند. بنابراین به طور کلی می‌توان گفت که برون همسری در ایران باستان نه تنها یک الگوی رایج ازدواج بوده، بلکه می‌توان آن را یک سنت دیرینه دانست که قدمت هزار ساله دارد.» (افراسیابی و بهمنی، ۱۳۹٤: ۱۲۳) در داستان خسرو و شیرین نظامی نیز شیرین شاهزاده‌ای از کشور ارمنستان و خسرو پادشاهی از کشور ایران است. در این داستان نیز، خرّم ایرانی و زیبا شاهزاده‌ای هندی است.

٦- نتیجه

حد فاصل بین ادبیات غنایی و ادبیات عامه که هر دو از جذاب‌ترین عرصه‌ها هستند، نوع ادبی منظومه‌های عاشقانه است. هر چند این نوع سابقهٔ بسیار کهنی دارد و از قدیمی‌ترین انواعش منظومه ویس و رامین را می‌توان نام برد، ولی نمونه‌های موجود آن در فرهنگ عامه، در برخی دوره‌های خاص از جمله صفویه و قاجاریه، رواج بسیاری دارد. برخی از این منظومه‌ها توسط افراد مختلف بارها و بارها بازسرایی شده‌اند. یکی از جملهٔ این داستان‌ها خرم و زیبا است که از جهت دارا بودن مضامین عاشقانه در کنار مضامین حماسی حائز اهمیت است. بسیاری از کهن-الگوها و بن‌مایه‌های بسیار مهم منظومه‌های کهن در آن دیده می‌شود از جمله آزمودن عاشق، بی‌فرزندی، خواب و رویا، ازدواج فرامرزی سفر و ترک وطن و ... . توالی حضور این بن‌مایه‌ها و به دنبال آن ایجاد فراز و فرود در داستان که بر جذابیت آن می‌افزاید؛ الگوی تکرار شونده منظومه‌های مشابه نظیر حیدربگ و سمنبر، رعنا و زیبا، اصلی و کرم، تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارد ولی در مقایسه با آن‌ها به علت تنوع مکانی و وجود جنگ‌ها، گریزها و توصیفات قهرمانی، جذابیت بیشتری برای بررسی داستان از منظر سفر قهرمان دارد. از سوی دیگر به دلیل اینکه داستان در دو سرزمین ایران و هند اتفاق می‌افتد، گویی نوعی گفتمان بینافرهنگی نیز در آن شاهد هستیم که با توجه به انتساب داستان به دورهٔ صفویه و اینکه این عصر مقارن با شکوفایی ادب فارسی در هند و رواج سبک هندی بوده، بنابراین این حضور پذیرفتنی و قابل تحلیل است. در ادامه حضور داستان‌های مشابه مشترک بین دو فرهنگ ایران و هند که از هزار و یک شب، سندبادنامه و طوطی‌نامه شروع شده و تا نل و دمن و مانند آن ادامه می‌یابد، قابل تأمل است. همین موضوع سبب شده که نسخه‌های متعددی از خرم و زیبا در دست باشد که برخی از آن‌ها به علت کامل نبودن و خوانا نبودن قابل بررسی نیستند. با توجه به تبارشناسی که نگارندگان این مقاله دربارهٔ نسخه‌های موجود

انجام داده‌اند، نسخهٔ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه اصفهان که به عنوان نسخه اساس انتخاب شده، کامل‌ترین و مناسب‌ترین ان‌هاست. لذا لزوم توجه به آن و تصحیح کامل متن یکی از کارهای ضروری و مفید بوده که توسط نگارندگان این مقاله انجام شده و هم‌اکنون در دست ویراستاری است. یکی دیگر از ویژگی‌های مهم این منظومه وجود صحنه‌های حماسی در داستان است. در بخش‌های زیادی از داستان شاهد جنگاوری‌ها، تقابل پهلوانان با یکدیگر، نبردهاي متعدد و طولاني، رجزخوانی‌های دلاوران و پهلوانان، آرایش لشکر دو جناح، جاسوس فرستادن به جناح مقابل، شبیخون زدن به اردوي یکدیگر، استفاده از ادوات جنگي مختلف و آالت موسیقي حربي و ... در ابیات بسیاري با توصیفاتي مناسب و زیبا بیان شده است. در معرفي جنگجویان در دو لشکر از شهرها و قوم‌های بسیاری نام برده می‌شود از جمله: ترک، کابلي، ابدالي، مصري، چیني، زنگي، افغان و هندي. که نه تنها نشان از گستردگي قلمرو و عظمت جنگ‌ها دارد، شاید شاعر نگاهي به فراگیر شدن داستان و سعي بر همه‌پسند بودن آن نیز داشته است و اینچنین بر دایرهٔ جغرافیایي داستان وسعت بخشیده و عرصهٔ جنگاوري‌ها را با عظمت بیشتري نشان داده است.

۷- منابع:

- افراسیابی، حسن. بهمنی، نسرین. (۱۳۹٤). «زمینه‌های برون همسری در ایران باستان بر اساس شاهنامهٔ فردوسی». زن در فرهنگ و هنر. دورهٔ ۷. شمارهٔ ۱
- امامی، راحله. ایرج‌پور، محمدابراهیم. رادمنش، عطامحمد. (۱۳۹۳). « منظومهٔ خرّم و زیبا نمونه‌ای عالی از آمیختگی حماسه و غنا». فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) علمی-پژوهشی سال هشتم. شماره اول. بهار ۱۳۹٤. شماره پیاپی ۲۷
- پارسانسب، محمد. (۱۳۸۸). «بن‌مایه: تعاریف، گونه‌ها، کارکردها و .... ». فصلنامه نقد ادبی. سال ۱. شماره ۵.
- جعفرپور، میلاد. علوی مقدم، مهیار. (۱۳۹۱). «ساختار بن‌مایه‌های داستانی امیرارسلان». پژوهش های زبان و ادبیات فارسی دوره چهارم تابستان ۱۳۹۱ شماره ۲ (پیاپی۱۴).
- حاجیانی، فرخ. صیادکوه، اکبر. هاشمی قلاتی، انسیه. (۱۳۹۵) بن مایه های فولکلوریک در طومارهای نقالان. فرهنگ و ادبیات عامه سال چهارم تابستان ۱۳۹۵ شماره ۹

- حسینی، اعظم. ذوالفقاری، حسن. غلامحسین زاده، غلامحسین. دری، نجمه. (۱٤۰۰). «طبقه‌بندی و تحلیل بن‌مایه مرگ عشاق در منظومه‌های عاشقانه فارسی». فصلنامه پژوهش‌های ادبی، سال ۱۸، شماره ۷۱، بهار ۱٤۰۰
- شریفی، محمد. (۱۳۸۸). فرهنگ ادبیات فارسی. تهران: معین و فرهنگ نشر نو.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۸) انواع ادبی. تهران: فردوس.
- دری، زهرا. فقیهی، راضیه. (۱۳۹۲). « تحلیل بن مایه های داستانی منظومه عزیز و نگار». تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا) دوره ۵. پاییز ۱۳۹۲. شماره ۱۷. صفحه ۲۱۳ - ۱۸۹
- دری، نجمه. قائدزاده خمیری، محمدنور. (۱۳۹۳) پیشگویی در گرشاسب نامه حکیم اسدی توسی. مطالعات ایرانی سال سیزدهم پاییز و زمستان ۱۳۹۳ شماره ۲۶
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۹۷). ادبیات داستانی عامه. تهران: نشر خاموش.
- رسمی، عاتکه. رسمی، سکینه. (۱۳۹٦). «بن‌مایه‌های داستان اصلی و کرم». فرهنگ و ادبیات عامه. سال پنجم بهار ۱۳۹۶ شماره ۱۲. ویژه نامه قصه شناسی.
- فتوحی، محمود. (۱۳۹۱). سبک شناسی (نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها)، تهران: سخن.
- میرصادقی، میمنت. (۱۳۸۵). واژه نامه هنر شاعری: فرهنگ تفصیلی اصطلاحات فن شعر و سبک‌ها و مکتب-های آن. تهران: کتاب مهناز.
- یلمه‌ها، احمدرضا (۱۳۹۲). قصر بی‌قراری (بررسی و تحلیل هشت منظومه غنایی ناشناخته). اصفهان: انتشارات شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی. چاپ اول

آسیب شناسی کم‌توجهی به دستنویس‌های مصوّر شاهنامه در شاهنامه‌پژوهی (مطالعه موردی: نسخهٔ بایسنقری)

نیلوفرسادات عبدالهی*

چکیده:

اهمیت نسخه‌های مصور برای هنرمندان و پژوهشگران حوزه هنرهای تجسمی موجب شده این تحقیقات بیشتر رنگ هنری داشته باشند و پژوهشگران زبان و ادب فارسی کم‌تر به تحقیقاتی با این موضوع توجه کنند. تنها تعداد انگشت‌شماری از پژوهش‌های ادبی را می‌توان یافت که به موضوع نسخه‌های مصور و جزئیات نگاره‌های آن پرداخته باشند. حال آن‌که این نگاره‌ها جایگاه مهمی در نمایش تلقی مردمِ دورانِ نگارش نسخه داشته و می‌توان تأثیر منابع جانبی همچون نگاه عامهٔ مردم و شرایط فرهنگی-اجتماعی را در آن‌ها بررسی کرد. در این میان از شاهنامه بدلیل جایگاه ویژه اجتماعی، نسخه‌های مصور بیشتری برجای مانده و به سبب استقبال فراوان مردم از آن از عوامل جانبی بیشتر تأثیرپذیر بوده است. شهرت و رواج شاهنامه هم بر نگرش مردم بر داستان‌های آن اثرگذاشته و هم قشر خواص جامعه را با دیدگاه‌های عامیانه دربارهٔ حماسهٔ ملی آشنا کرده است. یکی از نمونه‌های شاخص، نگارگران دستنویس شاهنامه بایسنقری هستند که از روایات عامیانه و عوامل جانبی دیگر تأثیر پذیرفته‌اند . بررسی این موارد با اتکا بر تصاویر نسخه‌ها می‌تواند اطلاعات ارزشمندی را در اختیار پژوهشگران شاهنامه به ویژه تحقیقات مرتبط با نگاه جامعه به این اثر قرار دهد. در این مقاله با توجه به ظرایف نگاره‌های نسخه بایسنقری، مشهورترین نسخه مصور شاهنامه در مکتب هرات، به وجوه مثبت توجه ادب‌پژوهان به این جزئیات هنری پرداخته و آسیب‌های کم‌توجهی به این نگاره‌ها در تحقیقات ادبی را بیان کرده‌ایم.

کلمات کلیدی: شاهنامهٔ فردوسی، نگاره‌ها، نسخهٔ بایسنقری، ادبیات عامه، نسخه پژوهی.

---

* پژوهشگر پسادکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی - *NSAbdollahy@ut.ac.ir*

۱)مقدمه

پیوند هنر با ادبیات را می‌توان در آثار و قوالب مختلفی بررسی کرد. هنرهایی که صورتی ثبت شده و پشتوانه‌ای درباری داشته‌اند امروزه بیش از سایر موارد به دست محققان رسیده است. در میان هنرهای ثبت‌شده و وابسته به سلطنت، نسخه‌های مصور نمونه‌هایی فاخر و ارزشمند هستند. از آنجا که همواره ارزش هنری این نسخه‌ها بیش از ارزش ادبی آنها مطرح بوده ، متأسفانه تنها مورد استقبال پژوهشگران حوزهٔ هنر قرارگرفته و ادب پژوهان به آنها توجه چندانی نداشته‌اند. در میان متون ادبی، شاهنامه به دلیل شهرت و محبوبیت بیش از نمونه‌های دیگر نسخه‌برداری شده و نمونه‌های ارزشمندی از نسخه‌های مصور هم از این اثر موجود می‌باشد. اهمیت شاهنامه در هنرهای دیگر همچون نگارگری در نسخه‌ها جالب توجه است. نسخه‌های وابسته به دربارها به‌ویژه دربار تیموریان، درخشان‌تر از سایر نمونه‌هایی است که امروز در دسترس پژوهشگران می‌باشد. نسخهٔ بایسنقری مشهور به شاهنامهٔ بایسنقری، نسخه‌ای بسیار مشهور و با نگاره‌هایی کم‌نظیر است: «شاهنامهٔ بایسنقری ۲۲ نگاره دارد که مهم‌ترین ویژگی آنها رنگ‌بندی تراز اول و ترکیب‌بندی عالی آنهاست. طراحی نگاره‌ها در تنظیم و مهارت و استادی به‌کار رفته در آنها نهفته است. هنوز نسخه‌ای که به‌لحاظ مفهوم صریح داستان‌ها و مهارت و چیره‌دستی تزئینی اجرای آنها با آن برابری کند، پیدا نشده‌است. نگاره‌ها در نهایت ریزه‌کاری و دقیقه‌پردازی اجرا شده و منظره‌پردازی‌های آن گویا و رساست.» (آژند: ۱۳۸۷: ۱۱٤) این نسخه (همچون نسخ مصور دیگر) دارای مجلس‌هایی است که هر یک داستان (یا بخش مهمی از آن) را با دقایق و ظرایف روایت می‌کنند. به عبارتی این نگاره‌ها با شاخص ساختن یک داستان، آن را به مخاطب نمایش می‌دهد. چه بسا تأثیر نگاره‌ها به سبب زیبایی و جذابیت بیشتر، بر بینندهٔ نسخه، بیش از ابیات داستان باشد. مخاطب با نگاه کردن به نگاره‌ای که از رخدادی مهم تصویر شده، روایت را با تصویری گویا به ذهن می‌سپارد. جریان به خاطر سپردن تصاویر، شبیه به واکنش کودکان هنگام رویارویی با کتاب‌های بزرگسالان است. آنها تنها کتاب را تورق کرده و به دنبال تصویری برای نگاه کردن و درک محتوا از دریچهٔ آن تصویر هستند. این نگاره‌ها به ویژه در نسخه‌هایی همچون نسخهٔ بایسنقری که با دقت فراوان و توجه به جزئیات ترسیم شده‌اند، اطلاعات ارزشمندی برای ادب پژوهان در بر دارد که بی‌توجهی به آنها موجب برخی آسیب‌ها در تحقیقات ادبی خواهد شد:

«شاهنامه‌نگاری، هنری تزئینی بود که برای زینت و آرایش نسخ خطی به کار می‌رفت، اما امروزه برای ما، شاهنامه‌نگاری رهاوردی بیش از یک هنر تزئینی دارد. شاید ساده‌انگارانه باشد اگر تنها کارکرد نگاره‌ها را زینت و آرایش نسخ خطی بدانیم، چرا که در طرح و رنگ نگاره‌ها، الگوهای بصری شاهنامه نقش بسته و تصاویری از دریافت

شاهنامه‌نگاران، افکار و باورهای حامیان شاهنامه‌نگاری، خوانش‌های مردم شاهنامه‌خوان و ... ثبت شده است.» (ماه‌وان و همکاران، ۱۳۹۳: ٥٦)

جزئیات نگاره‌ها صرفاً از دیدگاه تحلیل مکتب‌های نقاشی دوره‌های مختلف و سبک نگارگران اهمیت ندارد. بلکه دربردارندهٔ اطلاعات ارزندهٔ ادبی، تاریخی و اجتماعی است. متأسفانه این مبحث بسیار کم مورد توجه ادب پژوهان قرار گرفته، حال‌آنکه می‌تواند راهنمایی برای مباحث تصحیح، رواج ابیات و داستان‌های شاهنامه در میان مردم باشد. به تعبیر دیگر، با بررسی نگاره‌ها می‌توان صورت‌های رایج داستان‌ها و ابیات در میان مردم و طبقه نگارگران را دریافت.

۲) پیشینه پژوهش

موضوع بررسی نسخ مصور عمدتاً در تحقیقات رشته‌های هنری مورد توجه بوده است. پژوهش‌هایی که درباب نسخهٔ بایسنقری نگاشته شده هم از این امر مستثنا نیستند و تنها تعداد انگشت‌شماری از آنها با نگاه ادبی نگاشته شده‌اند. این تحقیقات به تطبیق روایت فردوسی و مسائل فرهنگی با نگاره‌ها پرداخته‌اند: مقاله "مقایسه تطبیقی آیین سوگواری در سه نگاره از شاهنامه دموت با تک نگاره شاهنامه بایسنقری "(بهلول و همکاران: ۱۳۹۷) به مفهوم عزاداری و چگونگی بازتاب آن در نگاره‌ها می‌پردازد. در زمینه مفاهیم شاهنامه و میزان وفاداری نگارگر به آنها هم مقالات زیر قابل توجه هستند: "تأثیر پیمان‌های شاهنامه در انتقال اندیشهٔ ایرانشهری به دورهٔ اسلامی(با تأکید بر تصاویر شاهنامه بایسنقری)"(اراضی جمکرانی و همکاران: ۱۳۹۹) مقولهٔ اهمیت انتقال مفاهیم فرهنگی از طریق واسطه‌های نگارگری را بیان می‌کند. مقاله "مقایسهٔ نگاره‌ای از شاهنامهٔ بایسنقری با روایت فردوسی (نگارهٔ خان هفتم رستم / کشتن دیو سپید)"(عبدالهی: ۱٤۰۰) با صراحت بیشتری به بررسی روایت اصیل شاهنامه با جزئیات نگاره‌ای از نسخه بایسنقری می‌پردازد. مقاله "واکاوی و برجسته‌سازی صفات و شخصیت زن از نگاه فردوسی و انعکاس آن در شاهنامه بایسنقری (دو نگارهٔ زال و رودابه و دیدار اردشیر و گلنار)"(عباس نژاد خراسانی و همکاران: ۱٤۰۰) روایت فردوسی را با دو نگارهٔ نامبرده قیاس کرده و میزان وفاداری نگارگران را به روایت اصلی سنجیده است. مقالهٔ " تحلیل گفتمان قدرت از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی در شاهنامه بایسنقری (مطالعهٔ موردی دو نگارهٔ پادشاهی جمشید و بر تخت نشستن لهراسب)"نیز مقولهٔ قدرت پادشاه و نمود آن در نگاره‌هایی از نسخهٔ بایسنقری را بررسی می‌کند. مقالاتی که از آنها نامبرده شد از جمله نمونه‌های اندک‌شمار نگاه ترکیبی هنری - ادبی به نسخهٔ بایسنقری است. بی‌توجهی به جزئیات نسخه‌های مصور برای ادب‌پژوهان موجب نادیده‌گرفته شدن نکاتی ارزشمند

می‌شود که می‌تواند برای پژوهش‌های ادبی سودمند باشد. در این مقاله به این نکات ارزشمند خواهیم پرداخت و آسیب‌های کم‌توجهی به آنها را بیان خواهیم کرد.

۳) روش و پرسش‌های پژوهش

فرض نخست در انجام این پژوهش، امکان بررسی نسخه‌های مصور شاهنامه برای مقاصد ادبی و فوایدی است که پژوهش با تکیه بر این نسخ برای شاهنامه پژوهی دارد. با فرض فایده‌مند بودن این‌گونه پژوهش‌ها و نهفته بودن اطلاعات ادبی مفید در دل نگاره‌ها برای ادب‌پژوهان، آسیب‌های کم‌توجهی ایشان به تصاویر نسخه‌های شاهنامه را بررسی خواهیم کرد.

در این پژوهش پرسش‌ها به شرح زیر است:

۱- در نسخه‌های مصور چه ارتباطی میان نگاره‌ها و ابیات شاهنامه وجود دارد و این ارتباط را می‌توان برابری تام دانست؟

۲- استفاده از فرم نگاره‌ها چگونه و در چه مواردی می‌تواند برای پژوهشگران شاهنامه مفید باشد؟

۳- چه نکاتی را می‌توان با بررسی نگاره‌ها در حوزه شاهنامه‌پژوهی دریافت؟

این پژوهش با شیوه کتابخانه‌ای و با بررسی جزئیات نگاره‌های نسخه بایسنقری انجام‌شده است. در این بحث به ارتباط ادبیات با هنر نگارگری پرداخته و آسیب‌های کم‌توجهی ادب پژوهان به مقولات هنری نسخه‌ها را بیان کرده‌ایم.

بحث

کارکردهای پژوهش در تصاویر نسخ خطی برای شاهنامه‌پژوهان در دو شاخه اصلی قرار می‌گیرند. این دو شاخه چند زیرشاخه را در بر می‌گیرد. شاخهٔ نخستین، اطلاعات مرتبط با نگرش جامعه به شاهنامه می‌باشد.

٤) نگرش مردم عامه نسبت به شاهنامه

یکی از مواردی که ممکن است کم‌تر درباب نسخه‌ها مورد توجه باشد، تأثیرگذاری مردم عامه بر شاهنامه است. تأثیرگذاری عوام بر اثر فردوسی تنها منحصر به حوزه ادب عامه و رواج داستان‌ها در میان مردم نمی‌شود، بلکه

داستان‌ها و نکاتی که در میان ایشان رایج است بر فرهیختگان جامعه همچون کاتبان و تصویرگران نسخ تأثیر می‌گذارد. عدم توجه ادب‌پژوهان به نگاره‌های شاهنامه (که آمیزه‌ای از روایت فردوسی (ابیات اصلی) در کنار روایات عامه و مسائل هنری است)، آنان را از نکات ظریف در روایات عامه محروم می‌کند. در حالی که نگارگر از این نکات بهره برده، ادب پژوه از آن‌ها صرف‌نظر می‌کند و صرفاً به مسائل مرتبط با ابیات داستان‌های شاهنامه می‌پردازد. نگرش یک‌جانبه، شاید عنوان مناسبی برای این نوع تحلیل ابیات و داستان‌ها باشد. بی‌توجهی به نگاه عامه، دیدگاه جامعه نسبت به شاهنامه در دورهٔ ترسیم نگاره‌ها را نمایان نخواهد کرد. این نکته علاوه بر پژوهشگران ادبیات، اندیشمندان حوزه تاریخ و اجتماع را از بررسی دقیق موضوعات اجتماعی و تاریخی باز می‌دارد.

٤-١) تصاویر و تفاوت آنها با متن اصلی

آن‌چه در گام نخست در بررسی نگاره‌ها جلب نظر می‌کند، تفاوت‌های جزئی میان ابیات با تصاویر است. قاعدتاً نگارگران بخش‌های مهم‌تر داستان را در قالب تصاویر برای مخاطب نمایان می‌کنند. نقطه عطف داستان یا مهم‌ترین رخداد به‌عنوان صحنه‌ای برگزیده انتخاب و ترسیم می‌شوند. جزئیات ترسیم و شیوه تقسیم‌بندی صفحه، عمدتاً مرتبط با جزئیات سبک نقاشی فردی یا مکتبی است، ولی در این باب می‌توان از میزان اهمیت یا وجوه مختلف یک رخداد در ذهن نگارگر هم سخن گفت. نگارگر با انتخاب صفاتی بارز از شخصیت یا جزئیات یک رخداد آن‌ها را سامان داده و ترسیم می‌کند. وجوه مهم‌تر با ابعاد بزرگ‌تر و رنگ‌های جذابتر ترسیم شده در مقابل وجوه کم‌اهمیت‌تر در بخش‌های دورتر و حاشیهٔ تصویر قرار می‌گیرد. که با توجه به پرسپکتیو قابل تحلیل خواهند بود.

٤-٢) داستان‌های عامه

از وجوه تأثیرگذار دیگری که در برخی نگاره‌های شاهنامه خودنمایی می‌کند، داستان‌ها و روایات رایج در میان عامه مردم است. این تلقی‌های عامیانه بر بسیاری از نگاره‌ها اثر گذاشته‌اند. نمونه بسیار مشهور از داستان‌ها و تلقی‌های عامیانه سفید بودن سر و بدن دیو سفید است. حال‌آنکه دیو سفید طبق روایت فردوسی در شاهنامه تنها موی سرش به رنگ سفید است.

«به تاریکی اندر یکی کوه دید — سراسر شده چاه ازو ناپدید
به رنگ شبه روی، چون برف موی — جهان پر ز پهنای و بالای اوی»

(فردوسی، ۱۳۸٦: ٤۲/۲)

در نگاره‌های نسخه‌هایی همچون بایسنقری با توجه به این صفت و تلقی عام، نگارگران تمام اندام او را سفید تصویر کرده‌اند. دیدگاه عامیانه موجب شده هنرمندان به این نکته بی‌توجهی کنند که دیو سپید نیز مانند سایر دیوان، بدنی سیاه دارد و علت انتساب رنگ سفید به او تمایزش در دارا بودن موی سپید است. (ن.ک: نگارهٔ شمارهٔ ٦)

نکتهٔ دیگری که خود دستمایهٔ ترسیم یک تصویر مستقل در این نسخه است هم از جعلیات به شمار می‌رود: «آنچه دربارهٔ زندگی فردوسی در مقدمهٔ آن آورده شده است، جز افسانه‌های جعلی عامیانه نیست که نه سندیت دارد و نه با رویدادهای تاریخی منطبق است. از آن جمله اینکه فردوسی، عنصری و فرخی را با رودکی همزمان دانسته و به نظم درآوردن شاهنامهٔ منثور ابومنصوری(ابومنصور-عبدالرزاق) را به فرمان یعقوب لیث دانسته است. نیز هجونامه‌ای سست و ساختگی را از فردوسی می‌داند که به هیچ روی پذیرفتنی نیست.» (نجف‌پور، ۱۳۸۲: ۹۳) نگارگران نسخه بایسنقری براساس همین ماجرای ساختگی، تصویری را از فردوسی در کنار شاعران ساخته‌اند که از دیدگاه اصالت روایت کاملاً دروغین و ساختگی می‌باشد. (ن.ک: نگارهٔ شمارهٔ ۲) چنانچه به نگاره‌های شاهنامه توجه نشود، نکاتی از این‌دست از فرهنگ عامه مغفول باقی خواهد ماند.

٤-۳) تأثیرپذیری از طومارهای نقالی

طومارهای نقالی به سبب یکپارچگی در روایت و داشتن ساختاری مدوّن در نقل واقعه‌ها، تأثیر بسزایی بر حواشی شاهنامه داشته‌اند. این طومارها در برخی موارد موجب افزوده‌شدن ابیات الحاقی بوده و از عوامل تأثیرگذار بر نگاره‌های شاهنامه به شمار می‌روند. طومارهای نقالی محتوایی متفاوت با متن اصلی داشته و به‌سبب پیوند با پرده‌خوانی و نقالی در حوزهٔ هنر خودنمایی می‌کنند. ازین روی محتوای طومارها همانطور که در زمینهٔ هنر مورد توجه است باید در حوزهٔ داستان‌های شاهنامه در میان عامه مردم، ابیات الحاقی و اصلی مورد توجه قرار بگیرد. هرچند این طومارها بیشتر از دوره‌هایی همچون عهد قاجار به دست ما رسیده، می‌توان احتمال داد که محتوای طومارهای پیش از عهد بایسنقر بر ترسیم نگاره‌های این نسخه اثر گذاشته باشند. به عنوان نمونه در طومار جامع نقالی شاهنامه که در قرن ۱۳ هجری کتابت شده، نکاتی موجودست که در نگاره‌های بایسنقری نمونه‌های آن را

می‌بینیم. ذیل عنوان رسیدن رستم به خان هفتم و درآمدن او به غار دیو سفید، اینگونه می‌خوانیم: «[رستم و اولاد در دل شب راه افتادند] و بعد از دو شبانه‌روز به دامن کوهی رسیدند و چهار باغ عظیم به در شد و اولاد گفت که : «این چهار باغ تعلق به دیو سفید دارد و آن غار که دودی در می‌آید، همان نفس دیو سفید است...» (نایگلی، ۱۳۹۷: ۱۸۱) در نسخهٔ بایسنقری هم اطراف غار فضایی سبز و خرم ترسیم شده که باغ را تداعی می‌کند. علاوه بر این در نزدیکی اولاد که رستم او را بر درختی بسته، رخش نقاشی شده و یادآور این نکته در این طومار است: «و بعد از آن رستم اولاد را بر درخت بست. رستم گفت: « نشانهٔ خرد تو این است که چون نعرهٔ اول بکشم بدان که دیو را دیده‌ام و نعرهٔ دویم بدان که با دیو در جنگم، اگر نعرهٔ سیوم مرا شنیدی بدان که دیو را کشته‌ام؛ اگر نشنیدی بدان که دیو مرا کشت و **تو بر رخش سوار شو و خبر به کیکاوس بَر**، تا هر چه داند چنان کند.» (همان: ۱۸۲)

٤-٤) ابیاتی جعلی و مشهور از شاهنامه

ابیات غیراصیلی که در میان مردم به‌عنوان ابیات شاخص و مشهور شاهنامه شناخته شده و بر نگاره‌ها تأثیرگذار بوده‌اند. مقصود از ابیات غیراصیل، ابیات الحاقی هستند که سرودهٔ فردوسی نبوده و به واسطهٔ کاتبان به نسخه‌ها افزوده شده‌اند. این ابیات گاه سرودهٔ کاتب همان نسخه هستند و گاه از نسخه[های] قبلی به نسخه‌های بعدی انتقال می‌یابند. این ابیات علی‌رغم نداشتن اصالت، عموماً با هدف تکمیل اوصاف کوتاه فردوسی نقل می‌شوند و دستمایهٔ خوبی برای پرداخت‌های هنری شاهنامه هستند. به همین جهت بسیاری از ظرایف نگاره‌های شاهنامه از ابیات غیراصیل الگوبرداری شده‌اند. ابیات الحاقی که برخی از آن‌ها در میان مردم بسیار مشهور بوده و هستند، به مرور به ناخودآگاه ذهن نگارگران نفوذ کرده و بر ترسیم اثر گذاشته‌اند. در این ابیات بیشتر سخن از اوصاف مرتبط با افراد است. محتوای این الحاقیات گاه مرتبط با رخدادهایی در داستان است. در این صورت، جزئیات رخداد نقل شده در این ابیات در نگاره‌ها نمایان می‌شوند. جزئیات اوصاف شخصیت‌ها یا رخدادها هر دو مواردی هستند که از ابیات الحاقی اخذ شده و در نگاره‌های شاهنامه نمود می‌یابند. بررسی این موارد در نسخهٔ بایسنقری که ابیات الحاقی بسیاری دارد، می‌تواند راه‌گشایی برای شاهنامه‌پژوهان به‌ویژه در حوزه تحقیق بر ابیات افزوده یا توصیفات غیراصیل آن باشد.

«به موجب شرحی که در مقدمهٔ شاهنامه بایسنقری دیده می‌شود، نسخه‌برداری آن براساس چندین متن از بیت‌های الحاقی و تدوین شاهنامه‌ای مبتنی بر تحقیق نبوده است و به همین دلیل از ابیات جعلی و غیرِ اصل برکنار نیست. شمارهٔ بیت‌های این شاهنامه بیش از ۵۸۰۰۰ بیت می‌باشد که در عدم اصالت برخی از آنها تردیدی نیست.

» (نجف‌پور، ۱۳۸۲: ۹۳)

از جمله اوصافی که در ابیات الحاقی ذکر شده و بر ترسیم نگاره‌ها اثر گذاشته، وصف همراهی گروهی با فریدون در جریان به بند کشیدن ضحاک است. فریدون در ابیات اصلی به تنهایی ضحاک را به دماوند برده و او را به بند می‌کشد.

«دُمادُم **برون رفت لشکر** ز شهر — وُزان شاه نایافته شهر بهر
ببردند ضحاک را بسته زار — به پشت هیونی برافکنده خوار
همی‌راند زین گونه تا شیرخوان — جهان را چُن این بشنوی پیر خوان
بسا روزگارا که بر کوه و دشت — گذشته‌ست و بسیار خواهد گذشت
بران گونه ضحاک را بسته سخت — سوی شیرخوان **برد** بیداربخت
همی‌راند او را به کوه اندرون — همی خواست کردن سرش را نگون
همانگه بیامد خجسته سروش — به چربی یکی راز گفتش به گوش
که این بسته را تا دماوند کوه — **ببر** همچنان تازنان **بی‌گروه**»

(فردوسی، ۱۳۸٦، ۱/ ۸٤)

طبق ضبط دو دستنویسِ «**س**» و «**پ**» فریدون در سفر به دماوند کوه **باگروه** همراه است در حالی که در ابیات اصلی **بی‌گروه** سفر کرده است. این ضبط با فعل‌های موجود در بیت‌های بعد همخوان نیست، از این روی نمی‌تواند صحیح باشد.

شاخهٔ دوم از کارکردهای پژوهشی نگاره‌ها برای ادبا، نکاتی مرتبط با فرهیختگان جامعه است.

۵) مسائل مربوط به خواص و نگاه آنها به شاهنامه

درکنار پنداشت‌های عامهٔ مردم که بر نگاره‌ها سایه می‌افکند، مواردی هم از ذهنیت خواص جامعه -به ویژه نگارگران- بر این آثار نشان‌هایی برجای می‌گذارند. این نگاه که خواه‌ناخواه از فرهنگ عامه برکنار نیست، تأثیر عمیق‌تری به نسبت روایات عامیانه دارد. اثرات این دیدگاه‌ها به چند دسته تقسیم می‌شوند:

۵-۱) نگرش نگارگران به داستان

مقصود از نگرش نگارگران به داستان، جلوه‌ای از داستان است که نگارگر آن را برجسته‌ترین جلوه دانسته و به تصویر می‌کشد. به عبارت دیگر، نگارگر در ترسیم نگاره‌ها چه وجوهی را نمایان می‌کند و کدام رخداد از مجموعه رخدادهای داستان برای او جذابیت بیشتری دارد. از آنجا که نگارگران هم از مردم اجتماع جدایی تام ندارند، نگرش آنها و گزینش‌شان از داستان برای به تصویر کشیدن ماجراها، به نوعی نمایانگر سلیقه عمومی دوران است. نگارگران شاخص‌ترین وجه از هر ماجرا و شخصیت‌های محوری را ترسیم می‌کردند که در جامعه از شهرت بیشتری برخوردار بوده و قابلیت معرِّفی داستان به مخاطب را داشته باشد. در نگاره‌های بایسنقری از دوران اساطیری، جمشید ترسیم می‌شود که مشهورتر از سایر شاهان این دوره است و اقدامات جامع‌تری نسبت به دیگر فرمانروایان عهد اسطوره‌ای در شاهنامه دارد. نگارهٔ بعدی، نگارهٔ فریدون و ضحاک دو چهرهٔ محوری که در کشمکش بر سر پادشاهی هستند. (ن.ک: نگارهٔ شمارهٔ ٤)

۵-۲) نگرش تاریخی به داستان‌های شاهنامه و محتوای آن

نگرش تاریخی، نگرش افراد در طول تاریخ به داستان‌ها و تشخیص مهم‌ترین رخداد یا نقاط عطف داستانهاست. در واقع برای مردم عهد و البته نگارگران در زمان ترسیم نگاره‌ها و نگارش نسخه چه رخدادهایی از داستان‌ها شاخص‌تر بوده‌است. این نگرش را به ویژه در نسخه‌های سلطنتی همچون بایسنقری می‌توان متأثر از نگاه ایشان به پادشاه دانست. به عنوان نمونه: حضور پررنگ و تقریباً همیشگی شاه و خدمتکاران در نگاره‌های این نسخه نمایانگر تأثیر عمیقی است که نمایش جلال و شکوه پادشاهی بر ذهن نگارگر دارد. تا جایی که بعضاً محتوای داستان و زیرساخت‌های اساطیری را نادیده می‌گیرند. در نگارهٔ به بند کشیدن ضحاک، فریدون را با اطرافیان می‌بینیم که بر اسب سوارشده و بر سرش هم سایه‌بانی سایه افکنده است. در این نگاره شخص دیگری در حال به بند کشیدن ضحاک است. حال‌آنکه میخ زدن بر دست و پای ضحاک هم در باورهای اساطیری و هم بر طبق ابیات شاهنامه از خویشکاری‌هایی است که سروش بر عهدهٔ خودِ فریدون می‌نهند. ترسیم فریدون در چنین هیبت شاهانه و تجملی می‌تواند متأثر از فرهنگ دوره باشد. «از طریق نگاره‌های نسخ مصور شاهنامه، می‌توان مخاطب خاص آن را تخمین زد. منظور ما از مخاطب خاص نسخ مصور شاهنامه، سفارش‌دهندهٔ نسخه یا فرد و گروهی است که نسخه برای او تولید شده است. به عنوان نمونه اگر در یک نسخهٔ مصوّر سفارشی، ذکری از طبقهٔ سفارش‌دهنده نیامده باشد (یا صفحاتی که از سفارش‌دهنده یادکرده‌اند از نسخه افتاده باشد)، از طریق نگاره‌های آن می‌توان حدس زد که

سفارش‌دهنده به چه طبقه‌ای تعلق داشته است.» (ماه‌وان و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۸)

۵-۳) مسائل جامعه‌شناختی دوران

مسائل جامعه‌شناختی به نگاه اهالی دوران و ارزش‌های آنان مربوط می‌شود. در دوره ترسیم نگاره‌ها چه رفتارهایی مثبت و چه رفتارهایی منفی تلقی می‌شده، کدام چهره‌ها از محبوبیت برخوردار بوده درمقابل نسبت به کدام چهره‌ها نفرت در جامعه وجود داشته است. توجه به برداشت مردم از رخدادها و شخصیت‌ها، موجب دستیابی به اطلاعاتی مفید برای تحقیق‌های جامعه‌شناختی و همچنین ادبیات از دیدگاه عام می‌شود. نگارگران نیز هرچند از طبقهٔ خواص جامعه هستند، با مردم پیوند دارند و تحت تأثیر باورهای اجتماعی و عمومی هستند. از این روی می‌توان با بررسی شیوه نگارگری آن‌ها به دیدگاه اجتماعی دست پیدا کرد. در نسخهٔ بایسنقری پرداخت بیشتر به جلوه‌های شاهانه و نمایش تجمل، نشانه‌ای از تأثیر ارزش‌های درباری بر ترسیم نگاره‌ها است. فارغ از کیفیت ابزار ترسیم، مهارت هنرمندان، گرایش به طراحی مجلس‌هایی که شاه را نمایان می‌کنند یا فضایی شاهانه و پر زرق و برق دارند، گواهی بر سلطنتی بودن نسخه و ارزش‌های حاکم بر جامعهٔ دوران است. البته نباید دور از نظر داشت که نسخه‌هایی همچون نسخهٔ بایسنقری به دلیل وابستگی به دربار و نگاشته‌شدن به فرمان پادشاه، بیشتر رنگ و بوی شاهانه دارند، ولی همین امر، گواه تلاش شاه برای رواج مفاهیم سلطنتی در میان مردم و نوعی مشروعیت‌بخشی به حکومت خود است. از آنجا که بایسنقر از نوادگان تیمور است و نژاد ایرانی ندارد، می‌خواهد در میان مردم کسب مشروعیت کند. این کار با ترویج فرهنگ شاه‌دوستی با ترسیم نگاره‌ها امکان‌پذیر است. انتخاب نگاره‌ها برای ترسیم به‌گونه‌ای است که در اکثریت آنها پادشاه و خدم حضور دارند یا افراد با صورت‌های و جامه‌های شاهانه ترسیم می‌شوند. به عنوان مثال در نگارهٔ زاری فرامرز بر تابوت رستم، فرامرز صورت و جامه‌هایی همچون شاهان دارد. (ن.ک: نگارهٔ شمارهٔ ۹)

۵-٤) چگونگی نگاه نگارگر به چهره‌ها

کیفیت ترسیم هر یک از چهره‌ها بیش ازاطلاعات موجود در شاهنامه، از ذهنیت نگارگر نشأت می‌گیرد. دلیل این نکته را می‌توان اجمالی بودن اوصاف فردوسی قلمداد کرد. این مسئله از دیدگاه مردم دوره‌های پیشین و نسخه‌برداران نقصی تلقی می‌شده، از این روی با الحاق ابیات سعی در تکمیل این اوصاف داشته‌اند. از جمله ویژگی‌های بلاغی که زمینه‌ساز الحاق ابیات به شاهنامه هستند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

«جزئی نبودن تشبیه‌ها و بیان کلیت مطلب برای وصف و وارد نشدن در جزئیات: در مورد اغراق هم این مورد وجود دارد. فردوسی کل‌نگر است. (این مورد در میان ابیات الحاقی برای تشخیص بسیار مفید است.)... در شاهنامه، تشبیهات یا استعاره‌هایی که سخن را درازدامن کنند، به دشواری می‌توان یافت.» (عبدالهی، ١٣٩٤: ٦)

توضیحات مذکور در ابیات الحاقی به دلیل اغراق‌آمیز بودن و قهرمان‌سازی برای ترسیم چهره‌ها منبع خوبی بشمار می‌روند. ترسیم جزئیات چهره در نسخهٔ بایسنقری تحت تأثیر سبک دوره هم هست. ولی آنچه این اثر را بسیار ممتاز ساخته، نمایش حالات چهره و احساسات در صورت افراد است. زیبا یا کریه ترسیم شدن افراد در کنار حالات روانی آنها، القاکنندهٔ برداشت نگارگر از شخصیت‌های شاهنامه است و می‌تواند برای تحلیل‌های روانی و اجتماعی مفید باشد. در نسخهٔ بایسنقری «حرکت طبیعی پیکره‌ها با حالت خاصی مشخص شده و به نظر می‌رسد که تمامی نگاره‌ها را نقاش واحدی کار کرده است. در طراحی پیکره‌های انسانی و چهره‌های منحصر به فرد، پیشرفتی درخور صورت گرفته و مجالس شکار و نبرد با سرزندگی و نشاط فراوان تصویر گشته است.» (آژند، ١٣٨٧: ١١٤) برای نمونه می‌توان به حالت غمبار سیاوش و اضطراب توأم با خشم در چهرهٔ قاتلان او (گرسیوز و گروی زره) در نگارهٔ کشته‌شدن سیاوش اشاره کرد. (ن.ک: نگارهٔ شمارهٔ ٧)

٥-٥) زاویه دید نگارگر و دوری و نزدیکی افراد

تعیین زاویه دید نگارگر و سویه‌ای که تصویرسازی از آن سمت انجام می‌شود، از نکات بسیار مهمی است که همواره مورد توجه محققان هنرهای وابسته به ترسیم بوده‌است. محققان در این باب برداشت‌هایی از زاویه دید و دوری و نزدیکی چهره‌ها دارند. محل قرار گرفتن هر یک از چهره‌ها در بخش از نگاره و کلیتی که تصویر را تشکیل می‌دهد، هر یک حامل پیامی برای مخاطب است. علاوه‌بر وجههٔ افراد در دید نگارگر، ساختار داستان از این شیوه ترسیم قابل درک است. به‌عبارت‌دیگر، می‌توان با توجه به مسائلی از این‌دست دریافت که داستان در ذهن نگارگر چگونه تعریف شده و کدامیک از شخصیت‌ها با توجه به جایگاهشان در داستان باید واضح‌تر و نزدیک‌تر و کدام افراد دورتر و مبهم‌تر تصویر شوند. وضوح و ابهام چهره‌ها نکته دیگری در خصوص این مسئله و نمایش نگاه نگارگران به شخصیت‌ها و ساختار داستان می‌باشد. نمونهٔ تأثیر جایگاه شخصیت‌ها در ترسیم دور یا نزدیک افراد را می‌توان در نگارهٔ دیدار زال و رودابه مشاهده کرد. در این نگاره همچون بیشتر نگاره‌های نسخه، تصویرپردازی به شیوهٔ خطی و منظم است. زال و رودابه که سوژه‌های اصلی طرح هستند در میانهٔ صفحه و از افراد دیگر درشت‌تر به تصویر کشیده شده‌اند. در مقابل، پنج خدمتکار و نوازنده، در اندازه‌هایی کوچکتر از دو عاشق نمایان و بخشی از اندام چهار نفر از

آنها در پشت کنگره‌های برج پنهان شده است. ترسیمِ همراه با درشت‌نمایی زال و رودابه، مایهٔ نمایش دقیق‌تر جزئیات چهرهٔ آنها شده، در حالی‌که خدمتگزاران با چهره‌هایی نسبتاً مبهم تصویر شده‌اند. (ن.ک: نگارهٔ شمارهٔ ۵) نگاره‌های نسخهٔ بایسنقری عمدتاً به صورت متقارن و خطی هستند و چهره‌های مهم داستان در مرکز یا محلی ترسیم شده‌اند که توجه مخاطب را به خود جلب کنند. در نگارهٔ جمشید او در میانه ترسیم شده و مردم از طبقات مختلف در اطراف ترسیم شده‌اند. (ن.ک: نگارهٔ شمارهٔ ۳)

۵-٦) انتخاب رنگ‌ها

علاوه بر موازینی که در هر مکتب و دوره برای برگزیدن رنگ‌ها مطرح است، انتخاب رنگ نمایانگر اطلاعاتی در باب برجسته‌سازی و یا کم‌اهمیت جلوه دادن سوژه‌ها می‌باشد. استفاده از رنگ‌های روشن‌تر یا تیره‌تر در جامه، چهره یا زمینهٔ اثر، حامل پیام‌هایی می‌باشد. و هر یک از این رنگ‌ها با ظرایف خاص انتخاب‌شده و علاوه‌بر ظرایف مرتبط با سبک و دوره، پیام‌هایی برخاسته از محتوای داستان و ذهنیت نگارگر دارد. در نگارهٔ کشته شدن ارجاسب در دز رویین، شاهد ورود اسفندیار و سربازانش با جامهٔ مبدّل به این دز هستیم. این تصویر از حیث ترکیب‌بندی صفحه با سایر نگاره‌ها تفاوت دارد. در این نگاره ترکیب به صورت چند نیم‌دایره است. این ترکیب نیم‌دایره‌ای علاوه بر جلب نظر به سوی درگیری اسفندیار و ارجاسب که در گوشهٔ تصویر ترسیم شده، سلسله‌وار توجه را به بخش‌های دیگر که در راستای نیم‌دایرهٔ نخستین هستند، معطوف می‌کند. در این نیم‌دایره‌ها شخصیت‌هایی همچون سپاه اسفندیار، سپاه ارجاسب و خواهران اسفندیار حضور دارند. در این نگاره علاوه بر ترکیب‌بندی جالب، رنگ‌آمیزی هم استادانه صورت گرفته، جامهٔ سربازان اسفندیار به رنگ طلایی ترسیم شده که نشانهٔ برتری ارزش مادی جامه‌ها و نمادی از خورشید و پیروزی هست. در مقابل جامهٔ سپاه ارجاسب به رنگ بنفش بوده و این تیرگی نشانگر باطن پلید و مقدمه‌ای برای نمایش شکست آنهاست. (ن.ک: نگارهٔ شمارهٔ ۸)

۵-۷) امکانات دورهٔ ترسیم نگاره‌ها

هر قدر امکانات دوره و ابزارهای در دسترس نگارگر کیفیت بالاتری داشته، تصاویر جذاب و واضح‌تری ترسیم می‌شده‌اند. علاوه بر ابزارهای نقاشی، مهارت نگارگر ارتباط مستقیمی با کیفیت نگاره‌ها داشته است. همهٔ این موارد در نسخه بایسنقری گردآمده است. همچنین نگارگرانی مشهور به خدمت دربار بایسنقر درآمده بودند که تصاویر بی‌نظیری را در نگاره‌ها بیافرینند. نظارت جعفر تبریزی که خود هنرمند و خطاطی زبده بوده هم از عوامل

بالا رفتن کیفیت کار نگارگران شمرده می‌شود. این امکانات علاوه بر اثرگذاری بر نگاره‌ها بر ترسیم حواشی نسخه نیز تأثیر داشته‌اند: « طرح‌های تذهیب، قلم‌زنی بر فلز، طرح تذهیب زراندود (معروف به ضربی طلاپوش)، نقوش اسلیمی و هنر گل و بوته‌سازی، از جمله هنرهای تزیینی است که در تذهیب حاشیهٔ صفحات شاهنامهٔ بایسنقری به کار رفته است.» (نجف‌پور، ۱۳۸۲: ۹٤) از جمله ویژگی‌های تمایزبخش نسخهٔ بایسنقری استفاده از رنگ‌های زیبا و طلای محلول در تصاویر است. در تصویر شکار بایسنقر رنگ‌های زیبا و متنوعی مورد استفاده بوده است. (ن.ک: تصویر شمارهٔ ۱) « در این صحنه رنگ‌های مختلف شنگرف و زنگار و آبی و اُخرایی و سیر به نحو بسیار دلپذیر و با رعایت قاعدهٔ تند و کند (سیر و روشن) به کار گرفته شده و زمینه که منقش به گیاهان و گل‌های صحرایی است، به رنگ سپید نشان داده شده است. در این رنگارنگی و نگارگری از آب طلا (حل‌کاری) زیاد استفاده شده است، چنانکه هوا زراندود و تزئین جامه‌ها و ترکش‌ها و زین و برگ‌ها، همه با نقوش طلایی نمایان است.» (همان: ۹۵)

۵-۸) علاقهٔ شاه یا سفارش‌دهنده نسخه و نگارگر

میزان علاقهٔ شاه به ترسیم چهره‌ها و وجوهی از داستان همچنین علاقه نگارگر به رخدادی خاص، بر جریان ترسیم اثرگذار بوده‌است. میزان توجه و گرایش نگارگر و پادشاه، بالطبع از وضعیت اجتماع و شرایط دوره نشأت می‌گرفته و فرهنگ زمانه‌ای که نگارگر و پادشاه را تربیت کرده در تصاویر نمایان می‌شود. همان‌طور که فرهنگ و جامعه بر شاه و اطرافیان اثر می‌گذارد، زمامداران هم با انتخاب تصاویر، در برخی موارد بر سلیقهٔ عمومی متمرکز شده و در صورت نیاز آن را تغییر می‌دهند. از این نظرگاه، نگاره‌ها به منزلهٔ ابزاری در دست دربار شاهی و برای معرفی آنها به مردم بوده است. تکرار چهرهٔ شاهان و اطرافیان به صورت غیرمستقیم لزوم وجود شاه و زندگی پر از رنگ او را به جامعه القا می‌کرده است. «شاهنامه در سنت ایرانی فراتر از ادبیات گام برمی‌دارد. شاهنامه نوعی رسالهٔ سیاسی است که مفاهیمی چون تفاخر، اخلاقیات و مشروعیت را در خود نهفته دارد. مصورکردن شاهنامه در واقع جلوه‌ای از آرمان‌ها و آرزوهای نخبگان حاکم در ایران‌زمین برشمرده می‌شد. این نکته حتی در مورد فاتحان غیرایرانی هم مصداق داشت. چون مغولان آن را سمبل و نماد همیاری بین سنت‌های فرهنگی ایرانی و اهداف و غایات سیاسی ترکی - مغولی می‌دانستند. تصاویر شاهنامه از طریق نمایش سبک زمانه و کاربست جامه‌ها و لباس‌های معاصر و نیز شکل و شیوهٔ معماری و کتیبه‌ها، بازتابی از کوشندگی‌های تاریخی افراد سلسلهٔ موردنظر می‌شد که خود را در آئینهٔ سنت شاهانهٔ ایران فرامی‌نمودند. شاهزادگان تیموری از این سنت بهره‌ای وافی گرفتند و شاهنامه در کارگاه‌های هنری آنها با تصاویر بسیار زیبا و قطع‌های مختلف تولید شد.» (آژند، ۱۳۸۷: ۱۱٦)

از سویی انتخاب صحنه‌ای خاص برای نگارگری شباهتی به میل به الحاق ابیات به شاهنامه دارد. همان‌گونه که الحاق بیت به بخش‌های مورد علاقه مردم و کاتبان بیشتر بوده، ترسیم نگاره هم از این بخش‌ها بیشتر صورت می‌گرفته است. این مسئله خود می‌تواند در بررسی ریشه‌های اجتماعی - تاریخی الحاق ابیات یا در نگاهی گسترده‌تر، ایجاد تغییر در ساختار داستانی اثر، نکاتی را آشکار کند. در نسخه بایسنقری صحنه‌های برگزیده برای ترسیم نگاره‌ها، همان صحنه‌هایی است که ابیات الحاقی بیشتری در باب آنها موجود است. این نکته هم نمایانگر توجه بیشتر نسخه‌نگاران و عامهٔ مردم به این بخش‌های داستانی بوده‌است. نگاره‌های کشته شدن سیاوش و به بند کشیدن ضحاک از این نمونه‌هاست. نگارگران نسخهٔ بایسنقری به دلیل فراوانی ابیات الحاقی در این نسخه، از این ابیات هم در اوصاف بسیار تأثیر پذیرفته‌اند.

نتیجه‌گیری:

پژوهشگران ادبی مرتبط با متون و نسخ خطی صرفاً بر بخش نوشتاری نسخه‌ها متمرکز هستند و به نسخ مصور و نگاره‌های آنها، چنان که بایسته است، توجه ندارند. حال آنکه این تصاویر اطلاعات بسیار ارزنده‌ای در بر دارند. در میان آثار کهن ادبی، شاهنامه بیش از متون دیگر نسخه‌برداری و مصوّر شده است. برخی نسخه‌های مصور به دلیل وابستگی به دربار و نگهداری در کتابخانه‌های سلطنتی، امروزه به خوبی در دسترس هستند. این نسخه‌ها شامل اطلاعات ارزشمندی در حوزهٔ مسائل اجتماعی و فرهنگی در باب دورهٔ ترسیم نگاره‌ها هستند. توجه به جزئیات نگاره‌ها، ادبا را از توجهِ صرف به متن بازداشته و زوایای تاریکی از فرهنگ عامه و پندارهای مردمی دربارهٔ شاهنامه و هنر نگارگری را آشکار می‌کند. نگاره‌های نسخهٔ بایسنقری، اثر نگارگران زبدهٔ عهد تیموری هستند. این نگاره‌ها با ظرافت بسیار ترسیم شده و نمایانگر تأثیر عوامل جانبی بر تصاویر هستند. نگارگران در طراحی نگاره‌ها یک عامل میانجی در میانهٔ اجتماع و پادشاه هستند. آنان از روایات مردمی بهره‌مند بوده و در ترسیم آنها را نمایان می‌کردند. از سویی برای کسب مشروعیت پادشاه در تلاش بودند و با تصویرسازی از مجالس شاهانه، زمینه‌های برخورداری شاه از جایگاهی والا را در جامعه فراهم می‌کردند. این نسخه‌ها که در گذشته به عنوان ابزاری تبلیغاتی مورد استفاده بودند، امروزه می‌توانند آینه‌ای از باورهای عامه و شاهانه درباب شاهنامه باشند.

یادداشت‌ها:

علائم اختصاری نام نسخه‌ها:

س: دستنویس کتابخانهٔ طوپقاپوسرای در استانبول، مورخ ۷۳۱

پ: دستنویس کتابخانهٔ ملی پاریس، مورخ ۸٤٤

منابع و مآخذ:

- آژند، یعقوب، (۱۳۸۷)، مکتب نگارگری هرات، چاپ اول، تهران: فرهنگستان هنر.
- اراضی جمکرانی، نبی الله و محمدرضا شریفی و سعید خیرخواه برزکی، (۱۳۹۹)، «تأثیر پیمان‌های شاهنامه در انتقال اندیشهٔ ایرانشهری به دورهٔ اسلامی (با تأکید بر تصاویر شاهنامهٔ بایسنقری)»، مطالعات هنر اسلامی، س ١٦، تابستان ۱۳۹۹، ش ۳۸، صص ۱۹-۷.
- بهلول، اعظم و پیوند توفیقی و رویا علیخانی، (۱۳۹۷)، «مقایسهٔ تطبیقی آیین سوگواری در سه نگاره از شاهنامهٔ دموت با تک نگارهٔ شاهنامهٔ بایسنقری»، مطالعات تطبیقی هنر، س۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، ش ١٦، صص ۹۳-۸۱.
- سالاری، مریم و حسن بلخاری قهی و شادی تاکی، (١٤٠٠)، «تحلیل گفتمان قدرت از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی در شاهنامه بایسنقری (مطالعهٔ موردی دو نگارهٔ پادشاهی جمشید و بر تخت نشستن لهراسب)»، مطالعات هنرهای زیبا، دوره ۲، زمستان ١٤٠٠، ش ٦، صص ١١-٣.
- عباس نژاد خراسانی، هادی و رضا فرصتی جویباری و حسین پارسایی، (١٤٠٠)، «واکاوی و بر جسته‌سازی صفات و شخصیت زن از نگاه فردوسی و انعکاس آن در شاهنامهٔ بایسنقری (دو نگارهٔ زال و رودابه و دیدار اردشیر و گلنار)»، مطالعات هنر اسلامی، س ۱۷، تابستان ١٤٠٠، ش ٤٢، صص ۲۵۹-۲۳۵.
- عبدالهی، نیلوفرسادات، (۱۳۹٤)، بررسی ابیات الحاقی شاهنامه مبتنی بر متن مصحَّح دکتر خالقی مطلق از منظر سبک‌شناسی با رویکرد بلاغت، پایان نامهٔ کارشناسی ارشد رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی، تهران:

دانشگاه تهران.

- عبدالهی، نیلوفرسادات، (۱٤۰۰)، «مقایسهٔ نگاره‌ای از شاهنامهٔ بایسنقری با روایت فردوسی (نگارهٔ خان هفتم رستم / کشتن دیو سپید)»، نهمین همایش ملی متن پژوهی ادبی، ج۲، صص ٦۹۰-٦٦۹.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۸٦)، شاهنامه، پیرایش: جلال خالقی مطلق، ج ۲-۱، چ اول، تهران: دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- ـــــــــــ، (۱۳۵۰)، شاهنامه (نسخهٔ بایسنقری)، چاپ اول، تهران: شورای مرکزی جشن‌های شاهنشاهی.
- ماه‌وان، فاطمه و محمدجعفر یاحقی و چارلز ملویل، (۱۳۹۳)، «مخاطب‌شناسی شاهنامه‌های مصور (با بررسی نگاره‌های دو نسخهٔ بایسنقری و داوری)»، جستارهای ادبی، ش ۱۸٦، پاییز ۱۳۹۳، صص ۸٦-٥٤.
- نایگلی، محمدشریف، (۱۳۹۷)، طومار جامع نقالی شاهنامه، تصحیح و تحقیق: فرزاد قائمی، چاپ دوم، مشهد: به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی).
- نجف‌پور، مجید، (۱۳۸۲)، «بررسی ویژگی‌های هنری شاهنامهٔ بایسنقری»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۲، ش ٦٦ و ٦۷، صص ۹٦-۹۳.

پیوست:

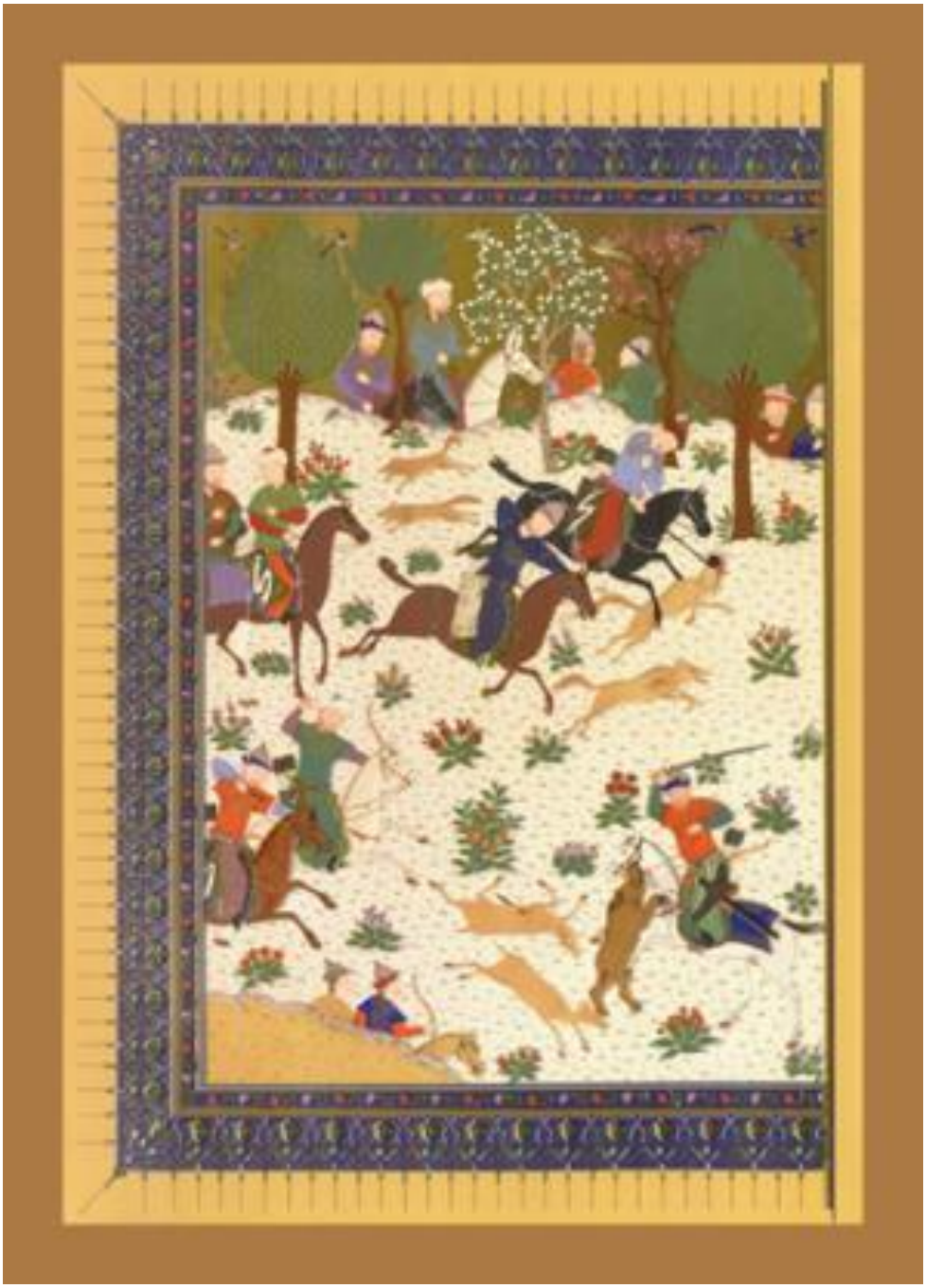

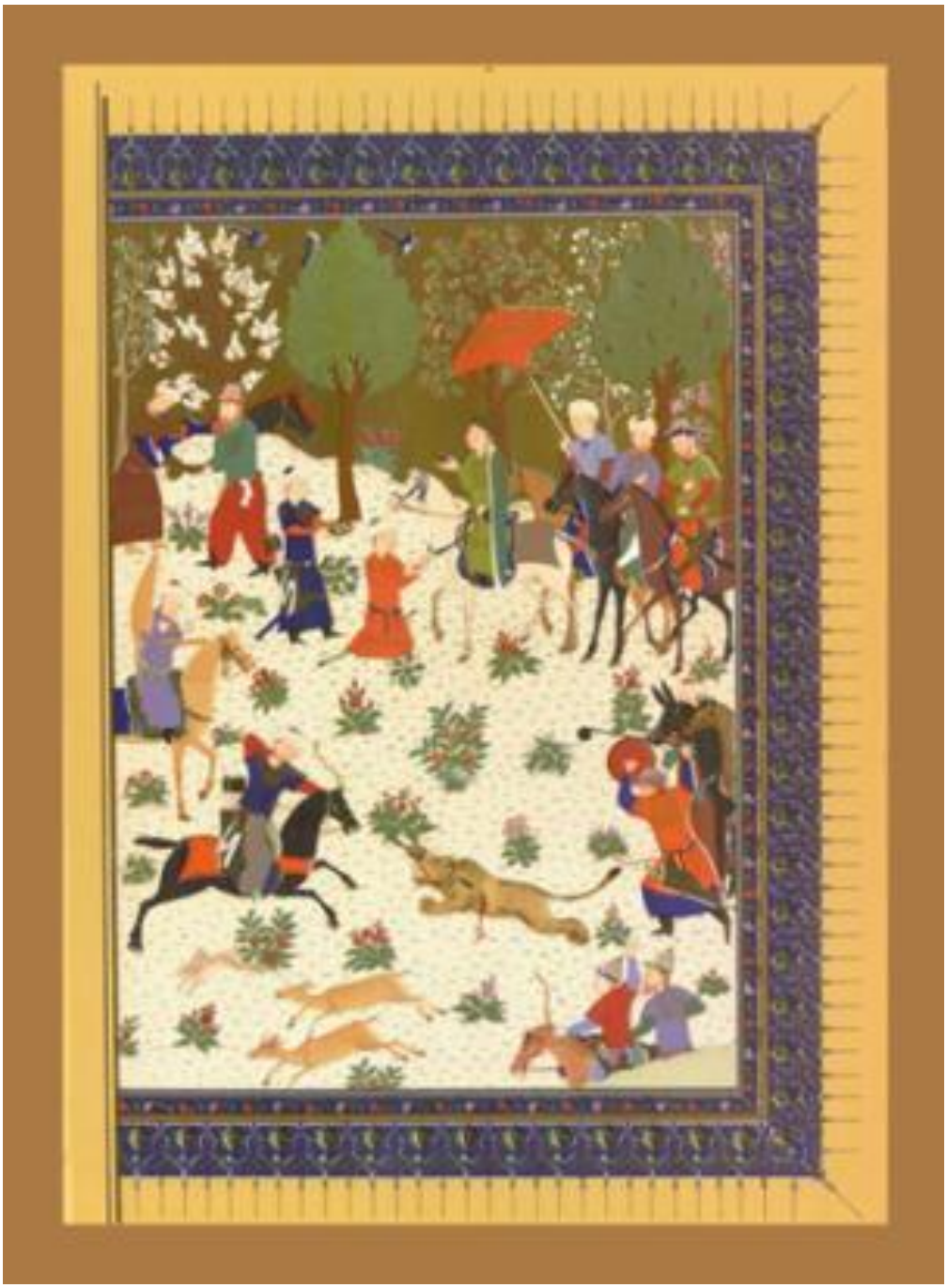

تصاویر شمارهٔ «۱»

نگاره های شکار بایسنقر میرزا (فردوسی، ۱۳۵۰: ۳-٤)

تصویر شمارهٔ «۲»

نگارهٔ فردوسی و شاعران (فردوسی، ۱۳۵۰: ۱۳)

تصویر شمارۀ «۳»

نگارۀ پادشاهی جمشید (فردوسی، ۱۳۵۰: ۳۱)

تصویر شمارهٔ «٤»

نگارهٔ به بند کشیدن ضحاک (فردوسی، ۱۳۵۰: ٤٠)

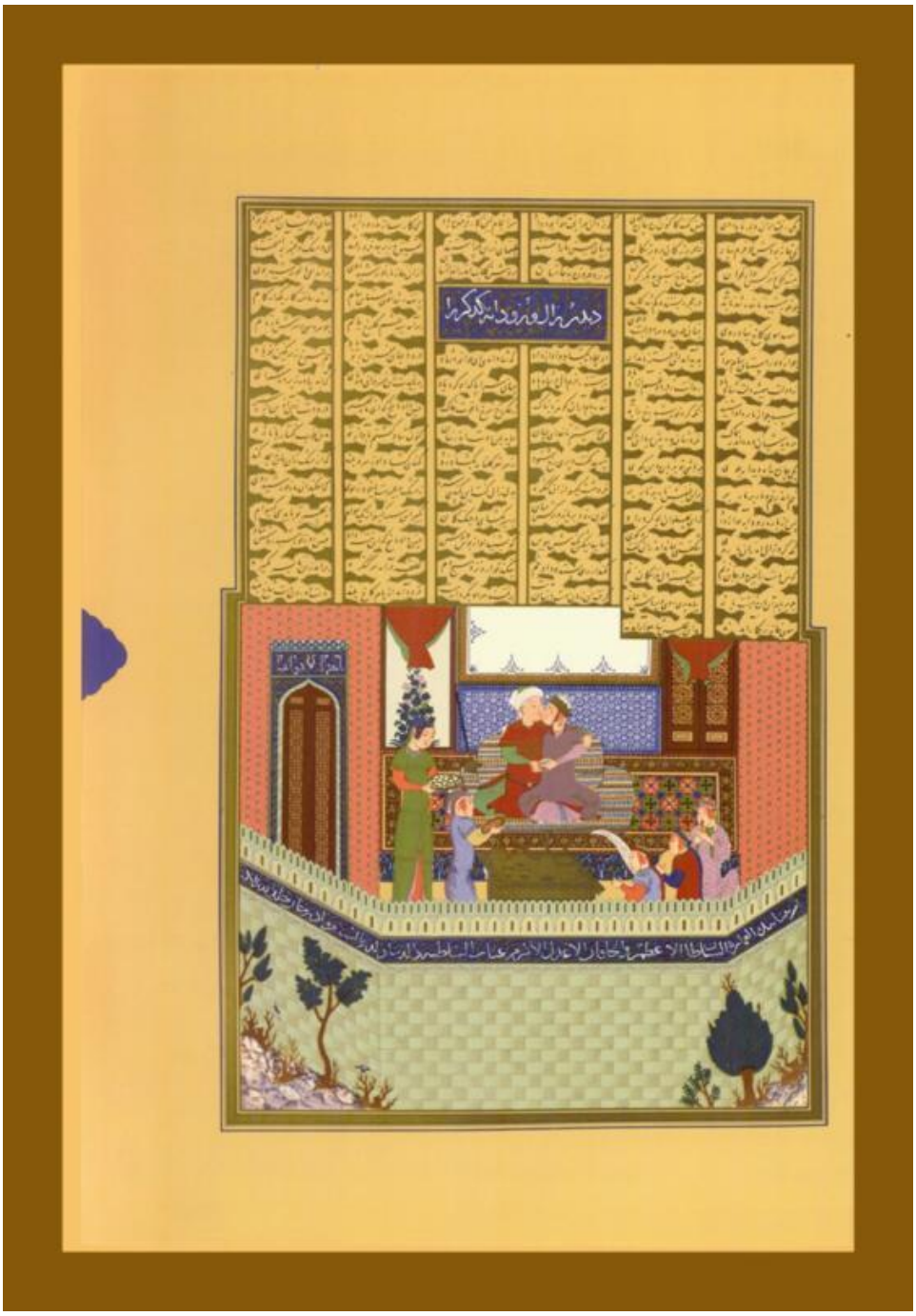

تصویر شمارهٔ «۵»

نگارهٔ دیدار زال و رودابه (فردوسی، ۱۳۵۰: ٦٢)

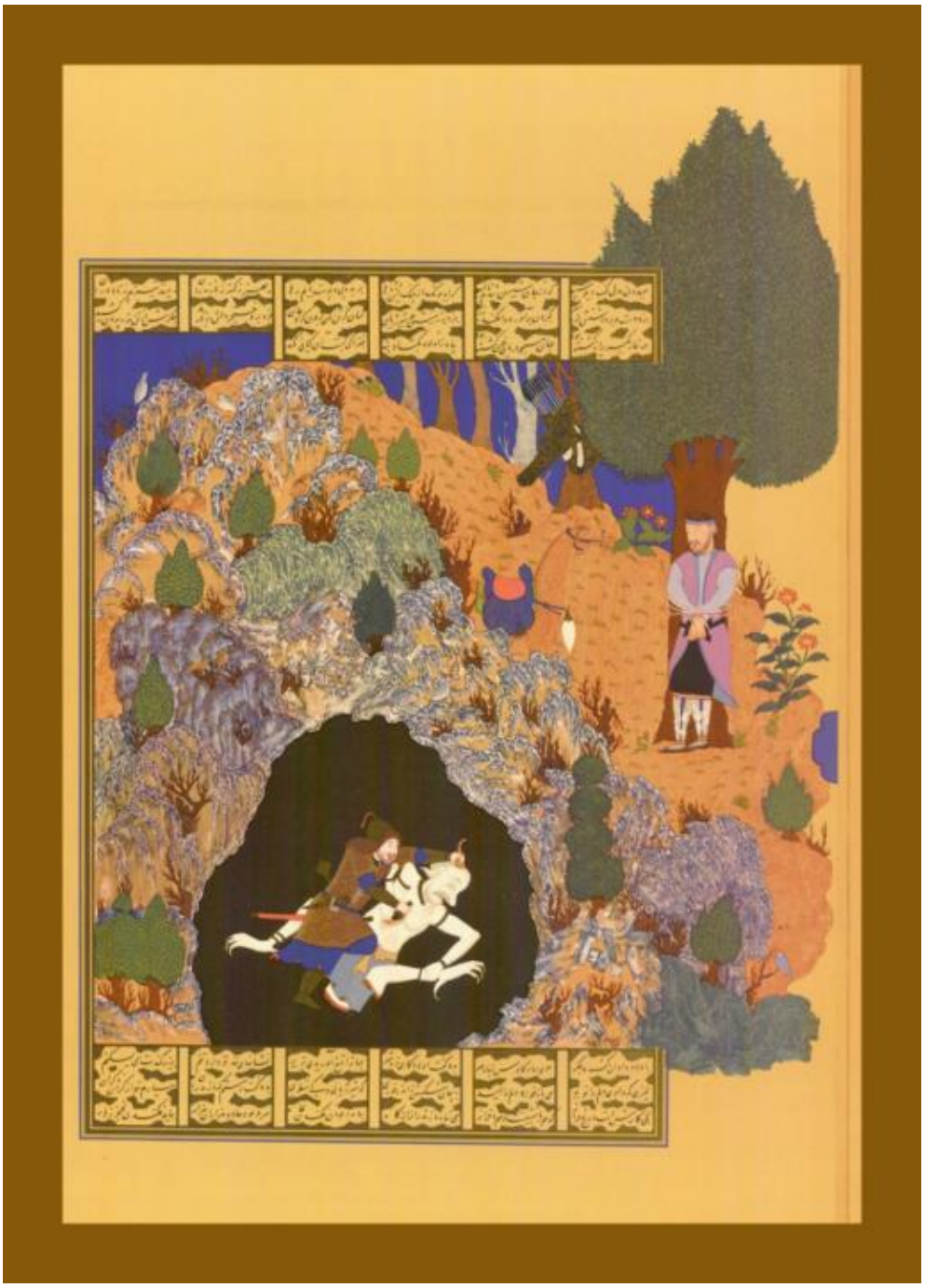

تصویر شمارۀ «٦»

نگارۀ خان هفتم رستم/ کشتن دیو سپید (فردوسی، ۱۳۵۰: ۱۰۱)

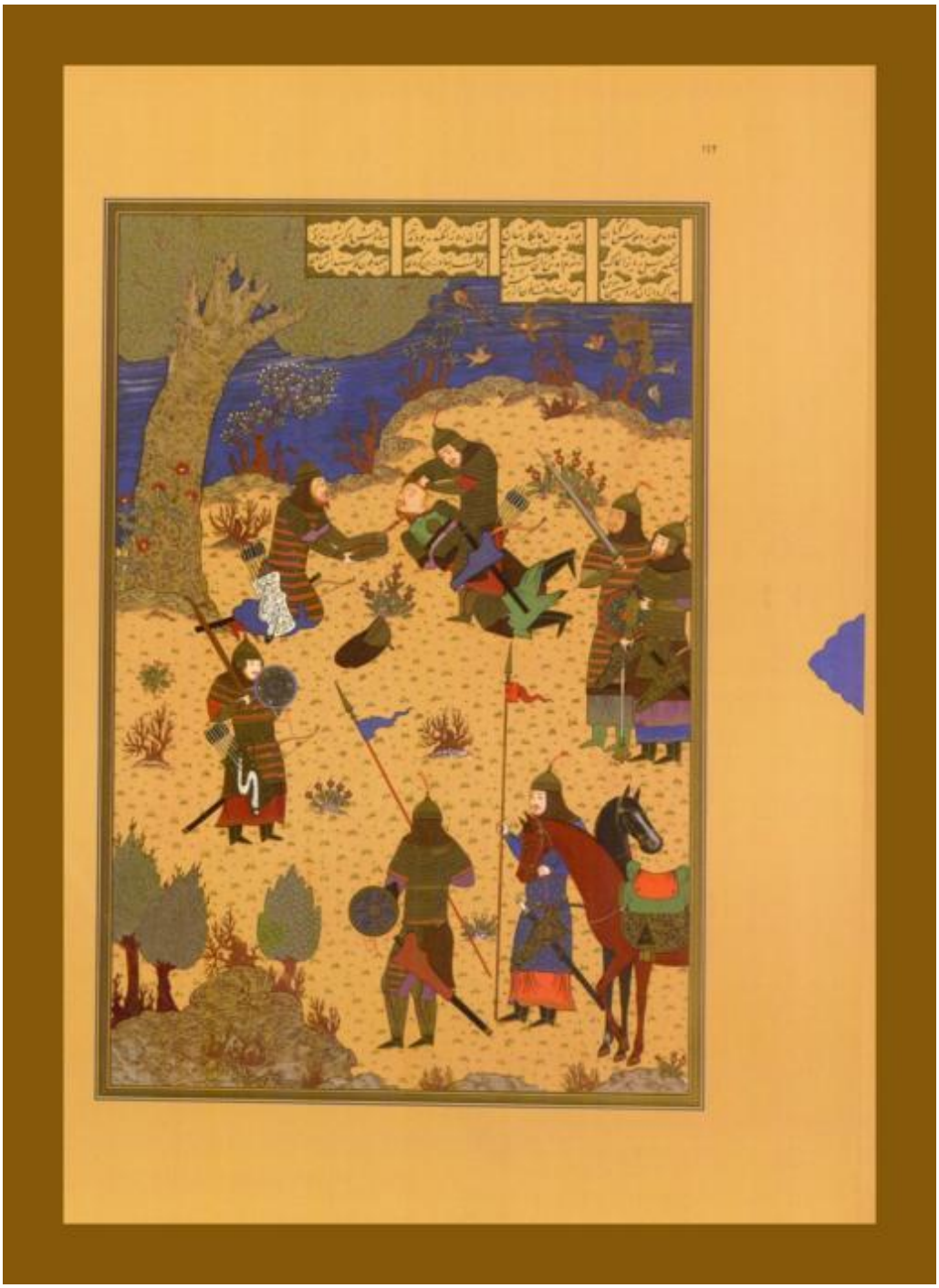

تصویر شمارهٔ «۷»

نگارهٔ کشتن سیاوش (فردوسی، ۱۳۵۰: ۱۶۳)

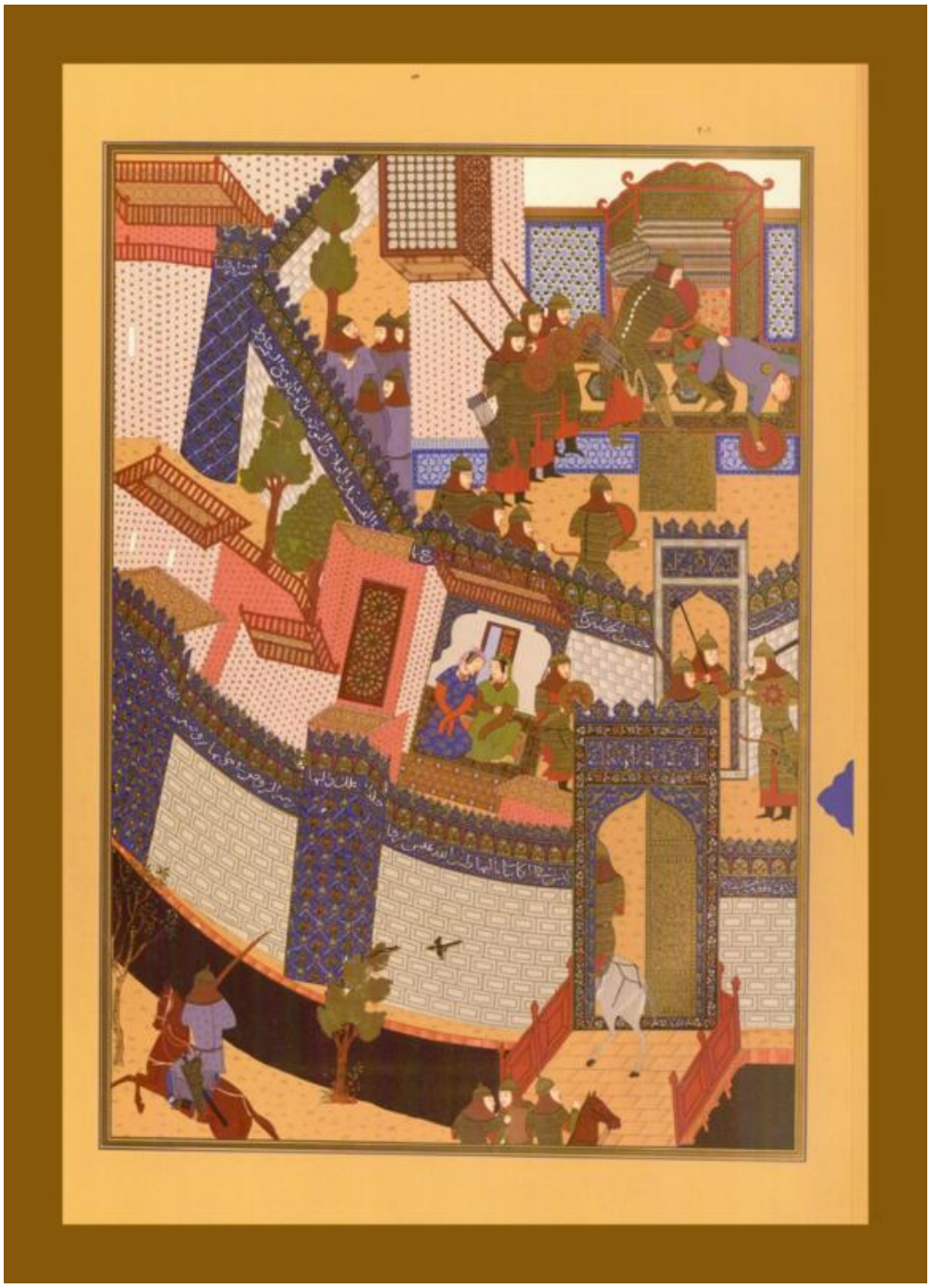

تصویر شمارهٔ «۸»

نگارهٔ نبرد اسفندیار با ارجاسب (فردوسی، ۱۳۵۰: ٤٠١)

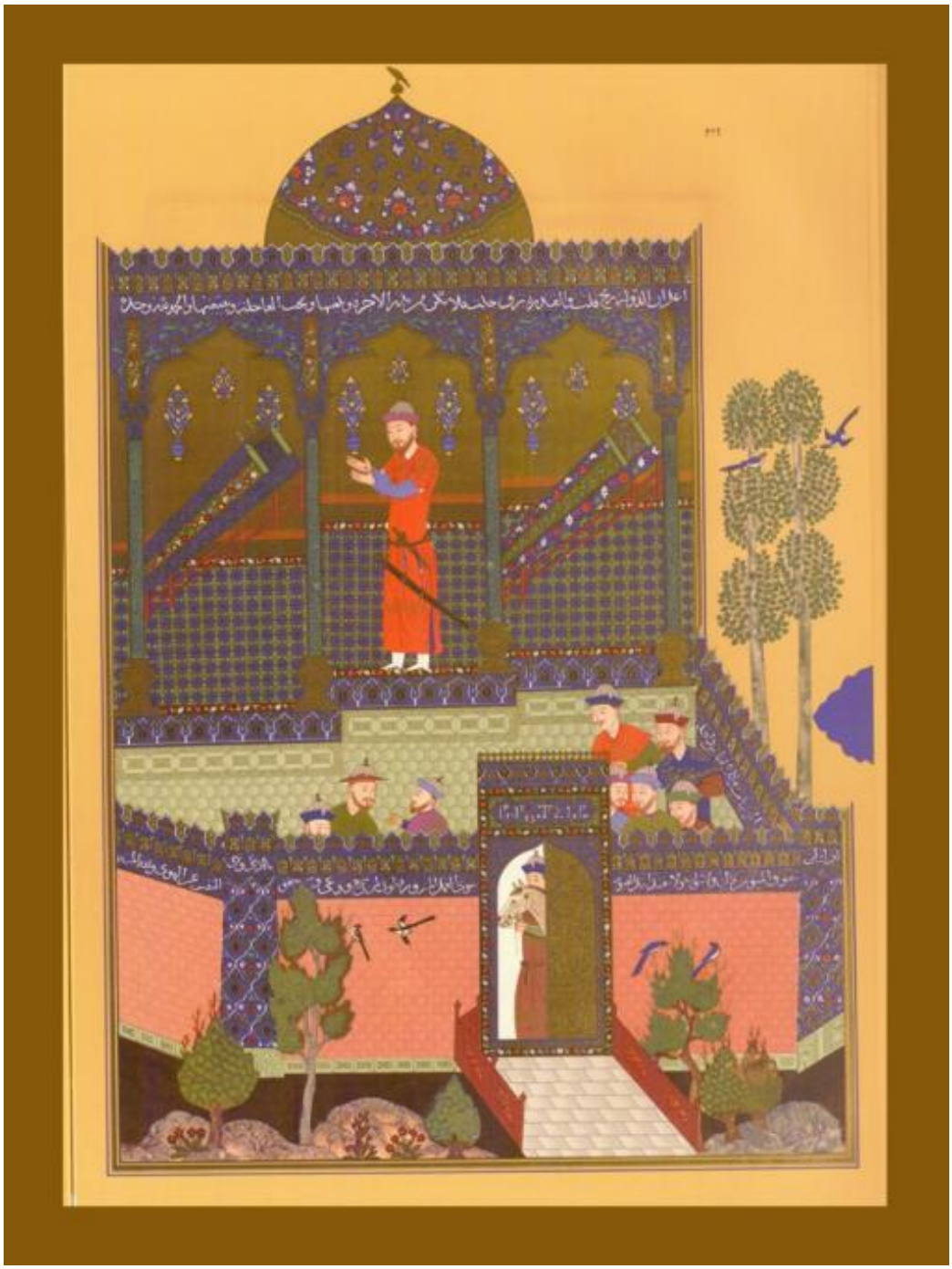

تصویر شمارهٔ «۹»

نگارهٔ مویهٔ فرامرز بر تابوت رستم (فردوسی، ۱۳۵۰: ٤٢٩)

مجموعه مقالات علمی نخستین همایش ملّی تحقیق و تصحیح نسخه های خطی ایران
انجمن علمی تحقیق و تصحیح نسخه های خطی ایران کد اختصاصی ISC: ۰۱۲۲۰-۷۶۳۳۳
اخبار و گزارشها | مقالات علمی | مطالعات علمی

مطالعهٔ ارتباط زبان متن و زبان تصویر در نسخ خطی مصور دوره ایلخانی با استناد به دیدگاه رولان بارت

محمدکاظم حسنوند[۱] مهسا خانی اوشانی[۲]

چکیده:

زبان متن و زبان تصویر، دو عنصر مهم در صفحه‌آرایی کتب همچنین در انتقال مفهوم روایت به مخاطب می‌باشد که ارتباط میان آن‌ها انواع مختلفی از روابط تعاملی و دو سویه را به وجود می‌آورد. ارتباط زبان متن در کنار زبان تصویر، روایت یک داستان را پیش می‌برد و رولان بارت فیلسوف زبان‌شناس ساختارگرا، این ارتباط را در سه نظریه کلی مورد بررسی قرار داده است. هدف این پژوهش، تعریف و بررسی این ارتباطات در نسخ مصور ادبیات روایی از دوره ایلخانی با استناد بر نظریات رولان بارت می‌باشد، تا به این سوال پاسخ داده شود که رابطه میان زبان متن و زبان تصویر با استناد بر نظریه رولان بارت چگونه تعریف شده است؟ این پژوهش با روش توصیفی _تحلیلی و به شیوه گردآوری کتابخانه‌ای انجام گرفته و داده‌های تحقیق به شیوه استقرایی، تحلیل شده است. ابتدا عناصر موجود در هر صفحه بررسی می‌گردد و سپس ارتباط عناصر با یکدیگر و با کل صفحه سنجیده می‌شود. نتیجه‌ای که از این روش دریافت می‌شود به شرح زیر است: در نسخ منافع الحیوان، جامع التواریخ و شاهنامه دموت، در تمام مواردِ تحقیق، زبان متن در صفحه غالب است. نیمی از مواردِ تحقیق بر اساس نظریه رولان بارت با ارتباطی "توصیفی" در صفحه به روایت داستان می‌پردازند و در نیمه دیگر، ارتباط "همسان" مشاهده می‌شود. متن و تصویر با ارتباطی "همسان" به انتقال مفهوم روایت به مخاطب نقش دارند.

کلیدواژه‌ها:

نسخ خطی مصور، زبان متن، زبان تصویر، ایلخانی، رولان بارت.

[۱] نویسنده مسئول، دانشیار، هیات علمی گروه نقاشی و هنر اسلامی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران : mkh@modares.ac.ir،

[۲] کارشناسی ارشد،گروه هنر اسلامی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران: mahsakhani۱۹۸۷@gmail.com

۱. مقدمه

آراستن نسخ خطی، تعاملی نزدیک میان هنر و ادبیات ایجاد کرد. نزدیکی این دو، سبب ایجاد وجوه مشترک بسیاری، از جمله ارتباط میان زبان متن و زبان تصویر گشت. ادبیات و هنر پیوندی ناگسستنی در کنار هم داشته و روایت با کمک این دو زبان به مخاطب منتقل می‌شود (آلبوغبیش و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۶). تصویر هم برای زیبایی صفحه و جذب مخاطب و هم برای شرح موضوع و توصیف روایت به کار برده می‌شود تا انتقالِ مفهوم به مخاطب صورت گیرد (سلمان ، ۱۳۹۶: ۱۷). مکان قرارگیری متن و تناسب آن با تصویر، الگوهای متعددی در نسخِ خطی مصور دوره‌های تاریخی متفاوت به وجود آورد. بررسی این الگوها و رابطه‌ای که میان این دو زبان بصری در صفحه ایجاد می‌شود، اساس نوشتار پیش رو را شکل می‌دهد. در این پژوهش قصد بر این است که ارتباط میان زبان متن و زبان تصویر در صفحه‌آرایی سه نسخه مصور دوره ایلخانی بر اساس نظریه رولان بارت، مورد بررسی قرار گیرد. رولان بارت سه نظریه ارتباطی را میان متن و تصویر در صفحه مطرح می‌کند، انواع ارتباط، ارتباط "توصیفی، مرجع و همسان" هستند، که ساختار اصلی یک صفحه را شکل می‌دهد. این پژوهش قصد تحقیق این سوال را دارد: رابطه میان متن و تصویر با استناد بر نظریه رولان بارت چگونه تعریف شده است؟ در این پژوهش ابتدا موارد تحقیق بر مبنای نظریه بارت تحلیل و سپس با تجزیه و تحلیل عناصر متن و تصویر در صفحه تعریف می‌گردند. فرض بر این است که در صفحه‌آرایی سه نسخه از دوره ایلخانی الگوی مناسبی وجود دارد که بر اساس آن، متن در وسط صفحه غالب و تنها ارتباط "توصیفی" در صفحه برقرار است. ضرورت این پژوهش، نخست در آن است که روش جدیدی برای مطالعه میان رشته‌ای هنر و ادبیات فراهم می‌آورد و موجب افزایش دقت در خوانش نگاره با توجه به متن می‌شود. همچنین مطالعه نسخ مصور ایرانی با استناد بر نظریه فیلسوفِ ساختارگرا، رولان بارت تاکنون صورت نگرفته و این پژوهش سعی دارد، ظرفیتی برای شناخت و مطالعه این نظریه بر نمونه‌های اصیل ایرانی همچنین بستر لازم برای ادامه و تکمیل مطالعه ارتباط متن و تصویر در صفحه‌آرایی مکاتب گوناگون را فراهم آورد.

۲. پیشینه پژوهش

در ارتباط با صفحه‌آرایی و کتاب‌آرایی در ایران، مطالعات بسیاری انجام شده است. بیشتر پژوهش‌ها معطوف به بررسی مکاتب و سبک‌های نگارگری بوده است. همچنین مطالعاتی در خصوص رابطه میان متن و تصویر کتب گوناگون اعم از نسخ خطی تاریخی و کتب امروزی صورت گرفته است، که در این نوشتار به معرفی و شرح تفاوت آن‌ها با پژوهشِ پیشِ رو عنوان می‌گردد. ازجمله مقالاتی که در این زمینه انجام شده است، مقاله‌ای از اقبالی و

رجبی به نام "شناخت تصویرسازی کتاب بر اساس رابطه میان متن و تصویر"(۱۳۹۵) می‌باشد. جامعه‌آماری این تحقیق، تصویرگری کتب داستانی معاصر بوده و به نقش معنا و خیال در تصویرگری پرداخته‌است. توجه به مخاطب و معنای روایت و وظیفه تصویرساز در این تحقیق بررسی می‌گردد. اما به نظریه‌پردازی رولان بارت، تعریف و تطبیق آن با نسخ دوره ایلخانی نمی‌پردازد. از جمله پایان‌نامه‌هایی که در این زمینه انجام شده است، پایان‌نامه صفری کرهرودی به نام " مطالعه روش‌های صفحه‌آرایی در نسخ خطی ایران و کاربرد آن در صفحه‌آرایی کتب امروزی" (۱۳۹۷) این تحقیق، از نظر زمانی، دوره سلجوقی تا پایان دوره صفوی را شامل می‌شود که به بررسی الگوی کلی صفحات در هر دوره تاریخی بدون تمرکز بر رابطه متن و تصویر پرداخته و کاربرد آن را در صفحه آرایی کتب امروزی سنجیده است، همچنین در این تحقیق به نظریه ارتباطی متن و تصویر رولان بارت نیز اشاره نشده است. پایان‌نامه خانم نام‌آور با عنوان " بررسی رابطه میان متن و تصویر در شاهنامه بزرگ ایلخانی دموت" (۱۳۹۲) که به بررسی و تحقیق ارتباط میان متن و تصویر در شاهنامه بزرگ ایلخانی معروف به دموت پرداخته و به اهمیت متن در این ارتباط پی‌برده اما به تعریف و بررسی این ارتباط با استناد بر نظریات بارت و انطباق آن با صفحه آرایی این نسخه اشاره‌ای نکرده است. مقاله " نقدی بر روش نشانه‌شناسی و تحلیل روایت رولان بارت" (۱۳۹۵) از مسعودی، آشنایی در مورد بارت و مختصری از زندگی او را توضیح می‌دهد و همچنین روش تحلیل روایت رولان بارت بررسی شده و نقدی در ارتباط با کاربرد آن در ایران ارائه می‌دهد. اما به سه نظریه اصلی بارت و تعریف این ارتباطات با نسخ مصور ایرانی نمی‌پردازد. کتاب "درآمدی بر تحلیل ساختاری روایت‌ها" (۱۳۸۷) اثر رولان بارت، به تحلیل روایت‌ها و ارتباط ساختار آن با تصویر پرداخته و به مبانی نظری بارت در این مورد پرداخته ولی به تعریف نسخ مصور ایران با استناد بر آن توجه نداشته است. بارت نظریاتی میان ارتباط عنصرِ متن و عنصرِ تصویر ارائه می‌دهد و به بررسی و تعریف رابطه نوشتار و تصویر متمرکز می‌شود. اما موضوع پژوهش پیشِ رو، مطالعه صفحات مصور دوره ایلخانی می‌باشد، که برای اولین‌بار بر مبنای نظریات رولان بارت در خصوص رابطه میان متن و تصویر تعریف شده و از این نظر نو و بدیع می‌باشد.

۳. روش پژوهش

روش این تحقیق، تحلیلی است که با رویکرد ساختارگرایی و به صورت استقرایی انجام می‌گیرد. شیوه گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد. تصاویر نسخه‌های خطی مورد مطالعه از اسناد مکتوب قابل دسترس و پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر اینترنتی گرداوری شده است. جامعه‌آماری این پژوهش، نسخ خطی مصور دوره ایلخانی می‌باشد. از آنجا که این تحقیق یک پژوهش کیفی است، انتخاب نمونه‌ها بر اساس ویژگی‌های

کیفی انجام شده است. انتخاب این موارد بر این اساس صورت گرفته که زبان متن و زبان تصویر در یک صفحه در کنار هم وجود داشته باشد. همچنین یک صفحه کامل از نسخ مصور در منابع اینترنتی در دسترس باشد. به طور کلی، سه نسخه خطی مصور منافع الحیوان، جامع التواریخ و شاهنامه دموت از دوره ایلخانی و از هرکدام دو صفحه مصور، بنابر جامعیت بیشتری که به لحاظ وجود متن و تصویر در یک صفحه دارد، انتخاب شده است. روند تحلیل داده‌ها از جزء به کل، به شیوه استقرایی است. ابتدا اجزاء درون صفحه و عناصر بصری، تحلیل، سپس ترکیب و ارتباط این عناصر با یکدیگر، در فضای کلی صفحه بررسی و رابطه میان زبان متن و زبان تصویر با استناد بر نظریات رولان بارت، بررسی می‌گردد تا الگوی تعریف شده هر صفحه به‌دست آید.

٤. مبانی نظری پژوهش

ارتباط میان دو عنصر متن و تصویر در صفحه‌آرایی دارای اهمیت بسیاری است. همچنان که زبان متن در انتقال مفهوم به مخاطب نقش اساسی دارد، تصویر نیز دارای همان بار انتقال مفاهیم می‌باشد و به عنوان زبانی، برای انتقال مفهوم کاربرد دارد. زبان تصویری در هنر کتاب‌آرایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. «ادبیات و هنرهای ایران در روند بهره‌گیری از کهن‌الگوها به هم پیوسته‌اند. شاعر و نقاش با زبانی همانند، به توصیف جهانی می‌پردازند که صورت کلی آن را از نیاکانشان به ارث برده‌اند» (پاکباز، ١٣٦٦: ٩). رولان بارت این ارتباط را در کتاب خود به نام «درآمدی بر ساختار روایت ها» مورد بررسی قرار داده است (احمدی، ١٣٧٤: ١٨١). این کتاب در واقع مجموعه مقالات بارت درباره روایت‌شناسی می‌باشد و مهمترین موارد استفاده از روش‌های زبان‌شناسی، در تحلیل ادبی و هنری را توضیح داده است (احمدی، ١٣٧١: ٢٣٥). حوزه‌ای که رولان بارت در آن وارد شده و به شیوه آکادمیک به بحث و بررسی «تحلیل ساختاری روایت» پرداخته است (آلن، ١٣٨٥: ٢١). او در این کتاب سه نوع ارتباط را میان زبان متن و زبان تصویر تعریف می‌کند: ١.توصیفی بودن تصویر: زمانی که تصویر از نوشتار پشتیبانی می‌کند و نوشتار نقش اصلی در صفحه دارد(Barthes ، ١٩٧٧: ٣٤). ٢. همسان بودن: زمانی که متن و تصویر، به نسبت برابر از هم پشتیبانی می‌کنند و هردو به یک اندازه در صفحه دارای اهمیت هستند(Barthes ، ١٩٦٦: ٢٢). ٣. مرجع بودن تصویر: زمانی که نوشتار از تصویر پشتیبانی می‌کند و تصویر نقش اصلی را در صفحه دارد (Barthes ; Duisit، ١٩٦٦: ٥١). نمونه‌های این تحقیق، برمبنای این سه نظریه، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

٥. تحلیل و بررسی آثار

تصویر١ در ردیف ١ جدول١ ، نگاره‌ای از کتاب منافع الحیوان[٣] می باشد که ویژگی حیوان «خرس» را تشریح کرده است. دو خرس در مرکز صفحه در پس‌زمینه‌ای بدون رنگ قرار گرفته و اطراف آن با گیاهان تزئین شده است

(رهنورد، ۱۳۸٦). متن در بالا و پایین صفحه نگاشته شده، به طور مشخص متن در صفحه غالب است و تصویر در میان آن جای گرفته است (قادری و همکاران، ۱۳۸۹: ٥٤). برای تعیین میزان سهم مؤلفه متن و تصویر در صفحه، به بررسی نظریه رولان بارت در این خصوص پرداخته می‌شود. رولان بارت سه نظریه در ارتباط با متن و تصویر مطرح می‌کند. نظریه‌ای که در آن تصویر دارای ارجحیت است. تصویر در صفحه غالب است و متن برای پشتیبانی و حمایت تصویر در صفحه حضور دارد. بارت این نظریه را "ارتباط مرجع" می‌خواند (مسعودی، ۱۳۹٥: ٧٤)، که در این صفحه چنین ارتباطی مشاهده نمی‌شود. تصویر در صفحه غالب نیست. بلکه در میان متن محصور شده است. نظریه دیگر بارت ارتباطی است که متن بر تصویر ارجحیت دارد. تصویر حکم پشتیبان را داشته و حمایت-کننده متن است. بارت این نظریه را ارتباط "توصیفی" می‌نامد (بارت، ۱۳۹٤: ١٤) که در این صفحه مشاهده نمی‌شود. متن در بالا و پایین تصویر وجود دارد و نقش پررنگی در صفحه ایفا می‌کند، اما تصویر نیز فضای قابل توجهی دارد و میانه صفحه را به خود اختصاص داده است. بارت نظریه دیگری را عنوان می‌کند، زمانی که متن و تصویر به یک میزان در صفحه نقش داشته و به یک میزان از یکدیگر حمایت می‌کنند. در این نظریه متن و تصویر پشتیبان و حامی یکدیگر هستند و هر دو در کنار هم به انتقال مفهوم به مخاطب تاثیر می‌گذارند و آن را "ارتباط همسان" می‌نامد (بارت، ۱۳۸۷: ۹۹). چنانچه در تصویر۲ در ردیف ۱ جدول، مشاهده می‌شود، با وجود اهمیت متن و غالب بودن آن در صفحه، تصویر نیز فضای قابل ملاحظه‌ای را در میان صفحه اشغال کرده که بدین سبب حائز اهمیت می‌شود (دونیس، ۱۳۹۷: ٤٢). زبان متن در کنار تصویر به انتقال مفهوم روایت در صفحه کمک می‌کند و هردو همپای یکدیگر در انتقال مفهوم روایت تاثیر دارند. پس ارتباط "همسان" در این صفحه برقرار است.

شکل ۳ در ردیف ۱ جدول۱، صفحه دیگری از کتاب منافع الحیوان می‌باشد که ویژگی حیوان «شغال» را تشریح کرده و تصویر دو شغال را در پس‌زمینه بدون رنگ همراه با گیاهان و پرندگان، نمایش می‌دهد (آژند، ۱۳۸۹: ٥٧). تصویر درون کادری رنگی در پایین سمت چپ قرار گرفته و عنوان[٤]، درون کادر متن، بزرگتر و پررنگتر از باقی متن در وسط صفحه جای گرفته است(صفری کرهرودی، ۱۳۹۷: ٢٦). در این صفحه متن فضای بیشتری را در بالا و پایین سمت راست اشغال کرده و در صفحه غالب و تصویر در قسمت کوچکی از صفحه جای گرفته است (جلودار ،۱۳۸٤: ٢١). زبان متن بر تصویر ارجحیت دارد، چنانچه در تصویر ٤ در ردیف ۱ جدول، مشخص می‌گردد، نگاره برای شرح بهتر موضوع و انتقال بهتر مفهوم متن در صفحه قرارگرفته و مخاطب را به مفهوم اصلی راهنمایی کرده و حکم حمایت کننده و پشتیبان دارد. بر مبنای سه نظریه ارتباطی بارت که توضیح

داده شد، ارتباط "توصیفی" در صفحه برقرار است. زبان متن، غالب در صفحه می‌باشد.

در تصویر۵ در ردیف ۲ جدول۱، صحنه‌ای از جنگ‌های مغول در کتاب جامع التواریخ[۵] دوره ایلخانی، به نام «محاصره» تصویر شده است (شریف زاده، ۱۳۷۵: ۱۲۸). بنای یک قلعه در سمت راست قرار دارد که در بالای آن عده‌ای در حال دفاع از قلعه هستند. در سمت چپ، ارتشی در حال حمله به قلعه می‌باشد که در پس‌زمینه ساده، درون کادری مشخص قرار گرفته است (آژند، ۱۳۸٦: ۷٤). عنوان، درون کادرِ متن در پایین آن قرار دارد. در تصویر ٦ در ردیف ۲ جدول، متن با دربرگرفتن دو سوم از فضای اصلی، در صفحه غالب است. زبان متن در خوانش مخاطب، تاثیر برتر داشته و زبان تصویر برای پشتیبانی از متن قرار گرفته است (بیرنگ و همکاران، ۱۳۹۹: ۲٦). تصویر در کادری افقی درون متن نقش حمایتی در صفحه دارد و متن آن را احاطه کرده است. بر مبنای سه نظریه ارتباطی رولان بارت در این صفحه ارتباط "توصیفی" برقرار است.

تصویر ۷ در ردیف ۲ جدول۱، صفحه دیگری از نسخه جامع التواریخ، «نبردِ جنگجویانِ پانداواس و کوراواس» نام دارد(کنبای، ۱۳۸۱: ٥٤). سه جنگجو سوار بر اسب در سمت راست و سه جنگجو نیز در سمت چپ سوار بر اسب به سمت یکدیگر در حال تاخت هستند، که در پس‌زمینه ساده، درون کادر مشخصی مصور شده است(گرابار،۱۳۹۰: ۲۸). "تناسب میان متن و حاشیه به ذوق و سلیقه کاتب بستگی داشته است" (کارگر و ساریخانی، ۱۳۹۰: ۱۲). متن در بیست و سه سطر با رنگ سیاه بالای صفحه را در برگرفته و در صفحه عنصری غالب می‌باشد. عنوان از جنس متن و در میان نوشتار جای گرفته و ارتباط نزدیک با متن دارد (پریزادیان کاوان، ۱۳۹٤: ۸٤). با توجه به تصویر ۸ در ردیف ۲ جدول، فضای اصلی صفحه با نوشتار است و تصویر به صورت افقی در پایین، فضای کمی را به خود اختصاص داده است." نگاره‌های این متن تاریخی، در مقایسه با نگاره‌های کهن‌تر که عموماً مربع شکل است، حالت نوارهای افقی دارد ،که حدودا یک سوم از صفحه متن را اشغال کرده است"(کارگر و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۰). با استناد بر سه نظریه بارت، در این صفحه ارتباط "توصیفی" برقرار است. متن با تصاحب دو سوم از فضای کلی صفحه، اهمیت بیشتری می‌یابد. زبان تصویر برای شرح بهتر موضوع و انتقال مفهومِ متن در صفحه قرار گرفته و مخاطب را به مفهوم اصلی راهنمایی می‌کند و حکم حمایت کننده دارد. مخاطب ابتدا به خوانش متن و سپس به خوانش تصویر می‌پردازد (احمدی، ۱۳۸۲: ٦٥).

تصویر ۹ در ردیف ۳ جدول۱، نگاره «زاری بر جسد اسکندر» از نسخه شاهنامه بزرگ ایلخانی[٦] ، مصور شده در دوره ایلخانی می‌باشد (گري، ۱۳٦۹: ۲٦). جسد اسکندر بر تختی قرمز رنگ در مرکز صحنه قرار دارد، پیکره‌هایی در اطراف او در حال زاری و گریستن هستند (میرزایی مهر،۱۳۹٥: ٤۷). تصویر در میانه صفحه درون کادر قرار

گرفته و متن در بالا و پایین آن را در برگرفته است. زبان متن در تمام صفحه غالب است. متن در شش ستون عمودی درون کادر مخصوص تقسیم شده و کادرِ عنوان درون متن و بالای کادر تصویر به شکل "کتیبه" قرار گرفته است (یاری راد، ۱۳۷۵). همچنین در تصویر ۱۰ در ردیف ۳ جدول، مشاهده می‌شود: متن و تصویر تقریبا فضایی برابر را در صفحه احاطه کرده‌اند(نام آور، ۱۳۹۲: ۲٤). متن و تصویر به یک میزان در صفحه نقش داشته و در انتقال مفهومِ روایت به مخاطب، به صورت یکسان از یکدیگر حمایت می‌کنند. تصویر در کنار متن سهمی یکسان در صفحه داشته و متن نیز به همان میزان در صفحه نقش دارد. با استناد بر سه نظریه ارتباطی رولان بارت، ارتباط "همسان" در صفحه برقرار است.

تصویر ۱۱ در ردیف ۳ جدول۱، صفحه دیگری از نسخه شاهنامه بزرگ ایلخانی، «تشییع جنازه اسکندر» را نشان می‌دهد (شفیع‌آبادی، ۱۳۹۱: ۲۹). تابوت اسکندر در مرکز صحنه مشخص است که به وسیله دو قاطر حمل می‌شود (حبیبی نژاد، ۱۳۹٦:۹٤). پیکره‌های بسیاری در اطراف آن به زاری و گریستن مشغول هستند (آژند، ۱۳۸۷: ۸۱). تصویر در کادر مربعِ میانهٔ صفحه قرار دارد و متن آن را احاطه کرده و در صفحه غالب است. کادر متن در شش ستون عمودی تقسیم شده و نوشتار درون آن قرار گرفته است و کادر عنوان درون متن و بالای کادر تصویر به شکل "کتیبه" قرار گرفته است (اقبالی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۵). همچنین در تصویر ۱۲ در ردیف ۳ جدول، تصویر درون متن محاط شده است. زبان متن فضای اصلی صفحه را دارد و زبان تصویر نیز فضای قابل توجهی از صفحه را در برگرفته است(نام آور، ۱۳۹۲: ۱۰۲). متن و تصویر پشتیبان و حامی یکدیگر هستند و هر دو در کنار هم به انتقال مفهوم به مخاطب تاثیر می‌گزارند. با استناد بر سه نظریه ارتباطی بارت، ارتباط "همسان" در صفحه برقرار است.

جدول شماره۱، تصاویر، نگارندگان

ردیف	تصویر نگاره	آنالیز تصویر	تصویر نگاره	آنالیز تصویر
۱		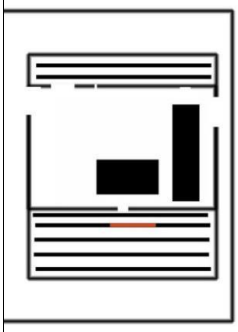		
	تصویر۱. صورت خرس، *منافع الحیوان* ، دوره ایلخانی، سده ۷ ه.ق.، دوره ایلخانی، کتابخانه پیردمورگان، نیویورک (themorgan.org)	تصویر ۲. آنالیز تصویر ۱ (نگارندگان)	تصویر ۳. صورت شغال، *منافع الحیوان*، سده ۷ ه.ق، کتابخانه پیردمورگان، نیویورک (themorgan.org)	تصویر ٤. آنالیز تصویر۳ (نگارندگان)
۲	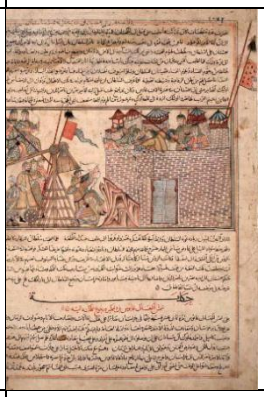			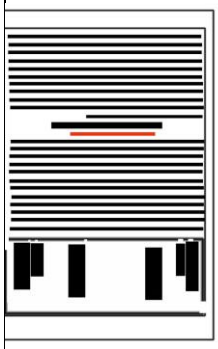
	تصویر ٥. محاصره، *جامع التواریخ*، دوره ایلخانی، سده ۸ ه.ق.،کتابخانه ادینبورگ، لندن (ed.uk.ac)	تصویر ٦. آنالیز تصویر ٥ (نگارندگان)	تصویر ۷. جنگجویان، *جامع التواریخ*، سده ۸ ه.ق، مجموعه خلیلی، انجمن آسیایی، لندن (khalilicollection)	تصویر ۸. آنالیز تصویر۷ (نگارندگان)
۳		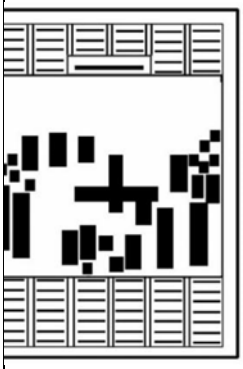	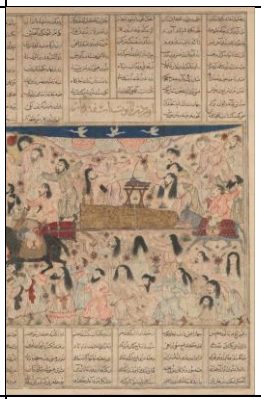	
	تصویر ۹. زاری بر جسد اسکندر، شاهنامه دموت، دوره ایلخانی، سده ۸ ه.ق، گالری فریر، لندن (asia.si.edu)	تصویر ۱۰. آنالیز تصویر۹ (نگارندگان)	تصویر۱۱. تشییع جنازه اسکندر، شاهنامه دموت، سده ۸ ه.ق، موزه متروپولیتن، لندن (metmusume)	تصویر ۱۲. آنالیز تصویر ۱۱ (نگارندگان)

جدولِ شماره۲، مقایسه شباهت و تفاوت‌ها، مأخذ: نگارندگان

تصویر	اندازه متن	اندازه تصویر	زبان غالب در صفحه	تیتر یا عنوان	جایگاه تیتر	شکست در کادر	نظریه ارتباطی بارت
۱	نیم صفحه	نیم صفحه	متن	_	_	×	همسان
۳	دو سوم	یک سوم	متن	×	درون متن	_	توصیفی
۵	دو سوم	یک سوم	متن	×	درون متن	جزئی	توصیفی
۷	دو سوم	یک سوم	متن	×	درون متن	جزئی	توصیفی
۹	نیم صفحه	نیم صفحه	متن	×	درون متن	_	همسان
۱۱	نیم صفحه	نیم صفحه	متن	×	درون متن	جزئی	همسان

٦. نتیجه‌گیری

در جدولِ شماره ۲، شش مورد تحقیق از دوره ایلخانی با یکدیگر مقایسه شده‌است. در تمام موارد تحقیق، کادر متن و کادر تصویر موجود بوده و شکست در کادر به صورت جزئی دیده می‌شود و باعث ایجاد ارتباط فضایی با زبان متن در صفحه می‌شود. در اکثر موارد عنوان در صفحه وجود دارد و جایگاه آن درون متن است. عنوان از جنس متن و ارتباطی نزدیکی با آن دارد. اندازه متن در صفحه قابل توجه است. تصویر در میان نوشتار جای گرفته است که باعث ایجاد ارتباط "توصیفی" گشته اما با وجود غالب بودن زبان متن در تمام موارد تحقیق، در

دو مورد تحقیق، زبان متن و تصویر، به صورت برابر در صفحه جای گرفته که با استناد بر سه نظریه بارت ارتباط "همسان" ایجاد شده است. زبان متن در کنار تصویر اهمیت یافته و ارزشی همسان کسب کرده است. تصویر در کنار متن سهمی یکسان در صفحه داشته و متن نیز به همان میزان در صفحه نقش دارد.

نتایج و پاسخ سوالات و فرضیات مطرح شده در این پژوهش، به این صورت به‌دست آمده است: در صفحه‌آرایی دوره ایلخانی مؤلفه غالب در صفحه "زبان متن" است. در اکثر مواردِ تحقیق، عنوان درون متن وجود دارد و در نیمی از مواردِ تحقیق، شکست در کادرِ تصویر به صورت جزئی دیده می‌شود. با توجه به داده‌های تحقیق استنباط می-شود، در دوره ایلخانی با وجود اینکه زبانِ "متن" در صفحه غالب است، نقش اصلی در انتقال روایت را دارد. اما الگوی اصلی صفحه‌آرایی با استناد بر نظریات رولان بارت به صورت ارتباط "همسان و توصیفی" می‌باشد، که اهمیت ارتباط همسان میان زبانِ متن و زبانِ تصویر را در صفحه‌آرایی ادبیات روایی و انتقال مفهوم روایت به مخاطب، نشان می‌دهد.

۷. پی‌نوشت‌ها

۳) اثر ابن بختیشوع در سال ٦٨٩ ه.ق در دوره ایلخانی با ٩٤ نگاره مصور شد. اکنون در کتابخانه پیردمورگان نیویورک محفوظ است. این کتاب به تشریح ویژگی حیوانات پرداخته است. از خصوصیات این نسخه: تاثیر نقاشی چینی و شکستگی در کادر نگاره می‌باشد (ذکرگو، ١٣٨٤).

٤)عنوان یا تیتر، جمله، عبارت یا کلمه‌ای است که موضوع روایت را کوتاه، موجز و مستقیم، یا به صورت استعاری معرفی می‌کند و به آن هویت می‌بخشد. هم از نظر معنی و هم از جنبه شکل ظاهری و زبان بصری می‌تواند خواننده را به ادامه خواندن ترغیب کند (افشار مهاجر، ١٣٩٢: ١٠٥).

٥) تالیف خواجه رشید الدین فضل الله همدانی در سال ٧٠٧_٧١٤ ه.ق در تبریز و در ربع رشیدی تصویر شده است .دو نسخه از این کتاب باقی مانده که یکی در کتابخانه دانشگاه ادینبورگ و دیگری در انجمن آسیایی لندن نگهداری می‌شود .نسخه اول مورخ ٧٠٧ ه.ق و ٧٠ تصویر دارد. نسخه دوم در ٧١٤ ه.ق تدوین شده و دارای ١٠٠ تصویر است(پاکباز، ١٣٧٩: ٦١).

٦) معروف به دموت، همچنین شاهنامه ابوسعید نیز به آن گفته می‌شود. در اصل ١٢٠ نگاره داشته در سال ٧٣١ _ ٧٣٧ ه.ق توسط چند نقاش مصور شده، که توسط دموت برگه‌های آن از هم جدا و فروخته شد که اکنون تنها چند تصویر پراکنده در موزه‌های جهان از آن باقی مانده که میتوان آن را نقطه اوج پیشرفت نسخه‌آرایی عهد ایلخانی دانست (پاکباز، ١٣٧٩: ٦٢).

منابع و مآخذ:

- احمدی، بابک، ۱۳۷۱، از نشانه های تصویری تا متن، تهران: مرکز.
- احمدی، بابک، ۱۳۷٤، حقیقت و زیبایی، تهران: مرکز.
- احمدی، بابک، ۱۳۸۲، ساختار و تاویل متن، تهران: مرکز.
- افشار مهاجر، کامران، ۱۳۹۲ ، صفحه آرایی، تهران: چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- اقبالی, پرویز؛ رجبی، محمد علی، ۱۳۹۵، «شناخت تصویرسازی کتاب بر اساس رابطه میان متن و تصویر»، فصلنامه علمی نگره. شماره ۳۷ دوره ۱۱ ، صص ۱۰۳-۱۲۱.
- آژند، یعقوب، (۱۳۸٦)، مکتب نگارگری هرات، تهران: فرهنگستان هنر.
- آژند، یعقوب، (۱۳۸۷)، مکتب نگارگري شیراز، تهران: فرهنگستان هنر.
- آژند، یعقوب، (۱۳۸۹)، نگارگري ایران، تهران : سمت.
- آلبوغبیش، عبدالله ؛ آشتیانی عراقی، نرگس ، (۱۳۹۷)، «پیوند ادبیات و نگارگری»، فصلنامه پژوهش های ادبیات تطبیقی» ، دوره ٦ شماره ۱، صص ۳۱-۵۸.
- آلن، گراهام، (۱۳۸۵)، رولان بارت، مترجم: پیام یزدان جو، تهران: مرکز.
- بارت، رولان ،(۱۳۸۷)، درآمدی بر تحلیل ساختاری روایت ها، ترجمه: محمد راغب، تهران: رخداد نو.
- بارت، رولان، (۱۳۹٤)، درآمدی بر روایت شناسی، ترجمه هوشنگ رهنما، تهران: هرمس.
- بیرنگ، مریم؛ رضازاده، طاهر؛ معین ادلینی، محمد، (۱۳۹۹)، «بازآفرینی صورت و ساختار نقاشی ایرانی در زمان نام من سرخ»، مبانی نظری هنرهای تجسمی، شماره۹، صص ۳۸-۵۲.
- پاکباز، رویین, (۱۳٦٦), همگامی نقاشی با ادبیات در ایران، تهران: نگاه.
- پاکباز، رویین ، (۱۳۷۹)، هنر ایران از دیرباز تا امروز، تهران : زرین و سیمین.
- پریزادیان کاوان،مرجان,(۱۳۹٤) ، بررسی رابطهٔ کادر (قاب) با روایت در نگارگری عصر ایلخانی تا انتهای عصر تیموری، دانشکده هنر ومعماری، دانشگاه تربیت مدرس.
- جلودار، حسین،(۱۳۸٤)، «پیوستگی متن و تصویر»، کتاب ماه هنر ، شماره ۸۷ و ۸۸ ، صص ۸۰-۸۳

- حبیبی نژاد، رضا، (۱۳۹٦)، «نگارگری ایران پس از اسلام تا دوره تیموری»، فصلنامه رهیافت تاریخی، شماره ۱۸، صص ۸۷-۱۱۲.
- دونیس، ای داندیس، (۱۳۹۷)، مبادی سواد بصری، ترجمه: مسعود سپهر، تهران: سروش.
- ذکرگو، امیرحسین، (۱۳۸٤)، سیر هنر در تاریخ۲، تهران: سمت.
- رهنورد، زهرا، (۱۳۸٦)، کتاب آرایی، تهران: سمت.
- سلمان، صدیقه، (۱۳۹٦)، «ادبیات و نگارگری ایرانی، نشریه مطالعات ادبیات»، عرفان و فلسفه ، دوره سوم، شماره ۳، صص ٦۲-۷۰.
- شریف زاده، سید عبدالمجید، (۱۳۷۵)، تاریخ نگارگری در ایران، تهران: حوزه هنری.
- شفیع آبادی، علی، (۱۳۹۱)، تحلیل فرم و محتوای نگاره های شاهنامه بزرگ ایلخانی، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر.
- صفری کرهرودی، هانیه، (۱۳۹۷)، «مطالعه روش های صفحه آرایی در نسخ خطی ایران و کاربرد آن در صفحه آرایی کتب امروزی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر، دانشگاه سمنان.
- قادری، الهه؛ خزایی، محمد، (۱۳۸۹)، «مروری بر تصویر سازی علمی کتب خطی ایران در دوره ایلخانی منافع الحیوان نسخه مورگان»، کتاب ماه هنر، شماره ۱٤۱، صص ۱۰۰-۱۰۷.
- کنبای، شیلا، (۱۳۸۱)، نقاشی ایرانی، ترجمه مهناز شایسته فر، تهران: مؤسسه مطالعات هنراسلامی.
- گرابار، اولك ،(۱۳۹۰) ، مروري بر نگارگري ايراني، ترجمه مهرداد وحدتي دانشمند .تهران : فرهنگستان هنر.
- گري، بازيل ،(۱۳٦۹) ، نقاشي ايراني، ترجمه عربعلي شروه .تهران : عصرجديد.
- مسعودی، امید علی، (۱۳۹۵)، «نقدی بر روش نشانه شناسی و تحلیل روایت رولان بارت»، علوم خبری، شماره ۱۷، ٥٤-۷۱.
- میرزایی مهر، علی اصغر، (۱۳۹۵)، آشنایی با مکاتب نقاشی، تهران: شرکت چاپ و نشر کتب درسی ایران.
- نام آور، عاطفه، (۱۳۹۲)، بررسی رابطه میان متن و تصویر در شاهنامه بزرگ ایلخانی دموت،

دانشکده هنر، دانشگاه آزاد اسلامی.

- یاری راد، احد ،(۱۳۷۵)، بررسی صفحه آرایی نسخ خطی بجا مانده از قدیم دوره پانصد ساله از عهد تیموری تا پیداش چاپ سنگی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.
- Barthes. R , ۱۹۷۷, Introduction to Structural Analysis of Narrative: Image Music Text, Publisher: London :FontanaPress.
- Barthes , R, ۱۹٦٦, An Introduction to the Structural Analysis of Narrative, Centre for Contemporary Cultural Studies, University of Birmingham.
- Barthes , R, ; Duisit, L, ۱۹٦٦, An Introduction to the Structural Analysis of Narrative , New Literary History is currently published by The Johns Hopkins University Press.
- www.asia.si.edu
- www.ed.ac.uk
- www.khalilicollections.org
- www.metmuseum.org
- www.themorgan.org

Study of the relationship between text language and image language in illustrated manuscripts of the Ilkhanid period based on Roland Barthes's view

Mohammad Kazem Hassanvand[۳], Mahsa Khani Oushani[٤]

Abstract

The language of the text and the language of the image are two important elements in the layout of books as well as in conveying the concept of narrative to the audience, which creates different types of interactive and two-way relationships between them. The relationship between the language of the text and the language of the image advances the narrative of a story, and Roland Barthes, the structuralist linguist philosopher, has examined this relationship in three general theories. The purpose of this study is to define and study these relationships in illustrated pages of narrative literature from the Ilkhanid period based on Roland Barthes' theories, to answer the question of how the relationship between text language and image language is based on Roland Barthes theory defined? This research has been done by descriptive-analytical method and library collection method. Research data are analyzed inductively. First, the elements on the page are examined and then the relationship of the elements with each other and with the whole page is measured, and it is concluded that in the manuscripts of Manfeal Hayavan, Jameal Tavarikh and Shahnameh Demut, in all cases of text language research on the dominant page According to Roland Barthes's theory, half of the research cases narrate the story with a "descriptive" relationship on the page, and also in the other half of the research cases, a "matched" relationship is observed, the text and the image with a "matched" relationship. They are involved in conveying the meaning of the narrative to the audience.

Keywords: illustrated manuscript, text language, image language, Ilkhanid, Roland Barthes

۳. Corresponding Author, Associate Professor, Faculty of Painting and Islamic Art, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran: mkh@modares.ac.ir.
٤. M.Sc., Department of Islamic Art, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran: mahsakhani۱۹۸۷@gmail.com.

مجموعه مقالات علمی نخستین همایش ملّی تحقیق و تصحیح نسخه های خطی ایران
انجمن علمی تحقیق و تصحیح نسخه های خطی ایران کد اختصاصی ISC: ۰۱۲۲۰-۷۶۳۳۳
اخبار و گزارشها | مقالات علمی | مطالعات علمی

شبکهٔ واژگان و کاربردهای آن در نسخه‌کاوی و متن‌پژوهی

مطالعهٔ موردی: بررسی آثار حساب در دورهٔ اسلامی (از سدهٔ پنجم تا سیزدهم هجری قمری)

فاطمه سادات سعادتمند[۱]

چکیده

شبکهٔ واژگان روشی ابداعی به‌منظور یافتن تشابه میان متون از راه تطبیق واژگان و اصطلاحات تخصصی به‌کار رفته در آن‌هاست. این شیوه که از شبکهٔ معنایی علم زبان‌شناسی الگوبرداری شده است، در یافتن مآخذ اصلی یک کتاب و نیز تشخیص هویت یک متن ناشناس کارایی دارد. رسایل ریاضیات، خصوصاً حساب، به سبب ساختار منطقی خود، شباهت بسیاری به یکدیگر دارند و همین امر بعضاً سبب بروز اشتباهاتی در تشخیص عنوان و مؤلف اثر، ترجمه انگاشتن برخی متون اصیل فارسی یا خلط آثار با محتوای مشابه در فهرست‌نگاری نسخ خطی شده به‌گونه‌ای که در بسیاری موارد و با تکیه بر اطلاعات فهارس، خطای مزبور در میان پژوهشگران تکرار گشته است. این پژوهش بر آن است تا با معرفی این شیوهٔ نوین، به‌وسیلهٔ جستجوی هدفمند و نهایتاً تطبیق محتوای متون، رهیافتی نو در طبقه‌بندی متون و نسخ خطی، به‌ویژه منابع حساب ارائه کند و همچنین به شرح طریقهٔ بازشناسی هویت و مأخذشناسی آن‌ها بپردازد.

کلیدواژه: شبکهٔ واژگان، متن‌پژوهی، اصطلاح‌شناسی، مأخذشناسی، زبان‌شناسی.

۱. مقدمه

یکی از شیوه‌های متن‌پژوهی مبتنی بر شواهد میان‌متنی، ایجاد شبکه‌های گسترده و تعمیم‌یافته از واژگان به نام «شبکهٔ واژگان» است که از آن به‌منظور بازنمایی واژگان و منابع و در نهایت کشف پیوندها و ارتباط متون با یکدیگر

[۱] دانش‌آموختهٔ تاریخ ریاضیات دورهٔ اسلامی، پژوهشکدهٔ تاریخ علم دانشگاه تهران - saadatmand۸۸@ut.ac.ir

استفاده می‌شود. این شیوه از «شبکهٔ معنایی» علم معناشناسی[۲] در زبان‌شناسی و عملکرد طبیعی مغز در برقراری ارتباط میان مفاهیم و عناصر زبانی (نک. سعید، ۱۹۹۷: ۳۶-۳۷ و نیز ٦٥-٦٦). الهام گرفته شده است. شبکهٔ معنایی[۳] که به نقشهٔ معنایی[٤] نیز معروف است (براون و میلر، ۲۰۱۳: ۳۹۸)، ابزاری برای نمایش روابط بین مفاهیم و واژگان زبانی است. نقش شبکه‌های معنایی در علوم رایانه، پردازش زبان طبیعی[٥] و متن‌کاوی[٦] بر کسی پوشیده نیست.[۷]

این شیوهٔ طبقه‌بندی در مباحث شبکه‌های عصبی[۸] به‌کار رفته و روش مناسبی در بازشناسی الگوهای[۹]زبانی است که با استفاده از مؤلفه‌ها و بردارهای واژگان[۱۰] به کشف روابط میان منابع می‌پردازد. این شبکه، مدل یادگیری واژه‌ها در مغز را پیاده‌سازی می‌کند و در زمینهٔ مباحث یادگیری ماشین[۱۱] نیز یاریگر و سودمند است. همچنین با به‌کارگیری فناوری‌های هوش مصنوعی[۱۲]، شبکه‌های معنایی می‌توانند برای کمک به تشخیص سرقت ادبی

---

[۲] Semantics

[۳] Semantic Network

[٤] Semantic Map

[٥] NLP : Natural Language Processing

[٦] Text Mining

[۷] در این زمینه می‌توان به دو پروژهٔ مشهور اشاره کرد:

WordNet یک سیستم پردازش زبان طبیعی است که از شبکه‌های معنایی برای کمک به رایانه‌ها به‌منظور درک ارتباط بین واژه‌های گوناگون در زبان انگلیسی استفاده می‌کند. این شبکه برای رایانه مانند یک لغت‌نامه با پیوندهای زیادی است که واژه‌ها را به یکدیگر متصل می‌کند تا رایانه بتواند روابط میان مفاهیم هر یک را همان‌طور که در مغز انسان شکل می‌گیرد، درک کند.

ConceptNet شبیه WordNet است، اما مفاهیم ترکیبی را در یک شبکهٔ معنایی به هم متصل می‌کند تا رایانه‌ها بتوانند عملکرد مغز را شبیه‌سازی و روابط بین موجودیت‌ها و مفاهیم را مطابق با آن درک کنند.

[۸] Neural Networks

[۹] Pattern Recognition

[۱۰] Word-Vectors

[۱۱] Machine Learning

[۱۲] AI : Artificial Intelligence

استفاده شوند، زیرا رایانه را قادر می‌سازد تا شباهت‌های معانی واژه‌ها را بین دو متن تشخیص دهد، حتی اگر واژه‌های خاصی متفاوت باشند.

شبکه‌های واژگان در پژوهش‌های مأخذشناسی[۱۳] کاربرد دارد و می‌توان از آن برای کشف ارتباط منابع گوناگون استفاده کرد به این صورت که هر کتاب را مانند یک حوزهٔ زبانی در نظر گرفت وبا توجه به شبکهٔ واژگانی خاص آن، به بررسی تعاملات زبانی با دیگر منابع پرداخت (سعادتمند، ۲۰۲۲). همچنین کاربری آن در آموزش تاریخ و تاریخ علوم و نیز طبقه‌بندی‌های مبتنی بر نظام گاهشمارانه[۱۴] از دیگر مواردی است که این روش را به ابزاری کمک‌آموزشی در به خاطر سپاردن و فراگیری جایگاه آثار علمی نسبت به یکدیگر، از نظر اصالت و اولویت‌های زمانی تبدیل می‌کند (نک. همو، ۲۰۲۱). روش‌های متن‌پژوهی مشابهی با درنظرگرفتن همبستگی میان واژگان، در یک نمونه مأخذشناسی رایانه‌ای کتاب مقدس به کار رفته است. نویسندگان در این پژوهش با استفاده از شبکه‌های واژگان و با ارائهٔ الگوریتم پیشنهادی، از روشی مبتنی بر ترادف واژگان سود جسته‌اند؛ تا در شناسایی مآخذ متون مقدس و بازسازی روایت‌های گوناگون آن[۱۵] به‌وسیلهٔ برنامه‌نویسی رایانه‌ای کارآمد باشد (درشویتز و دیگران، ۲۰۱۵: ۲۵۳-۲۵۵).

این گفتار بخشی از پژوهشی مفصّل در تدوین فرهنگ پیکره‌بنیان[۱۶] تاریخی «واژگان علم حساب از آثار فارسی دورهٔ اسلامی» است که بنا بر شواهدِ گوناگونِ گردآمده از چندین منبع مستقلِ حسابی تهیه شده است (نک. سعادتمند، ۱۳۹۶: ۲-۳). یک واژه‌نامهٔ علمی، افزون بر تعریف مصطلحات، قابلیت آن را دارد که به شبکه‌ای از واژگان تعمیم یابد و با اهداف مأخذشناسی در مطالعات متن‌پژوهشی به کار گرفته شود. برای فراهم آوردن یک واژه‌نامه، در گام نخست، داده‌ها که واژگان تخصصی متون و مداخل[۱۷] واژه‌نامه است، گردآوری می‌شود. پس از آن بنا به شواهد متنی تا حد امکان تفکیک‌های معنایی[۱۸] استخراج می‌گردد (همان: ۲۷-۳۰) و در نهایت یک شبکهٔ

---

[۱۳] Source Criticism

[۱۴] Chronological Order

[۱۵] برای آشنایی با سابقهٔ متن‌پژوهی و مأخذ شناسی کتاب مقدس، نک. کاتانا-اسپنچیو و راچیتا، ۲۰۲۲: ۱-۱۸.

[۱۶] Corpus-based Lexicon

[۱۷] Entries

[۱۸] Senses

معنایی گسترده براساس روابط مفهومی میان آن‌ها شکل می‌گیرد که می‌تواند در طبقه‌بندی آثار به‌کار رود. بدیهی است که هرقدر تعداد منابع مطالعه‌شده افزایش یابد، فرآیند شناسایی متون ناشناخته از دقت و صحت بیشتری برخوردار است.

هدف این پژوهش به‌کارگیری یک شیوهٔ بررسی مقوله‌های زبانی در زبان‌شناسی (شبکه‌های معنایی) است، تا بتوان متون کهن را با دقت بیشتر و با استفاده از یک روش طبقه‌بندی منتظم، مبتنی بر بافت و ویژگی‌های متنی تحلیل کرد و از آن به‌منظور کشف ارتباط متون با یکدیگر بهره برد. پیوندها، تغییرات تدریجی و ریشه‌شناسی اصطلاحات تخصصی با به‌کارگیری نمودارها در مأخذشناسی کلی از دستاوردهای این روش طبقه‌بندی به‌شمار می‌رود. در مدل‌های پیچیده‌تر و شبکه‌های نظام‌مند می‌توان از قابلیت‌های فراوانی که رایانه فراهم می‌آورد، سود جست. گرچه پژوهش حاضر بر این بخش متمرکز نیست.

گفتار حاضر، دو هدف کلی را در نشان دادن ظرفیت شبکهٔ واژگان پیش می‌گیرد. نخست، مواقعی که محتوا و واژگان دست‌نویس‌ها در جهت اصطلاح‌شناسی، تفکیک معنایی و ارائهٔ تعاریف آن مورد نظر است و دوم، زمانی که مأخذشناسی متون، شناسایی و صحت‌سنجی انتساب‌ها از اهداف پژوهش است. در هر دو مورد نشان خواهیم داد که این موارد چگونه یاریگر پژوهشگر خواهد بود.

رساله‌های ریاضیات و خصوصاً حساب، به سبب ساختار منطقی خود، شباهت بسیار زیادی به یکدیگر دارند که در فهرست‌نگاری و بازشناسی متون دشواری‌هایی ایجاد می‌کن. بدین منظور پژوهش حاضر، به بررسی این روش طبقه‌بندی اطلاعات در آثار علم حساب دورهٔ اسلامی تا پیش از فراگیری ریاضیات جدید پرداخته و به مطالعهٔ فواید و مزایای آن در تحلیل محتوایی متون حساب و تشخیص هویت متون ناشناس اختصاص دارد.

۱ ۲. معرفی شبکهٔ واژگان

شبکهٔ واژگان، یک نقشهٔ مفهومی از گروهی از واژگان به‌انضمام منابعی است که آن واژگان در آن یافت می‌شود. نقشهٔ مفهومی[۱۹] ، یک ساختار سلسه‌مراتبی را به یاری نمودار درختی به تصویر می‌کشد. یک نقشهٔ مفهومی یا یک پایگاه دادهٔ گراف[۲۰]، مجموعهٔ محدودی از روابط ممکن را نشان می‌دهد و توسط مجموعه‌ای از مفاهیم مرتبط با یکدیگر

[۱۹] Concept Map

[۲۰] Data-based Graph

در یک پژوهش توصیفی، به‌عنوان بازنمایی تصویری اطلاعات برای ایجاد یک روش خلاصه‌سازی کلی به کار می‌رود که می‌توان آن را در یک طبقه‌بندی سلسله مراتبی سازماندهی کرد. در نمودارهای مفهومی مفاهیم «گره»ها هستند و روابط را با «لبه»ها یا «پیکان»ها مشخص می‌سازند. در نمودار مثال، شاخه‌های گوناگون حساب و اعمال حسابی به‌عنوان بخشی از فصول حساب، به صورت مفاهیم کل و جزء این علم نشان داده می‌شود (شکل ۱).

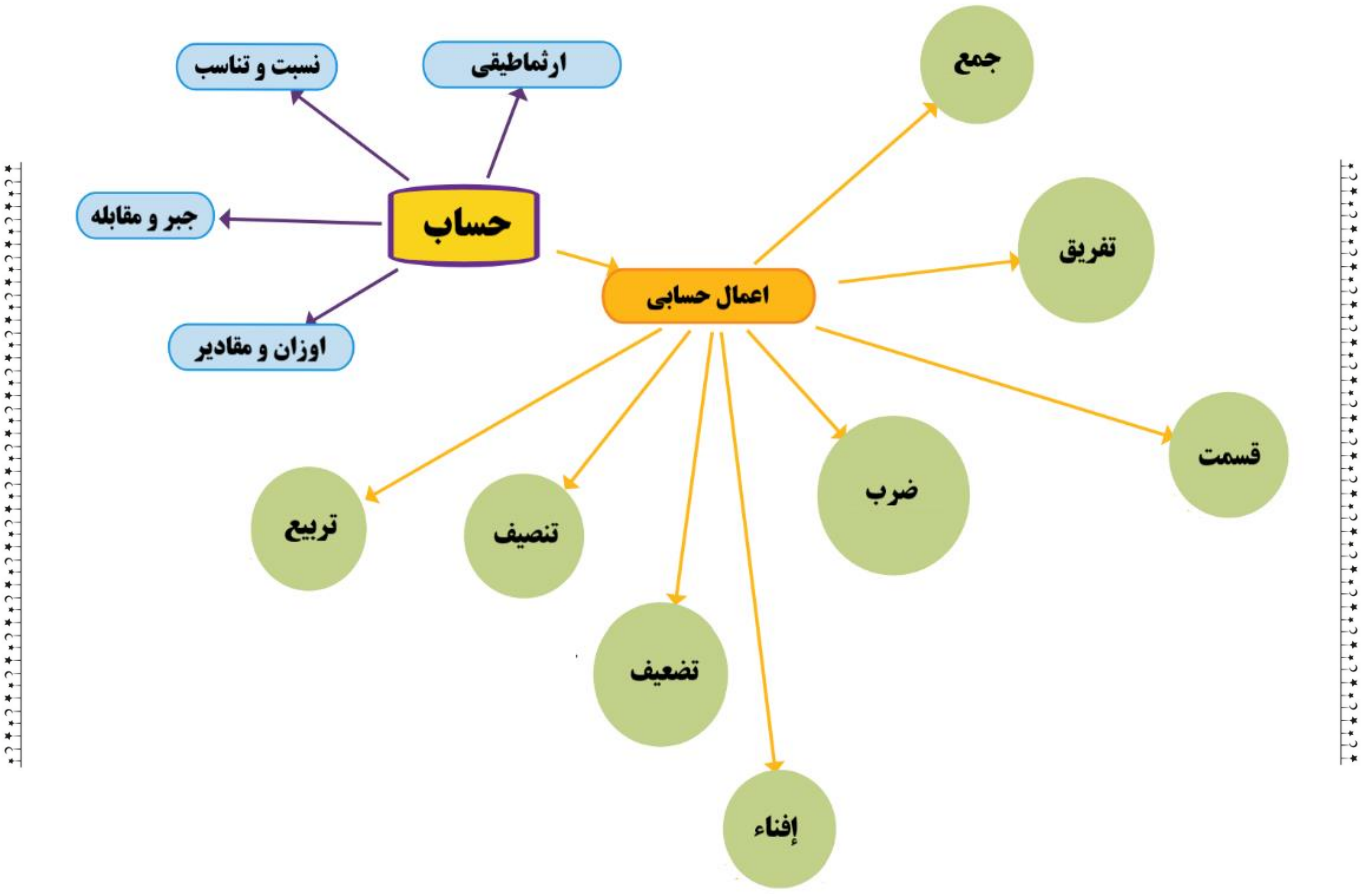

شکل ۱: نقشهٔ مفهومی علم حساب

شکل ۲ یک برش از نمودار گسترده‌ای است که بر مبنای یک واژگان و شبکهٔ معنایی نظیر آن رسم می‌گردد و افزون برآنکه در مباحث سمانتیک و مطالعات معناشناسی زبان کاربرد دارد، با بسط آن به شبکهٔ واژگان می‌توان ارتباطات و اشتراکات واژگانی منابع و در نهایت روابط میان منابع و مصطلحات به‌کار رفته در هر یک، را نیز نشان داد.

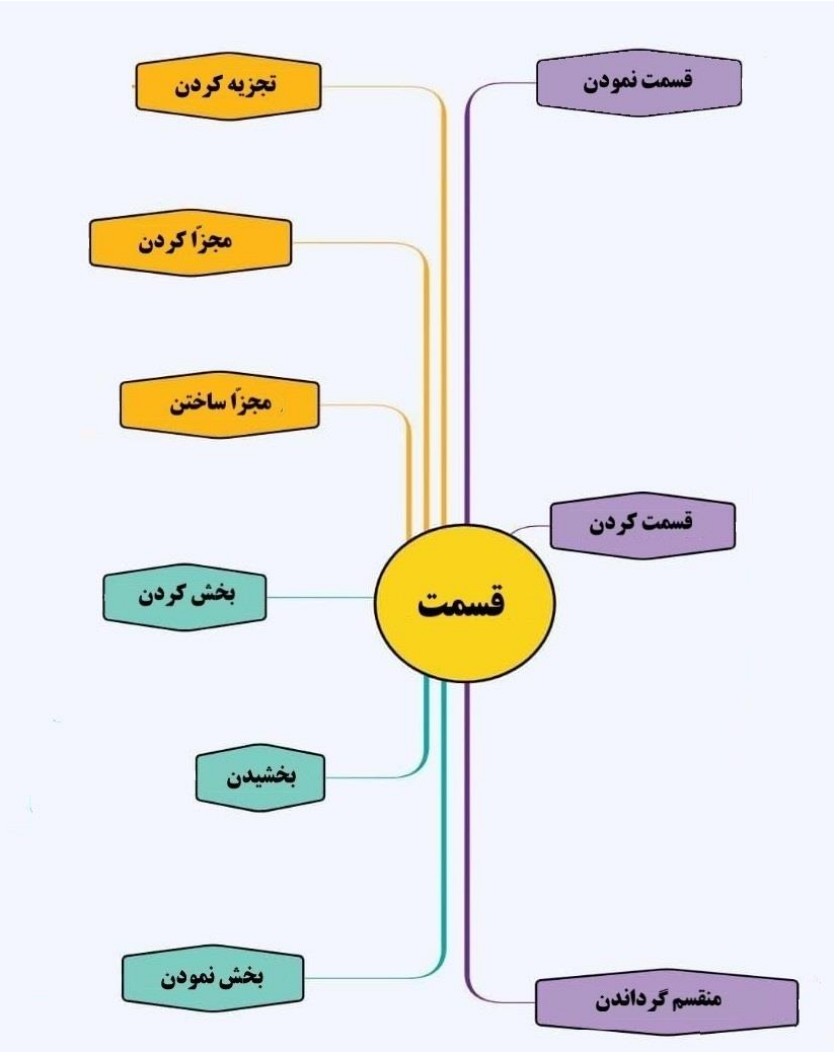

شکل ۲: شبکهٔ معنایی «قسمت» در منابع حساب

با ترکیب شبکه‌های معنایی در قالب یک نمودار مفهومی، یک نقشهٔ مفهومی توسعه‌یافته از شبکه‌های معنایی تشکیل می‌شود. شرط گزینش اصطلاحات تخصصی، ظهور واژگانی است که با اصطلاحات کلیدی پربسامد ترادف معنایی داشته باشند. پس از گردآوری و استخراج داده‌ها که اصطلاحات حساب است، تا حد امکان تفکیک‌های معنایی بنا به شواهد متنی استخراج می‌گردد و در نهایت یک شبکهٔ مفهومی گسترده شکل می‌گیرد که می‌توان آن را در یک نمودار بزرگتر نشان داد (شکل ۳) که براساس آن، واژگان و مترادف‌های هم‌ریشهٔ هر یک در آثار حساب به صورت‌های گوناگون و با بسامدهای متفاوتی به‌کار رفته است.

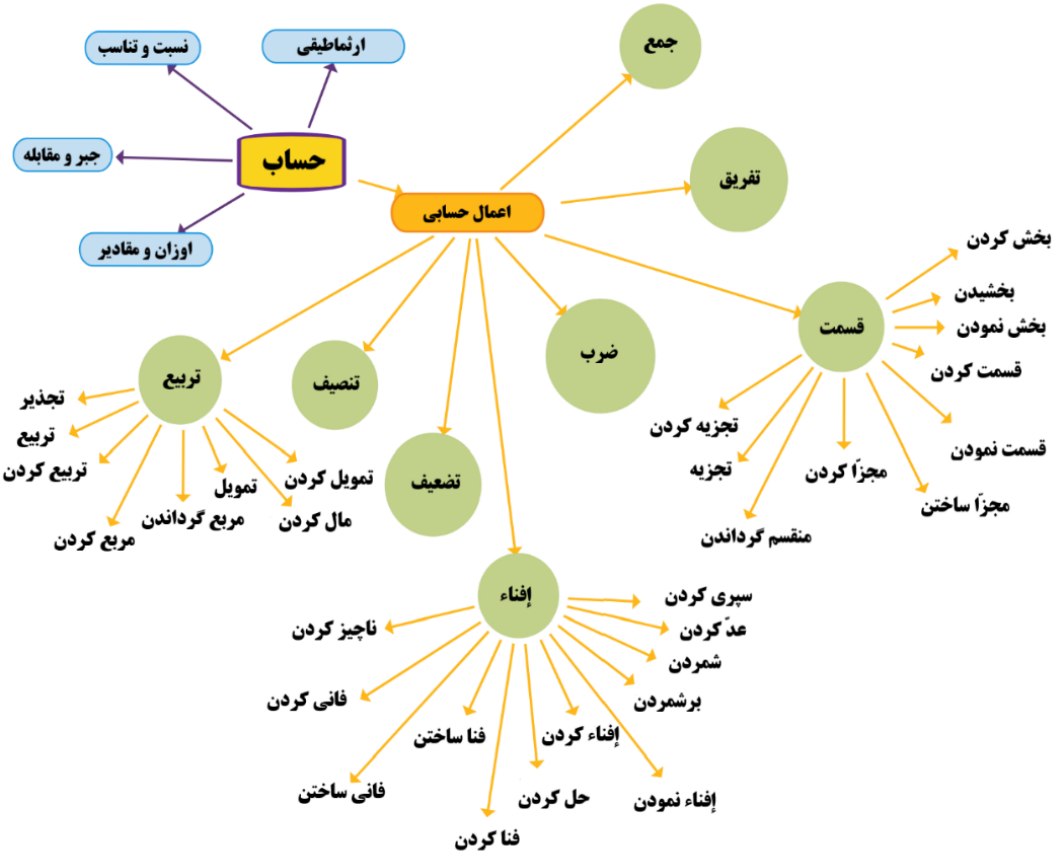

شکل ۳: نقشهٔ مفهومی توسعه‌یافته: ترکیب نمودار مفهومی و شبکهٔ معنایی علم حساب

ترسیم شبکهٔ واژگان

مبنای گزینش واژگان، براساس اصطلاحات متن ناشناس است و پس از آن شبکهٔ واژگان منابع حساب بر مبنای آن شکل می‌گیرد و با استفاده از این نمودار وامداری آثار در واژگان و اشتراکات متنی استخراج می‌گردد. نخستین پرسشی که پیش می‌آید این است که: چه اصطلاحاتی باید استخراج گردد، به چه شیوه‌ای صورت بگیرد و استاندارد شود تا بتوان از آن به‌عنوان الگو و نمایندهٔ کل متن استفاده نمود و آن را در راستای اهداف متن‌پژوهی به‌کار گرفت.

به‌منظور رسم شبکه، اصطلاحات تخصصی در «گره‌ها» قرار می‌گیرد و «یال‌ها» نشانگر رابطهٔ میان یک واژگان و منابعی است که آن اصطلاحات در آن یافت می‌شود. بحث بسامد در مأخذشناسی کاربرد چندانی ندارد، اما در مباحث محتوامحور و مربوط به اصطلاح‌شناسی از اهمیت بالایی برخوردار است. ارتباطات محتوایی میان منابع، زمانی به‌خوبی آشکار خواهد شد که چندین نمودار از این نوع، برای هر تعداد از واژگانی که بررسی می‌شوند، ترسیم شود.

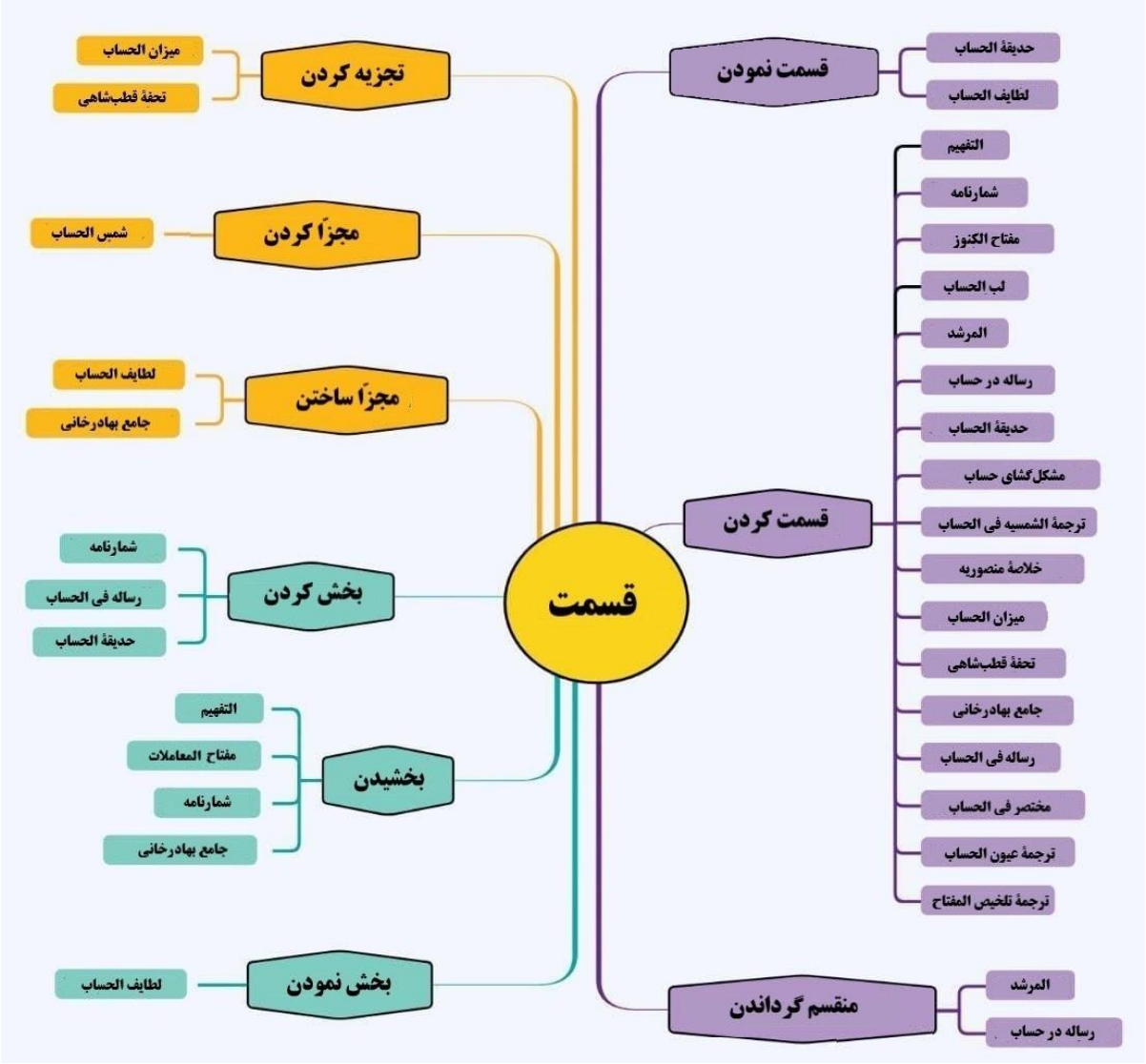

شکل ٤: شبکهٔ واژگان «قسمت» در منابع حساب

در رویکرد سیستماتیک، شبکه‌های واژگان به‌عنوان روشی برای تحلیل‌های بصری یک متن به کار گرفته می‌شود. اهمیت این شبکه‌ها را باید در یافتن ارتباط‌ها و پیوندهای میان‌متنی و همچنین در بازشناسی رساله‌های مجهول الهویه دانست. افزون بر محتوا و مآخذ دست‌نویس‌ها، از دیگر کاربردهای این شبکه، بررسی صحت انتساب‌ها است. از این نظر که می‌توان دورهٔ زمانی و حوزهٔ جغرافیایی اثر را با استفاده از معدودی اصطلاحات خاص، به‌کار رفته در زمان و مکان خاص، مشخص نمود یا حتی میزان تطبیق یا عدم تطبیق آن با بافتار متن مورد نظر را با تعیین مؤلفه‌های صحت‌سنجی محاسبه نمود. بحث در گسترهٔ معنایی و توسّع[۲۱]، تغییرات تدریجی، تطورات و دگردیسی[۲۲] واژگان در دوره‌های گوناگون تاریخی و نیز ریشه‌شناسی[۲۳] اصطلاحات تخصصی از دیگر کاربردهای این شیوه است. از آنجا که اساس مدل بر یک توصیف دقیق، بهینه و مختصر از محتویات اثر استوار و واژگانی که بررسی می‌شوند، نماینده‌ای از متون مورد مطالعه است، پژوهشگران را از تطبیق دادن کل متن اثر بی‌نیاز نموده و بدین ترتیب در وقت و انرژی صرفه‌جویی می‌شود.

در این روش بازشناسی متون با اهداف گوناگونی صورت می‌گیرد:

- وام‌گیری: برخی اصطلاحات به طور مشخص از منبع یا منابعی با زبان متفاوت اخذ شده باشد.
- ترجمه: بررسی نسبت میان دو متن همسان، از نظر به‌کارگیری واژگان، که تنها درزبان با یکدیگر تفاوت دارند.
- پیوندهای متنی: بخشی از متن و بخشی از واژگان آن در دیگر منابع نیز یافت شود. به‌طوری‌که با توجه به پراکندگی آن، بتوان اثر دوم را برگرفته از اثر نخست یا دارای پیوندها و اشتراکاتی با اثر نخست دانست.
- مأخذشناسی: همان وام‌گیری ولی در ابعاد گسترده‌تر از جهت حجم یعنی مثلا درصد قابل توجهی از اثر یا تمام آن برگرفته از یک یا چند منبع باشد.

[۲۱] فرآیندی که طی آن واژگان با حفظ معنای پیشین، در مفهوم گسترده‌تر به‌کار رفته و معنایی نوین گرفته‌اند.

[۲۲] فرآیندی که طی آن به مرور زمان واژگان مفهوم دیگری پذیرفته‌اند و در معنای دیگری به‌کار رفته‌اند.

[۲۳] Etymology

- متن ناشناس: کارایی اصلی این روش در بازشناسی و بررسی صحت انتساب‌ها و خصوصاً شناسایی متونی است که هویت و اصالت آن مشخص نیست.

هرچند آثار حساب در ساختار و محتوا تقریباً همسان هستند، لزوماً از اصطلاحات یکسانی در رسایل استفاده نشده است. به همین دلیل، همانندی رسایل حساب در ساختار اصلی و محتوای کلی، سبب پیشامد اشتباهاتی در انتساب و شناسایی آثار می‌شود. بنابراین بررسی این رسایل به‌عنوان نمونهٔ مطالعاتی، می‌تواند جامعهٔ آماری دقیق و مطلوبی برای این پژوهش باشد. چرا که تلاش بر این هدف مقصور شده که از میان منابعی که ظاهراً از ساختار و محتوای یکسانی برخوردارند و تشخیص و شناسایی را دشوار می‌سازد، مؤلفه‌های تفکیک‌پذیر به‌گونه‌ای استخراج شده و این مؤلفه‌ها در شناسایی متون ناشناخته یاری‌رسان باشند.

ابرشبکهٔ واژگان

بسط نمودارهای شبکه، به دو طریق از جهت معناشناسی و از جهت مأخذشناسی امکان‌پذیر است. اگر هدف بررسی مطلق وضعیت واژگان، مترادف‌های معنایی یا گسترش یا تطور معنایی آن‌ها باشد، شبکه‌ای وسیع‌تر به صورت بازنمایی از تمامی واژگان هم‌معنی بسط می‌یابد (نک. شکل ۳) ولی اگر به‌منظور شناسایی منابع بسط یابد، نخست باید شبکه‌ای از مصطلحات حساب، موسوم به شبکهٔ واژگان - منابع شکل گیرد و منابعی که این واژگان مشترک در آن‌ها آمده بررسی شود تا میزان اشتراک هر یک به‌دست آید و مشابه‌ترین و نزدیک‌ترین مآخذ انتخاب شده و دقیق‌تر بررسی شود.[۲۴]

به طور مثال: نمودار خوشه‌ای واژگان میزان الحساب که با صرف‌نظر از واژگان عام و یافتن بیشترین شباهت‌ها میان اصطلاحات تخصصی آن و دیگر منابع حساب، به نظر می‌رسد ارتباط نزدیکی با رساله‌های تحفهٔ قطب‌شاهی[۲۵]

[۲۴] از آنجا که حاصل نهایی این نوع نمودارها غالباً به شکل خوشه‌های انگور است آن را نمودار انگوری یا Grapes Graphs می‌نامیم.

[۲۵] ترجمه‌ای از خلاصة الحساب شیخ بهایی، تألیف حسین بن ابراهیم شریفی شاهوردی بسطامی است. این رساله به نام عبدالله قطب‌شاه از پادشاهان دکن (۱۰۳۵-۱۰۸۳ق) نگاشته شده است.

(تألیف سدهٔ ۱۱ق)، ترجمهٔ عیون الحساب[۲۶] محمّدباقر یزدی (تألیف سدهٔ ۱۱ق) و جامع بهادرخانی[۲۷] (تألیف ۱۲۵۵ق) داشته باشد (نک. شکل ۵).

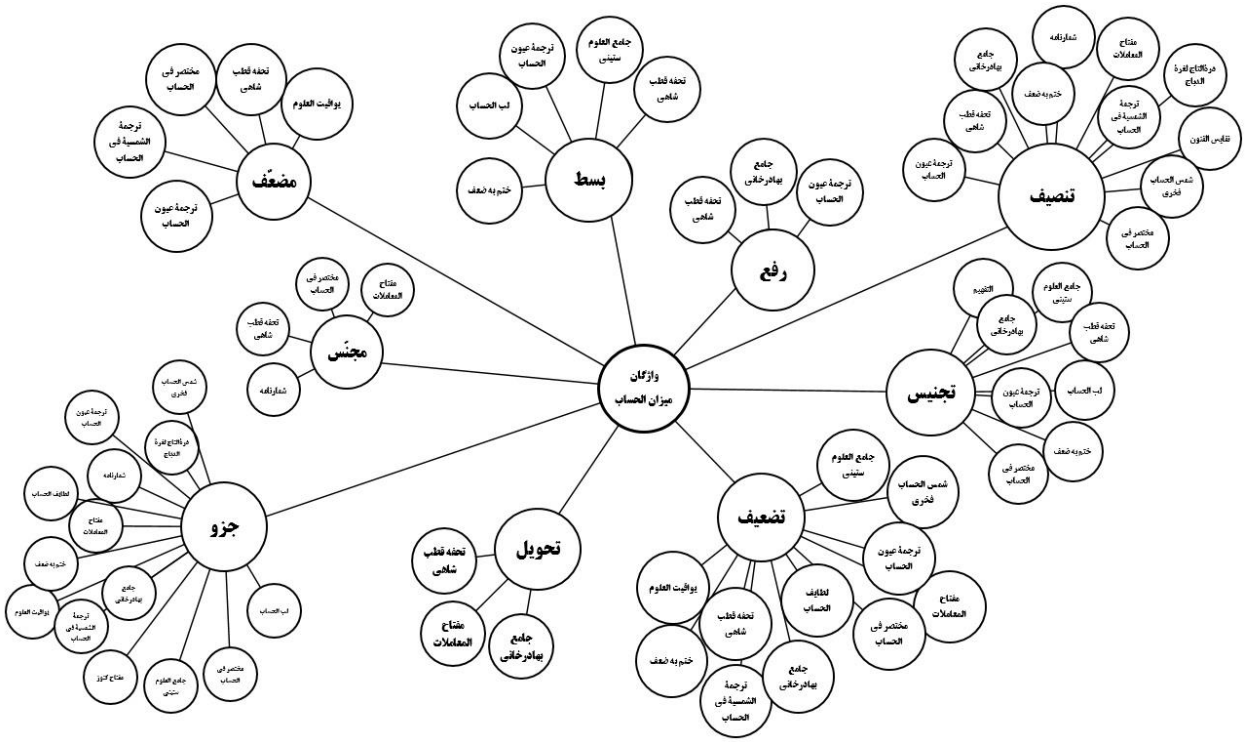

شکل ۵: بخشی از ابرشبکهٔ واژگان *میزان الحساب* و ارتباط آن با دیگر منابع حساب

برخی مصطلاحات حساب، مختص یک اثر نیست و تقریباً در تمامی متون حسابی دیده می‌شود؛ که می‌توان شواهد آن را به صورت «واژگان عام حساب» تصور نمود، مانند مقدمات و تعاریف ابتدایی عدد و مراتب آن. همچنین اصول پایه در اعمال جمع، تفریق، ضرب و قسمت و حساب مربوط به کسور و جذر (نک. «قسمت کردن» در شکل

[۲۶] ترجمه‌ای از عیون الحساب ملا محمّد باقر بن زین العابدین یزدی (د. ۱۰۵۶ق) که ملا محمّدباقر بن میراسماعیل حسینی خاتون آبادی (۱۰۷۰ ـ ۱۱۲۷ق) آن را از عربی به فارسی برگردانده است.

[۲۷] نام دیگر آن «مفتاح الرصد» و دایرة المعارف مفصلی در علوم ریاضی، نورشناسی هندسی و نجوم به زبان فارسی و تألیف غلامحسین بن فتح محمّد بن محمّد عوض علوی عباسی، معروف به جونپوری (د. ۱۲۰۵ ق، جونپور) است وی از ریاضیدانان و عالمان فارسی نویس اهل شبه قاره بود.

٤)؛ اما هر رساله‌ای به فراخور متن، دایره‌ای از واژگان خاص خود را دارد که با استفاده از شواهد موجود برای آن، عمل تطبیق و یافتن منابع را آسان‌تر می‌نماید.

۲ ۳. کاربرد شبکهٔ واژگان

از تجزیه و تحلیل شبکهٔ واژگان هر یک از مصطلحات حسابی به‌تنهایی نیز نتایج قابل توجهی به دست می‌آید.

به عنوان مثال، اصطلاح «قسمت» با واژگان «بخشیدن» و همچنین «بخش کردن» با ریشه‌ای کاملاً فارسی معادل است که در منابع فارسی حساب در سدهٔ پنجم قمری یعنی التفهیم (ص ٤١)، شمارنامه (ص ٢١ و ٢٢) و مفتاح المعاملات (ص ٢٤، ٥١) به‌کار رفته است. یا اصطلاح منحصر به فرد «مجزا کردن» (گ٤٤پ) درمعنای عمل تقسیم که در شمس‌الحساب[۲۸] خُنجی صمکانی به چشم می‌آید. همچنین، افعال همکردی خاصی چون «نمودن» و «ساختن» و ترکیب‌های مترادفی از آن در لطایف الحساب[۲۹] شریف لاهیجی، مانند «بخش نمودن» (ص٥٩) و «قسمت نمودن» (ص٤٧) و «مجزا ساختن» (ص١٩) که در گویش‌شناسی و مطالعات ادبیات و زبان فارسی ادوار تاریخی بسیار سودمند و راهگشا است (شکل ٣).

تحلیل شبکهٔ واژگان

پس از ترسیم شبکه، حالت‌های مختلفی ممکن است پیش آید که به یافتن روابط میان‌متنی منجر می‌گردد:

[۲۸] تألیف شمس‌الدین عمر بن عبدالعزیز خُنجی فارسی از وزرای فارس که اصل خاندان او صمکانی بوده‌است. در مقدمهٔ کتاب از حوادث فارس و انقلاب عصر به اختصار یاد می‌کند و از عرفای زمان سخن می‌گوید. تنها دست‌نویس تاریخ‌دار تاکنون یافت‌شده از این اثر محفوظ در کتابخانهٔ ملی اسرائیل تاریخ تألیف ٧٥٦ق را در خاتمه نشان می‌دهد. مؤلف کتاب را به پادشاهی تقدیم کرده که نام وی مشخص نیست ولی از روی قراین موجود می‌توان لقب یا نام او را فخرالدین یا فخرالدّوله دانست (نک. سعادتمند، ١٣٩٦: ١٠-١٣).

[۲۹] تألیف محمّد بن علی بن عبدالوهاب شریف دیلمی لاهیجی اشکوری (د. ١٠٩٠ق)، مشهور به قطب‌الدین، فیلسوف، فقیه و دانشمند عصر صفوی، شاگرد میرداماد و معاصر شیخ بهایی، فیض کاشانی، علامه مجلسی و شیخ حرّ عاملی است. وی این کتاب را پس از بازگشت از اصفهان پایتخت آن روزگار، به زادگاهش لاهیجان به نام میرزا محمّدرضی مستوفی دارالسلطنهٔ اصفهان و دوست او میرزا محمّد نصیر تألیف کرده است.

۱. واژگان بسیاری از این اثر با همهٔ منابع دیگر مشترک باشد: این دسته از اصطلاحات تخصصی را که در همهٔ رسایل تکرار می‌شوند و به‌منزلهٔ اصطلاحات پایهٔ آن علم است «واژگان عام» نامیده و در بررسی‌ها باید آن‌ها را کنار گذاشت. چون به‌تنهایی دادگان ارزشمندی به‌منظور طبقه‌بندی و یافتن مأخذ آثار نیست.

۲. این اثر دارای واژگان منحصر به فردی باشد که در هیچ یک از دیگر آثار دیده نمی‌شود: این واژگان به‌منزلهٔ نقاط عطف نمودار است و اهمیت بسیار دارد و افزون بر آنکه بیانگر اصالت متن است، نشان می‌دهد اثر مورد نظر رونویسی نیست و یک منبع جدید یا دست‌کم نوشتاری مستقل است.

۳. بخشی از واژگان این اثر در معدود منابع دیگر (نه همه) به صورت پراکنده به‌کار رفته باشد: این مرحله در مأخذشناسی اثر و مشخص ساختن ارتباطات و پیوندهای محتوایی متن مؤثر و سودمند است. اما کمکی به شناسایی هویت اثر مجهول نمی‌کند.

٤. تمام واژگان این اثر در منبعی دیگر موجود باشد: افزون بر ارزش این منابع در یافتن ارتباط‌ها و پیوندهای میان‌متنی، در بازشناسی مأخذ اصلی اثر ناشناس نقش دارد.

این چهار مرحله را می‌توان برای متونی با زبان‌های متفاوت و متونی که از زبانی دیگر ترجمه شده‌اند نیز در نظر گرفت و واژگان آن‌ها را طبق این الگوی وضعیت تطبیق داد. در متون هم‌زبان، ممکن است تطبیق بر اساس وام‌واژه‌ها، صورت دیگر واژگان و همچنین واژگانی که به صورت تحت اللفظی ترجمه شده‌اند، صورت بگیرد که ضمن مشخص نمودن زبان مأخذ اصلی اثر است، به یافتن ارتباط‌های میان‌متنی رهنمون می‌گردد.

در صورتی که هر یک از حالات ۳ یا ٤ رخ دهد، باید بخش‌های مختلف اثر را جداگانه و دقیق‌تر بررسی کرد و شاید حتی لازم باشد تا افزون بر اصطلاحات، به بررسی متن و بافت آن نیز پرداخت، شواهد مورد نیاز را گردآورد و در تطبیق واژگان به‌کار گرفت. هر چقدر نمودار مفهومی دقیق‌تر رسم شود و بتوان یکی از این حالت‌های ممکن را برای آن استخراج نمود، طبقه‌بندی رسایل حساب به‌درستی انجام می‌گیرد و مشخص خواهد شد، متون نویافته و ناشناخته با توجه به واژگان به‌کار رفته درکدام شاخهٔ علم حساب قرار می‌گیرد[۳۰] و ارتباط آن با آثار همان حوزه به چه صورت است.

[۳۰] حساب دورهٔ اسلامی، شاخه‌های گوناگون حساب نظری و حساب عملی از جمله ارثماطیقی، حساب هندی، حساب تخت و تراب، حساب هوایی، حساب ستینی، حساب جمّل، جبر و مقابله و بعضاً محاسبهٔ حجم و مساحت را نیز در بر می‌گرفت.

مثال‌های کاربردی از شبکهٔ واژگان

به‌منظور درک بهتر کارایی این شیوه، دو پژوهش زیر را به‌عنوان مثال کاربردی از بررسی صحت انتساب و همچنین شناسایی هویت آثار مطرح می‌کنیم:

۱) صحت انتساب

بررسی رساله‌ای فارسی معروف به *ترجمهٔ جوامع الحساب* نصیرالدین طوسی

رساله‌ای فارسی با عنوان مختصر جامع الحساب که ساختاری همانند با جوامع الحساب دارد و به آموزش حساب هندی با استفاده از تخت و تراب می‌پردازد. گرچه کراوزه در انتساب آن به طوسی تردید دارد و استوری در عنوان آن تشکیک می‌کند[۳۱]، این اثر با عنوان جامع الحساب در فهرستوارهٔ دست‌نوشته‌های ایران (درایتی، ۱۳۸۸: ۵۴۹/۳) و نیز فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (همو، ۱۳۹۳: ۸۴۰/۹-۸۴۱) ثبت گشته است.

پس از استخراج واژگان رسالهٔ عربی جوامع الحساب و رسالهٔ فارسی جامع الحساب شبکهٔ واژگان آن را تشکیل می‌دهیم (شکل ٦).

با تطبیق شبکهٔ واژگان دو اثر فارسی جامع الحساب و جوامع الحساب بالتخت والتراب طوسی، وضعیت دوم رخ داده و این اثر فارسی دارای واژگان منحصر به فردی است که در اثر دیگر که اصل عربی آن انگاشته شده، دیده نمی‌شود.

[۳۱] «به نظر نمی‌رسد این رساله، نسخهٔ فارسی جوامع الحساب عربی طوسی باشد (کراوزه ، ۱۹۳٦: ٤۹٦) و همچنین مشکوک است که آیا اصلاً عنوان درست باشد» (استوری، ۱۹۵۸: ٦/۲).

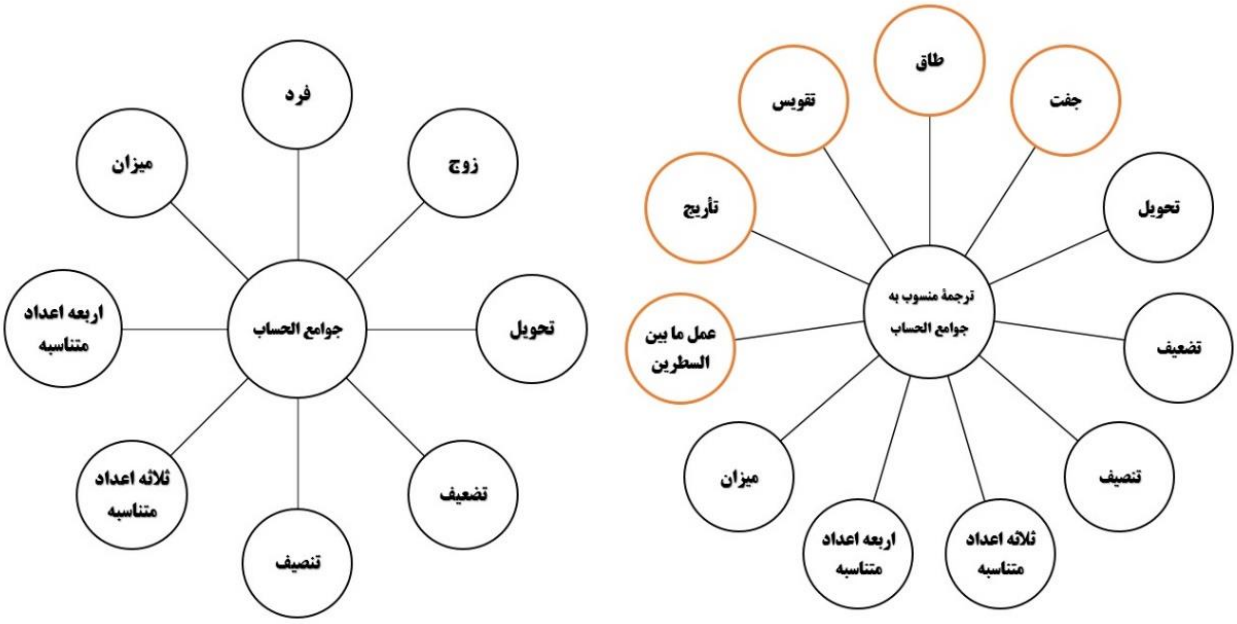

شکل ٦: بخشی از شبکهٔ گستردهٔ واژگان *جوامع الحساب* و *ترجمهٔ منسوب به جوامع الحساب* (*جامع الحساب*)

بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت وجود واژگانی چون «جفت»، «طاق»، «تقویس»، «تأریج» و «عمل مابین السطرین» که در رسالهٔ جوامع الحساب وجود ندارد، بطلان ادعای انتساب آن به تحریر نصیرالدین طوسی در حساب هندی را اثبات می‌کند.

۲) شناسایی هویت متن ناشناس

بررسی رسالهٔ ناشناس موسوم به «*رسالهٔ ختم به ضعف*»

رساله‌ای در حساب و هندسه که چون در سال ۹۵۰ق و به مادّه‌تاریخ «ضعف» خاتمه یافته است، در فهرست‌ها و فهرستواره‌های نسخ خطی به «رسالهٔ ختم به ضعف» شهرت یافته و در فهارس مختلف با عناوین گوناگونی ضبط شده است. آقابزرگ طهرانی در الذریعة این اثر را با عنوان «رسالة في الحساب» ذیل آثار طوسی برشمرده (۱۷۶/۱۱) و مدرس رضوی معتقد است: «این رسالهٔ فارسی، بی‌شک از نصیرالدین طوسی است. هرچند در فهرست مؤلفات او نیامده باشد» (حائری، ۱۳۵۰: ۱۰۷/۷-۱۰۸). این اثر در فهرستوارهٔ نسخه‌های فارسی (منزوی، ۱۳۷۸: ۲۶۳۷/٤) با عنوان ترجمهٔ جامع الحساب بالتخت والتراب معرفی شده است. همچنین در دیگر فهرست‌ها از جمله فهرستگان نسخه‌های خطی ایران و فهرستوارهٔ دست‌نوشته‌های ایران با نام «حساب» به ثبت رسیده و به استناد فهرستوارهٔ منزوی به طوسی منسوب گشته است (نک. درایتی، ۱۳۹۳: ۹۶۰/۱۲-۹۶۱؛ همو، ۱۳۸۸: ٦٢٦/٤) که این ادعا نادرست و بنا به پاره‌ای شواهد متنی که در ادامه بدان می‌پردازیم، این انتساب مردود و منتفی است.

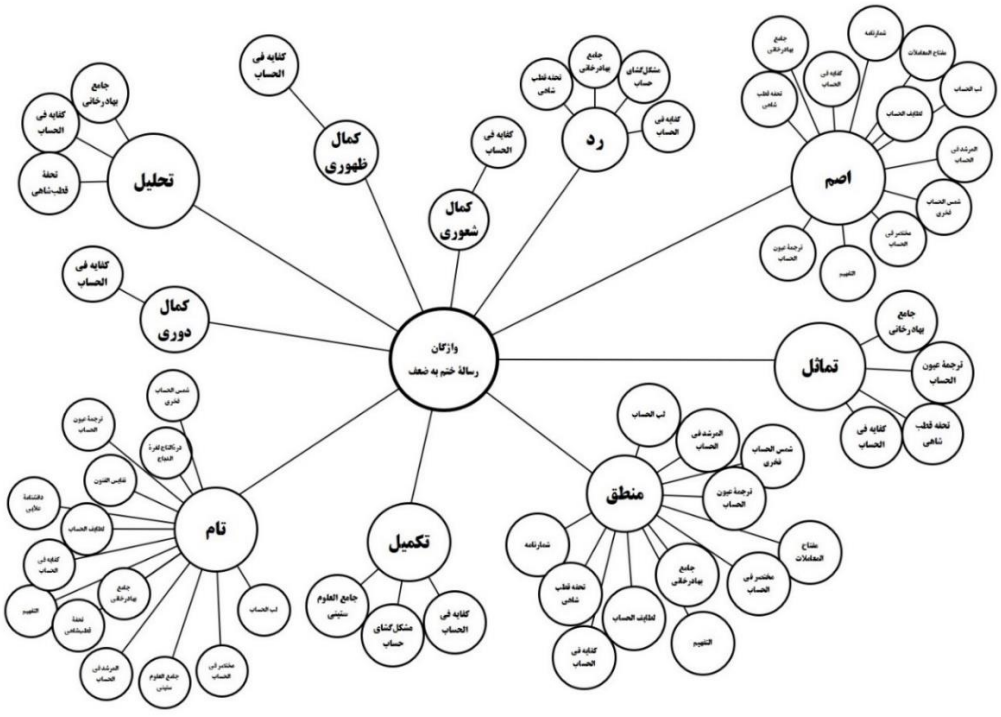

شکل ۷: بخشی از شبکهٔ واژگان بسطیافتهٔ *رسالهٔ ختم به ضعف* و ارتباط آن با دیگر منابع حساب

به‌منظور شناسایی و بررسی هویت این اثر از شبکهٔ واژگان بسطیافته بهره می‌گیریم (شکل ۷). همان‌طور که مشخص است این رساله با رسایل کفایة في الحساب[۳۲] غیاث‌الدین منصور دشتکی (د. ۹٤۹ق) ، تحفهٔ قطب‌شاهی و ترجمهٔ عیون الحساب ارتباط نزدیکی دارد؛ اما توجه به اشتراکات منحصر به فرد شبکهٔ واژگان بسطیافتهٔ متن حاضر، از جمله واژگان خاص حساب چون «کمال شعوری»، «کمال ظهوری» و «کمال دوری»، این نتیجه حاصل می‌گردد که اثر فارسی حاضر ترجمه‌ای از رسالهٔ کفایة في الحساب است.

۳ ٤. نتیجه‌گیری

شبکهٔ واژگان، روشی مبتکرانه در متن‌پژوهی است که براساس روابط حاکم میان واژگان و منابع، آن‌ها را در یک شبکهٔ مفهومی بازنمایی می‌کند. این شیوه در گردآوری هدفمند اصطلاحات متون، طبقه‌بندی، کشف پیوندها و ارتباط متون با یکدیگر کاربرد دارد. همچنین بحث در گسترهٔ معنایی و توسّع، تغییرات تدریجی، تطورات و دگردیسی واژگان در دوره‌های گوناگون تاریخی و ریشه‌شناسی اصطلاحات تخصصی را ممکن می‌سازد.

تهیه و سامان دادن شبکه‌های واژگان بر مبنای هر یک از آثار در حوزه‌های گونه‌گون همچون متون دینی، ادبیات، طب و داروشناسی، ریاضیات و نجوم و فلسفه و علوم طبیعی به کشف اشتراکات و پیوندهای میان‌متنی می‌انجامد و در ابعاد وسیع‌تر می‌توان آن را برای شناسایی متون ناشناس و بررسی صحت انتساب آثار مورد نظر به‌کار گرفت. از سوی دیگر، مزیت طبقه‌بندی متون به شیوهٔ شبکهٔ واژگان را باید صرفه‌جویی در زمان و انرژی انگاشت؛ چون عملاً نیازی نیست تطبیق و مقایسهٔ میان‌متنی با حجم وسیعی از متون صورت بگیرد و بنابراین این روش به فهرست‌نویسان نیز در تطبیق آثار، شناسایی عنوان متون و همچنین فهرست‌نگاری نسخ خطی کمک شایانی می‌کند که از نظر بهره‌وری زمانی قابل تأمل است. این شیوهٔ متن‌پژوهی را می‌توان با اهداف متن‌کاوی و بهره‌مندی از الگوریتم‌های پردازش متن در مباحث یادگیری ماشین به‌کار بست که در آن صورت، پس از فراهم آوردن نمونه‌های کافی از واژگان یک اثر، عمل طبقه‌بندی، محاسبهٔ میزان شباهت‌ها، خوشه‌بندی و کار تطبیق اصطلاحات متن ناشناس با بانک

[۳۲] آن را کفایة الطلاب في الحساب، کفایة الحساب و کفایة المنصوریه نیز خوانده‌اند و خلاصه‌ای از آن را با نام ضوابط الحساب می‌شناسند.

دادهٔ واژگان به‌طور خودکار به‌گونه‌ای انجام خواهد شد که تشخیص مآخذ اثر و یافتن میزان مشابهت ساختاری-محتوایی آن با دیگر آثار موجود به بهینه‌ترین شکل ممکن ارائه گردد.

مزایای روش شبکهٔ واژگان در طبقه بندی، اصطلاح‌شناسی و مأخذشناسی را می‌توان به‌اختصار چنین برشمرد:

جدول ۱: مزایای به‌کارگیری شبکهٔ واژگان

طبقه بندی	- روشی بهینه برای طبقه‌بندی منابع و شناسایی دسته‌های کلیدی بر اساس محتوا - توانایی ارزیابی منابع و توانایی شناسایی مآخذ ممتاز و منحصر به فرد
اصطلاح‌شناسی	- بازنمایی اصطلاحات فنی به عنوان کلید ورود به یک حوزه تخصصی برای تحقیق یا مطالعه - بررسی تطور معنایی، توسع معنایی یا دگردیسی واژگان از جهت معناشناسی - کارایی در زمینهٔ ادبیات آماری و مطالعات گویش‌ها
مأخذشناسی	- بهینه سازی زمان و انرژی: نماینده‌ای برای در نظر گرفتن متون منابع به طوری که به ندرت نیاز به مراجعه به متن اصلی یا شواهد استخراج‌شده باشد. - ایده‌آل برای تطبیق رساله‌های مجهول الهویة: با مقایسهٔ شبکهٔ واژگان اثر مجهول با شبکه گسترده اطلاعات بیشتری از اثر ناشناس به دست خواهد آمد. - شناسایی متونی با ساختار چندباره که از ترکیب منابع دیگر جمع‌آوری و تألیف شده‌اند. - مشخص ساختن نوع اثر مانند تلخیص، تألیف، تحریر، ترجمه و غیره با توجه به میزان اشتراکات متنی - یافتن رساله‌های مشابه در ساختار و کاربرد اصطلاحات فنی

مراجع

- آقابزرگ طهرانی، محمّدمحسن؛ ***الذریعة إلی تصانیف الشیعة***؛ بیروت: دار الاضواء، ۱۳۵۵.
- ابوریحان بیرونی، محمّد بن احمد؛ ***التفهیم لأوائل صناعة التنجیم***؛ به‌تصحیح جلال‌الدین همایی، تهران: بابک، ۱۳٦۲.
- ترجمهٔ جوامع الحساب؛ ***جامع الحساب بالتخت و التراب***؛ دست‌نویس۱۰۱۵/۸ کتابخانهٔ آیت اللّه مرعشی نجفی.
- ترجمهٔ جوامع الحساب؛ ***رسالهٔ حساب رساله در حساب***؛ دست‌نویس ۳۲۱٤/٤ کتابخانهٔ ملّی ملک.
- حاسب طبری، ابوجعفر محمد بن ایوب؛ ***شمارنامه***؛ به کوشش تقی بینش، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳٤٥.
- حاسب طبری، ابوجعفر محمد بن ایوب؛ ***مفتاح المعاملات***؛ به کوشش محمّدامین ریاحی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳٤۹.
- حائری، عبدالحسین؛ ***فهرست کتابخانهٔ مجلس شورای ملّی***؛ تهران، ۱۳۵۰.
- خنجی صمکانی، شمس‌الدین عمر؛ ***شمس الحساب الفخری***؛ چاپ تصویری به‌کوشش ایرج افشار، تهران: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۷.
- درایتی، مصطفی؛ ***فهرستوارهٔ دست‌نوشته‌های ایران*** **(دنا)**؛ تهران، ایران: کتابخانهٔ موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸.
- درایتی، مصطفی؛ ***فهرستگان نسخه‌های خطی ایران*** **(فنخا)**؛ تهران، ایران: سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملّی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳.
- رسالهٔ ختم به ضعف؛ ***خلاصة الحساب***؛ دست‌نویس٦۳۱۵۳ کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی.
- رسالهٔ ختم به ضعف؛ ***خلاصه‌ای در حساب***؛ دست‌نویس ۳۳۲۰ کتابخانهٔ ملّی ملک.
- رسالهٔ ختم به ضعف؛ ***قواعد ضروری و لابدّی حساب***؛ دست‌نویس ۱۱۷۸/۷ کتابخانهٔ ملّی ایران.

- سعادتمند، فاطمه سادات. (۱۳۹٦). ***واژگان علم حساب در آثار فارسی تا قرن سیزدهم هجری قمری***، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد تاریخ علم، تهران: پژوهشکدهٔ تاریخ علم دانشگاه تهران.
- طوسی، نصیرالدین؛ ***جوامع الحساب بالتخت والتراب***؛ به‌کوشش احمد سلیم سعیدان، الابحاث، جلد۲۰، ش۲ (صص ۹۱-۱٦۳) و ش۳ (صص۲۱۳-۲۹۳)، بیروت، ۱۹٦۷.
- قطب‌الدین لاهیجی، محمّد بن علی؛ ***لطایف الحساب*** **(رساله‌ای دربارهٔ سرگرمی‌های ریاضی)**؛ به‌کوشش محمّد باقری، تهران: مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۹.
- قوشچی، علی بن محمّد سمرقندی؛ ***میزان الحساب***؛ دست‌نویس شمارهٔ ٦٥٤٨/٥ کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی.
- قوشچی، علی بن محمّد سمرقندی؛ ***میزان الحساب***؛ دست‌نویس شمارهٔ ٦٤٩٧/١ کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی.
- منزوی، احمد؛ ***فهرستوارهٔ کتاب‌های فارسی***؛ جلد ٤، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۸.
- Brown, Keith, and Jim Miller; ***The Cambridge Dictionary of Linguistics***; Cambridge: Cambridge University Press, ۲۰۱۳.
- Catana-Spenchiu, Ana, and Constantin Rachita; "***The Challenge of Biblical Textual Criticism: The Case of the Dutch Edition of the Septuagint (۱۷۰۹)***"; *Religions* ۱۳ (۲۰۲۲): ۷۰۸.
- Dershowitz, Idan, and others; "***Computerized Source Criticism of Biblical Texts***"; *JBL* ۱۳٤, no. ۲ (۲۰۱٥): ۲٥۳-۲۷۱.
- Krause, Max; "Stambuler Handschriften Islamischer Mathematiker"; ***Quellen und Studien zur Geschichte der Mathematik, Astronomie und Physik***; Otto Neugebauer(eds), Abteilung B: Studien, Band ۳, Berlin: Julius Springer. (pp. ٤۳۷-٥۳۲, esp. pp. ٤۹٤-٤۹٦), ۱۹۳٦.
- Saadatmand, Fatima; "***Semantical Study: An Innovative Methodical Approach for Teaching the History of Science***"; (۲۰۲۱), Istanbul University Press, (in press).

- Saadatmand, Fatima; "***Corpus-Based Historical Study: Semantic Networks in the Service of Source Criticism***"; (Conference Paper for the ۳۰th Baltic Conference on the History and Philosophy of Science (BCHPS): The Book in History and Philosophy of Science, Technology and Medicine), University of Oulu, Finland; June ۹, ۲۰۲۲.
- Saeed, John I.; ***Semantics***; Oxford: Wiley-Blackwell Publishers, ۱۹۹۷.
- Shams al-Di¯n Khunji¯; ***Shams al-ḥisāb al-fakhrī***; Manuscript Yah.Ar. n٦. The National Library of Israel.
- Storey, Charles Ambrose; ***Persian Literature: A Bio-Bibliographical Survey***; vol. II, part ۱, London, ۱۹۵۸.

مجموعه مقالات علمی نخستین همایش ملّی تحقیق و تصحیح نسخه های خطی ایران
انجمن علمی تحقیق و تصحیح نسخه های خطی ایران کد اختصاصی ISC: ۰۱۲۲۰-۷۶۳۳۳
اخبار و گزارشها | مقالات علمی | مطالعات علمی

واکاوی کتیبه‌ها و خطوط نقش بسته بر جامه‌های فتح ایرانی*

مرضیه اسماعیلی[۱] علیرضا شیخی[۲]

چکیده

هنر خوشنویسی همواره مهم‌ترین و پرکاربردترین هنر مسلمانان در ادوار مختلف بوده و خط به عنوان یکی از مهمترین شاخصه‌های هنر در سرزمین‌های اسلامی، بر انواع صنایع از جمله پارچه‌بافی تأثیرگذار بوده است. نمونه بارز این تأثیرات در جامه‌های فتح تولید شده در دوران صفوی، زندیه و قاجار قابل تشخیص است. بارزترین مشخصه این جامه‌ها استفاده گسترده از متون مقدس در قالب کتیبه و خوشنویسی است. مقاله حاضر با هدف مطالعه و بررسی کتیبه‌های به کاررفته در جامه‌های فتح ایرانی از حیث ساختار بصری و محتوایی و در جهت پاسخ به این پرسش «کتیبه‌های به‌کاررفته در جامه‌های فتح صفوی، زندیه و قاجار دارای چه ویژگی‌هایی هنری و مفهومی است؟» تدوین شده است. روش پژوهش توصیفی- تحلیلی بوده و مطالب به صورت مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی گردآوردی شده است. با بررسی نمونه‌های موجود در موزه‌های ایران، مشخص شد: کتیبه‌های به‌کاررفته در جامه‌ها شامل انواع متون مقدس است که با خطوطی همچون کوفی، نسخ، ثلث، توقیع و رقاع بر سطح پیراهن‌ها کتابت شده و محتوای آنها به نوعی بیانگر پیروزی، غلبه بر دشمنان و حفاظت در برابر انواع شرایط دشوار بوده و نشان دهنده این موضوع است که هدف از تولید جامه‌های فتح به احتمال زیاد، کمک به پیروزی در میدان جنگ به مدد کتیبه‌های به کاررفته در آن‌ها بوده است.

کلیدواژه: هنر خوشنویسی، کتیبه، جامه فتح، صفوی، زندیه و قاجار.

---

* این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بازشناسی تزئینات جامه های فتح دوران صفوی و قاجار محفوظ در موزه های ایران» است؛ که در شهریور ماه ۱۳۹۹ در دانشگاه هنر به راهنمایی دکتر علیرضا شیخی ارائه شده است.

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد صنایع دستی، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر، تهران. marziye.es@gmail.com
۲. دانشیار گروه صنایع دستی، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر، تهران. a.sheikhi@art.ac.ir

۱. مقدمه

نفوذ دین اسلام در ایران و به دنبال آن مطرح شدن هنر خوشنویسی به عنوان مهمترین عامل تزئین در انواع هنرها و صنایع، سبب به وجود آمدن آثاری آمیخته با هنر خطاطی شد که علاوه بر ارزش‌های هنری، بیانگر مسائل تاریخی، سیاسی و عقیدتی هستند. نمونه بارز آن، جامه‌های فتح است که علاوه بر خط، انواع نقوش، نمادهایی همچون شیر و خورشید و سرو، علائم نجومی و انواع طلسم نیز زینت‌بخش این پوشاک شده و آنها را آراسته‌اند.

در واقع اعتقاد صاحبان این پیراهن‌ها بر این بوده که مفاهیم کتیبه‌ها و اشکال به کاررفته بر پیراهن، آنها را در مقابل نیروهای شر محافظت نموده و ظفر را به دنبال دارد و هدف از تولید آنها، احتمالا باید نوعی حرز در دستیابی به فتح و پیروزی در میدان جنگ باشد. تولید این البسه تنها محدود به ایران نبوده و علاوه بر نمونه‌های صفوی، زندیه و قاجار، سه گونه دیگر مشتمل بر انواع عثمانی، مغولی(گورکانی) و آفریقای غربی، همزمان با نمونه‌های ایرانی، در جهان اسلام تولید می‌شده است. نمونه‌های تولیدشده در ایران، تحت تأثیر مذهب، شرایط سیاسی - اجتماعی و فرهنگی خاص حاکم بر دوران صفوی، زندیه و قاجار، واجد ویژگی‌های خاصی هستند که اسنادی از اعتقادات و باورهای تاریخی ایران را به نمایش گذاشته و این ویژگی‌ها وجه تمایز مهمی بین نمونه‌های ایرانی با سایر نمونه‌های عثمانی، گورکانی و غرب آفریقا محسوب می‌شود. علیرغم وجود مطالعات متعدد در زمینه پوشاک و نساجی دوران صفوی، زندیه و قاجار، به جامه‌های فتح این دوران و عقاید و باورهای مرتبط با آن کمتر توجه شده است. بر همین اساس، پژوهش حاضر به بررسی انواع خطوط و کتیبه‌های به کار رفته در جامه‌های فتح صفوی، زندیه و قاجار می‌پردازد و در پی پاسخگویی به این پرسش‌هاست که: کتیبه‌های به کار رفته در این پوشاک واجد چه ویژگی‌های بصری و محتوایی است؟ و چه ویژگی‌هایی سبب تمایز جامه‌های فتح ایرانی از سایر نمونه‌های تولید شده در جهان اسلام شده است؟ به همین منظور، ابتدا در رابطه با زمینه شکل‌گیری جامه‌های فتح و انواع آن در جهان اسلام و ایران توضیحاتی ارائه و در ادامه کتیبه‌ها و نقوش جامه‌های فتح صفوی، زندیه و قاجار، محفوظ در موزه‌های ایران از نظر بصری و محتوایی، بررسی شده و در انتها عوامل موثر بر پیدایش جامه‌های فتح در ایران مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته است.

۲. پیشینه پژوهش

محققان، پژوهش‌هایی در زمینه منسوجات و هنر پارچه بافی ایران ارائه داده‌اند، اما تاکنون بررسی اختصاصی در رابطه با جامه‌های فتح صفوی، زندیه و قاجار، مطالعه زمینه شکل‌گیری آن و مقایسه آن‌ها با سایر نمونه های جهان اسلام صورت نگرفته است. از این رو پژوهش‌های مرتبط را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد: گروه اول، شامل پژوهش‌هایی است که به طور خاص در ارتباط با جامه‌های فتح صفوی و قاجار و بررسی آنها صورت گرفته است: زهره روح فر(۱۳۸۰) در مقاله «پیراهن نادعلی یا جامه فتح»، جامه فتح محفوظ در موزه ملی ایران را از حیث جنس پارچه، مراحل ساخت و شیوه اجرای تزئینات بر سطح لباس مورد مطالعه قرار داده است. محمد حسین سلیمانی(۱۳۹۱) در مقاله «دو رزم جامه نو یافته: یادمانی از روزگار صفوی» به معرفی دو نمونه از جامه‌های فتح دوره صفوی پرداخته است. لازم به ذکر است که، این دو لباس از جدیدترین یافته‌ها در این زمینه هستند، اما اطلاعات دقیقی راجع به محل نگهداری آنها، در این مقاله وجود ندارد. حشمت کفیلی در پایان‌نامه «پیراهن رزم موزه آستان قدس»(۱۳۸٤) و مقاله «پیراهن رزم گنجینه سلاح آستان قدس رضوی: آیینه ای در برابر اعتقاد گذشتگان»(۱۳۸۸) به بررسی جامه فتح محفوظ در موزه آستان قدس، از حیث ساختار، طرح و نقش پرداخته است.

گروه دوم، شامل پژوهش‌های مرتبط با علوم غریبه و نمود آن در صنایع و آثار هنری است: اسمیت و مادیسون(۱۹۹۷) در کتاب «ابزارآلات علمی: جلد یازدهم از گزیده دوازده جلدی مجموعه‌ی هنر اسلامی» به بررسی انواع ابزارآلات علمی در جهان اسلام و اشیاء حاوی طلسم و مرتبط با علوم غریبه در جهان اسلام پرداخته‌اند. بخشی از کتاب نیز به معرفی و بررسی جامه‌های فتح در جهان اسلام اختصاص دارد.

گروه سوم، پژوهش های مرتبط با منسوجات اسلامی و ابزار و ادوات جنگی است که بخش کوچکی از آن‌ها به معرفی جامه‌های فتح اختصاص دارد: زهره روح فر(۱۳۹۱) در کتاب «نگاهی بر پارچه‌بافی دوران اسلامی» در بخشی از فصل مربوط به منسوجات دوره صفوی به معرفی پارچه‌های قلمکار قلمی پرداخته و جامه‌های فتح نیز به عنوان نمونه‌ای برای این دسته از منسوجات ذکر شده است. الکساندر(۱۹۹۲) در کتاب «ابزار آلات جنگ: جلد دوازدهم از گزیده دوازده جلدی مجموعه‌ی هنر اسلامی» به بررسی ابزارآلات جنگی در جهان اسلام پرداخته و بخشی از کتاب نیز به معرفی جامه های فتح اختصاص یافته است.

با وجود آن که در پژوهش‌های حاضر، مطالبی در ارتباط با معرفی جامه‌های فتح وجود دارد اما اطلاعات

موجود صرفاً حاوی ارائه تصویر کلی از جامه‌ها در کنار سایر آثار تولید شده در ایران است. نقطه عطف پژوهش حاضر، مطالعه زمینه‌های شکل‌گیری جامه‌های فتح در ایران، بررسی انواع خطوط به کار رفته در جامه‌ها و مطالعه ساختار بصری و محتوایی کتیبه‌ها است.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت و روش، توصیفی- تحلیلی و شیوه گردآوری مطالب به صورت مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی است. نمونه‌گیری به صورت هدفمند صورت‌گرفته است. این شیوه نمونه‌گیری شامل انتخاب موارد، بر اساس هدف پژوهش است که بیشترین میزان اطلاعات را براساس سوالات پژوهش فراهم می‌آورد. جامعه آماری و مطالعاتی عبارت است از ۵ نمونه از جامه‌های فتح مربوط به دوران صفوی، زندیه و قاجار (از اوایل قرن ۱۰هـ.ق تا اواخر قرن ۱۳ هـ.ق) که در موزه‌های داخلی نگهداری می‌شوند و با توجه به پایگاه موزه‌ها و مطالعات میدانی شناسایی شده‌اند. با توجه به هدف پژوهش که مطالعه کتیبه‌های به کاررفته در جامه‌های فتح است، در ابتدا، انواع جامه‌های فتح موجود در جهان اسلام و ایران معرفی شده، سپس جامه‌های فتح صفوی، زندیه و قاجار محفوظ در موزه‌های داخلی، از نظر کتیبه و خطوط مورد بررسی بصری و محتوایی قرار گرفته و در انتها، مهمترین عوامل تأثیرگذار بر پیدایش جامه‌های فتح ایرانی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند.

٤. جامه فتح، پیشینه و زمینه تاریخی آن

پس از روی کار آمدن اسلام و به تبع آن، رواج خط و الفبای عربی و اهمیتی که دین اسلام برای خوشنویسی قائل شد، طولی نکشید که خوشنویسی به مهمترین موضوع تزئینی در آثار و صنایع ممالک اسلامی و به ویژه ایران تبدیل شد. کتیبه نگاری و خوشنویسی، تنها در بناهای معماری برای ثبتِ نامِ مالک و یا بانی آن و یا برای ثبت تاریخ یا تبرک به بعضی آیات قرآنی و ادعیه به کار نرفت، بلکه صنعتگر ایرانی مانند صنعتگران سایر ممالک اسلامی آن را در سایر آثار و صنایع از جمله نساجی استفاده کرد. «این مسئله باعث ایجاد منسوجاتی نفیس با تزئیناتی چون آیات قرآن، ادعیه، نام های متبرکه و اشعار شد که برای مکان ها و افراد خاص سفارش داده می‌شد.»(جاویدنیا،۱۳۸۷: ۲۷۰)

سابقه نگارش و استفاده از خط در منسوجات و جامه‌ها، به اوایل اسلام و مطرح شدن خط به عنوان یک عامل

تزئینی بازمی‌گردد. در این دوران بود که خط، جایگزین نقوش انسانی و حیوانی مورد استفاده در پارچه‌های پیش از اسلام شد و پارچه‌هایی تحت عنوانِ "طراز" تولید شدند. آن‌طور که به نظر می‌رسد، طرازها اولین منسوجاتی هستند که خط در آنها به کار رفته است. در پارچه‌های طراز، نام خلفای اسلامی و جملاتی که از فرخندگی و میمنت و درود و دعا حکایت می‌کند، نوشته می‌شد و این پارچه‌ها در زمان خلافت امویان و عباسیان از نظر سیاسی از اهمیت بالایی برخوردار بود.(ابن خلدون،۱۳۳٦: ۵۲۷)

در ایران نیز نساجان ایرانی در قرن چهارم هجری(دهم میلادی) شروع به ترک اشکال زینتی که پیش از اسلام، به ویژه در دوره ساسانی رواج داشت، کردند.(زکی محمد، ۱۳۲۰: ۲۲۹) از زمان آل‌بویه به بعد کارگاه‌های طرازبافی بسیاری در مناطق مختلف ایران به وجود آمد و «پارچه هایی مشتمل بر جامه‌ها، کفن‌ها و طاقه‌های پارچه، با نوشته-های دینی که بر طبق اعتقادات شیعی آل بویه شکل گرفته‌اند و به عنوان پوششی برای روی تابوت استفاده می-شدند، از این دوران به جا ماند.»(فتحی،۱۳۸٦: ٦٤) این پارچه‌ها اغلب حاوی کتیبه‌هایی به خط کوفی، مشتمل بر شعرها، روایات، ادعیه و جملاتی در جهت حمایت شخص متوفی، به منظور کسب بخشش و رحمت خداوند و شادی وی در جهان پس از مرگ هستند.

اولین نمونه کاربرد خط در جامه را نیز میتوان، در یکی از پیراهن‌های مربوط به همین دوره (آل بویه) مشاهده کرد.(تصویر ۱) این نمونه، یکی از خلعت-های بهاء الدوله (۳۷۹-٤۰۳ هـ) امیر بویی است. بخش جلو و آستین‌های لباس حاوی کتیبه‌ای است که در آن، نام بهاءالدوله ذکر شده است.(چیت ساز،۱۳۷۹: ۱٤۹)

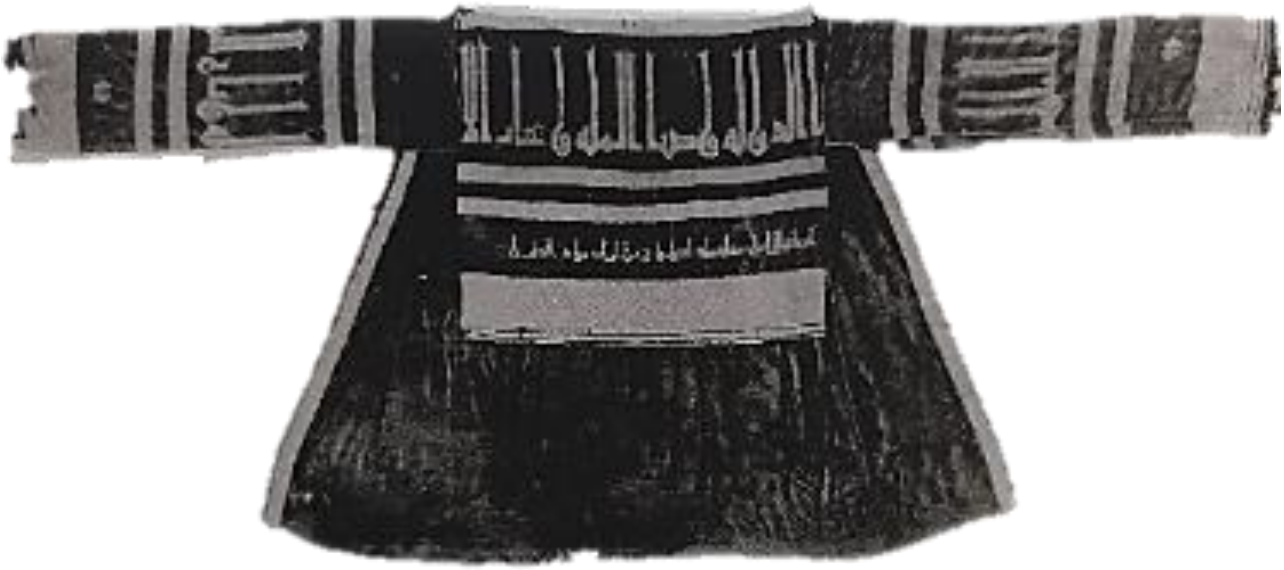

تصویر ۱- پیراهن مربوط به دوره آل بویه. حاوی کتیبه با نام بهاءالدوله ابونصر فیروز آزاد مرد. محفوظ در موزه منسوجات واشینگتن.(پوپ،۱۳۸۷: ۹۸۲)

طرازها و پیراهن‌های کتیبه‌دار تولید شده در صدر اسلام، بعدها به شکل‌های متفاوتی درآمده و در ادامه همین های فتح مواجه می-روند است که در ممالک دولت‌های صفوی، عثمانی، گورکانی و همچنین غرب آفریقا با جامه شویم که مزین به انواع مختلف و گسترده کتیبه‌های قرآنی، ادعیه، اشعار، طلسمات و نقوش نمادین و تزئینی هستند. به عقیده پوپ، جامه فتح «در واقع نمونه‌ای از هنر تذهیب کتاب است نه هنر نساجی، و برای منظور خاصی به جای صفحه کتاب، روی پارچه پیراهن نقش شده است.»(پوپ و همکاران، ۱۳۸٤: ۲۱۸) در واقع می‌توان گفت که این دسته از آثار به طور برابر، ترکیبی از لباس، نسخه خطی، اشیاء رمزی، سلاح و اثر هنری هستند که نه تنها از جهت زیبایی شناختی بلکه به دلیل تعداد مفاهیم و اندیشه‌هایی که در برگرفته‌اند، خیره کننده و قابل بررسی هستند.

۱-٤. انواع جامه‌های فتح در جهان اسلام

جامه‌های فتح یا پیراهن‌های طلسم اسلامی دارای چهار گونهٔ متمایز «مشتمل بر انواع عثمانی، صفوی، مغولی و آفریقای غربی است که همگی به قرن ۱۵م./۹هـ . و پس از آن منسوب‌اند.»(Maddison&Smith, ۱۹۹۷:۱۱۷)

مشخصات ظاهری پیراهن‌ها، طرح‌ها و تزئینات آنها و همچنین محتوای کتیبه‌ها و عبارت‌های مقدس به‌کاررفته در آنها، با توجه به نوع پیراهن‌ها متفاوت است. (URL : ۱)

قدیمی‌ترین و بیشترین نمونه‌های جامه فتح متعلق به گروه عثمانی است. «کاخ توپقاپی در استانبول، دارای تعداد زیادی از این پوشاک، تحت عنوان پیراهن طلسم (Tilsim gömlek) است.»(Atil, ۱۹۸۷:۱۹٦) در مواردی استثنایی، نام سلطان یا شاهزاده عثمانی نیز بر روی آنها نوشته شده است. (Rogers&Ward,۱۹۸۸:۱۷۵) اما وجه تمایز آنها، استفاده از رنگ‌های متعدد به ویژه قرمز، آبی و طلایی و مربع‌های جادویی یا طلسمی متراکم است.(URL : ۱)(تصویر۲و۳)

تصویر۲و۳- پیراهن طلسم عثمانی، متعلق به شاهزاده سلیم دوم. محفوظ در موزه توپقاپی. (Atil,۱۹۸۷:۱۹٦) و (Rogers&Ward, ۱۹۸۸:۱۷۵)

تصویر٤- پیراهن طلسم گورکانی. محفوظ در موزه متروپولیتن. (URL : ۲)

تصویر٥ - زیر پیراهن‌های طلسمی، متعلق به غرب آفریقا. (URL : ۳)

دومین گروه، متعلق به گورکانیان هند بوده و در قرون ۱٦م./۱۰هـ. و ۱۷م./۱۱هـ. تهیه شده‌اند. «تمامی پیراهن‌های طلسمی مغولی، تنها از سه قطعه پارچه تشکیل شده است. بدنه و آستین‌های آنها به قطع چهار گوش است و از ناحیه سرشانه به یکدیگر متصل شده‌اند.»(URL : ۱) سراسر این البسه پوشیده از ۱۱٤ سوره قرآن به همراه ۹۹ اسماء الحسنی و کلمه شهادتین است. (Maddison&Smith, ۱۹۹۷:۱۱۷) (تصویر٤)

سومین نوع لباس‌های طلسمی اسلامی مشتمل بر تعدادی لباس زیر است که از آن جمله شلوار و پیراهن زیر مردانه محصول سنگال و نوعی بلوز بدون آستین محصول نیجریه است. در این مدل از البسه طلسمی، اذکار الهی،

نام خلفای اهل سنت، نام فرشتگان و ۹۹ اسماء الحسنی، همگی به فرم اعداد ابجد به همراه آیاتی از قرآن با دست خطی نه چندان خوش درج و زیر شلوارها نیز با آیات قرآن و جداول بزرگ گوناگون پوشیده شده‌اند(Maddison&Smith, ۱۹۹۷:۱۱۷). (تصویر۵)

گروه چهارم، جامه‌های فتح ایرانی است که تولید آن‌ها از دوره صفوی آغاز شده و تا دوره قاجار ادامه یافته است. فراوانی این نوع البسه نسبت به نمونه‌های عثمانی کمتر و نسبت به جامه‌های فتح مغولی و غرب آفریقا بیشتر است. بیشترین نمونه‌ها از دوره صفوی و تعدادی متعلق به دوره زندیه و قاجار است. جامه‌های فتح ایرانی، دارای برش و فرم چهارگوش و اغلب به صورت پیراهن‌های کوتاه بالای زانو(تونیک) هستند. بر سراسر این البسه منتخبی از آیات قرآن، اسماءالحسنی، ادعیه مرتبط با مذهب تشیع و اسامی دوازده امام، جداول اعداد و طلسم‌ها و نیز تعدادی از نقوش هندسی، گیاهی، حیوانی و گاه نجومی، به روش قلمکار قلمی ترسیم شده است.

۵. بررسی کتیبه‌ها و نقوش جامه‌های فتح صفوی، زندیه و قاجار محفوظ در موزه‌های ایران

۱-۵. جامه فتح محفوظ در موزه ملی ایران

این جامه، متعلق به قرن یازدهم هجری و دوره صفوی است که با استناد به کتیبه روی آن به شاه عباس کبیر تعلق دارد. پارچه آن از جنس کرباس ریزبافت تهیه شده است. ابعاد کلی پیراهن ۸۸×۸۲ سانتی متر است(تصویر٦) و به صورت جلو باز و بدون افزودن هیچ‌گونه بند یا دکمه‌ای برای بستن و اتصال جلو لباس، طراحی شده است. دور تا دور آن در قسمت جلو لباس، حاوی هفت حاشیه باریک و پهن است و تمامی سطح پیراهن توسط جدول‌کشی‌ها و تزئینات هندسی از قبیل مستطیل، مربع، لوزی و دایره تقسیم‌بندی شده و هر کدام از این اشکال، در برگیرنده کتیبه‌ایست. علاوه بر این تزئینات، این پیراهن حاوی ٦ عدد جدول طلسمات است که در نواحی آستین‌ها و بخش بالایی و پایینی سمت راست و چپ لباس به صورت قرینه ترسیم شده است.(تصویر۷) ترکیب‌بندی کلی تزئینات به کار رفته در لباس به صورت قرینه بوده و نقوش در قسمت بالا و پایین و سمت راست و چپ آن به صورت قرینه تکرار شده است. در این پیراهن، سوره‌های «فتح»، «انعام»، «زخرف»، «الکافرون»، «اخلاص»، «فلق» و «ناس»، آیاتی از سوره‌های «یوسف»، «جاثیه»، «بقره» و همچنین اسماءالحسنی، دعای جوشن کبیر و تعدادی ادعیه دیگر از

جمله دعای اسم اعظم[۳] به قلم کوفی بنایی، ثلث جلی، نسخ، نسخ غبار، نسخ ایرانی و غبار، با مرکب سیاه، قرمز، سبز، آبی و طلایی، در قسمت‌های مختلف لباس کتابت شده که در برخی از نواحی مانند بخش‌هایی از حاشیه لباس و چهار لوزی سمت راست و چپ آن، محو و ناخوانا شده و یا کاملا از بین رفته است.(جدول۱)

تصویر٦- جامه فتح صفوی. محفوظ در موزه ملی ایران. (موزه ملی ایران: آرشیو)

یکی از کتیبه‌های مهم این جامه بر روی آستین سمت چپ آن قرار گرفته است. بر روی این آستین، داخل دو کادر دایره‌ای، عبارت «هو الحفیظ، اللهم بارک هذه القمیص الفتح للسلطان معظم المکرم، الذی جعله مالک الرقاب اشرف الامم ابدته بالعدل و الکرم والبس بلباس یا ذالعرش اعنی للسلطان الصفوی الموسوی العباس الحسینی» به

۱. یا الله یا الله یا الله وحدك وحدك لا شریك لك أنت المنّان بدیع السّماوات و الأرض ذو الجلال و الإكرام و ذو الأسماء العظام و ذو العزّ الّذی لا یرام و إلهكم إله واحد لا إله إلا هو الرحمن الرحیم.(مجلسی،۱٤۰۳،ج۹۰: ۲۳۱)

قلم نسخ کتابت شده که در آن به نام شاه عباس کبیر اشاره شده است. به دلیل قرارگیری نادرست و محل نامناسب این لباس در موزه و همچنین عدم همکاری مسئولان موزه در عکاسی و تهیه تصویر از پشت لباس، تصویری از این بخش از جامه در دست نیست و نوع تزئینات، خطوط و محتوای کتیبه‌های آن نامشخص است.

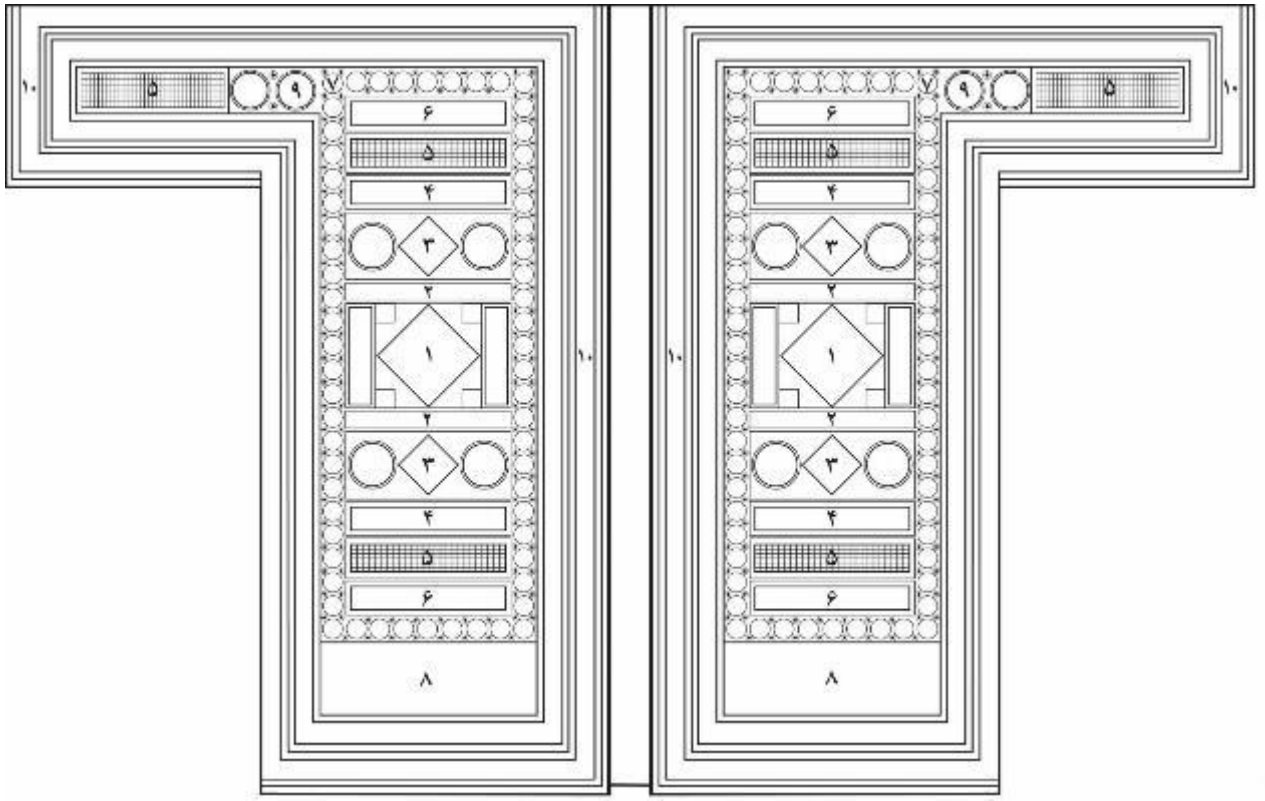

تصویر۷- ترسیم خطی جامه فتح محفوظ در موزه ملی ایران(قسمت جلو). (نگارندگان)

جدول ۱ - مشخصات کتیبه‌های به کاررفته در جامه فتح محفوظ در موزه ملی ایران. (نگارندگان)

	محل قرارگیری کتیبه در پیراهن	نوع قلم	رنگ خط	رنگ زمینه	اندازه و دانگ خط	تصویر
۱	راست و چپ	کوفی بنایی، نسخ	طلایی، قرمز سیاه	نخودی	- غبار	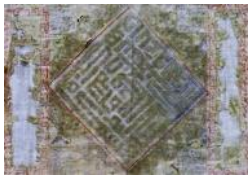
۲	راست و چپ (بالا و پایین)	ثلث	طلایی	نخودی	جلی	
۳	راست و چپ (بالا و پایین)	نسخ	سیاه	نخودی	غبار	
٤	راست و چپ (بالا و پایین)	ثلث، نسخ ایرانی	قرمز، آبی	نخودی	جلی	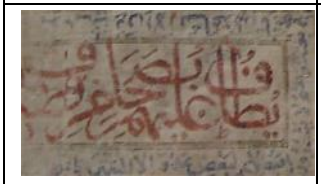
٥	آستین (راست و چپ)	نسخ	سیاه، قرمز	نخودی	جلی	
	بدنه (راست و چپ)	نسخ	طلایی، قرمز، سیاه	نخودی	-	

٦	راست وچپ (بالا)	ثلث نسخ ایرانی	آبی قرمز	نخودی	جلی -	
	راست و چپ (پایین)	ثلث نسخ	آبی طلایی	نخودی	جلی -	
۷	راست و چپ	نسخ	سیاه	نخودی	غبار	
۸	راست و چپ	ثلث	طلایی	نخودی	جلی	
۹	راست و چپ	نسخ	طلایی	نخودی	جلی	
۱۰		ثلث نسخ ایرانی	آبی و طلایی سیاه، قرمز، سبز	نخودی	جلی -	

۲-۵. جامه فتح محفوظ در موزه ادب و عرفان اهر

این جامه، متعلق به دوره صفوی، دارای ابعاد کلی ۷۲×۸٤ سانتی متر و تنها نمونه‌ای است که علاوه بر پنبه،

در بافت پارچه آن از الیاف ابریشم استفاده شده است.(تصویر۸) قسمت جلو پیراهن، به صورت جلو بسته، با یقه گرد ساده و سجاف (شکافی) تا مرکز لباس، برای عبور راحت سر، طراحی شده است. دور تا دور یقه و سجاف لباس، نواردوزی شده و دو بند کوچک برای بستن یقه آن، تعبیه شده است. آستین‌های آن به صورت کوتاه طراحی و پیراهن از قسمت زیر آستین و پهلوها باز است و بندهایی برای بستن آن در این نواحی وجود دارد. آسیب‌دیدگی این لباس بیشتر در ناحیه زیر بغل رخ داده و کتیبه‌های این بخش از لباس بر اثر رطوبت به وجود آمده در این ناحیه، از بین رفته‌اند. علاوه بر آن، الیاف بخش‌هایی از حاشیه یقه در قسمت جلو و در ناحیه شمسه و فواصل بین هشت‌ضلعی‌ها در قسمت پشت لباس، از بین رفته و دچار پارگی شده است.

تزئینات جامه فتح محفوظ در موزه ادب و عرفان اهر، عبارت است از کتیبه‌هایی به قلم ثلث جلی، نسخ، توقیع آمیخته به رقاع، نسخ غبار و غبار که در قسمت جلو و پشت ، به رنگ‌های سیاه، قرمز، سبز کتابت شده و محتوای آنها شامل سوره‌های «نصر»، «الفاتحه»، «اخلاص»، «فلق»، «ناس»، «قدر» و آیاتی از سوره‌های «فتح»، «یس»، «کهف»، «بقره»، «آل‌عمران»، «قلم»، «اعراف»، «حشر»، دعای جوشن کبیر، نادعلی و ذکر «یا الله» است.(جداول۲و۳) علاوه بر این کتیبه‌ها، بر سطح این پیراهن، مربع‌هاي طلسمی، انواع نقوش هندسی از قبیل مستطیل، مربع، ذوزنقه و هشت‌ضلعی، نقش ترنج متداخل و شمسه، گل نیلوفر، نقش گل و بته در قسمت‌های مختلف لباس کار شده است.(تصویر۹)

تصویر۸- جامه فتح صفوی. محفوظ در موزه ادب و عرفان اهر. (قسمت پشت و جلو). (موزه ادب و عرفان اهر: آرشیو)

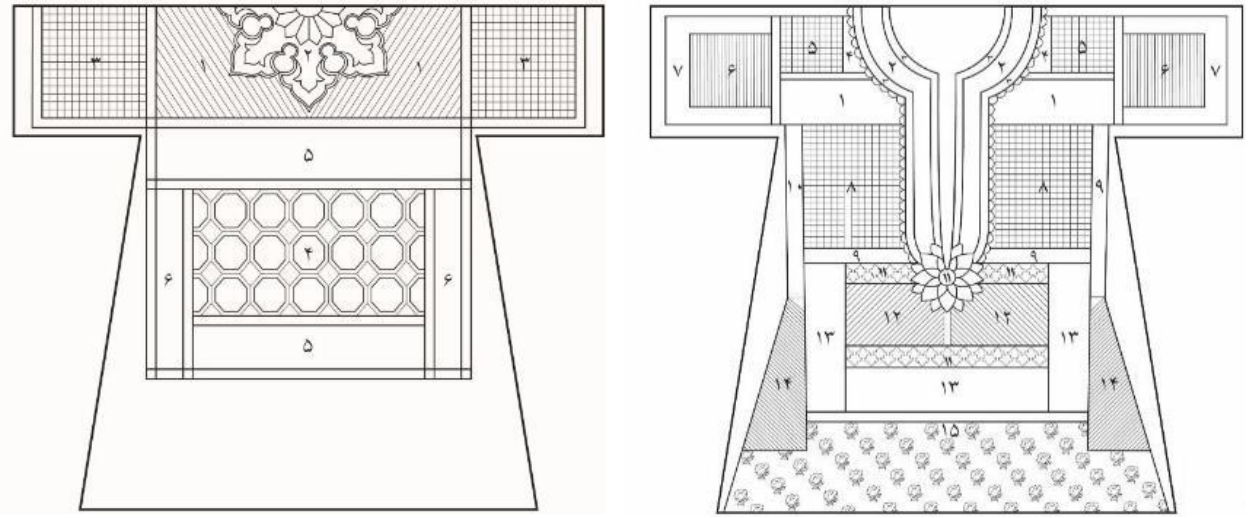

تصویر۹- آنالیز جامه فتح محفوظ در موزه ادب و عرفان اهر. (قسمت جلو و پشت لباس). (نگارندگان)

جدول ۲- مشخصات کتیبه‌های به کار رفته در قسمت جلو جامه فتح محفوظ در موزه ادب و عرفان اهر. (نگارندگان)

	محل قرارگیری کتیبه در پیراهن	نوع قلم	رنگ خط	رنگ زمینه	اندازه و دانگ خط	تصویر
۱	راست و چپ	ثلث	سفید (به صورت فضای منفی)	سیاه	جلی	
۲		ثلث	طلایی	نخودی	جلی	
۳		توقیع آمیخته به رقاع	قرمز	نخودی	-	
٤	راست و چپ	غبار	سیاه	نخودی	-	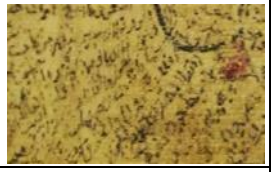
٥	راست و چپ	نسخ	سیاه، قرمز	نخودی	-	
٦	راست و چپ	نسخ	سیاه	نخودی	غبار	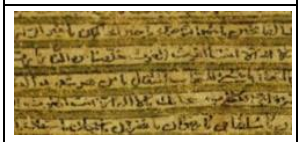

۷	راست و چپ	ثلث	قرمز	نخودی	جلی	
۸	راست و چپ	نسخ	سیاه، قرمز	نخودی	-	
۹		ثلث	قرمز	نخودی	جلی	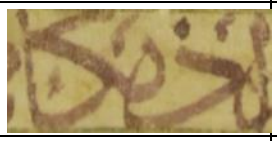
۱۰		ثلث	قرمز	نخودی	جلی	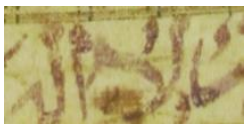
۱۱		غبار	سیاه	نخودی	-	
۱۲		نسخ	سیاه	نخودی	غبار	
۱۳		ثلث	سفید(به صورت فضای منفی)	سیاه	جلی	
۱٤		نسخ	سیاه	سیاه	غبار	

جدول ۳- مشخصات کتیبه‌های به کار رفته در قسمت پشت جامه فتح محفوظ در موزه ادب و عرفان اهر. (نگارندگان)

محل قرار گیری کتیبه در پیراهن		نوع قلم	رنگ خط	رنگ زمینه	اندازه و دانگ خط	تصویر
۱		نسخ	سیاه	نخودی	غبار	
۳		نسخ	سیاه	نخودی	-	
٤		غبار	سیاه	نخودی	-	
٥	راست و چپ	ثلث	قرمز	نخودی	جلی	
٦	راست و چپ	ثلث	سیاه	نخودی	جلی	

۳-۵. جامه فتح محفوظ در موزه آستان قدس

این جامه فتح، متعلق به اوایل دوره زندیه و پارچه آن از جنس کتان است. ابعاد کلی پیراهن، بدون در نظرگرفتن آستین‌ها ۱۰۲×۹۳ سانتی متر که «از ده قطعه پارچه به ابعاد مختلف تهیه شده است که به وسیله دوخت ساده، مورب و پس‌دوزی، متصل شده‌اند.»(کفیلی،۱۳۸٤: ۵۲) قسمت جلو لباس، حاوی یقه گرد ساده و شکاف(سجافی) در امتداد آن است که تا مرکز لباس ادامه یافته و برای عبور راحت‌تر سر، طراحی شده است. آستین‌های پیراهن به صورت بلند و با عرض بیشتری نسبت به آستین‌های سایر نمونه‌ها طراحی شده و دو مرغک در محل اتصال آستین‌ها به لباس، در ناحیه زیر بغل دوخته شده است. بیشترین آسیب‌دیدگی آن، در نواحی زیر بغل و مرغک‌های لباس بر اثر رطوبت به وجود آمده و کتیبه‌های این بخش محو و ناخوانا شده است. بخشی از لبه لباس در قسمت جلو نیز دچار فرسودگی و

پارگی شده است. به دلیل قرارگیری نادرست این لباس در موزه و همچنین عدم وجود تصویر با کیفیت از پشت لباس، نوع خطوط و محتوای کتیبه‌های این بخش نامشخص است. (تصویر ۱۰)

تصویر ۱۰- جامه فتح متعلق به اواخر صفوی، اوایل زند. محفوظ در موزه آستان قدس. (URL :۷)

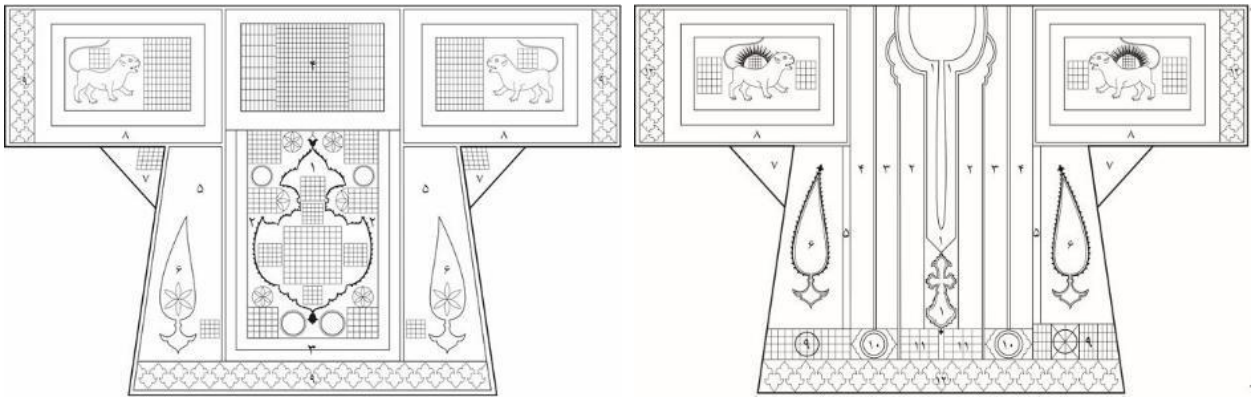

تصویر ۱۱- ترسیم خطی جامه فتح متعلق به اواخر صفوی، اوایل زندیه(قسمت جلو و پشت). (نگارندگان)

تزئینات روی لباس شامل علائم و انواع جداول و مربع‌های طلسمی در ابعاد گوناگون، با محتوای متفاوت و کتیبه‌هایی به اقلام ثلث جلی، نسخ، نسخ خفی و غبار است که علاوه بر سطح پیراهن، بر روی مرغک‌های لباس نیز به‌کار رفته‌اند.(تصویر۱۱) «کتیبه‌ها مشتمل بر متن کامل سوره‌های «فتح»، «نور»، «یس»، «فلق»، «ناس»، «عصر»، «همزه»، «طارق»، «ق»، آیاتی از سوره‌های «صف»، «بقره»، «قارعه»، «سباء»، «اسرا»، «صافات»، «طلاق»،

«فیل»، «مسد»، «شرح»، «تکاثر»، «انفطار»، «قدر»، «ضحی»، «فجر»، اسماءالحسنی، اسامی پنج‌تن، دعای جوشن کبیر و جوشن صغیر، نادعلی، حرز و حجاب و دعاهایی از امامان شیعه و عبارت «لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار» است.»(کفیلی،۱۳۸٤:۵) که به رنگ‌های سیاه، قرمز، نارنجی، زرد، سبز تیره و روشن، آبی و لاجوردی کتابت شده‌اند.(جدول٤) علاوه بر این تزئینات، نقش انواع ترنج‌های تکی، ترنج‌های متداخل،گل‌های شش‌پر و نقوش نمادینی چون شیر و خورشید، سرو و قندیل در قسمت‌های مختلف این جامه به‌کاررفته است.

جدول٤- مشخصات کتیبه‌های به‌کاررفته در قسمت جلو جامه فتح محفوظ در موزه آستان قدس رضوی. (نگارندگان)

محل قرارگیری کتیبه در پیراهن	نوع قلم	رنگ خط	رنگ زمینه	اندازه و دانگ خط	تصویر
۱	ثلث	قرمز	سفید	جلی	
۲	ثلث نسخ	سیاه نارنجی		جلی خفی	
۳					
٤					
۵					
٦	نسخ	لاجوردی تیره و نارنجی		خفی	
۷		لاجوردی			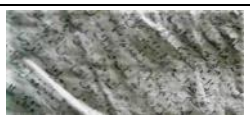
۸	ثلث	سیاه - قرمز		جلی	

	نسخ	سیاه - نارنجی		خفی	
۹	نسخ	سیاه		-	
۱۰		قرمز		خفی	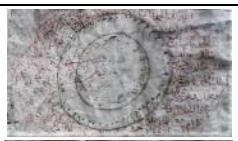
۱۲		قرمز و لاجوردی			

٤-٥. جامه فتح محفوظ در موزه بزرگ خراسان

این جامه، متعلق به اوایل دوره زندیه است. الیاف آن از جنس پنبه تهیه شده و طراحی لباس به صورت جلوباز، با یقه گرد ساده و آستین‌های بلند صورت گرفته است.(تصویر۱۲) اطلاعاتی از ابعاد کلی لباس در دست نیست. قسمت پشت و جلو پیراهن، تنها از ناحیه سر شانه به یکدیگر دوخته شده و درزهای زیر آستین و پهلوهای آن آزاد است که بندهایی برای بستن و اتصال این نواحی، در ناحیه پهلوها وجود دارد. به طورکلی می‌توان گفت که این نمونه، از نظر طراحی، تزئینات و حتی محتوا، شباهت بسیاری به جامه‌های فتح گورکانی دارد. به علت وجود آسیب‌دیدگی‌های فراوان، اغلب کتیبه‌های این جامه از بین رفته و ناخواناست.

تصویر۱۲- جامه فتح متعلق به اوایل دوره زندیه. محفوظ در موزه بزرگ خراسان. (URL : ۸)

برخلاف سایر نمونه‌ها این جامه، فاقد علائم و جداول طلسمی است. سرتاسر آن، توسط خطوط آبی و قرمز تقسیم‌بندی و جدول‌کشی شده و پوشیده از کتیبه‌هایی است که داخل کادرهای مستطیل شکل آستین، بدنه لباس، پنج‌ضلعی‌های لبه لباس، دوایر ترسیم شده در محل تقاطع خطوط، ترنج‌های سرشانه، ترنج مرکزی پشت و همچنین حواشی لباس قرار گرفته‌اند.(تصویر۱۳) کتیبه‌ها مشتمل بر ۱۱٤ سوره قرآن، داخل کادرهای مستطیلی و پنج ضلعی، اسماءالحسنی در قسمت حاشیه پشت و جلو و همچنین تکرار ذکر یاعلی، داخل هر دایره است که به

قلم‌های ثلث جلی، نسخ، نسخ غبار، به رنگ‌های سیاه، قرمز و طلایی کتابت شده‌اند.(جدول۵)

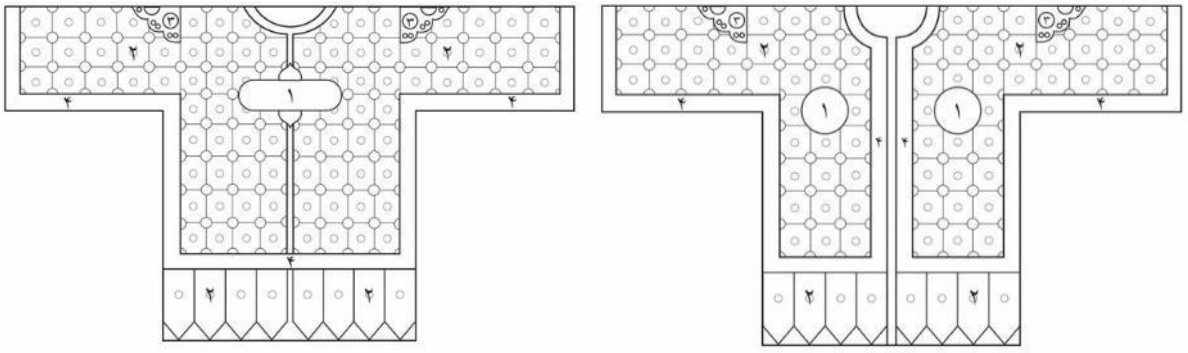

تصویر۱۳- ترسیم خطی جامه فتح متعلق به اوایل دوره زندیه(قسمت جلو و پشت). (نگارندگان)

جدول۵- مشخصات کتیبه‌های به‌کاررفته در جامه فتح محفوظ در موزه بزرگ خراسان. (نگارندگان)

	محل قرارگیری کتیبه در پیراهن	نوع قلم	رنگ خط	رنگ زمینه	اندازه و دانگ خط	تصویر
۱	جلو و پشت	- نسخ	طلایی قرمز	قرمز سفید- کرم	-	
۲	جلو و پشت	نسخ غبار	قرمز و آبی سیاه	سفید - کرم	-	
۳	جلو و پشت	ثلث	طلایی	آبی	جلی	

٤	جلو و پشت	ثلث نسخ	طلایی قرمز	سفید - کرم	جلی غبار	

۵-۵. نیم‌پیراهن محفوظ در موزه ملی قرآن

این نیم‌پیراهن، متعلق به دوره قاجار است. پارچه آن، پنبه‌ای با طول ۹۰ و عرض ۵۰ سانتی‌متر است که بدون آستین و بخش پشت لباس طراحی شده است. این مستطیل حاوی یقه گرد ساده و سجاف (شکاف) بلندی در امتداد آن، تا نزدیکی لبه پایینی لباس، برای عبور سر است.(تصویر١٤) بر اساس اطلاعات به دست‌آمده از موزه ملی قرآن، به نظر می‌رسد که این نمونه از همان ابتدا، به صورت نیم‌پیراهن طراحی شده و بعید است که بخشی از یک لباس کامل باشد. کتیبه‌های آن، مشتمل بر بخشی از سوره الفاتحه، ادعیه امامان شیعه، بخشی از جوشن کبیر و تعدادی از اسماءالحسنی است که همگی به قلم نسخ اولیه و با مرکب‌های لاجوردی، نارنجی و سبز تیره نوشته شده‌اند.(جدول٦)

علاوه بر این کتیبه‌ها، در دو طرف شکاف نیم‌پیراهن، ده مربع طلسمی ٤×٤ ترسیم شده و مابین این مربع‌ها دوازده دایره وجود دارد. هر کدام از این دوایر، دربردارنده نقش یکی از بروج دوازده‌گانه است و در چهار طرف آنها،

تصویر١٤- نیم پیراهن فتح متعلق به دوره قاجار.

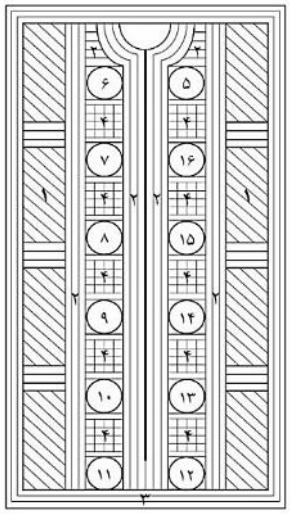

تصویر١٥- ترسیم خطی نیم پیراهن فتح متعلق به دوره قاجار (نگارندگان)

اسماءالحسنی نوشته شده است.(تصویر۱۵)

جدول٦- مشخصات کتیبه‌های به‌کاررفته در نیم‌پیراهن محفوظ در موزه ملی *قرآن*. (نگارندگان)

محل قرارگیری کتیبه در پیراهن	نوع قلم	رنگ خط	رنگ زمینه	اندازه و دانگ خط	تصویر
۱	نسخ اولیه	لاجوردی - نارنجی - سبز تیره	سفید	-	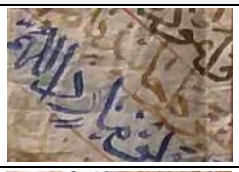
۲				-	
۳		لاجوردی - نارنجی		-	
کتیبه‌های کنار دوایر		سبز تیره		-	

٦. بحث و تحلیل

از ابتدای ظهور اسلام و با نزول قرآن کریم، خط و خوشنویسی در فرهنگ و تمدن اسلامی مقامی والاتر از سایر هنرها یافت. «آئین خوشنویسی از محدوده تولید کتاب و نسخ خطی بسیار فراتر رفت و نوشته‌های عربی با خط معمولی یا در سبک‌های مختلف، نقش عمده‌ای در تزئین مساجد و دیگر ابنیه مذهبی داشت. علاوه بر معماری استفاده از خط به عنوان یک عامل تزئینی بر زمینه دیگر آثار هنری نیز رواج پیدا کرد. به دیگر سخن احساسات مذهبی هم در خطاطی و هم در تذهیب انتزاعی نوشته‌ها مجال تجلی یافت.»(سیوری،۱۳۷۲: ۱۲۷-۱۲٦) یکی از درخشان‌ترین ادوار ترقی و تکامل خوشنویسی و کاربرد گسترده آن در انواع صنایع و آثار هنری، دوره صفوی بود. در این دوره «عموم شاهان و شاهزادگان و حتی امرای صفوی(به ویژه شاه اسماعیل، شاه عباس کبیر و سه شاهزاده

بهرام میرزا، سام میرزا و شاهزاده ابراهیم میرزا) علاقه‌مند به هنر خوشنویسی بوده و بعضی نیز این هنر را از استادان فن فراگرفته و خطاطان و هنروران به دربار آنان، مقامی بلند و اعتباری ارجمند داشته‌اند.»(سلیمانی،۱۳۹۱: ۲۵) به این ترتیب کتیبه نویسی برای مساجد نو بنیاد اصفهان ضرورت پیدا کرد و قدر و منزلت خوشنویسان تدریجا بالا رفت. «شاه عباس که در هنردوستی و زیباپرستی از هنرمندان عصر خود دست کمی نداشت، عده زیادی از این خوشنویسان را به دور خود جمع کرد. علیرضای تبریزی مشهور به علیرضای عباسی، که به واسطه مهارتش در شیوه نستعلیق او را با میرعلی هروی بزرگترین استاد مسلم خط نستعلیق برابر دانسته‌اند، در پرتو حمایت شاه عباس به گشایش بزرگترین مکتب خطاطی ایران همت گماشت.»(طاهری،۱۳۵٤: ۳۱۷) از طرفی دیگر، دین سالاری موجود در سیاست و جامعه این دوره و به ویژه گسترش مذهب شیعه و بروز تحولات عمیقی که در فرهنگ و جامعه صفوی به وجود آمده بود نیز موجب تحول نگرش به انواع هنرها و ایجاد آثار بدیع شد. از جمله این تحولات، ورود گسترده خوشنویسی و کتیبه‌های حاوی مضامین مقدس در انواع آثار هنری از جمله منسوجات بود. در این دوره زری‌ها، پارچه‌های چندتابی و قلمکارها با انواع خطوط کوفی، نسخ، ثلث و نستعلیق تزیین و آرایش شده و غالبا برای روپوش قبور یا پرده‌های مقابر و اماکن مقدس یا پرچم‌ها به کار برده می‌شد. «اغلب این پارچه‌ها کتیبه‌ای داشتند که فرمول-های مذهبی یا نام سفارش‌دهنده در آن‌ها دیده می‌شد. گاهی هم در این کتیبه‌ها، صنعت‌گر برای مالک پارچه از خدا طلب خیر و سعادت می‌کرد.»(بهشتی پور،۱۳٤۳: ۱۷٤) در ادامه همین روند است که زمینه برای تولید انواع جامه‌های فتح در ایران عصر صفوی فراهم شد و پس از آن، تولید این البسه در دوره‌های زند و قاجار نیز ادامه پیدا کرد. «در دوره قاجار هنر خوشنویسی همچنان ادامه داشت و بیش از پیش از حمایت دربار بهره‌مند می‌شد. فتحعلی شاه خود مشق خوشویسی می‌کرد، وزرای او نیز چنین می‌کردند.» (ورنویت،۱۳۸۳: ۱۰۱)

همانطورکه اشاره شد، برجسته‌ترین عنصر تزئینی به کاررفته در جامه‌های فتح ایرانی، کتیبه و خوشنویسی است(جدول۷) و از آن جایی که آیات نوشته شده بر آن‌ها غالبا مرتبط با فتح و ظفر است، اغلب تحت عنوان «جامه فتح» شناخته می‌شوند. در لغت‌نامه دهخدا نیز این پوشاک تحت عنوان جامه فتح آورده شده و در تعریف آن آمده است که: «جامه فتح، جامه ای است که در روز جنگ زیر زره پوشند و آیاتی مثل «انا فتحنا» و غیر آن بر آن نوشته یا بافته باشند.»(دهخدا،۱۳۳۸،ج۱۵: ۱۰۵) اما تزئینات این پوشاک تنها به خوشنویسی محدود نبوده و انواع نقوش هندسی، جداول و مربع‌های طلسمی، علائم نجومی و در برخی موارد نقوش حیوانی و گیاهی نمادین نیز

در کنار کتیبه‌ها به کار رفته است.

کتیبه‌های به کار رفته در جامه‌های فتح علاوه بر جلوه‌های بصری، از نظر محتوایی و هماهنگی موضوع آن با هدف ایجاد اثر، حائز اهمیت هستند. محتوای آن‌ها مشتمل بر منتخبی از سوره‌ها و آیات مبارک قرآن کریم، به ویژه سوره «فتح»، «نصر» و آیه ۱۳ سوره «صف»، اسماءالحسنی، ادعیه و انواع حرزهای مرتبط با مذهب تشیع و اسامی دوازده امام و در مواردی شعر فارسی، ماده تاریخ و نام خالق و صاحب پیراهن می‌باشد. از آنجایی که در مورد شیوه عملکرد و کاربردهای جامه‌های فتح، ظاهرا هیچ ذکری در رسالات و متون مربوط به علوم غریبه به میان نیامده و توصیف و توصیه‌ای نیز در مورد این البسه ارائه نشده است، تشخیص کاربرد جامه‌ها تنها از طریق بررسی شواهد امر و رجوع به محتوای کتیبه‌ها و آیات و ادعیه به کار رفته در آن‌ها میسر است. با توجه به مطالعات و بررسی‌های انجام شده بر روی کتیبه‌های این البسه، مشخص شد که آن‌ها به احتمال قریب به یقین، جنبه تعویذ و به لحاظ آیینی کاربردهای متعددی داشته‌اند. بنابر نظر اکثر محققان هدف و انگیزه اصلی از ساخت جامه‌های فتح، استفاده از این البسه در جنگ و بهره‌مند شدن از خواص حمایتی این پوشاک در غلبه بر دشمنان است.

دو دسته از شواهد در بیان خواص حفاظتی و حمایتی این پیراهن‌ها در جنگ به دست آمده است. اولین مورد، «آیاتی مانند آیه ۱۳ سوره «صف» «نصر من الله و فتح غریب» و تمامی سوره «فتح» است که مستقیما به چنین مفاهیمی اشاره می‌کنند. این قبیل آیات بر دیگر ابزار و لوازم جنگی نیز به چشم می‌خورند.»(Alexander, ۱۹۹۲:۲۱) علاوه بر این آیات قرآنی، محتوای ادعیه‌ای چون جوشن کبیر که بر نمونه‌های صفوی و قاجار مشاهده می‌شود، با کاربرد جنگی این البسه در ارتباط است. دسته دوم، شامل شواهدی غیرمستقیم از جمله نامه خرم سلطان است که در دهه ۱۵۳۰ میلادی برای همسرش سلطان سلیمان، به اردوگاه جنگی وی ارسال کرده و در آن به پیراهنی اشاره می‌کند که یک روحانی از مکه به استانبول آورده است. وی در نامه بیان می‌کند که این پیراهن حاوی اذکاری جهت پیروزی در جنگ و همراه با یک سری دستورات راهبردی است. سپس با ذکر این عبارت که «نام های متبرکی که بر آن بافته شده، تمامی تیرها را برمی‌گرداند.» همسرش را به پوشیدن آن ترغیب می‌کند.(Rogers and Ward, ۱۹۸۸:۱۷۵) علاوه بر موارد ذکر شده «عبارت فارسی «به جهت پیروزی» که در اشاره به سوره« فتح» است و بر پیراهن عثمانی متعلق به شاهزاده سلیم درج شده است، شاهد دیگر در تأیید این مدعاست.» (Maddison and Smith, ۱۹۹۷:۱۱۷)

سوره هایی همچون سوره «فتح»، «نور»، «الفاتحه»، چهارقل (الکافرون، اخلاص، فلق و ناس) و همچنین «آیه الکرسی»، «و ان یکاد» و حرز و حجاب امامان معصوم که بر این البسه نقش شده‌اند، در موارد متعددی بر دیگر اشیاء طلسمی، من جمله ظروف جادو پزشکی و رسالات جادوگری نیز وارد شده و بنابراین به نظر می‌رسد که دامنه کاربرد این پوشاک تنها به جنگ و مسائل نظامی محدود نمی‌شود. «بسیاری از نمونه‌ها، علاوه بر آیات و کتیبه‌های مرتبط با جنگ و پیروزی، حاوی آیات قرآنی هستند که برای شرایط و موقعیت‌های دشوار گوناگون، شامل بیماری‌ها، قحطی، دفع بلایا، زایمان سخت و خطرات سفر نیز مفید و مورد استفاده هستند.»(Gruber, ۲۰۱۰: ۸۹)

نحوه عملکرد جامه‌های فتح، گذشته از آن که با چه هدف و کاربردی ساخته شده باشند، در تمامی موارد یکسان بوده است. این البسه مستقیما بر روی پوست بدن، به عنوان اولین لایه و در واقع زیر پیراهنی، پوشیده می‌شده و به این ترتیب منجر به پراکندگی متون مقدس و ایجاد یک سپر و حفاظ آسیب ناپذیر در اطراف بدن می‌شده است.

۷. نتیجه

جامه‌های فتح که در اغلب منابع و پژوهش‌های خارجی، تحت عنوان پیراهن‌های طلسم اسلامی نیز شناخته می‌شوند، نوعی پوشش خاص در جهان اسلام هستند. این البسه، دارای چهارگونه عثمانی، صفوی، مغولی(گورکانی) و آفریقای غربی است. مشخصات ظاهری پیراهن‌ها، محتوای کتیبه‌ها، علائم و نقوش به‌کاررفته در آنها با توجه به نوع و منطقه تولید پیراهن‌ها، متفاوت است. قدیمی‌ترین جامه‌های فتح ایرانی، مربوط به دوره صفویه بوده که به علت سیاست‌های خاص دوره صفوی و رسمی‌شدن مذهب شیعه و به تبع آن، تحول عمیق افکار و اعتقادات در این دوره، به وجود آمده است. اما این هنر در این عصر خاتمه نمی‌یابد و از آنجایی که دوران زندیه و قاجار، از نظر ویژگی‌های اعتقادی، فرهنگی و هنری در حقیقت دنباله‌ای از عصر صفوی است، تولید جامه‌های فتح، در این دوران نیز به شکل‌های مختلف ادامه پیدا می‌کند. بنابر بررسی‌های صورت‌گرفته، ویژگی‌های ساختاری و بصری تزئینات به‌کاررفته در جامه‌ها عبارت است از استفاده گسترده از خوشنویسی که مهمترین مشخصه بصری و ویژگی مشترک بین نمونه‌های موجود محسوب می‌شود. بر سراسر این البسه کتیبه‌هایی به اقلام کوفی، نسخ، ثلث، توقیع و رقاع در ابعاد مختلف به کاررفته است. در کنار این کتیبه‌ها، نقوش نمادین همچون شیر و خورشید و

سرو، علائم نجومی، انواع جدول‌ها و علائم طلسمی و همچنین نقوش تزئینی از جمله نقش ترنج‌های متداخل و انواع نقوش گیاهی در زمینه کار ترسیم شده است.

مطالعات صورت‌گرفته بر محتوای کتیبه‌ها نشان‌دهنده تأکید بر آیات و سوره‌های خاصی از جمله آیه ۱۳ سوره «صف»، سوره «فتح»، سوره «نصر» و ادعیه‌هایی مانند جوشن‌کبیر است. از آنجایی که در مورد شیوه عملکرد و کاربردهای جامه‌های فتح ظاهراً هیچ ذکری در رسالات و متون مربوط به علوم غریبه و حتی متون تاریخی به میان نیامده و توصیف و توصیه‌ای نیز در مورد این البسه ارائه نشده، تشخیص کاربرد این پیراهن‌ها تنها از طریق بررسی شواهد امر و رجوع به محتوای کتیبه‌ها و آیات و ادعیه به‌کاررفته در آنها میسر است. در نتیجه، تکرار و تأکید بر سوره‌ها و آیات مذکور می‌تواند نشان‌دهنده این موضوع باشد که جامه‌های فتح به احتمال قریب به یقین، جنبه تعویذ داشته و هدف و انگیزه اصلی از ساخت آنها، استفاده از این البسه در جنگ و بهره‌مند شدن از خواص حمایتی این پوشاک در غلبه بر دشمنان است. تعداد دیگری از سوره‌ها و آیات مشترک در جامه‌ها، همانند آیات ۵۱ و۵۲ سوره «قلم» (و ان یکاد)، آیه ۲۵۵ سوره «بقره» (آیه‌الکرسی) و همچنین چهارقل(سوره‌های کافرون، اخلاص، فلق و ناس) که در موارد متعددی بر دیگر اشیاء طلسمی نیز کتابت شده، نشان‌دهنده این موضوع هستند که دامنه کاربرد این پوشاک، تنها به جنگ و مسائل نظامی محدود نمی‌شود بلکه به لحاظ آیینی، دارای کاربردهای حفاظتی و حمایتی بوده و در انواع شرایط دشوار از جمله به هنگام بیماری‌ها و مواجه با انواع بلایا نیز مورد استفاده بوده‌اند.

با وجود آنکه مهمترین شباهت و وجه اشتراک بین جامه‌های فتح صفوی، زندیه و قاجار، استفاده گسترده از خوشنویسی به عنوان تزئین غالب و با محتوای مشابه بوده، اما شاهد وجود تفاوت‌هایی در جنس و طراحی البسه، میزان استفاده از کتیبه نسبت به نقش، محتوای کتیبه‌ها و میزان استفاده از جداول و علائم طلسمی هستیم. بر این اساس، نیم‌پیراهن محفوظ در موزه ملی قرآن، متفاوت‌ترین نمونه از نظر مدل، محتوای کتیبه‌ها و نقوش به‌کاررفته در آنست. در این جامه از تعداد زیادی دعا و حرز و همچنین نقوش صور فلکی استفاده شده است. جامه فتح محفوظ در موزه بزرگ خراسان، تنها نمونه‌ای است که ۱۱٤ سوره قرآن کریم به طور کامل بر روی آن کتابت شده و فاقد علائم طلسمی است. همچنین جامه فتح محفوظ در موزه ادب و عرفان اهر نیز تنها نمونه ایست که در تولید پارچه آن از الیاف ابریشم استفاده شده است. در مقایسه با سایر انواع عثمانی، گورکانی و آفریقای غربی، مهم‌ترین تفاوت بین نمونه‌های ایرانی با دیگر انواع پیراهن‌های طلسمی جهان اسلام، محتوای کتیبه‌هاست. در جامه‌های

فتح ایرانی علاوه بر سوره‌ها، آیات قرآنی و اسماءالحسنی که در تمامی جامه‌های فتح جهان اسلام مشترک است، از اسامی امامان شیعه و ادعیه منسوب به آنها استفاده شده که مبین عقاید شیعی است. علت آن نیز شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خاص حاکم بر ایران و عواملی همچون رسمیت مذهب شیعه پس از به قدرت رسیدن صفویان است.

جدول۷- بررسی کتیبه‌های به کاررفته در جامه‌های فتح ایرانی. (نگارندگان)

ردیف	دوره	محل نگهداری	خطوط به کاررفته در کتیبه‌ها	رنگ کتیبه	رنگ زمینه	تصویر
۱	صفوی	موزه ملی ایران	کوفی ثلث جلی نسخ نسخ ایرانی نسخ غبار	سیاه قرمز طلایی آبی سبز	نخودی	
۲	صفوی	موزه ادب و عرفان اهر	ثلث جلی توقیع آمیخته به رقاع نسخ نسخ غبار	سیاه قرمز طلایی سبز	نخودی	

			غبار			
۳	اواخر صفوی اوایل زندیه	موزه آستان قدس	ثلث جلی نسخ نسخ خفی غبار	سیاه قرمز نارنجی زرد سبز - آبی لاجوردی	سفید	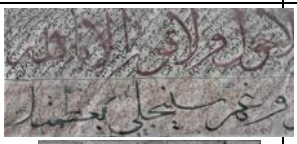
٤	اوایل زندیه	موزه بزرگ خراسان	ثلث جلی نسخ نسخ غبار غبار	سیاه قرمز طلایی آبی	کرم	

۵	قاجار	موزه ملی قرآن	نسخ اولیه	لاجوردی نارنجی سبز تیره قرمز سیاه	سفید	

منابع و مأخذ:

- ***قرآن کریم***(۱۳۷۳)، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، چاپ دوم، تهران: مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.

- ابن خلدون، عبدالرحمن(۱۳۳٦)، ***مقدمه ابن خلدون***، ترجمه: محمد پروین گنابادی، چاپ اول، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- بهشتی‌پور، مهدی(۱۳٤۳)، ***تاریخچه صنعت نساجی ایران (از دوره افسانه ای تا پایان دوره صفویه)***، چاپ اول، تهران: اکونومیست.

- پوپ، آرتوراپهام، آکرمن، فیلیس، شرودر، اریک(۱۳۸٤)، ***شاهکارهای هنر ایران***، اقتباس، تصحیح و ترجمه: پرویز ناتل خانلری چاپ اول، تهران: علمی و فرهنگی.

- پوپ، آرتوراپهام، آکرمن، فیلیس(۱۳۸۷)، ***سیری در هنر ایران(از دوران پیش از اسلام تا امروز)***، جلد پنجم، ترجمه: زهره روح فر، زیر نظر: سیروس پرهام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- جاویدنیا، نسرین(۱۳۸۷)، «کتابت بر البسه دوره صفوی»، ***مجموعه مقالات هنرهای صناعی***، به کوشش: بهنام صدری، تهران:
فرهنگستان هنر. ۲۷٤-۲٦۷
- چیت ساز، محمد رضا(۱۳۷۹)، ***تاریخ پوشاک ایرانیان از ابتدای اسلام تا حمله مغول***، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- دهخدا، علی اکبر(۱۳۳۸)، ***لغت نامه دهخدا***، جلد۱۵، تهران: دانشگاه تهران
- روحفر، زهره(۱۳۸۰)، «پیراهن نادعلی یا جامه فتح»، ***کتاب ماه هنر***، سال چهارم(۳۱و۳۲)، ۳٦-۳٤
- روحفر، زهره(۱۳۹۱)، ***نگاهی بر پارچه بافی دوران اسلامی***، چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت.
- زکی محمد، حسن(۱۳۲۰)، ***صنایع ایران بعد از اسلام***، ترجمه محمد علی خلیلی، چاپ اول، تهران: نشر اقبال.
- سلیمانی، محمد حسین(۱۳۹۱)، «دو رزم جامه نو یافته: یادمانی از روزگار صفویان»، ***پیام بهارستان***، دوره دوم، سال پنجم،
(۱۷)، ۲۵-۳۳
- سیوری، راجر(۱۳۷۲)، ***ایران عصر صفوی***، ترجمه: کامبیز عزیزی، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- طاهری، ابوالقاسم(۱۳٥٤)، ***تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس***، چاپ اول، تهران: فرانکلین
- فتحی، لیدا(۱۳۸٦)، «خط نوشته‌ها روی پارچه های دوره اسلامی»، ***مدرس هنر***، دوره دوم(۲)، ۷۵-٦۳
- کفیلی، حشمت(۱۳۸٤)، ***پیراهن رزم موزه آستان قدس***، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته: الهیات، ادبیات و علوم
انسانی، استاد راهنما: سوسن بیانی، استاد مشاور: فخری دانش پور پرور، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز.
- کفیلی، حشمت(۱۳۸۸)، پیراهن رزم گنجینه سلاح آستان قدس رضوی: آیینه ای در برابر اعتقادات گذشتگان، ***شمسه: نشریه***

الکترونیکی سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، دوره اول(۲)، ۱۴-۱، (بازیابی شده در تاریخ:
۹۸/۹/۱۲) از: http://shamseh.aqr-libjournal.ir/article_۴۹۶۸۸.html.

- موزه ملی ایران، تهران، آرشیو موزه(۸۳۷۵)
- موزه ملی قرآن، تهران، آرشیو موزه(-)
- مجلسی، محمد باقر(۱۴۰۳)، ***بحار الانوار***، جلد۹۰، بیروت: دار احیاء التراث العربي.
- ورنویت، استفان(۱۳۸۳)، ***گرایش به غرب(در هنر قاجار، عثمانی و هند)***، ترجمه پیام بهتاش، جلد۶، از مجموعه هنر
اسلامی ناصر خلیلی، تهران: نشر کارنگ

- Alexander, David (۱۹۹۲), ***The arts of war: Arms and Amour of the ۷th to ۱۹th Centuries (The Nasser D. Khalili Collection of Islamic Art - Volume ۲۱)***, NewYork : The Nour Foundation
- Atil, Esin (۱۹۸۷), ***The Age of Sultan Suleyman the Magnificent***, Washington DC : National Gallery of Art.
- Gruber, Christian (۲۰۱۰), ***The Islamic Manuscript Tradition. Ten centuries of Book Arts in Indiana University Collections***, Indiana : Indiana University press.
- Maddison, Francis; Smith, Emilie Savage (۱۹۹۷), ***Science, tools and Magic (The Nasser D. Khalili Collection of Islamic Art - Volume ۱۲ - Part one)***, New York : The Nour Foundation.
- Rogers, J.M; Ward, R.M, ***Suleyman the magnificent***, New York : Wellfleet Press.

- URL۱ : Alison, Castaneda, **the exploration of an Islamic Talismanic Shirt in the Collection of The GWU Museum/The Textile Museum**, (access date : ۲۰۱۸/۰۷/۱۳) from : https ://museum.gwu.edu/search/talismanic%۲Bshirt

- URL۲ : https :// www.metmuseum.org/art/collection/search/٤٥٣٤٩٨, (access date : ۲۰۱۹/۱۲/۰۳).

- URL۳ : https ://filslisibles.blogspot.com/favicon.ico, (access date : ۲۰۱۹/۱۲/۰۳).

- URL٤ : http ://collections.vam.ac.uk/item/O۳٦٤٥۱۰, (access date : ۲۰۱۹/۱۲/۰۳).

- URL٥ : https ://collections.vam.ac.uk/item/O۳٦٤٥۱۰/shirt/, (access date : ۲۰۲۰/۷/۲۲)

- URL٦ : https ://khgm.razavichto.ir/FtpHost/۰/ImageGallery/٦۳٦٤۱٥۹۰۲٥۱٥٤۳٤۷٦٤.jpg (access date : ۲۰۱۹/۱۲/۰۳).

- URL۷ : https ://museum.razavi.ir/fa/٥۷۳۰۰, (access date : ۲۰۱۹/۱۲/۰۳).

Study of inscriptions and calligraphies used on the Iranian "Fath" garments*

Marzieh Esmaeil[٤] **Alireza Sheikhi**[٥]

Abstract

The art of calligraphy has always been the most important and widely used type of art in different eras and calligraphy as one of the most important characteristics of art in Islamic lands, has been effective in a variety of industries, including textile weaving. An obvious example of these effects can be seen in the "Fath" garments produced during the Safavid, Zand, and Qajar eras, the most prominent feature of which is the widespread use of sacred texts in the form of inscriptions and calligraphy. This article aims to study the inscriptions used on the Safavid, Zand, and Qajar "Fath" garments in terms of visual structure and content. And this article has also been compiled to answer the question "What are the artistic and conceptual features of the inscriptions used in the Safavid, Zand, and Qajar "Fath" garments?" The research method is descriptive-analytical and the information has been collected in the form of library and field studies. By examining the samples in Iranian museums, it was found that the content of the inscriptions includes a variety of sacred texts that are written on the surface of the shirts with different scripts such as Kufic, Naskh, Thuluth, Tawqi, and Reqa. The content of the inscriptions indicates victory, overcoming problems, and protection against all kinds of disasters, and shows that the purpose of producing the "Fath" garments was most likely to help victory on the battlefield with the help of the inscriptions used on them.

*This article is extracted from the master's thesis entitled «An investigation of Safavid and Qajar victory garments preserved in Iranian museums» Which was presented in September ۲۰۲۰ at University of Art under the guidance of Doctor Alireza Sheikhi.

۴ M.A Holder in Handicrafts, Faculty of Applied Arts, University of Art, Tehran, Iran. Marziye.es@gmail.com

۵ : Associate Professor, Faculty of Applied Arts, University of Art, Tehran, Iran. a.sheikhi@art.ac.ir

Keywords: Calligraphy, Inscription, "Fath" garments, Safavid, Qajar, Zand

حفاظت و مرمت وقف‌نامه کاغذی سهم سادات قنات حسن آباد مهریز یزد

طاهره شیشه بری[۱] الهه خاکباز الوندیان[۲] ابراهیم کاظم نژند اصل[۳]

چکیده:

در میان آثار ارزشمندی که از پیشینیان به یادگار مانده، نسخ خطی، با پشتوانه‌ای معنوی از جایگاه والایی برخوردار است. زیرا چه از نظر علمی و چه از نظر هنری، گواه دانش و هنر ملت ایران است. تاریخ و سیر تکامل ادب و هنر را میتوان به صورت واقعی و حقیقی در اوراق نسخه‌های خطی مشاهده کرد. پس با درک اهمیت این گنج معنوی که فرهنگ و هویت جامعه را در خود نهفته دارد، باید به حفظ و نگهداری این میراث نفیس و کهن همت گماشت. کاغذ به دلیل بافت ظریف و استحکام کم، بسیار آسیب پذیر بوده و عوامل مختلفی سبب بروز آسیب‌های فیزیکی، بیولوژیکی، شیمیایی و انسانی در آن می‌شوند. اثر مورد مطالعه، وقف‌نامه‌ای مشتمل بر ٦ نسخه است که شرایط نامناسب نگهداری، موجب آسیب‌های بسیار بر آن شده است. با توجه به آسیب‌های موجود، اقداماتی در جهت حفظ و مرمت اثر صورت گرفته. در این راستا قبل از انجام عملیات حفاظت و مرمت، شاملِ: جداکردن الحاقات، لکه‌بری، اسیدزدایی و ساپورت کردن، نخست باید به خطراتی که این اثر را تهدید می‌کند اشراف یافته و ماهیت و ترکیبات شیء را شناخت. در نهایت برای حفظ اثر، پیشنهادهای حفاظتی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: حفاظت و مرمت، وقف نامه کاغذی، قنات حسن آباد مهریز یزد.

مقدمه

دست نوشته‌ها میراث جاودان بشری و انتقال دهنده فرهنگ و اندیشه گذشتگان به آیندگان هستند.

[۱] -دانشجوی دکتری رشته مرمت آثار و اشیا تاریخی فرهنگی دانشگاه هنر اصفهان، t.shishehbori@gmail.com،
[۲] کارشناس ارشد باستان شناسی و رئیس گروه موزه‌های اداره‌کل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان یزد
[۳] -کارشناس ارشد باستان شناسی و مسئول بخش باستان شناسی پایگاه میراث فرهنگی شهر تاریخی یزد، e.kazemnajand@gmail.com

بنابراین حفاظت و مرمت آن‌ها کمک قابل توجهی به حفظ این اسناد و اطلاعات آن می‌کند. وقف‌نامهٔ مورد مطالعه، متعلق به جمعی از سادات مهریجرد یزد است که در شعبان سال ۱۲۵۹ هجری قمری طوماری با این مضمون به خط ثلث، تنظیم می‌کنند. در این وقف‌نامه، در باب یک پنجم (خمس) قنات حسن‌آباد مهریجرد که در تصرف آنان و آباء اجدادشان بوده، از مطلعان می‌خواهند که شهادت خود در این باره را در حاشیه این طومار یادداشت کنند. این طلب شهادت، ٤ سال بعد از آن، یعنی در رجب سال ۱۲٦۳هجری قمری مجدداً بر همین طومار نوشته می‌شود و مطلعان دوباره به این امر شهادت می‌دهند. این طلب شهادت و ادای آن، پس از گذر ۱۸۳ سال قمری، امروزه به صورت طومار بلندِ شش صفحه‌ای بهم چسبیده، برجای مانده که بسیاری از نکات فرهنگی و اجتماعی مربوط به آن دوران را برای ما بازگو می‌کند. (تصویر ۱)

تصویر۱- نمایی از وقف‌نامه سهم سادات قنات حسن آباد مهریز

پیشینهٔ پژوهش

متاسفانه این اثر ارزشمند به علت شرایط نامناسب نگهداری، دچار آسیب‌های زیادی شده که با توجه به آسیب‌های موجود، اقداماتی در جهت حفظ و مرمت اثر صورت گرفته است. در همین راستا به منابعی رجوع شد: «مروری بر حفاظت و مرمت نسخ خطی و اسناد تاریخی» (ملکیان: ۱۳۷۹) پژوهشگر در این اثر، به نکات و روش-هایی که در هنگام مرمت یک نسخه خطی باید به آنها توجه کرد، اشاره کرده است. همچنین در مقالهٔ «شرحی بر مرمت سنتی آثار کاغذی در ایران» (روحی عزیزی و همکاران: ۱۳۹٤) پژوهشگران به روش‌های مرمت سنتی و نوین کاغذ و بررسی ویژگی‌ها و تفاوت‌های هر یک از روش‌ها با یکدیگر، پرداخته است. در کتاب «راهنمای حفاظت، نگهداری و مرمت کاغذ» (لیه‌ناردی و همکار: ۱۳۷۹)، پژوهشگران به نکات ارزشمندی از مراحل حفاظت و مرمت کاغذ توجه داشته‌اند.

روش تحقیق این پژوهش به صورت مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای بوده است.

-مراحل مرمت وقف‌نامهٔ کاغذی

-مستندنگاری

مستندنگاری، روشی است جهت مستند کردن و نشان دادن ترکیب بصری نقوش کاغذ، آسیب‌های موجود در کاغذ، قسمت‌های کمبود و بطور کلی، ظاهر اولیه اثر قبل از مرمت و بازسازی‌های انجام شده و ترکیب کلی آن پس از مرمت. معمولاً همزمان با انجام عملیات مستندنگاری، عملیات تهیه شناسنامه برای اثر نیز انجام می شود.

جدول ۱-معرفی و مستندنگاری نسخه‌های وقف‌نامه

ردیف	مشخصات شناسنامه‌ای	تصویر
۱	رنگ کاغذ: کرم رنگ اندازه کاغذ: ۲۱/۳×۲۶/۲ سانتیمتر تاریخ ذکر شده: ۱۲۵۹ نسخه: دست‌نویس ضخامت کاغذ: نازک تعداد مهرها: ١٤ عدد Ph : ٤ (اسیدی) نوع آسیب ها: پارگی، تاشدگی، لکه، خودکار، کمبود، ساپورت پارچه‌ای	 نمایی از نسخه۱- قبل از عملیات حفاظت و مرمت
۲	رنگ کاغذ: کاهی رنگ اندازه کاغذ: ۳۳/۵×٤۲ سانتیمتر تاریخ ذکر شده: ۱۲٦۳ نسخه: دست‌نویس ضخامت کاغذ: متوسط تعداد مهرها: ۳۰ عدد Ph : ٤ (اسیدی) نوع آسیب‌ها: پارگی، تاشدگی، لکه، خودکار، کمبود، ساپورت پارچه‌ای	 نمایی از نسخه ۲ قبل از عملیات حفاظت و مرمت

۳	رنگ کاغذ: کرم رنگ اندازه کاغذ: ۳۷×۳٤/۲ سانتیمتر نسخه: دست‌نویس ضخامت کاغذ: متوسط تعداد مهرها: ۲۲ عدد Ph : ٤(اسیدی) نوع آسیب‌ها: پارگی، تاشدگی، لکه، خودکار، کمبود، ساپورت پارچه‌ای	 نمایی از نسخه ۳ قبل از عملیات حفاظت و مرمت
٤	رنگ کاغذ: کاهی رنگ اندازه کاغذ: ۲۲/۵ × ۳۳/۵ سانتیمتر تاریخ ذکر شده: ۱۲٦۳ نسخه: دست‌نویس ضخامت کاغذ: متوسط تعداد مهرها: ۳۰ Ph : ٤(اسیدی) نوع آسیب‌ها: پارگی، تاشدگی، لکه، خودکار، کمبود، ساپورت پارچه‌ای	 نمایی از نسخه ۴ قبل از عملیات حفاظت و مرمت

۵	رنگ کاغذ: کرم رنگ اندازه کاغذ: ۲٤ × ٤۰ سانتیمتر نسخه: دست‌نویس ضخامت کاغذ: متوسط Ph : ٤(اسیدی) نوع آسیب‌ها: پارگی، تاشدگی، لکه، خودکار، کمبود، ساپورت پارچه‌ای،- آسیب‌های بیولوژیکی	 نمایی از نسخه ۵ قبل از عملیات
٦	رنگ کاغذ: کرم رنگ اندازه‌کاغذ: ۲/٤٥ ×۳۷۰ سانتیمتر نسخه: دست‌نویس ضخامت کاغذ: متوسط Ph : ٤(اسیدی) نوع آسیب‌ها: پارگی، تاشدگی، لکه، خودکار، کمبود، ساپورت پارچه‌ای، آسیب‌های بیولوژیکی	 نمایی از نسخه ۶ قبل از عملیات حفاظت

-تست‌های مقدماتی قبل از عملیات مرمت

قبل از شروع هر گونه عملیات مرمتی، باید مطالعات آزمایشگاهی بر روی کاغذ انجام شود. این تست ها جهت انتخاب بهترین روش مرمتی برای کاغذ مورد نظر صورت می‌گیرد. ابتدا تست PH جهت مشخص‌شدن میزان

اسیدیته کاغذ، انجام می‌شود. اگر این میزان کمتر از ٦ باشد، نسخه باید اسیدزدایی انجام شود. سپس تست مقاومت مرکب در برابر آب انجام می‌شود. این تست به ما نشان می‌دهد که تا چه حد مجاز به استفاده از روش های آبی در خلال عملیات مرمت هستیم. (تصویر۲) با توجه به اینکه شرایط نگهداری برای هر ٦ نسخه یکسان بوده بنابراین این تست برای هر ٦ نسخه انجام شد و میزان اسیدیته همه آن ها عدد ٤ بود.

تصویر۲-بررسی اسیدی بودن کاغذ که ph آن عدد ۴ را نشان داد که اسیدی است.

-آسیب شناسی وقف‌نامهٔ مورد مطالعه

-نور

بیشترین تخریب نور بر روی آثار کاغذی در طول موج‌های میان ۳۳۰ تا ٤٤٠ نانومتر (امواج ماوراء بنفش) است. البته طول موج‌های بالاتر و نیز امواج مادون قرمز هم تاثیر مخرب بر کاغذ دارند، ولی شدت آن کمتر از امواج ماوراء بنفش است. نور به‌طور مستقیم روی سلولز، تاثیر ندارد، بلکه ابتدا روی دیگر مواد تشکیل دهنده کاغذ، نظیر لیگنین، چسب ها و رنگ‌ها عمل می‌کند. در بررسی و آسیب‌شناسی تأثیر نور بر آثار کاغذی باید توجه داشت که شدت تابش نور، مدت زمان قرار گرفتن اثر در معرض نور و ویژگی‌های طیف نور در میزان صدمات وارده مؤثر است. هر یک از امواج ماوراء بنفش، امواج مرئی و امواج مادون قرمز، تأثیر مخرب خاصی بر کاغذ دارند. نور مرئی، کاغذ را سفید می‌کند. امواج ماراء بنفش، باعث زردشدن کاغذهایی که با خمیر مکانیکی چوب ساخته شده‌اند، می‌شوند. بیشترین تاثیر امواج مادون قرمز، تاثیر حرارتی آن است. این امواج باعث می‌شود تا آب درون بافت در ساختار مواد و کاغذ تبخیرشده و در نتیجه کاغذ، خشک و شکننده شود. همچنین نور می‌تواند باعث رنگ‌پریدگی کاغذ و نیز از بین رفتن مرکب‌های خطوط و رنگ‌های استفاده شده روی کاغذ بشود.(تصویر۳)

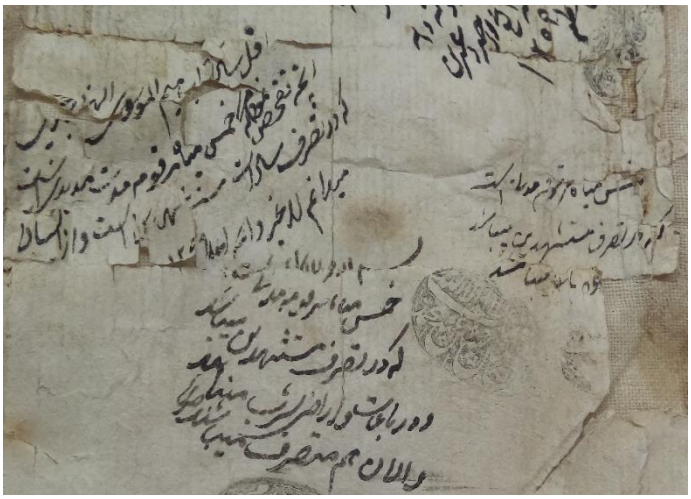

تصویر۳-کمرنگ شدن مرکب بخش‌هایی از نسخه۱ یک به علت آسیب نور

-رطوبت

کاغذ، ماده‌ای جاذب الرطوبه است. کاغذ با جذب رطوبت متورم شده، شکل خود را از دست داده و نرم می‌شود. متورم شدن الیاف، باعث می‌شود که رشته‌های درهم تنیده سلولز، کمی از هم فاصله بگیرند. در نتیجه، استقامت مکانیکی کاغذ کاهش می یابد و خیلی سریع از هم گسسته می‌شود. به همین ترتیب، کاغذ با از دست دادن رطوبت و آب درون ساختار خود، خشک و شکننده شده و استقامتش کم می‌شود. (تصویر٤)

تصویر ۴–خشک و شکننده شدن کاغذ به علت از دست دادن رطوبت

-آسیب‌های بیولوژیک

رطوبت یکی از عوامل مؤثر در رشد میکروارگانیسم‌ها است. باکتری‌ها، قارچ‌ها و حشرات برای داشتن بهترین شرایط رشد و نمو به رطوبت نیاز دارند. در این نسخه مورد مرمت، به نظر می‌رسد که حشره سیلور فیش به آن آسیب زده است. سیلور فیش، در مکان‌های مرطوب یافت می‌شود. سیلور فیش، از کپک‌های میکروسکوپی موجود در سطح، طیف گسترده‌ای از مواد، به ویژه، چسب و مرکب روی کاغذ، تغذیه می‌کند. (تصویر٥)

تصویر۵-نمایی از سیلور فیش یا ماهی نقره ای

ماهی نقره‌ای به خورندهٔ سطح کاغذ، شهرت دارد. سیلور فیش، دالان، حفر نمی‌کند و به «سطح کاغذ و مقوا خسارت می‌زند و از طیف گسترده‌ای از مواد به ویژه چسب و مرکب روی کاغذ تغذیه می‌کند.» (پینایجر، ۱۳۸۵: ۲۲-۲۱) (تصویر ٦)

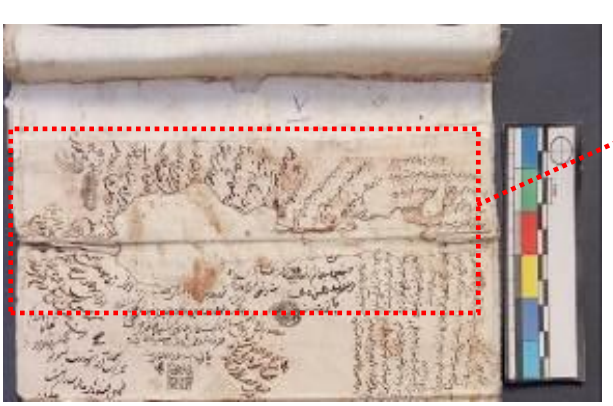

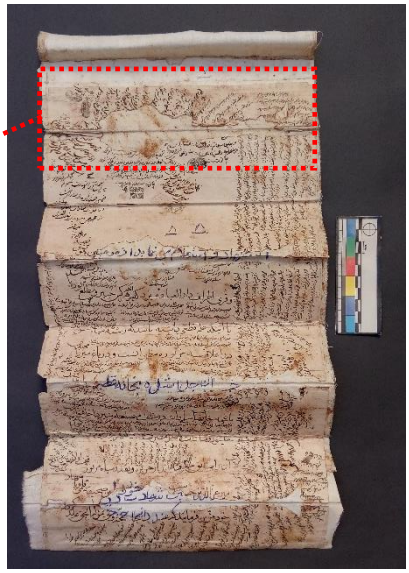

تصویر۶-نمایی نزدیک از آسیب قارچ و حشره سیلور

اگر مکانی با رطوبت نسبی بالا، درجه حرارت بالا، نور کم و موادغذایی فراوان فراهم شود، قارچ ها به سرعت قادر به رشد و نمو و تکثیر بوده و آسیب جدی می‌رسانند. «مناسب‌ترین، شرایط ممکن برای رشد قارچ ها عبارت از دمای ۲۴-۳۰ درجه سانتیگراد، رطوبت نسبی ۶۵-۸۰ درصد و PH کمی اسیدی حدود ۴/۸-۶/۵.»(ناردی، وان دم، ۱۳۷۹: ۱۰۰)

-آسیب های انسانی

بزرگترین آسیب انسانی، مرمت‌های غیراصولی است که به جای بهبود بخشیدن به وضعیت اثر، تخریب‌های برگشت ناپذیر بسیاری را برای آن به وجود می‌آورد. متأسفانه نسخه های وقف‌نامه بر روی پارچه با چسب سریش الحاق شده بود. (تصویر۷)

تصویر۷- تصویر ضد نور از ساپورت پارچه‌ای که با چسب سریش به نسخه‌ها الحاق شده بود.

-مراحل حفاظت و مرمت

بعد از عملیات مستندنگاری اقدام به جداکردن الحاقات، یعنی ساپورت پارچه‌ای[۴] (تصویر۸) و برداشتن چسب‌های نواری شد. (تصویر۹)

تصویر۸-اسپری کردن آب و الکل به پشت کار و جداکردن کاغذها از پارچه

تصویر۹- جداکردن نوار

[۴] - برای جدا کردن ساپورت پارچه‌ای از پشت اثر، آب و الکل ۱به ۱ اسپری و بعد از چند دقیقه ساپورت به آرامی از اثر جدا شد. باقیمانده چسب‌های سریش هم از پشت کاغذ، با نم زدن و با استفاده از تیغ بیستوری به آرامی از پشت کاغذ برداشته شد.

با مشاهده نسخه‌ها، لکه‌هایی مانند لکه‌های چرکی و نوشته‌هایی با خودکار دیده شد که با استفاده از محلول‌هایی مانند متانول یا آب و الکل و آب اکسیژنه بسیار رقیق(۲%) لکه‌ها کمرنگ‌تر شد. ذکر این نکته ضروری است که عملیات لکه‌بری تا جایی ادامه یافت که به بافت کاغذها آسیبی نرسد. (تصویر ۱۰ و ۱۱)

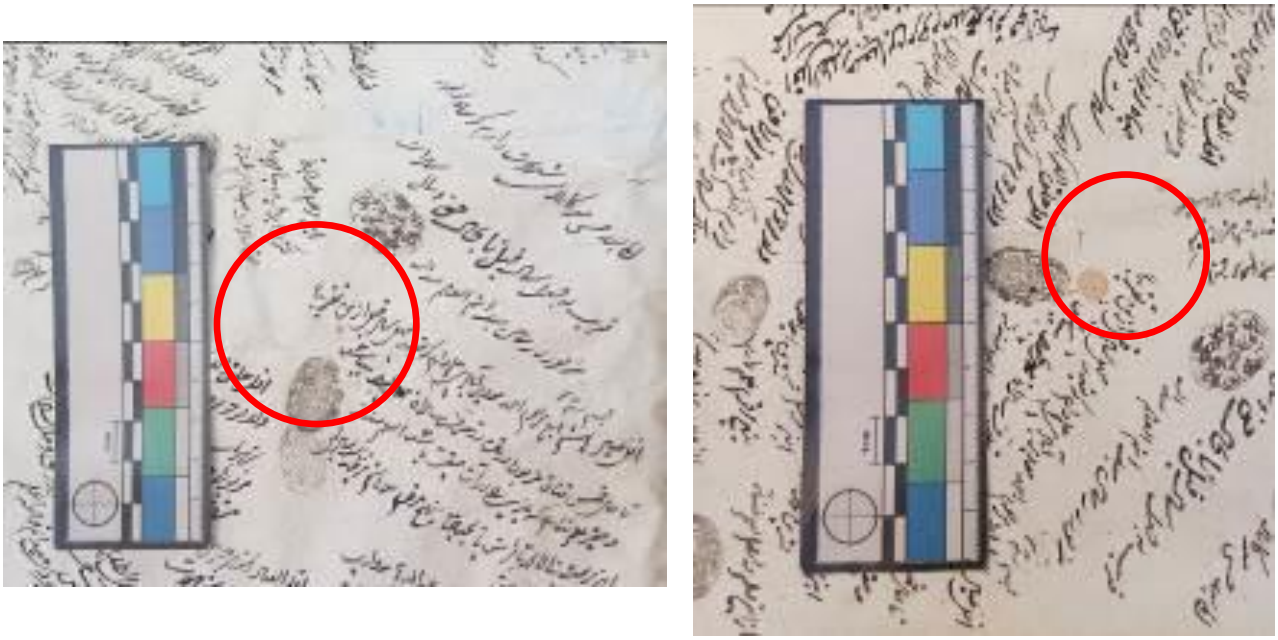

تصویر ۱۰-لکه‌بری از لکه های قهوه ای

تصویر ۱۱- لکه‌بری از لکه جوهر

با توجه به ph نسخه‌ها که ٤ و اسیدی است و مرکب نسخه‌ها به آب حساس نبود برای اسیدزدایی، ۲/۵ گرم کربنات کلسیم در ۱۰۰۰ سی سی آب مقطر حل و قطعات کاغذ با استفاده از چارچوب چوبی در محلول اسیدزدا به مدت ۵ دقیقه غوطه‌ور شد. (تصویر۱۲) بعد از آن قطعات کاغذ در هوای آزاد و بر روی کاغذ خشک‌کن، خشک شد (تصویر۱۳) و با قراردادن کاغذ سیلیکونی بر روی آن و حرارت ملایم اتو، صاف شدند.(تصویر۱٤)

تصویر۱۲-غوطه‌ور کردن قطعات کاغذ در محلول اسیدزدا

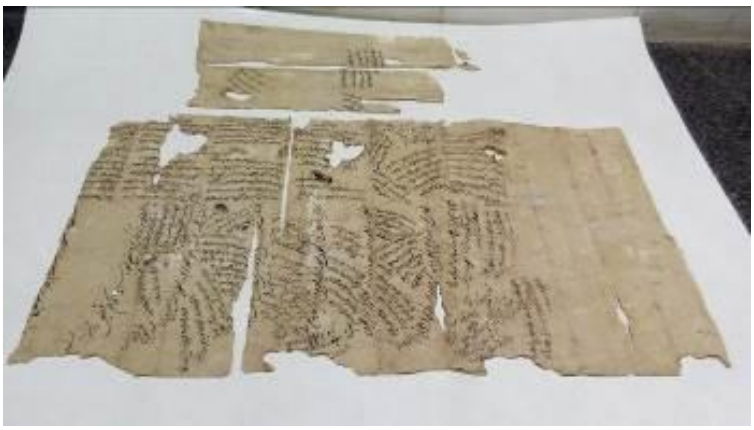

تصویر۱۳-خشک‌شدن نسخه در هوای آزاد

تصویر۱۴-صاف‌کردن نسخه‌ها

به علت جداکردن نسخه‌ها از ساپورت پارچه‌ای، پارگی بعضی از نقاط نسخه از ابتدا و با توجه به تصاویری که از نسخه تهیه شده بود، به وسیله چسب های ضد حساسیت که از قبل میزان چسبندگی آن تا حدی کمتر شده بود، عملیات وصالی موقت انجام شد و نقاط از هم جدا شدهٔ نسخه‌ها به یکدیگر متصل شد.(تصویر۱۵)

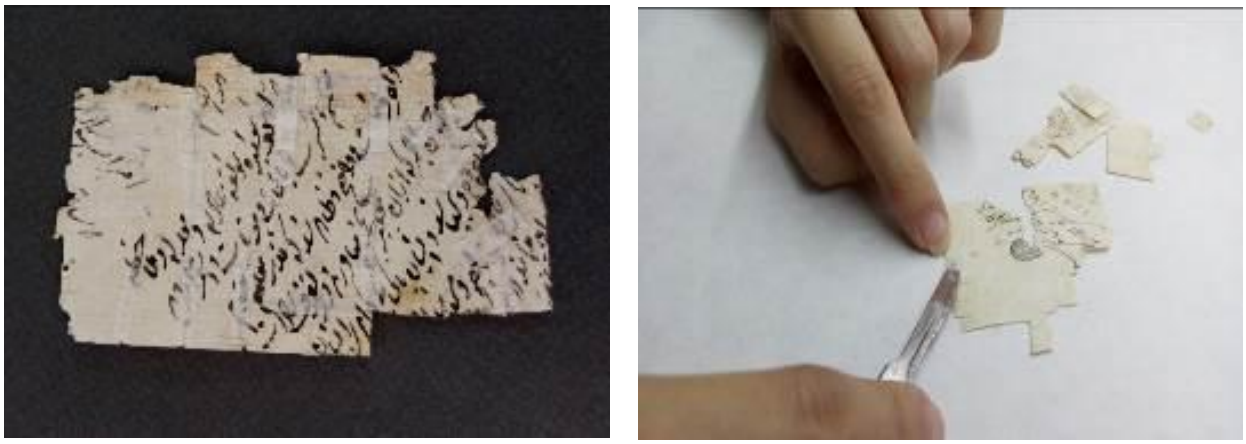

۱۵-وصالی موقت نسخه‌ها

در نهایت برای ساپورت‌کردن نسخه از تیشوی ۱۲ گرم که در چای با توجه به رنگ اصلی نسخه، رنگ شده بود و با استفاده از چسب CMC عملیات ساپورت نسخه انجام و چسب‌های ضد حسایت به آرامی از نسخه جدا شد.(تصویر۱٦)

تصویر۱۶- ساپورت‌کردن نسخه ها

-تصاویر نسخه‌ها بعد از عملیات حفاظت و مرمت

تصویر۱۷-نسخه ۱ بعد از عملیات مرمت

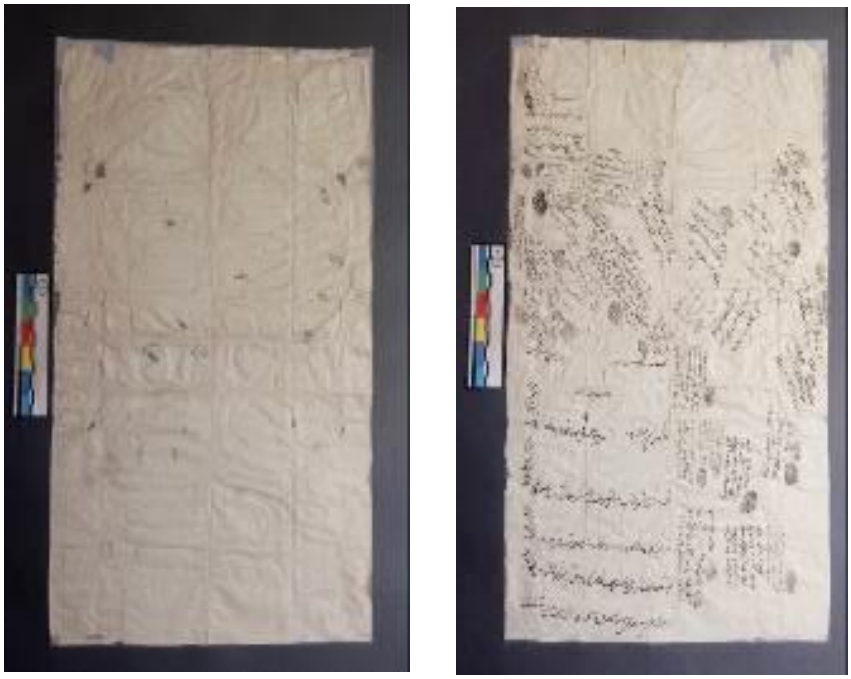

تصویر۱۸-نسخه۲ بعد از عملیات مرمت

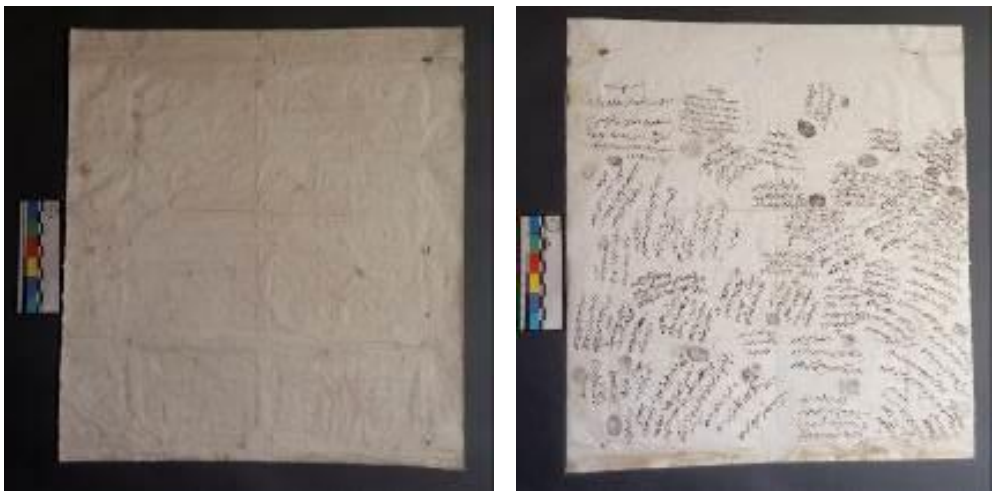

تصویر۱۹-نسخه ۳بعد از عملیات مرمت

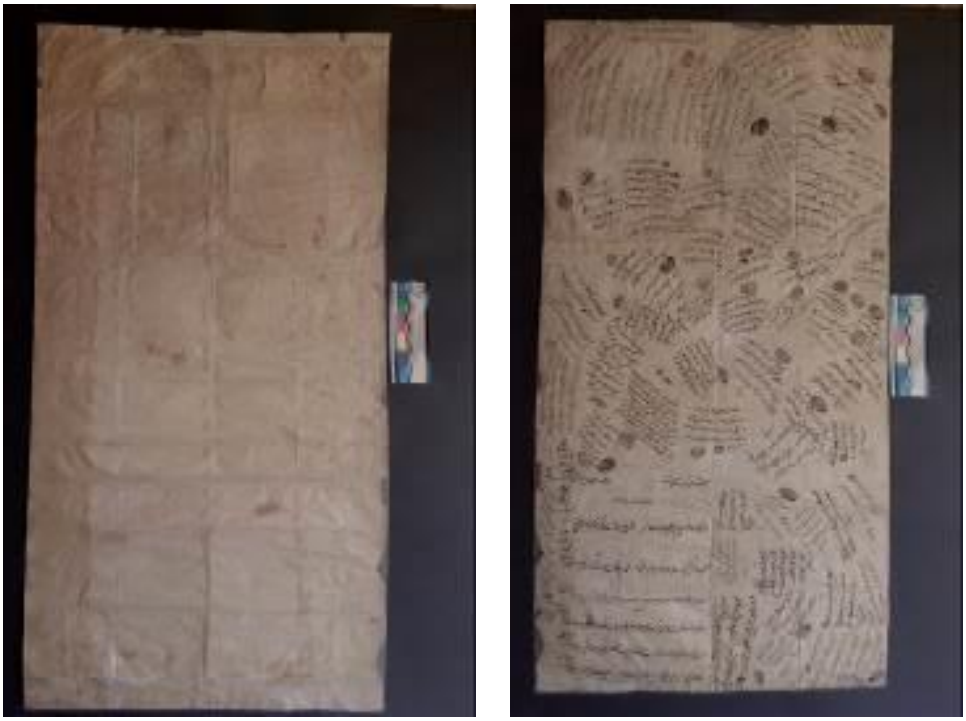

تصویر۲۰- نسخه۴ بعد از عملیات مرمت

تصویر ۲۱- نسخه۵ بعد از عملیات مرمت

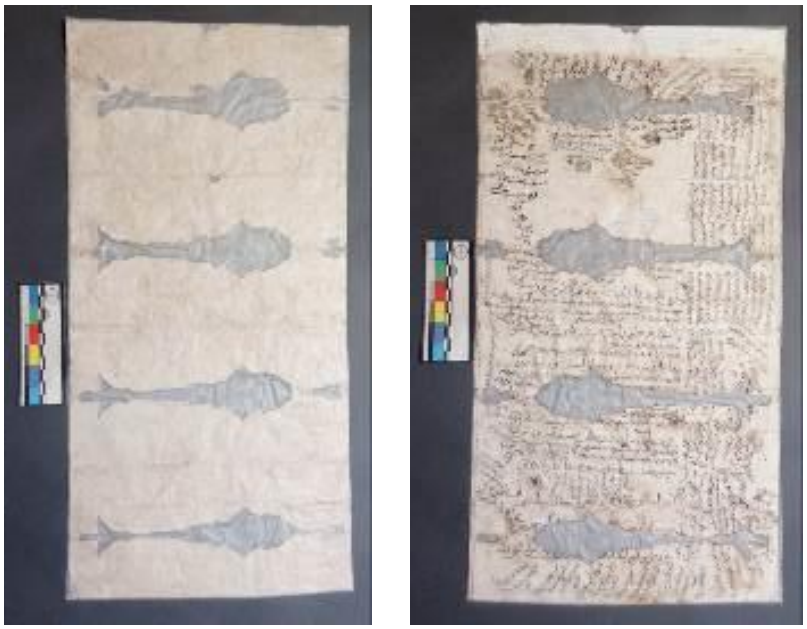

تصویر ۲۲-نسخه۶ بعد از مرمت

-نتیجه‌گیری

روش‌ها و نیز مواد موردِ استفاده در طی فرآیند مرمت، نقش تعیین‌کننده‌ای در سلامت و آسیب پذیری اثر دارند. این وظیفه مرمتگر است که بهترین و کم‌خطرترین روش را برای مرمت اثر انتخاب کند. آثار کاغذی، به خاطر ساختارشان که از مواد آلی(سلولزی) تشکیل شده‌اند، نسبت به شرایط محیطی بسیار حساس هستند. بنابراین، برای نگهداری از این آثار ارزشمند باید شرایط ویژه‌ای بر محیط نگهداری‌شان حاکم باشد. پس، برای نگهداری این آثار و جلوگیری از زوال و نابودی آنها باید استانداردهای مناسب، رعایت شود.

- **کنترل دما و رطوبت:** با توجه به قدمت اثر و جنس آن، بهترین شرایط برای نگاهداشت، دمای ۱۵ تا ۲۰ درجه سانتیگراد و رطوبت نسبی ٤٥ تا ٥٠ درجه می‌باشد. با توجه به حساسیت اثر به رطوبت ، باید از نوسانات شدید رطوبتی پیشگیری شود.

- **کنترل نور:** به دلیل وجود ناخالصی‌های کاغذ، قرارگیری طولانی مدت اثر در برابر تابش مستقیم نور، موجب تغییر رنگ آن می‌گردد. بنابراین باید از اثر در برابر تابش مستقیم نور طبیعی، محافظت شود. بهترین میزان اشعه نور مرئی بین ٥٠ تا ١٠٠ لوکس است. در برابر تابش نور مصنوعی نیز باید از لامپ‌های با نور زرد و نیز از فیلترهای جاذب اشعه uv استفاده شود تا صدمات ناشی از نور به حداقل برسد.

- **حفظ در برابر عوامل مخرب بیولوژیکی:** با کنترل رطوبت، دما و پیشگیری از آلودگی محیط و هوا تا حد زیادی می‌توان اثر را در برابر آسیب‌های بیولوژیکی حفظ کرد. باید توجه داشت که میکروارگانیسم‌ها در تاریکی کامل و فقدان نور، شرایط مناسب‌تری جهت رشد دارند، اما نور زیاد نیز واکنش‌های تخریبی درونی را در پی خواهد داشت. با گردگیری و تمیز نگه‌داشتن محل نگهداری اسناد می‌توان از ورود و رشد عوامل بیولوژیکی پیشگیری کرد. ضدعفونی کردن محیط و قفسه‌ها، با مواد مناسب به منظور از بین بردن قارچ‌ها، تخم حشرات و عوامل مخربی از این دست که از آنها غفلت شده، بسیار مهم است. برای ارائه نسخه‌های مورد بررسی، قاب‌کردن آن گزینهٔ بهتری است. باید برای این منظور از مقوا با اسیدیته خنثی استفاده شود و شیشه قاب تا نسخه باید در حدود ٤ تا ٥ میلیمتر از نسخه فاصله داشته باشد و به نسخه نچسبد.

منابع و مآخذ

-پینایجر، دیوید (۱۳۸۵). آفت‌های حشره‌ای در موزه‌ها. ترجمه: حمید فرهمند بروجنی. اصفهان: گلدسته.

-روحی عزیزی، مژده و عبدالرسول وطن‌دوست و حمید ملکیان (۱۳۹٤). «شرحی بر مرمت سنتی آثار کاغذی در ایران». فصلنامه گنجینه اسناد. شماره ۹۹: ۱۱٤-۱۲۷.

-ملکیان، حمید (۱۳۷۹). «مروری بر حفاظت و مرمت نسخ خطی و اسناد تاریخی». دو فصلنامه پیام بهارستان: ٤٦-۵۳.

-لیه ناردی، آن و فیلیپ وان دم، (۱۳۷۹). راهنمای حفاظت، نگهداری و مرمت کاغذ. ترجمه: ابوالحسن سروقدمقدم. مشهد: موسسه چاپ آستان قدس رضوی. چاپ دوم.

مجموعه مقالات علمی نخستین همایش ملّی تحقیق و تصحیح نسخه های خطی ایران
انجمن علمی تحقیق و تصحیح نسخه های خطی ایران کد اختصاصی ISC: ۰۱۲۲۰-۷۶۳۳۳
اخبار و گزارشها | مقالات علمی | مطالعات علمی

معرفی و بررسی دو رساله از شاه‌داعی شیرازی و تصحیح نسخهٔ خطی آن (رساله شجره و رساله فی معرفةالنفس)

محمدجواد ناسک جهرمی[۱] علی اشرف امامی[۲]

چکیده

از رسالات با ارزش و کمتر شناخته شده از شاه‌داعی شیرازی (۸۱۰-۸۷۰ه.ق) شاعر و عارف قرن نهم هجری قمری، که بیانگر توجه او به نمادهای قرآنی و عرفانی است، رسالهٔ شجره یا شجریه و رساله دیگری از او به نام فی معرفه‌النفس است. این دو رساله در مجموعه آثار شاه‌داعی در کتابخانه گنج بخش پاکستان به شماره ۸۴۹ در صفحات ٦٤٨ و ٦٤٩ کتابت شده و نگهداری می‌شود. شاه‌داعی در رساله الشجره که به سفارش مریدی از ابرکوه یزد نوشته است، به «نُه شاخه درخت طوبی» و «هفت شاخه درخت زقوم» اشاره کرده و این نُه شاخه و هفت شاخه از درختان طوبی و زقوم را از دید اهل اشارت توضیح می‌دهد. از دیگر موضوعات این رساله مسئله نفس در عرفان و انوان آن است. موضوعی که در رساله فی معرفه النفس کامل‌تر می‌شود. رساله الشجره یا الشجریه، یک‌بار توسط استاد محمد دبیرسیاقی براساس نسخه خطی بریتانیا به شماره B.P٥٢٦٨ در سال ۱۳٤۰ شمسی در مجموعه شانزده رساله از شاه‌داعی شیرازی تصحیح و به چاپ رسیده، اما برخی عباراتی که در نسخه خطی کتابخانه گنج-بخش پاکستان وجود دارد؛ در نسخهٔ چاپی یاد شده، نیامده است. رساله فی معرفه‌النفس هم، تاکنون تصحیح و چاپ نشده است. این مقاله در یک بخش به نکات مهم تاریخی رساله الشجره از جمله سفرهای شاه‌داعی و نیز جایگاه درخت در آثار وی و برخی از عارفان اشاره می‌کند و در بخش دیگری به تصحیح و بازنویسی نسخه خطی رساله شجره و فی معرفه‌النفس پرداخته است.

کلیدواژه: شاه‌داعی شیرازی، رساله شجره، رساله فی معرفه النفس، درخت طوبی، درخت زقوم.

۱. دانشجوی دکتری ادیان و عرفان دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد - nasek١٣٦٤@gmail.com (نویسندهٔ مسئول)
۲. دانشیار گروه ادیان و عرفان دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد - imami@um.ac.ir

۱.مقدمه

رمز درخت در بیان وحدت و الوهیت نزد مسلمانان مأخذ قرآنی دارد و مربوط به قصهٔ طور و موسی و همچنین به شجرهٔ مبارکهٔ زیتونه که در قرآن وصف آن "لاشرقیاً و لاغربیاً" است. بطور کلی در اعتقادات اقوام شرق نزدیک، درخت اهمیت خاصی دارد و رمز حیات، بهشت و آسمان را عرضه می‌کند. سابقهٔ آن حتی به قصه‌های قدیم بین‌النهرین هم می‌رسد. (زرین‌کوب، ۱۳۸۵: ٤٥).

بررسی تاریخی عناوین و موضوع رسالات عرفانی در شناخت عارفان و صاحبان اثر بسیار مهم و محل تأمل و بررسی است. «درخت»، از جمله موضوعاتی است که در تاریخ عرفان و تصوف جایگاه خاصی دارد؛ اما کمتر به آن توجه شده و یا در یکی دو اثر از ابن عربی و ابوالحسین نوری خلاصه می‌شود.

در تصوف، نخستین بارقهٔ کاربرد نمادین درخت را در رسالهٔ عرفانی و رمزی مقامات‌القلوب می‌بینیم. ابوالحسن احمد بن محمد نغوی هروی نوری (وفات ۲۹۵ق) در این رساله با رمز گشایی اسرار آفرینش در قلب انسان و توصیف انوار قلب عارف با درخت پاکیزه معرفت و هفت شاخهٔ آن - که میوه‌اش علم و حکمت است - به ابعاد معنوی قلب انسان و جایگاه خاص آن می‌پردازد. از سوی دیگر، سخن از درختی شریر و خبیث در قلب انسان است که از هوا و هوس ریشه می‌گیرد و او را با دور نگه داشتن از اصل علوی خویش، به قعر می‌کشاند. (زرین‌کوب، ۱۳۸۵: ۹۲). زرین‌کوب انتساب مقامات القلوب به ابوالحسین نوری را مورد تردید قرار می‌دهد اما معتقد است که این کتاب از جهت اشتمال بر بعضی تعالیم نوری در هر حال جالب است. (زرین کوب،۱۳۸۵: ۱۲٦).

«نوری در پردهٔ چهاردهم کتاب مقامات القلوب می‌نویسد : شجره‌المعرفه فی قلب العارف» نخست در دل عارف باران کرامت می‌بارد و درخت معرفت بار می‌آرد با پنج شاخه که یکی به عرش می‌رسد، دومی به مشرق سومی به مغرب چهارمی به افق راست و پنجمی به افق چپ. آن شاخه که به عرش می‌رسد، آبش از سعادت است و میوه اش مناجات و آنکه به مشرق می‌رسد آبش از کرامت است و ثمره‌اش خدمت و آنکه به مغرب می‌رسد، آبش از رحمت است و ثمره‌اش علم و عبرت که خود اندیشه و طاعت را در زیر دارد و آنکه به افق راست می‌رسد، آبش از محبت است و ثمره اش ذکر و آنکه چپ می‌رسد آبش از توبه و ثمره اش رؤیت و این همه از جانب خدا.»(نوری، ۱۳٦۸: ۱۱۱).

در بخش دیگری و در بحث مثال درخت معرفت در دل مؤمن می‌نویسد:

«معرفت در دل مؤمن مثل درختی است که هفت شاخه دارد که یکی به سوی چشم او، دومی به سوی زبان او، سومی به سوی قلب او، چهارمی به سوی نفس او، پنجمی به سوی آفریدگان پروردگار، ششمی به سوی آخرت و هفتمی به سوی پروردگار است. و هر شاخه دو میوه دارد: آن شاخه که به سوی دو چشم است، میوه اش عبرت است و گریه(از شوق یا بیم خدا). و آن شاخه که به سوی زبان است، میوه‌اش علم است و حکمت و آن شاخه که به سوی قلب است، میوه اش شوق است و توبه. و آن شاخه که به سوی نفس است، میوه اش زهد است و عبادت و آن شاخه که به سوی آفریدگان پروردگار است ثمره اش امانت است و وفا و آن شاخه که به سوی آخرت است، میوه‌اش بهشت است و نعمات آن و آن شاخه که به سوی مولی است میوه‌اش نزدیکی است و دیدار.» (نوری،۱۳٦۸: ۱۱۰).

«مثال درخت هوی و هوس: هوی در قلب آدمیزاد مثل درختی است که هفت شاخه دارد. آن یکی به سوی چشم دومی به سوی زبان سومی به سوی قلب چهارمی به سوی نفس پنجمی به سوی خلق ششمی به سوی دنیا هفتمی به سوی آخرت اما آن شاخه که به سوی چشم است، میوه‌اش آز و شهوت است و آن شاخه که به سوی زبان است، میوه‌اش گزانه و غیبت است و آن شاخه که به سوی نفس است که به سوی دنیاست، میوه‌اش آرایش و ظاهرسازی(ریا) است و آن شاخه که به سوی آخرت است میوه‌اش پشیمانی و حسرت.» (نوری، ۱۳٦۸: ۱۱۵).

بابا افضل‌الدین کاشانی از عارفان و شاعران قرن هفنم هجری قمری، یکی دیگر از چهره‌های عرفان اسلامی و تصوف است که در مصنفات خود به تمثیل و نماد درخت توجه نشان داده و یکجا می‌نویسد:

«عالم، درختی است که بار و ثمره‌ی او مردم است و مردم درختی است که بار و ثمره‌ی وی خرد است و خرد، درختی است که ثمره‌ی آن لقای خدای تعالی است.».(کاشانی، ۱۳٦۰: ٦٦۲).

در قرن نهم هجری قمری هم، این شاه‌داعی شیرازی است که در رسالهٔ الشجره خود به تمثیل درخت پرداخته است.

شاه‌داعی شیرازی که نام کاملش سید نظام الدین محمود و به شاه‌داعی الی الله نیز خوانده می‌شود، از سادات جلیل القدر حسنی و از عارفان و شاعران قرن نهم هجری قمری در فارس است. وی در حدود ۸۱۰ به دنیا آمد و در جمادی‌الاولی سال ۸۷۰ وفات یافت. (زرین کوب، ۱۳۸۵: الف ۳۳۱).

مهم‌ترین آثار شاه‌داعی شیرازی را می‌توان به سته داعی یعنی مثنوی‌های شش‌گانه که عبارتند از مشاهد، گنج

روان، چهل صباح، چهارچمن، چشمهٔ زندگانی و عشق‌نامه. در حوزه نثر نیز داعی شیرازی آثاری همچون: رساله نسایم گلشن (شرح گلشن راز شیخ شبستری)، تحفه المشتاق، کشف‌المراتب و جواهرالکنوز (شرح رباعیات سعدالدین حموی) دارد.

زرین‌کوب، دربارهٔ سبک نظم و نثر شاه‌داعی اعتقاد دارد که در شاعری به طریقهٔ خسرو نظامی می‌رفته است. اما اینکه خود را نظامی یا نظامی ثانی می‌خواند، ظاهراً غیر از علاقه‌اش به تتبع شاعر گنجه تا حدی به خاطر انتساب به لقب خویش بوده است: نظام‌الدین. (زرین‌کوب، ۱۳۸۵: ۳۳۲).

در اهمیت آثار و اندیشه شاه‌داعی شیرازی و تأثیر از ابن عربی، باید گفت که وی اولین عارفی است که آرای ابن عربی را برای مردم شیراز و فارس تشریح کرده است. دراین زمینه می‌نویسند:

قبل از شاه‌داعی میرسیدشریف جرجانی نیز هنگامی که در شیراز به سر می‌برد با برخی از اصطلاحات ابن عربی، احتمالاً از طریق کتاب اصطلاحات عبدالرزاق کاشانی، آشنا شده بود، ولی با آراء ابن عربی کاری نداشت. بنابراین اولین صوفیی که به عقاید صوفیانه و عرفانی ابن عربی، به خصوص فصوص‌الحکم، روی آورده و دست به نوشتن آثاری در زمینه‌ی تصوف ابن‌عربی زده است شاه‌داعی است.(پورجوادی،۱۳۹۷: ۳۵۵).

یکی از رسالات و آثار منثور شاه‌داعی که کمتر شناخته شده است و البته دارای اهمیت بسیاری در تطبیق اندیشه‌های او با ابن عربی و صوفیان نخستین دارد، رساله شجره و رساله فی معرفه النفس است. رساله‌ای که بررسی ساختار و توجه به معارف آن موضوع مقاله حاضر است.

از مهم‌ترین نکات رساله شجره شاه‌داعی که البته از عنوان رساله هم پیداست، توجه به درخت و اهمیت آن در عرفان و تصوف اوست.

شاه‌داعی شیرازی هم، به واسطهٔ شاگردی شاه نعمت الله ولی از آثار محیی‌الدین بی‌تأثیر نبوده است و حتی می‌توان گفت: اینکه شاه‌داعی یکی از رسالات ابن عربی را ترجمه کرده است، برخاسته از شاگردی در مکتب شاه نعمت الله ولی است. بنابراین از مهم‌ترین شخصیت‌هایی که سهم بسزایی در اندیشه شاه‌داعی به ویژه مسئله توحید، وحدت وجود و ولایت در عرفان وی دارد؛ شاه نعمت الله ولی و شیخ اکبر ابن عربی است.

منزلت محیی‌الدین ابن عربی(م ٦٥٦ه.ق) به ویژه با تألیفات فصوص‌الحکم و فتوحات مکیه و شاه نعمت الله

ولی کرمانی(م ۸۳٤ه.ق) بنیان‌گذار سلسله نعمت اللهیه در تاریخ عرفان اسلامی و تصوف بر محققان پیدا و شناخته شده است.

شاه نعمت الله ولی، در قرن نهم هجری، از آثار و اندیشه ابن عربی بسیار متأثر بوده و حتی یکی از رسالات او در شرح فصوص الحکم ابن عربی است. (شاه نعمت الله ولی، ۱۳٥٦: ٤). این شعر نیز از شاه نعمت الله ولی است:

کلمات فصوص در دل ما چون نگین در مقام خود بنشست

ازرسول خدا رسید به او باز از روح او به ما پیوست (شاه نعمت الله ولی، ۱۳٥٦: ٤).

پورجوادی اعتقاد دارد که نظام‌الدین محمود بن حسن‌الحسنی ملقب به داعی‌الی‌الله و معروف به شاه‌داعی (ف. ۸۷۰) را باید نخستین صوفیی دانست که آراء ابن عربی را به شیرازیان معرفی کرده است. (پورجوادی، ۱۳۹۲: ۱٦٥).

وی معتقد است که معرفی تصوف ابن عربی به شیرازیان کاری بود که در قرن نهم، ابتدا توسط شاه‌داعی شیرازی انجام انجام گرفت.(پورجوادی، ۱۳۹۲: ۱٦٥). این درحالی است که یکی از آثار شاه‌داعی شیرازی که تاکنون چندبار به چاپ رسیده است، ترجمه رساله حقیقه‌الحقایق ابن عربی است. (ابن عربی: ۱۳۸٥).

به نظر می‌رسد شاه‌داعی شیرازی با تأثیرپذیری از ابن عربی به ویژه آثاری همچون فتوحات و فصوص‌الحکم، از کتاب دیگر ابن عربی به نام «شجره الکَون» او آگاه بوده و رساله شجره خود را متأثر از آن تألیف کرده است. تفصیل این مسئله در ادامه می‌آید.

۲.نکاتی از *رساله شجره*

از بررسی رساله کم حجم «شجره» شاه‌داعی نکات مهمی حاصل می‌شود. یکی اینکه شاه‌داعی سفری به سمت یزد و ابرکوه داشته و از این مسیر قصد سفر به کرمان و ماهان و دیدار با شاه نعمت الله ولی دارد. همچنین، پیداست که سالکی یا یکی از صوفیان از شاه‌داعی شناختی داشته و شاه‌داعی به سفارش او به تألیف رساله شجره که نوعی نامه عرفانی است؛ دست برده است. نکته سوم، توجه شاه‌داعی به سوره الصافاتِ قرآن کریم است که در تشریح معانی قرآنی و تفسیر عرفانی محل تأمل است. اما مهم‌ترین نکات، به ریشه‌ی ارتباط شاه‌داعی به موضوع درخت برمی‌گردد و اینکه مفاهیم و معارفی که در رساله شجره به‌کار برده، تا چه حد سابقه تاریخی دارد و تا چه

اندازه از عارفان و صوفیان پیش از خودش تأثیر گرفته است؟. این مقاله درصدد بررسی و ارائه گزارشی از این سؤالات تهیه شده و فرضیه بر آن است که وجود رسالات ابن عربی و اشعار نظامی گنجوی در خلق رساله شجره شاه‌داعی بی‌تأثیر نیست. همچنین، به نظر می‌رسد وضعیت جغرافیایی شهرابرکوه و واقع شدن آنجا در مناطق کویری، بر عنوان رساله بی‌اثر نبوده است. علاوه بر این موارد، رساله شجره دارای تازگی‌هایی است که در ادامه می‌آید.

۲-۱.سفرها و دیدارهای شاه‌داعی

یکی دیگر از نکات رساله شجره شاه‌داعی سفر او به ابرکوه[ابرقوه] یزد است. با توجه به تذکره‌ها و آثار خود شاه‌داعی، پیداست که وی، علاوه بر زندگی در شیراز در طول حیات خود مسافرت‌های دیگری و البته بیشتر برای کسب تعالیم دینی و عرفانی درکارنامه خود دارد.

مهم‌ترین این سفرها، سفر به مکه برای ادای حج بوده و نیز سفرهایی به کرمان برای دیدن شاه نعمت الله ولی است. اما یک سفر دیگری هم به کارزون داشته است.

۲-۱-۱.سفر به مکه و مدینه

شاه‌داعی در انتهای رسالهٔ اصطلاحاتش ضمن اشاره به سال تصحیح رساله، به سفر خود به مکه و مدینه اشاره کرده و می‌نویسد:

«در سنهٔ اربع و اربعین نوشته بودم در قلهات که به حج می‌رفتم واین سال سنه ثمان و سنین و ثمان مائه است که تصحیح یافت و الله المرشد الهادی». (شیرازی، شاه‌داعی، رسالهٔ اصطلاحات، نسخهٔ خطی مجلس، ش ٦٣١، ١٠٣).

۲-۲-۲.سفر به کازرون

یکی از سفرهای شاه داعی، به شهر کازرون فارس انجام شده است. این سفر با توجه به شعری از او مشخص می‌شود. وی می‌سراید:

«ز کازرون به زیارت شدیم فصل بهار صحابه را و همه راه بود گل‌ها بار
به روی قله‌ی سبز زکارخانه‌ی صنع پدید گشته هزاران هزار نقش ونگار
زهر گلی و زهر نقشی و زهر رنگی ز بهر دیده‌ی ارباب دل شده دیدار

صفات سبعه کشیدند سوی توحیدم برفت هفت و دگر بایکی فتادم کار».

(شاه داعی، ۱۳٤۰: ٦۱۹/۲).

۲-۲-۳.سفر به ماهان کرمان

عبدالرزاق کرمانی نزدیک‌ترین مصنف‌نویس عصر شاه‌داعی درباره‌ی سفر شاه‌داعی به ماهان کرمان می‌نویسد:

«سید نظام الدین محمود الواعظ الشهیر بالداعی الی الله ـرحمة الله ـاست، می‌فرموده‌اند که: قبل از وصول به آستانه‌ی حضرت مقدسه ملازمت شیخ مرشد الدین ابواسحق بهرامی می‌داشتم. روزی فرمودند که: «مخدوم‌زاده! نشأه شما، عالی است. قبل ازاینکه این دو بزرگ سفر آخرت نمایند سفر کنید و خود را به صحبت سید نعمت الله یا سید قاسم برسانید چراکه من تنها متکفل تربیت شما نمی‌توانم بود».

(کرمانی، ۱۳۲۵: ۸۲).

صاحب طرائق‌الحقائق نیز طبق همین مقدمه و ادامهٔ داستان از قول کرمانی است که ضمن اشاره به گفتهٔ شیخ بهرانی می‌نویسد:

«شاه‌داعی‌الی‌الله گوید من درین فرمایش به تردد و تفکر در افتادم، چون توجه کردم در واقعه دیدم که مجلسی است از قبیل چهار طاقی و چشمه‌ی صافی روان است و پیری نشسته و بخیه می‌کشد و این پیر بایزید بسطامی است و می‌گوید این امر بخیه کشیدن اول از سلطان ابراهیم او هم بوده و در دست او پشم بود و چون نوبت به ما رسید، ریسمان شد و اکنون که نوبت به سید نعمت الله رسیده است در دست او ابریشم شده است.». (شیرازی، ۱۳٤٥: ۲۲/۳).

گویا شاه‌داعی، این رویا را برای شیخ مرشدالدین تعریف کرده و شیخ مرشدالدین به شاه‌داعی می‌گوید که: «حواله به کرمان است و خدمت شاه ماهان» (شیرازی،معصوم، ۱۳٤٥: ۲۲/۳).

طبق گفته‌های عبدالرزاق کرمانی، صاحب طرائق و دیگران، شاه‌داعی پس از شنیدن کلام شیخ مرشدالدین، تصمیم به مسافرت به کرمان گرفته و به اتفاق برادرش رسید. سراج الدین‌یعقوب و سیدی از سادات انجوی شیراز، به نام شجاع‌الدین عزیز و یکی- دو ملازم دیگر آغاز می‌کنند. مسیر حرکت آن‌ها از نیریز فارس و سیرجان کرمان بوده و گویا در فصل زمستان واقع شده است.

در طول مسیر راه را گم کرده و دچار باران و طوفان هم می‌شوند. به گفتهٔ خود شاه‌داعی در همین اوضاع یک شب، به خواب رفته و در واقعه‌ای حضرت علی(ع) را می‌بیند و آن‌ها را از آن اوضاع نجات می‌دهد. برادرش نیز درهمان شب، رسول اکرم (ص) را به خواب می‌بیند.

گویا تا قبل از رسیدن به کرمان بین راه در یکی از منزلگاه‌هایی که استراحت می‌کنند و شاه‌داعی به خواب می‌رود. شخصِ شاه نعمت الله ولی را در عالم رویا دیده که او را به جهیدن از نهری عریض امر می‌کند و نیز در مکاشفه‌ای دیگر، شیخ کبیر، ابن خفیف شیرازی بر او ظاهر می‌شود.

بالاخره به ماهان رسیده و در اولین دیدار با شاه نعمت الله، شاه‌داعی از شوق بی هوش می‌شود و شاه نعمت الله او را «سوخته خطاب کرده و می‌گوید که عجب سوخته‌ای است». (شیرازی، ۱۳٤٥: ۲۲/۳)

شاه‌داعی می‌گوید:

«و هم در آن مجلس بیعت کردیم و ارادت گفتیم، و به قبول خرقه و وصله مستسعد شدیم و از اشعار آن حضرت است:

«شدم به خطه‌ی کرمان و جانم آگه شد که مرشد دل من شاه نعمت الله شد

مرا اگر چه بسی نسبت است در ره عشق نخست روی دلم سوی او موجه شد».

(کرمانی، ۱۳۲٥: ۸٥).

۲-۲-٤.سفر به ابرقوه یزد

شاه‌داعی در دیباچهٔ رسالهٔ شجریه - رساله مورد بحث دراین مقاله- نیز به سفرش به ابرقوه اشاره کرده و نوشته است:

«داعی مسکین بعد از خرابی بلدهٔ ابرقوه به واسطه واقعه‌ای که دیده بر سبیل نذر داشت که دیگر بار به زیارت حضرت مقدسهٔ طاووسیه خود را مشرف گرداند. درسنهٔ ثمان و ستین و ثمانمائه، که عمر به پنجاه و هفت سال رسید، امنیت تحقق‌یافت و در اثنای اقامت به ورد و الطافات مشغول بود. از وی خواستند تا دربارهٔ شجره و شجرهٔ زقوم چیزی بنگارم».(شاه‌داعی، ۱۳٤۲: ۱۰۰).

سفرهای مختلف شاه‌داعی، روحیهٔ حقیقت طلبی او و تحقق سیر آفاق و انفس در نگاه او را می‌رساند و نیز

روشن است که در بین این مسافرت‌ها توجه بیشتر او به کرمان یعنی سرزمین شاه نعمت الله ولی بوده است.

۳.پیشینه تحقیق

در مقاله «درخت در نمادپردازی‌های عارفانه و ریشه های اسطوره‌ای آن»، به موضوع جایگاه درخت در عرفان توجه شده اما به رساله الشجره شاه‌داعی اشاره‌ای نشده است.(کلانتر و صادقی تحصیلی: ۱۳۹۵).

درباره زندگی و آثار و اندیشه‌های شاه‌داعی شیرازی هم تحقیقات ارزشمندی انجام گرفته و برخی از رسالات وی به چاپ رسیده است. رساله شجره شاه‌داعی نیز یک‌بار توسط استاد دبیرسیاقی در سال ۱۳٤۰ در کتاب شانزده رساله از شاه‌داعی شیرازی، براساس نسخه خطی بریتانیا به شماره B.P٥٢٦٨ در سال ۱۳٤۰ شمسی چاپ شده است. اما این مقاله ضمن تصحیح رساله الشجره براساس نسخه خطی کتابخانه گنج بخش پاکستان، عبارات نویافته‌ای را اضافه می‌کند و در بخشی هم، به معرفی این رساله و نکاتی از آن پرداخته است.

٤. نگاهی به مجموعه آثار شاه‌داعی در کتابخانه گنج‌بخش پاکستان

یکی از مهم‌ترین مجموعه‌های نفیس خطی که در کتابخانه گنج‌بخش پاکستان نگهداری می‌شود، متعلق به آثار شاه‌داعی شیرازی است. این مجموعه آثار به شماره ۸٤۹ ثبت شده و در سال‌های ۸۸۲ تا ۸۹۵ ه.ق نزدیک به ۱۳ سال کتابت شده است. به نظر می‌رسد کاتب این مجموعه یعنی محمود بن حسن محمود الحسنی؛ یکی از فرزندزادگان شاه داعی باشد. دراین مجموعه ٦۸٤ صفحه‌ای، تعداد ۷٦ اثر به نظم و نثر و به زبان فارسی و عربی وجود دارد. متن اصلی، حاشیه، جدول، سرلوح و کتیبه و بوته و گل از ویژگی‌های این نسخه محسوب می‌شود. رساله الشجره که استاد دبیرسیاقی آن را الشجریه هم نامیده‌اند، در کنارهٔ صفحات ٦٤۸ - ٦٥۳ و رساله فی معرفه النفس در متن اصلی صفحه ٦٤۸ - ٦٤۹ آمده است. این دو نسخه دارای افتادگی است اما بسیاری از مطالب آن‌ها باقی مانده و در ادامه این تحقیق، بازنویسی و تصحیح شده است. چنانچه اشاره شد، در تصحیح، رساله الشجره با نسخه چاپی استاد دبیرسیاقی مقابله شده و کلمات و جملات کامل‌تری یافته‌ایم. رساله فی معرفه النفس هم برای نخستین بار معرفی و استنساخ شده است.

۵.ساختار *رساله شجره*

رساله شجره داعی، دارای یک مقدمه و ٦ مبحث مهم در عرفان اما بسیار مختصر و کوتاه پرداخته است. در

مقدمه، علت نوشتن این رساله را که به نظر می‌رسد نامه‌ای است که به یکی از درویشان در ابرکوه نوشته؛ می‌نویسد:

«داعی مسکین، بعد از خرابی قریهٔ ابرقوه به واسطهٔ واقعه‌ای که دیده بود بر سبیل نذر نیت داشت که دیگر بار به زیارت حضرت مقدسهٔ طاووسیه -حفت روضته بالانوار القدسیه- خود را مشرف گرداند تا در سنه‌ی ثمان و ستین و ثمانمایه، که عمر او به پنجاه و هشت[۳] سال رسیده است؛ امنیت تحقق یافت و در اثناء اقامت که به تذکیر مشغول می‌شد و رو به سوره «والصافات» کشیده در تفسیر رزق معلوم بهشتیان و أکل شجره‌ی زقوم دوزخیان سخن می‌گذشت. عزیزی که به فهم معانی قرآن از اقران خویش امتیاز یافته حسن الخلق مرضی الطور محمود الخصال و گاهی به حضور پر نور مجلس را روح می بخشید التماس نمود که از سخنان درویشانه که گذشته کلمه‌ای چند مرقوم گردد. بیت

چه کنم گر ننویسم رقمی یا نرانم به ارادت قلمی

ملتمس مبذول داشته شروع افتاد. والله المستعان.»(شاه‌داعی،نسخه خطی پاکستان: ٦٤٨).

در ادامه این مطالب به نفس مطمئنه و نفس اماره اشاره می‌کند و این دو نفس را به ترتیب طوبی و زقوم می‌داند. وی نوشته است:

«ای دوست! ظل طوبی قسمت نوریان است و أکل زقوم نصیب ناریان، طیابت خوشی است و زقوم ناخوشی، پس از اشتقاق هر یکی صفت آن در توان یافت. انسان به سبب نفس أماره در آن عالم ناخوشی بیند و به سبب نفس مطمئنه خوشی پس ثمره‌ی نفس مطمئنه در آن عالم خوشی است، نفس مطمئنه طوبی دان و چون ثمرهٔ نفس أماره در آن عالم ناخوشی است، نفس أماره را زقوم خوان.» (شاه‌داعی: نسخه خطی پاکستان: ٦٤٨).

در ادامه به هشت بهشت و هفت دوزخ اشاره می‌کند. وی می‌نویسد:

«بهشت هشت [نوع] است: دارالقرار، جنت عدن، دارالاقامه، جنت نعیم، دارالسلام، جنت المأوی، دارالخلد، جنت فردوس که اعلی علیین است و سقف او عرش الرحمان است. چنانکه عرش مرتبهٔ نهم باشد و از تحت او هشت مرتبه: کرسی و فلک زحل و فلک مشتری و فلک مریخ و فلک شمس و فلک زهره و فلک عطارد و فلک قمر. دوزخ

[۳] - استاد دبیر سیاقی در پاورقی نسخه چاپی خود نوشته‌اند: «اصل : هفت (متن تصحیح قیاسی است) جه تولد داعی ۸۱۰ هجری است.».

هفت[نوع] است: دارالبوار، بادیه، حطمه، سعیر، جهنم، سفر، جحیم که أسفل السافلین است.» (شاه‌داعی، نسخه خطی پاکستان: ص ٦٤٩).[٤]

شاه‌داعی معتقد است که در بهشت طوبی رسته و بهشتیان همه در سایهٔ او آسوده باشند و در دوزخ زقوم، دوزخیان را همه شکم ازو پر باشد. در ادامه مباحث سخنان خود را از زبان ۹ گروه از اهل اشارات یعنی سالکان، اهل مقامات، ارباب احوال، محققان، اصحاب محبت، موحدان، صاحبان ذوق، عارفان و مستغرقان بیان می‌کند. درباره زقوم هم از زبان ۷ گروه دیگر یعنی سالکان، صاحب حالان، اصحاب مقامات، عارفان، محققان، محبان و موحدان دیدگاه خود را بیان کرده است.

به نظر می‌رسد شاه‌داعی در بیان ۹ گروه از اهل اشارت از عزیزالدین نسفی تأثیر گرفته باشد. چرا که نسفی در یکی از آثار خود مراتب اهل معنا را ۹ مرتبه می‌داند.(ر.ک: نسفی، ۱۳۷۲: ۲۸۱). خصوصا اینکه شاه‌داعی در طول حیات خود، به ابرکوه، شهری که مقبره نسفی در آنجا قرار دارد، سفری داشته است.

٦.هشت بهشت و هفت دوزخ

شاه‌داعی در ابتدای رساله شجریه می‌نویسد:

«بهشت هشت [نوع] است: دارالقرار، جنت عدن، دارالاقامه، جنت نعیم، دارالسلام، جنت المأوی، دارالخلد، جنت فردوس که اعلی علیین است و سقف او عرش الرحمان است.» (شاه‌داعی، نسخه خطی پاکستان: ٦٥٠). این در حالی است که پیش از شاه‌داعی تعبیر هشت بهشت و هفت دوزخ در اشعار و آثار شاعران و عارفان وجود دارد. مثلا نظامی گنجوی سروده است:

هفت فلک با گهرت حقه‌ای هشت بهشت از علمت شقه‌ای

هر که نه در حکم تو باشد سرش بر سرش افسار شود افسرش.»

(https://ganjoor.net)

عطار نیشابوری هم سروده است:

[٤] . مطالب این قسمت در نسخه «پ» ساییدگی دارد و از نسخه چاپی «د» استفاده شده است.

بعد ازین وادی استغنا بود نه درو دعوی و نه معنی بود...

هشت جنت نیز اینجا مرده ایست هفت دوزخ همچو یخ افسرده ایست

(https://ganjoor.net)

۷.تصحیح *رساله شجره*[۵] شاه‌داعی شیرازی[۶]

بسم الله الرحمن الرحیم

عوذی بالله و توکلی علیه و اسأله یعصمنی المصطفی صلی الله علیه [وآله] و سلم عن موجبات السخط و دخول النار و هوالعزیز الغفارالکریم الستار و الحمد الله رب العالمین.

داعی مسکین بعد از خرابی قریهٔ ابرقوه به واسطهٔ واقعه‌ای که دیده بود بر سبیل نذر نیت داشت که دیگر بار به زیارت حضرت مقدسهٔ طاوسیه -حفت روضته بالانوار القدسیه- خود را مشرف گرداند تا در سنهٔ ثمان و ستین و ثمانمایه، که عمر او به پنجاه و هشت[۷] سال رسیده است، امنیت تحقق یافت و در اثناء اقامت که به تذکیر مشغول می‌شد و رو به سوره «والصافات»[۸] کشیده در تفسیر رزق معلوم بهشتیان و أکل شجرهٔ زقوم دوزخیان سخن می-گذشت. عزیزی که به فهم معانی قرآن از اقران خویش امتیاز یافته حسن الخلق مرضی الطور محمود الخصال و گاهی به حضور پر نور مجلس را روح می بخشید التماس نمود که از سخنان درویشانه که گذشته کلمه‌ای چند مرقوم گردد.

بیت

چه کنم گر ننویسم رقمی یا نرانم به ارادت قلمی

ملتمس مبذول داشته شروع افتاد. والله المستعان.

---

۵ . دراین تصحیح علامت اختصاری «پ» برای نسخه خطی کتابخانه گنج بخش پاکستان و علامت اختصاری «د» برای نسخه چاپی دکتر دبیرسیاقی است.

۶ . این رساله در حاشیه متن اصلی نسخه «پ» صفحه ٦٤٨ آمده است.

۷ . در پاورقی نسخه چاپی «د» آمده است: «اصل : هفت (متن تصحیح قیاسی است) جه تولد داعی ۸۱۰ هجری است.».

۸ . سی و هفتمین سوره از قرآن کریم.

ای دوست! ظل طوبی قسمت نوریان است و أکل زقوم نصیب ناریان، طیابت خوشی است و زقوم ناخوشی، پس از اشتقاق هر یکی صفت آن در توان یافت. انسان به سبب نفس أماره در آن عالم ناخوشی بیند و به سبب نفس مطمئنه خوشی پس ثمرۀ نفس مطمئنه در آن عالم خوشی است، نفس مطمئنه طوبی دان و چون ثمرۀ نفس أماره در آن عالم ناخوشی است، نفس أماره را زقوم خوان.

بهشت هشت [نوع] است: دارالقرار، جنت عدن، دارالاقامه، جنت نعیم، دارالسلام، جنت المأوی، دارالخلد، جنت فردوس که اعلی علیین است و سقف او عرش الرحمان است. چنانکه عرش مرتبۀ نهم باشد و از تحت او هشت مرتبه: کرسی و فلک زحل و فلک مشتری و فلک مریخ و فلک شمس و فلک زهره و فلک عطارد و فلک قمر.

دوزخ هفت[نوع] است: دارالبوار، بادیه، حطمه، سعیر، جهنم، سفر، جحیم که أسفل السافلین است. در بهشت طوبی رسته و بهشتیان همه در سایۀ او آسوده باشند و در دوزخ زقوم، دوزخیان را همه شکم ازو پر باشد. حرف اول طوبی را در جمل نه عدد است. پس بهشتی از نتایج آن به تعینات رسد و حرف اول زقوم را در جمل هفت عدد است. لاجرم دوزخی از نتایج آن به تعینات رسد. طوبی، نفس مطمئنه باشد و از شاخ‌های او نُه شاخ بیان کنیم، هر شاخی مشتمل بر نُه صفت و زقوم نفس أماره باشد و از شاخه‌های او هفت شاخ بیان کنیم مشتمل بر هفت صفت و آن بیان‌ها به زبان اصحاب اشارت باشد.

نفس أماره از اصل طبیعت در خروج است و نفس مطمئنه از اصل شریعت در بروز.[۹]

[شاخه‌های نُه‌گانه درخت طوبی]

شاخه‌های نه‌گانه‌ی طوبی نفس مطمئنه : [۱]نیت خیر است و [۲]خیال حق و[۳] فعل حسن و[٤] خلق طیب و [٥]حسن ظن و[٦] محبت مولی و [۷]شوق لقاء او و [۸]ذوق معرفت اسماء و صفات او و[۹] انس با نور وحدت او.

سالکان گویند : صفات نه‌گانه از شاخ نیت خیر نفس مطمئنه، [۱]نیت ترک انتقام از دشمن است و[۲] نیت ترک انتزاع حق از خصم و[۳] نیت صرف روزگار به صلاح و[٤] نیت ترک قلع و قمع و خاندانها و [٥] نیت ترک رسم محدث و[٦] نیت ترک تصدق ارزاق بر ارباب ارتزاق[۷و۸ناخوانا] و[۹] نیت ترک قصد مردم به بدی[۱۰].

---

[۹] . مطالب این قسمت در نسخه «پ» ساییدگی دارد و از نسخه چاپی«د» استفاده شده است.

[۱۰] . در نسخه چاپی «د» به ٥ مورد اشاره شده است اما در نسخه «پ» به ۲ مورد دیگر نیز دست یافتیم. شماره ٦ و ۹.

ارباب احوال گویند : صفات نه‌گانه از شاخ خیال حق، از طوبی نفس مطمئنه، [۱]خیال زهد است و[۲] خیال انقطاع از خلایق و[۳] خیال ترک لذات جسمانی و[٤] خیال خدمت بندگان خدای و[٥] خیال ترک آنچه شهرت درو باشد و[٦] خیال احیای مراسم اولیاء گذشته و[۷] خیال حریت از هر مرتبهٔ اعلی که باشد و [۸]خیال طلب مشاهدهٔ حق تعالی به چشم بصیرت درونی و[۹]خیال درک و صحبت اولیاء علی اختلاف مراتبهم.

اهل مقامات گویند: صفات نه‌گانهٔ شاخ فعل حُسن از طوبی نفس مطمئنه،[۱] طلب حلال است و[۲] ترک حرام و[۳] ترک اصرار بر صغایر و[٤] توبه از کبایر و[٥] اداء حقوق الناس[۱۱] و[٦] اداء حقوق الله و[۷] حیا از فعل نالایق و[۸] عذر از بی باکی در امور و[۹]ترک مالا یعنی.

عارفان گویند: صفات نه‌گانه از شاخ خلق طیب از طوبی نفس مطمئنه،[۱] قناعت است و[۲] خالی داشتن سینه از کینه و[۳] خوش کردن خاطر با همه چه دوست و چه دشمن و[٤] خود را از همه کس کمتر دیدن و[٥]تواضع با ادبی مردم و[٦] بذل مقدور بر خلق خدای و[۷] اعانت بر برّ و تقوی و اغاثت ملهوف.

محققان گویند: صفات نه‌گانه از حسن ظن از طوبی نفس مطمئنه [۱] ظن طهارت و[۲] عفت نفس و[۳] پارسائی و[٤] امانت و[٥] دیانت و[٦] نظر پاک و[۷] وعده‌ی راست است و[۸] صداقت اخوان به سوی امت محمد مصطفی صلعم.

اصحاب محبت گویند: صفات نه‌گانه از شاخ محبت مولی از طوبی نفس مطمئنه، [۱]ترک محبت زن و فرزند و [۲]زر و اسپان مخصوص و [۳]گلهٔ گوسفند و گاو و شتر و [٤]کشت باشد که از آیت کریمهٔ «زین للناس»[سوره آل عمران/۱۲] معلوم می‌شود، چون در آنها ملاحظهٔ شهوت نفس باشد نه ملاحظه‌ی حقوق شرع و استحسان عقل،[٥]دیگر ترک محبت بدن،[٦] دیگر ترک محبت هر چه به حظ نفس راجع شود نه همین اختیار محبت حق تعالی باشد مشتمل بر امضاء لوازم آن محبت از آن جمله است[۷] شکر نعمت و[۸] صبر بر بلا و [۹]رضا به قضاء مقارب مشاهدهٔ همه چیز به قدر سابق آن حضرت بالذات ولی از موارد تجلیات جمالی و جلالی او تا محبت مفرط گردد و عشق شود.[۱۲]

---

[۱۱] . این مورد در نسخه چاپی «د» نیامده است.

[۱۲] نسخه «پ» سابیدگی دارد و این عبارات براساس نسخه »د» آمده است.

موحدان گویند: صفات نه‌گانه از شاخ طوبی شوق لقا از طوبی نفس مطمئنه [۱] طلب است و[۲] قدم نهادن وجد و[۳] سعی نمودن و[٤] دیده از پی مطلوب بر همه جا گماشتن و[٥] سوز سینه در روز و [٦]نیاز دل در شب و[۷] در هیچ لحظه خالی از محبوب خود نبودن،[۸] با آه آتشین و گریهٔ خونین و[۹] از آن ترسیدن که مبادا در هجر بمیرد و امید بستن که البته به وصل خواهد رسید.

صاحبان ذوق گویند: صفات نه‌گانه از شاخ ذوق معرفت اسماء و صفات از طوبی نفس مطمئنه ذوق معرفت مظاهر تجلیات اسماء و صفات است به نه صفت: [۱] صفت عنصریت و[۲] معدنیت و[۳] نباتیت و[٤] حیوانیت و [٥]جنیت و [٦]ملکوتیت و[۷] انسانیت و [۸]صفت صور کیانی و[۹] صفت صور رحمانی.

مستغرقان گویند: صفات نه‌گانه از شاخ انس با نور وحدت از طوبی نفس مطمئنه نه چیز است: اول، آثار از یک مؤثر دانستن. دوم، افعال از یک فاعل دیدن. سوم، اسماء متعدده را یک مسمی شناختن. چهارم، صفات مختلفه را عین یک ذات تصور کردن. پنجم، آثار و افعال و اسماء و صفات را تعینات یک وجود فرض کردن. ششم، جمع تعینات را نسبت و اضافات شمردن. هفتم، نسبت و اضافات را امور اعتباری انگاشتن. هشتم، امور اعتباری را از وجه کثرت عدم گفتن. نهم، کثرت را چنان دریافتن که وجود مطلق که حق واحد است به وحدت مطلقه نه واحد به سبب کثرت صفات از یک ذات یا واحدی به حجاب جمع صفات یک ذات را اوست که یکسو است این کثرت که عین وحدت اوست در مراتب اولیت و آخریت و ظاهریت و باطنیت و به دیمومیت و قیومیت لایزال در تجلی است و « هوالاول و الآخر والظاهر و الباطن و هو بکل شئ علیم».[حشر / ۳].

[سبعیّات درخت زقوم]

چون تسعیات طوبی مزبور است، سبعیات زقوم مزبور گردد : شاخ‌های هفت‌گانهٔ زقوم نفس أماره : [۱]نیت شر است و [۲]خیال باطل و[۳] فعل قبیح و[٤]خلق خبیث و[٥] سوء ظن و [٦]محبت فاسده و[۷] عقاید ردیه.

سالکان در سبعیات[نیت] شر گویند : [۱]نیت استیلاست بر وجه غیرمشروع و[۲] نیت تصرف در امور به غیرحق و[۳] نیت صرف روزگار به فسق و[٤] نیت بطالت وکسالت در ضروریات دین و دنیی و[٥] نیت مزاوله بدع و اهوا و[٦] نیت تضییق احوال بر مردم و[۷] نیت ایذای اقران.[۱۳]

[۱۳] . نسخه «پ» ساییدگی دارد و این عبارات براساس نسخه چاپی «د» آمده است.

صاحب حالان گویند: سبعیات خیال باطل : [۱]خیال جمع مال است و [۲]خیال جاه و [۳]خیال حظ نفس و [٤]خیال مشابهت با اولیاء حق و[٥] با وجود شیم اعداء حق و [٦]خیال وضع جدید از برای شهوت و [۷]خیال رفع طور قدیم هم از برای شهرت و خیال بودن مراتب به او بی چهار چیز : [۱]استعداد مرتبه و [۲]حصول مایحتاج مرتبه و[۳] طالع موافق مطلوب و [٤]علم جبلی که مرتبه را به کار آید.

اصحاب مقامات گویند: سبعیات فعل قبیح:[۱]ارتکاب مناهی است و [۲]اصرار بر ملاهی و[۳]اجهار فسق و [٤]عداوت اهل صلاح و [٥] تضیق حقوق خالق و خلایق و[٦] نقض عهد مشروع و [۷]مباهات بر امور نامرضی.

[عارفان] گویند : سبعیات خلق خبیث : [۱]حرص است و[۲] حسد و[۳] بغض و[٤] حقد و[٥] عجب و[٦] تکبر و [۷]بخل.

محققان گویند: سبعیات سوء ظنی که اکثر واقع می‌شود : [۱]ظن شرب خمر است به برادر مسلمان به قرینهٔ فرح غالب و[۲] ظن أکل حشیش به قرینهٔ حمرهٔ عین و[۳] ظن زنا به قرینهٔ گذار کردن در کوچهٔ خرابات و[٤] ظن لواطه به قرینهٔ نظر به سوی امارد و[٥] ظن قمار به قرینه‌ی تلف لباس و[٦] ظن سرقه به قرینهٔ تردد نه در محل و[۷]ظن عداوت از کسی که سخن به خوش آمد او نگوید.

محبان گویند: سبعیات محبت فاسده : [۱]حب متاع دنیی است و[۲] حب اهل دنیی و[۳] حب ستایش ستایندگان و[٤]شهرت و اگر چه در ابواب صلاح باشد و موجب آسایش نفس و اگر چه در ابواب صلاح باشد و[٥]حب اسایش نفس و اگر چه به اختیار تجرد بود و[٦] حب مداخلت به احکام مجارات و[۷] مباحثهٔ علمی از برای غلبه و استیلا.

موحدان گویند: سبعیات عقیدهٔ فاسده: [۱]اعتقاد حلول است و[۲] اعتقاد اتحاد و[۳] اباحت و[٤]الحاد و[٥] زندقه،[٦]اعتقاد تأثیر دهر بی‌خالق و[۷] اعتقاد تأثیر طبیعت بی‌صانع. این بود تسعیات شجره‌ی طوبی که نفس مطمئنه است از روی اشارت و سبعیات شجریهٔ زقوم که نفس أماره است.

[نفس و انواع آن]

و نفس، عبارت است از مصادر افعال. اگر آن مصدر افعال قوتی است با طبع آنچه حرکت به بالندگی می‌کند، حرکتی بی نقله و آن چیز را آگاهی از خود هرگز نیست یا صفت زندگی او را ثابت باشد نفس آن متحرک نباتی است

و اگر آن مصدر افعال قوتی است با طبع آن چه حرکت او بی نقله و با نله می‌باشد و حرکت او هم طبیعی می‌باشد و هم ارادی که لازم آگاهی است از خود که مستلزم صفت زندگی است نفس آن متحرک حیوان است و اگر آن مصدر افعال قوتی است مقارن آگاهی ذی حیات نه قایم به طبع ذی حیات بلکه طبع ذی حیات محل تأثیر اوست و تأثر ذی حیات ازو به واسطه‌ی قوتی چند است که از لوازم طبع ذی حیات است که آن‌ها مصادر حرکات طبیعیه و ارادیهٔ ذی‌حیاتند و اثر مترتب بر تأثیر او درک جزویات اشیاست ذوحیات را به توسط قوتی است مقارن قوای مذکوره فایض از حضرت الهی و درک جزئیات به توسط حواس و قوای طبیعیه و ارادیه اگر افعال او موافق استحسان عقل و شرع است نه موافق میل طبع؛ نفس قدسی است و اگر افعال او به حسب انقیاد شرع، صادر است؛ نفس مطمئنه است و اگر افعال او به حسب حکم شرع و میل طبع صادر است، نفس ملهمه است و اگر آنچه ازو صادر شده نه موافق شرع است و برآن صدور خود را ملامت می‌کند، نفس لوامه است و اگر صادر ازو شرع مذموم است و شارع آن را سوء فعل خوانده است و او را بر آن مایل است و در تحت آن مغمور، نفس أماره است.

پس آن نفس، که قوتی است مصدر افعال، به حسب صدور فعل اسامی پیدا می‌کند. نفس است که طوبی است و در بهشت رسته و نفس است که زقوم است و در دوزخ رسته، نفس است که چون صدور فعل آن صدور فعل ازو ظل طوبی است و اگر صدور او مدد نقصان ناقص است أکل زقوم است. چنانکه آب نیل در زمانی خاص و حالی خاص به نسبت باقبطیان چون بود و به نسبت با سبطیان. آب نفس اگر زقوم است بر او رؤس شیاطین است و اگر طوبی است ظل او راحت ساکنان خلدبرین است.

اگر نفس طوبی است در ظل او سالکان را اجناس اطمینان که فواکه دل ایشان است حاصل است. «فواکه و هم مکرمون»[صافات/٤٢] و انواع سکینه در سینه‌هایشان ثابت که آرام ایشان برآن است به نشان «علی سرر متقابلین»[صافات/٤٤] و اصناف اذواق روحانی فایض به اشارت «یطاف علیهم بکأس من معین»[صافات/٤٥] و اطوار تجلیات بیاضی و سوادی جمالی و جلالی وارد به تلویح : «و عندهم قاصرات الطرف عین کأنهن بیض مکنون»[٤٨و٤٩] و اگر نفس زقوم است بر او رؤس‌الشیاطین است که وساوس و هواجس امور نافرجام است و هواپرستان اندرون خود از آن پر می‌کنند به رمز : «فإنهم لاکلون منها فمالئون منها البطون»[صافات/٦٦] اگر چه اسرار تنزیل تأویلی است که خامهٔ داعی برین نامه نقش می‌کند، الهامی می‌رسد که

بیت

منویس دلا چه می‌نویسی این‌ها کز تو بکشند ناتمامان کین‌ها

برهم نزنی ز رفع پرده زنهار تقلید مذاهب و رسوم دین‌ها

والحمدالله رب العالمین و الصلوه و السلام علی خیر خلقه محمد وآله أجمعین.

۸.تصحیح نسخه خطی *رساله فی معرفه‌النفس*[۱۴] از شاه‌داعی شیرازی

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. قال امیرالمؤمنین علی‌بن‌ابی‌طالب مَن‌عَرَفَ نَفسَه فَقَد عَرَفه رَبَّه. بدان ارشدک‌الله، امیرالمؤمنین و سیدالمسلمین فرموده است که هرکس که نفس خود را بشناسد، پروردگار خود را بشناسد. شاید که مراد آن باشد که خدای تعالی بدلیل عقل بشناسد که فکر کند که نفس مرا که آفریده باشد؟ چون نبود و بود و دیگر چون به مقتضای کل نفس ذائقه‌الموت نخواهد بود هر آینه او را پیدا کننده‌ای باشد که او را پدید کرد و پرورش داد و او را زندگی بخشید و بعد از آن او را بمیراند و آن پیداکننده اگر حال او چون حال این تفس باشد او نه خدای باشد پس آفریدگار نفس باقی باشد و حال او نه چون حال نفس و نفس فانی باشد و حال او نه چون حال پروردگار این است، معرفت نفس که از آن معرفت رب حاصل شود بنده را. دیگر بداند، بنده که نفس او نطفه‌ای بود از منی قدر[پدر] و به تربیت پروردگار بعد از چهل روز در رحم مادر علقه شد و بعد از چهل روز دیگر مضغه شد و بعد از چهار ماه، جان یافت و زنده در شکم مادر می‌پرورد تا به نُه ماه که برو بگذشت و روزی از خون می‌خورد فرمان یافت و بزاد و بشیر پروده شد و آب خوار و غذاخوار گشت طفل بود صبی و صبیه بپروده مراهق و مراهقه بالغ شد و بالغه، عاقل و عاقله، جوان بود، کهل شد، پیر گشت و به کفر، نعوذبالله، یا به ایمان درگذشت. نفس را درین مراتب که پرورش داد پرورنده و روزی دهنده و به این مراتب سازنده رب است و پرورده و روزی خورنده و به این مراتب رسیده نفس. پس این است معرفت رب از نفس.

دیگر بنده، نظر در نفس خود کند و بیندیشد که زنده و دانا و توانا و خاستار و شنوا و بینا و گویاست و چون خود را موصوف به این صفات یابد؛ بداند که آفریدگار و به این صفات سزاوارتر است ازو که آفریده است چه آفرینندهٔ زنده خود، زنده باشد و همچنین دانا و توانا و صاحب اراده اشیاء و سمیع و بصیر و متکلم و این صفات با ذات او قدیم

[۱۴] . این رساله در متن نسخه «پ»، صفحه ٦٤٨ آمده است.

باشد، به خلاف بنده، که فانی و محدث است بحسب ذات و صفات. چه آفریننده، او را آفریده است و هست کرده و بازش نیست می‌گرداند. پس از نفس خود صفات خود رب خود و صفات رب خود توان شناخت، به این وجه که گفته شد. اما صفات نفس و نفس فانی باشد و صفات رب و رب باقی.[.....[۱۵]] شناخته شود رب نفس شناخته شود یعنی بداند که صفت نفس، نیستی باشد و صفت رب، هستی باشد. صفت نفس، فقر و احتیاج باشد[صفت رب غنی باشد[۱۶]] صفت نفس ظلمت باشد و صفت رب نفس، نور باشد، صفت نفس، کثرت اجزاء ذات باشد و صفت رب نفس، وحدت باشد[...[۱۷]] [صفت نفس تغیر و زوال باشد و] صفت رب نفس، بی تغیری و بی زوالی . صفت نفس، نقصان باشد در ذات و صفات ، صفت رب، کمال باشد در ذات [...] [۱۸]نفس و بدن آدمی خواهند گویند نفس و جان آدمی، خواهند گویند نفس و خون آدمی خواهند گویند، نفس و دل صنوبری[خواهند گویند] در دل باشد و نفس گویند و بخاری خواهند که در دل باشد و نفس گویند و روح نباتی خواهند که قوتی است در جگر و نفس[۱۹] گویند و روح حیوانی خواهند که قوتی است در دل و نفس گویند و روح دماغی خواهند که قوتی است در دماغ و نفس گویند و روح انسانی خواهند مدرک کلیات و جزئیات و نفس گویند و قوتی خواهند که منشأ افعال نیک و بد آدمی باشد و نفس گویند و قوتی خواهند که منشأ همه بدی‌ها باشد و آن نفس، نفس اماره باشد باعتبار آنکه در قرآن مجید، الله تعالی فرموده است که (إنّ النَفسَ لأمّاره بِالسُّوء)[یوسف/۵۳] و نفس ملهمه باعتبار آن گویند که حضرت پروردگار می‌فرماید (وماسَویها فَأَلهَمها فُجُورها وَ تقویها)[شمس/۷و۸] و نفس لوّامه که ملامت کننده‌ی خود باشد که چرا نیک نکردی و بد کردی و چرا بد بر نیک غالب است از تو باعتبار آن گویند که حضرت حق تعالی می فرماید (لاأُقسَم بیَومِ القیامه و لا أقسم بالنَّفس اللوّامَه)[قیامت/۱و۲] و نفس مطمئنه باعتبار آن گویند که آرام یافته باشد از طلب [؟] شایسته و به ضرورت از شایسته اکتفا کرده باشد و از پی هوا و هوس نرود و حرکت از پی اموری که نقصان داشته باشند نکند و حرکت او همه در آن چیز باشد و میل او به خشنودی حضرت خداوند تعالی راجع باشد و لهذا حضرت

---

۱۵. افتادگی نسخه «پ».

۱۶. افتادگی نسخه«پ»، محتملا این جمله: « صفت رب غنی باشد».

۱۷. افتادگی نسخه «پ».

۱۶. افتادگی نسخه «پ».

۱۹. پایان صفحه ٦٤٨ از نسخه «پ».

الله تعالی فرموده که یا أیتها النفس المطمئنه إرجعی إلی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی [فجر/۲۳-۲۹] و نفس ملکی، نفسی باشد خیّر مطیع امر خدای و رسول طاهر و طیّب و بی‌گناه و بسیار طاعت و نفس قدسی چنین باشد که نفس ملکی و با ملکیّت صفت سادگی دل از ما سوی الله داشته باشد و دل او پاک از علایق و عوایق باشد و نفس عاشقه نفسی باشد که محبت خدای برو چنان غالب باشد که از عبادت خدای و طلب رضاء خدای تعالی و طلب مشاهده و لقای حضرت او بغیر او نپردازد و نفس عارفه آن باشد که خود را و خداوند خود را شناخته باشد و نسبت معیّت الله تعالی با خود و با غیر خود دانسته باشد و نفس جامعه، نفسی باشد که هر چه از دیگران بوجه شر در وجود آید ازو بوجه خیر در وجود آید مثلا لذت شهوت دیگری از حرام یابد و او آن لذت یابد اما از حلال و شهوت فرج و شهوت بطن درو باشد و بوجه حلال ازو در وجود آید و غضب او حقانی باشد و خون‌ریزی داشته باشد بحق داشته بحق مثل کافر کشتن و عزا کردن و قصاص کردن بحق و در همه چیز چنین دان که او را آنچه از شهوت و غضب راجع به چیزها شود همه باشد بوجه شرع و حلال. بیت

هر کس که به نفس جامع خویش رسد هم بیش رسد بخویش و هم پیش رسد
آنگاه که نفس خویشتن دریابد آنگاه به حال مرد درویش رسد

والحمدلله اولا و آخرا و ظاهرا و باطنا و صلی‌الله علی أفضل‌الخلق محمد و آله و سلم.[۲۰]

نتیجه گیری

شاه‌داعی شیرازی از عارفان و شاعران بزرگ قرن نهم هجری قمری است که آثار متعددی در حوزهٔ نظم و نثر دارد. رسالهٔ شجره یا شجریه و رساله فی معرفه‌النفس؛ از رسالات با ارزش و کمتر شناخته شده از آن عارف والامقام است. این دو رساله در مجموعه آثار شاه‌داعی در کتابخانه گنج‌بخش پاکستان به شماره ۸۴۹ در صفحات ٦٤٨ و ٦٤٩ - یکی در متن و دیگری در حاشیه - کتابت شده است. شاه‌داعی در رساله الشجریه که به سفارش مریدی از ابرکوه یزد نوشته است، به «نُه شاخه درخت طوبی» و «هفت شاخه درخت زقوم» اشاره کرده و این نُه شاخه و هفت شاخه از درختان طوبی و زقوم را از دید اهل اشارت از جمله عارفان، محبان و موحدان توضیح می‌دهد. از دیگر موضوعات این رساله مسئله نفس در عرفان و انواع آن است. موضوعی که در رساله فی معرفه النفس ادامه داشته و کامل‌تر

[۲۰] . صفحه ٦٤٩ از نسخه »پ«.

می‌شود. رساله الشجریه یا الشجره، یک‌بار توسط استاد محمد دبیرسیاقی براساس نسخه خطی بریتانیا به شماره B.P۵۲۶۸ در سال ۱۳٤۰ شمسی در مجموعه شانزده رساله از شاه‌داعی شیرازی، تصحیح و به چاپ رسیده است. اما برخی عباراتی که در نسخه خطی کتابخانه گنج‌بخش پاکستان وجود دارد؛ در نسخهٔ چاپی استاد دبیرسیاقی نیامده و برخی از عباراتی هم که در نسخه پاکستان ساییدگی دارد، به نسخه استاد دبیرسیاقی استناد شده است. رساله فی معرفه‌النفس هم، تاکنون تصحیح و چاپ نشده است. در این مقاله برای نخستین بار ضمن توجه بیشتر به ابعاد تاریخی و عرفانی رساله شجره، به تصحیح نسخه خطی این رساله و نیز تصحیح رساله فی معرفه‌النفس پرداخته شد.

منابع

۱-آشتیانی، سید جلال الدین، (۱۳۷۰)، شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم، چاپ سوم، نشر امیرکبیر.

۲-ابن عربی، (۱۳۸٦)، فصوص‌الحکم، ترجمه، توضیح و تحلیل: محمدعلی موحد و صمد موحد، چاپ دوم، نشرکارنامه.

۳--------، (بی‌تا)، فتوحات مکیه، نشر دار صادر، بیروت.

٤-پورجوادی، نصرالله، (۱۳۹٦)، پروانه و آتش؛ سیر تحولات یک تمثیل عرفانی در ادبیات ایران از حلاج تا حافظ، چاپ اول، نشر فرهنگ معاصر.

۵- ----------؛ (۱۳۹٤)، دریای معرفت(از بایزید بسطامی تا نجم دایه)، چاپ اول، نشر فرهنگ معاصر.

٦- ----------، (۱۳۹٦)، قوت جان و دل، چاپ اول، نشر فرهنگ معاصر.

۷- حسن‌زاده آملی، حسن، (۱۳۸٤)، ممدالهمم در شرح فصوص‌الحکم، قم چاپ دوم، سازمان چاپ و انتشارات.

۸- زرین‌کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۵)، جستجو در تصوف، چاپ پنجم، نشر امیرکبیر، تهران.

۹- ----------، (۱۳۸۵)، دنباله جستجو در تصوف، چاپ پنجم، نشر امیرکبیر، تهران.

۱۰- دبیرسیاقی، سیدمحمد، (۱۳۳۹)، شانزده رساله از شاه‌داعی شیرازی، چاپ اول، کانون معرفت.

۱۱-سیدحیدر آملی، (۱۳٦۸)، جامع الأسرار و منبع الأنوار، چاپ اول، انتشارات علمی و فرهنگی.

۱۲- شاه‌داعی شیرازی، (۱۳۸۵)، ترجمه رساله حقیقه الحقایق شیخ اکبر محیی الدین ابن عربی، چاپ دوم، نشر مولی.

۱۳- --------، (۱۳٤۰)، دیوان اشعار، تصحیح محمد دبیرسیاقی، نشرعلمی، تهران.

۱٤--------، (۱۳٦۲)، نسایم گلشن، به کوشش محمد رانجها، مرکز تحقیقات فارسی‌ایران و پاکستان.

۱۵--------- ، (۱۳۷۷)، نسایم گلشن، به کوشش پرویز عباسی داکانی، چاپ اول، نشر الهام، تهران.

۱٦--------، (۱۳٤٦)، کان ملاحت و سه گفتار، مترجم ادیب طوسی، چاپ اول، بی نا.

۱۷--------، (۱۳٦۳)، شرح مثنوی معنوی، تصحیح محمد رانجها، مرکز تحقیقات فارسی‌ایران و پاکستان.

۱۸----------، مجموعه آثار نسخه خطی، کتابخانه گنج بخش پاکستان، شماره ۸٤۹.

۱۹----------، رسالهٔ اصطلاحات صوفیه در نسخهٔ خطی بیست و دو رساله، کتابخانهٔ مجلس ش٦۳۱.

۲۰------، رساله کشف المراتب در نسخهٔ خطی بیست و دو رساله ، نسخهٔ خطی کتابخانهٔ مجلس ش٦۳۱.

۲۱------، رساله فی معنی المحبه در نسخهٔ خطی بیست و دو رساله، نسخهٔ خطی کتابخانهٔ مجلس ش٦۳۱.

۲۲-----، رساله فی معنی الولایه و تفصیله درنسخهٔ خطی بیست و دو رساله نسخهٔ خطی کتابخانهٔ مجلس ش٦۳۱.

۲۳-شاه نعمت الله ولی، (۱۳۵٦)، رساله‌های حضرت سیدنورالدین شاه نعمت الله ولی، به سعی دکترجواد نوربخش، چاپ اول، انتشارات خانقاه نعمت اللهی.

۲٤-شیرازی، معصومعلی شاه، (۱۳٤۵)، طرائق الحقایق، تهران: کتابفروشی بارانی.

۲۵-قیصری، داوود، (۱۳٦۰)، رسائل قیصری، رساله التوحید و النبوه و الولایه، با حواشی محمدرضا قمشه‌یی، تصحیح و مقدمه سید جلال الدین آشتیانی، چاپ اول، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.

۲٦ـ کرمانی، عبدالرزاق، (۱۳۲۵)، مناقب شاه نعمت الله ولی کرمانی، به کوشش ژان اوبن، تهران انستیتوایران و فرانسه.

۲۷- کلانتر، نوش آفرین، صادقی تحصیلی، طاهره، (۱۳۹۵)، درخت در نمادپردازی های عارفانه و ریشه های اسطوره‌ای آن، دوفصلنامه علمی-پژوهشی ادبیات عرفانی دانشگاه الزهرا(س)، سال هشتم،شماره ۱۵، ۱۳۹۵، صفحات ٦٧-٩٢.

۲۸- لاهیجی، شمس‌الدین محمد، (۱۳۸۳)، مفاتیح الإعجاز فی شرح گلشن راز، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا برزگر خالقی، عفت کرباسی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات زوار.

۲۹-یثربی، سیدیحیی، (۱۳۸٤)، عرفان نظری تحقیقی در سیر تکاملی و اصول و مسائل تصوف، چاپ پنچم. قم: بوستان کتاب، ۱۳۸٤.

۳۰-مولوی، جلال الدین محمد، (۱۳۸٦)، مثنوی معنوی، به کوشش: کریم زمانی، چاپ اول، نشر نامک.

۳۱-نوری، ابوالحسن، (۱۳٦۸)، مقامات القلوب، تصحیح و مقدمه بل نویا، ترجمه اسماعیل سعادت و علیرضا قراگزلو، نشریه معارف، شماره ۱ و۲ فروردین و آبان ماه، ۱۳٦۸، (صفحات ۸۱-۱۱۹).

۳۲-https://ganjoor.net/attar/manteghotteyr/vadi-esteghna/sh۱

مجموعه مقالات علمی نخستین همایش ملّی تحقیق و تصحیح نسخه های خطی ایران
انجمن علمی تحقیق و تصحیح نسخه های خطی ایران کد اختصاصی ISC: ۰۱۲۲۰-۷۶۳۳۳
اخبار و گزارشها | مقالات علمی | مطالعات علمی

بررسی و تصحیح رسالۀ "الکلمات الربوبیة" اثر سید موسی بن فضل الله حسینی کلانتری

سید محمد کاظم علوی[۱] فریده یزدی نژاد[۲] محمدرضا ارشادی نیا[۳]

چکیده

بررسی و تصحیح آثار خطی می‌تواند در عرصه بسط و گسترش علوم نقش یاریگر را ایفا نماید. در این میان، مطالعه و پرداختن به نسخه‌های خطی اصطلاح‌شناسی که در زمرۀ کتب مرجع محسوب می‌شوند، بسیار حائز اهمیت است. برخی از این آثار در قالب الکلمات آمده است که طیف گسترده‌ای را شامل می‌شوند که از این جمله به رساله الکلمات المکنونة و الکلمات المخزونة فیض کاشانی و رساله الکلمات الذوقیة سهروردی اشاره نمود. یکی از این آثار «رسالة الکلمات الربوبیة» است که در این تحقیق به تصحیح آن پرداخته‌ایم. این اثر نوشته موسی بن فضل الله کلانتری همدانی (۱۲۳۷- ۱۳۰٤هـ) از شاگردان حکیم حاج ملا هادی سبزواری (۱۲۱۸- ۱۲۸۹هـ)، صاحب مکتب فلسفی سبزوار است. برای این مکتب می‌توان دو رکن برشمرد؛ رکن اول آن آثار حکیم سبزواری و رکن دوم شاگردانی بوده است که در حلقه درس حکیم سبزواری حاضر شده و از محضر استاد بهره‌ها برده‌اند. در خصوص آثار حکیم سبزواری پژوهش‌های زیادی صورت پذیرفته اما در خصوص شاگردان ایشان تحقیقات کمتری انجام شده است. موسی بن فضل الله کلانتری همدانی در زمرۀ شاگردانی است که در راستای بهره‌مندی از تعالیم فلسفۀ اسلامی، راه استاد را پیموده و توانسته نزدیک به ۲۰ اثر را در حیطه‌های مختلف به رشتۀ تحریر درآورد. از آن‌جایی که از رساله مورد تحقیق، تنها یک نسخه در کتابخانه آیه الله مرعشی قم موجود بود، تصحیح این اثر به روش قیاسی صورت پذیرفته و سعی شده با دقت‌های زبانی و فلسفی- عرفانی متن تصحیح گردد. اصطلاحات فلسفی و عرفانی

۱) نویسنده مسئول: دکتری فلسفه و کلام اسلامی، دانشیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه حکیم سبزواری، Alavismk@yahoo.com
۲) دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت اسلامی، گروه فلسفه و حکمت اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه حکیم سبزواری، fypoya۱۳۷۲@gmail.com
۳) دکتری فلسفه و کلام اسلامی، دانشیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه حکیم سبزواری، mrershad@chmail.ir

موجود در رساله که با عنوان "کلمة" از آن ها یاد شده بالغ بر ٦٧ اصطلاح است و این تحقیق به بیان ٨ اصطلاح پرداخته است. به نظر می رسد؛ همدانی در زمینه سبک نگارش تاثیرات زیادی را از کتاب الکلمات المکنونه فیض کاشانی پذیرفته که در این تحقیق به این مسئله پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: موسی بن فضل الله، منابع مرجع، تصحیح نسخه خطی، اصطلاحات فلسفی- عرفانی.

مقدمه

بررسی نسخه‌های خطی می‌تواند ابعاد ناشناخته‌ای از مسایل و مباحث علمی را آشکار سازد. در این میان آثار فلسفی و عرفانی دارای اولویت است، لذا این رساله که اثری فلسفی و عرفانی است در راستای گسترش مرزهای دانش فلسفه و حکمت اسلامی کمک شایانی می‌کند. این اثر از این نظر که به نوعی یک اثر اصطلاح‌شناسی است اهمیت دارد.به این واسطه از طبقه منابع مرجع محسوب می‌گردد و برای محققان و پژوهشگران حوزه فلسفه و حکمت اسلامی، بسیار سودمند خواهد بود.

حکیم سبزواری در دوران حیات خویش مکتبی فلسفی در سبزوار ایجاد کرده که برای شناخت بهتر آن، علاوه بر آثار و آراء ایشان، ضروری است به آثار و آراء شاگردان ایشان نیز پرداخته شود. بدیهی است تربیت بیش از ۱۱۵ شاگرد که از اقصی نقاط ایران و حتی ممالک دیگر اسلامی به حضور حکیم سبزواری نایل می‌شدند، یکی از مهم‌ترین طرق گسترش فلسفه اسلامی بوده و بررسی آثار و آراء هر یک از ایشان به بسط و گسترش مطالعات فلسفه و عرفان اسلامی کمک شایانی می‌کند.

آثار برخی از این شاگردان چاپ شده و برخی دیگر نیز به صورت نسخه خطی موجود است.

۱. پیشینه پژوهش

۱-۱. روش تحقیق

این تحقیق مشتمل بر چند کار است: اولین کار: تصحیح نسخه خطی است که تنها یک نسخه از آن موجود

است. با توجه به این نکته روش انجام تصحیح، تصحیح قیاسی است. توضیح آن که چهار شیوه تصحیح وجود دارد: ۱- تصحیح بر مبنای نسخه اساس؛ ۲- تصحیح التقاطی؛ ۳- تصحیح به شیوه بینابین؛ ۴- تصحیح قیاسی؛ سه شیوه نخست در مواردی کاربرد دارد که از یک اثر چند نسخه وجود دارد؛ در شیوه نخست، اگر اصیل‌ترین و صحیح‌ترین نسخه قابل تشخیص باشد، مبنای تصحیح قرار گرفته و به آن تصحیح بر مبنای نسخه اساس گفته می‌شود؛ در شیوه دوم، با توجه به این که از طرفی نسخ موجود معتبر نبوده و از طرف دیگر هیچ یک بر دیگری رجحان ندارد، مصحح بر اساس اجتهاد عالمانه خود و براساس دانش و علم ضبط درست را در میان نسخه‌های مختلف جستجو کرده و آن را در تصحیح ثبت می‌کند؛ در شیوه سوم، که شیوه بینابین است، نسخه ارجح موجود است لکن رجحان مطلق ندارد و تا حدودی می‌توان آن را مبنا قرار دارد؛ در این صورت این مبناقرار دادن، نسبی است. لذا به گونه‌ای از روش دوم نیز باید بهره جست. از این روی، روشی بینابینی است. روش تصحیح قیاسی که به عنوان آخرین روش معرفی شد، زمانی کاربرد دارد که تنها یک نسخه از اثر مورد نظر در دسترس است و مصحح بدون تطبیق و مقابله باید به تصحیح بپردازد. در اینجا مصحح از اجتهاد عالمانه و دانش تخصصی و زبانی خود بهره می‌گیرد و در مقایسه با این دانش به تصحیح می‌پردازد و ضبط کلمات را استخراج می‌نماید (جهانبخش، ۱۳۹۰: ۳۲-۲۹). از این روش گاه با عنوان بازسازی یاد شده است. روش قیاس، روش چندان مطلوبی نیست. خصوصاً که ممکن است با تصحیح ذوقی خلط گردد، ولی در مورد نسخه خطی مورد نظر، ذکر این نکته لازم است که اشکالاتی که به روش قیاسی گرفته‌اند، - از قبیل اینکه در آن مصحح قادر به ضبط کلمات نیست- را شامل نمی‌شود. زیرا این نسخه معتبر بوده و با توجه به این که متنی تخصصی است، در تصحیح آن علاوه بر دانش زبانی از دانش فلسفی-عرفانی نیز کمک گرفته شده و تصحیح مقبولی در این تحقیق ارائه می‌گردد. علاوه بر این، بنا بر نظر مایل هروی، محقق برجسته در زمینه نسخ خطی، معتبرترین نسخه‌ها از نظر مصحح محقق، نسخی است که به دست مولف کتابت شده باشد، زیرا هدف اصلی از تصحیح انتقادی، عرضه کردن متن از کتاب مولف با در نظر گرفتن هدف او از نگارش است. این دسته از نسخ را نسخه شناسان و مصححان به عنوان «نسخه‌های اصل» می‌نامند و چون نسخه‌های مزبور، اساس دیگر نسخ کتاب هستند که توسط کاتبان در ادوار مختلف تالیف شده است، می توان از آنها به «نسخه های مادر» یا «نسخه های اول» و یا «نسخه های مصدر» تعبیر کرد. نسخهٔ اصل می تواند به شکل مسوده باشد و آن نخستین صورتی است که مولف آن را نگاشته و بدیهی است که هر مسوده‌ای به علت تندنویسی و

نیز تغییراتی که مولف در کلمات و عبارات نوشته‌اش می دهد، در بسیاری از مواضع دارای خط ترقین و علایم ابطال می باشد. (مایل هروی، ۱۳٦۹ : ٤۷).

در مرحله بعدی به بررسی اصطلاحات فلسفی و عرفانی موجود در نسخه با استفاده از برخی منابع معتبر می پردازیم.

قسمت نهایی این تحقیق مربوط به تاثیر آثار و آراء حکیم سبزواری بر این اصطلاح‌نامه است، که به روش مقایسه‌ای انجام می‌گیرد و در آن شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در این اثر با آثار و آراء حکیم سبزواری بیان می‌شود. به نظر می‌رسد با انجام این روش می‌توان تلمذ موسی بن فضل الله را از محضر حکیم سبزواری به درستی فهمید.

۲-۱. مروری بر زندگی و آثار نگارنده نسخه (جناب موسی بن فضل)

موسي بن فضل الله الكلانتري الهمداني (۱۲۳۷- ۱۳۰٤هـ) از شاگردان ممتاز حکیم سبزواری بوده و در سال ۱۲٦۸ هـ شرح منظومه حکیم را استنساخ نموده و در ترقیمه آن از حکیم چنین یاد می کند: «و قد کتبت هذه النسخه التی الّفها افضل المحققین من الحکماء الالهیین و ابسطهم یدا فی التحقیق و التدقیق مولانا خیر الحاج و المعتمرین الحاج ملاهادی السبزواری.»

در ۱۲ محرم ۱۲۷۳ هـ در مدرسه صدر اصفهان اقامت داشته و بعد از آن به شهر خود همدان برگشته و در ۲۷ صفر سال ۱۳۰٤ هـ در این شهر وفات نموده و در مسجدی معروف به مسجد پیامبر (ص)که خود آنرا بنا نموده ،دفن شده است.

صدوقي سها، نام وي را به نقل از معارف الرجال (ج۳، ص ۵۰) در جرگهٔ شاگردان حکیم سبزواري، یاد نموده و چنین نوشته‌است :

«السيد موسي الهمداني الشهير بكلانتري (۱۲۳۷-۱۳۰٤هـ) له رسالة في الحكمة الاشراقية و تعليقة علي الاسفار علقها في سبزوار».

صدرالاسلام خويي نيز در مرآت الشرق وي را «الاديب الفاضل السيد موسي بن فضل‌الله بن هادي كلانتر الهمداني» معرفي نموده و مختصري از احوال او را ذكر كرده است. (خويی، بی تا:۹٦) كمالي فرزندي دانشمند

داشته به نـام سـيدمحمد، و پدر و پسر داراي بيش از بيست اثر علمي، و داراي كتابخانه‌اي معتبر بودند كه كتابخانه آن‌ها (با بيش از هشتاد جلد نسخه خطي و چند صد كتاب چاپي) توسط آقاي حاج سيد كاظم كمالي (نوه آقا سـيد مـوسي كمالي) در سال ۱۳۷۹ ، به كتابخانة آيت‌الله مرعشي اهدا گرديده است. (خويی، ۱۳۹۱ : ۱۳) .

فهرست تفصيلي نسخه‌هاي اين كتابخانه كه اغلب آن‌ها آثـار سيد مـوسي كمالي و فرزندش سيدمحمد مي‌باشد، در جلد چهلم، فهرست نسخه‌هاي خطي كتابخانة آيت‌الله مرعشي، به تازگي منتشر شـده است. بر اساس آن آثار آقا سيد موسي كمالي عبارت است از:

۱ . شـرح شـرايع الاسـلام، ١٤جلد؛

۲ . المسائل المستقصي فيه بالحجج و الدلائل، در اصول فقه، ١٤ جلد؛

۳ . تعليقه بر اسفار كه در سبزوار نوشته است همراه با حـاشيه اسـفار حكيم سبزواري ؛ نسخه ش ١٦٠١٠ كتابخانة مرعشي؛

٤ . رسالة عمليه در طهارت و صلاة، فارسي؛ نسخة ١٦٠٣٣ كتابخانة مـرعشي؛

٥ . مـناسك حـج كه در آخر آن به صورت كوتاه اسرار حج را در پنج صفحه بيان نموده است.

٦ . مجموعه‌اي داراي چند اثر از وي: الف) شرح دعاي جوشن كبير، ب) الحركة الجوهرية و فناء العالم الجسماني، ج) ترجمة شرح قصيده اليائيه ميرفندرسكي، د) الكلمات الفلسفية و العرفانية يا الكلمات الربوبية، و) لمعات، نسخة ش ١٦٠١٨ كتابخانه مرعشي؛

۷ . مجموعه چند رساله در صـلوة و مـعرفت نفس، فارسي .

۸ . اجازة سيد محمد جواد حسيني شيرازي كرماني و ملا محمدجعفر آباده‌اي و چهار اجازة ملا احمد كرماني به سيد موسي كمالي، در ضمن نسخة ش ١٦٠٣٩ كتابخانه مرعشي؛

۹ . استنساخ شرح منظومه حـكيم سـبزواري و رسالة بداء ملاصدرا، و ابطال الجبر و تفويض از محمد ابراهيم بن محمد علي و تحفة رضويه و ترجيع‌بند هاتف، در مشهد در رمضان سال ١٢٦٨ق (نسخه ش ١٦٠٠٤ كتابخانة مرعشي؛ در ۲۰۰ ص).

۱۰ . استنساخ حاشيه مبدأ و معاد حكيم سبزواري، كه نسخة آن در مـدرسه فـيضيه ش ١٩٦٠/١٢ نـگهداري

مي‌شود. (فهرست ج ۳، ص ١٥٦) .

سيد محمد كمالي (م ١٣٤٩هـ) فرزند سيد موسي كمالي نيز داراي آثاري است كه از جملة آن‌ها حاشيه شرح منظومه سبزواري در چهار جلد (نسخة ش ١٥٩٧٧ و ١٥٩٨٦ و ١٥٩٩٧ و ١٦٠١٧ كتابخانه مرعشي) و شرح كفاية الاصول آخوند خراساني در هفت جلد، حاشيه شوارق الالهام (نسخه ش ١٦٠١٢/٢ كتابخانه مرعشي) و كلمات و اشعار و منشآت (نسخه ش ١٦٠٢٤كتابخانه مرعشي) مي‌باشد .

۳-۱. گزارشی از رساله

رساله الكلمات الربوبية اثر گرانسنگ موسی بن فضل الله حسینی کلانتری همدانی یکی از رساله‌ها است که از مجموعه رسالات ایشان که این مجموعه در ٤١٢ صفحه نگارش شده و توسط آقای سید کاظم حسینی نوه ایشان به کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی اهدا شده است.

این مجموعه شامل ۱۷ رساله می باشد و رساله الکلمات صفحات ۳۲۲ تا ۳٤۳ آن را شامل می شود. اندازه جلد رساله ۱۷ در ۵/ ۲۲ سانتی متر می باشد و به خط شکسته نستعلیق نگارش شده است. تعداد سطر در هر صفحه به طور میانگین ۲۰ سطر می باشد. در ابتدای هر صفحه عبارتی دعایی موجود است به این وصف: «ربّ یسّر و لا تعسّر». رساله با حمد و ثنای الهی آغاز و با ابیاتی چند از مخزن الاسرار نظامی و در همدان به تاریخ جمادی الاول سال ۱۲۷۳ به پایان می رسد.

زبان متن عربی می باشد، اما نویسنده گاهی از اشعار شاعران عارف ایرانی به زبان فارسی نیز استفاده کرده است. از میان این شاعران می توان به عبدالرحمن جامی (۸۹۸ هـ)، ابوسعید ابوالخیر (٤٤٠ هـ)، مولانا (٦٧٢ هـ)، شاه نعمت الله ولی (٨٣٤ هـ)، شیخ محمود شبستری (٧٤٠ هـ)، خیام (٥١٧ هـ)، سعدی (٦٩٠ هـ)، بابا افضل کاشانی (٦٦٧ هـ) و نظامی (٦١٢ هـ) اشاره کرد. هم چنین اشعاری به زبان عربی منسوب به امام علی(ع) و امام سجاد (ع) در این رساله موجود است. نویسنده هم چنین از آیات و احادیثی چند در ضمن متن استفاده نموده است که برای نمونه به مواردی اشاره می شود: آیه ۲۹ سوره مبارکه ملک، سخن حضرت علی(ع) به کمیل، سخن امام حسین (ع) درباره میراث علم و... .

رساله، فهرست منابع ندارد. اما از میان منابعی که نویسنده از آن ها بهره برده، می‌توان به این موارد اشاره کرد: دیوان اشعار شعرای نام برده، الأمالی شیخ مفید، دیوان امیرالمومنین (ع)، حکمة الاشراق سهروردی، بحارالانوار، بصائر الدرجات، اثبات الهداة، اعیان الشیعه و... .

موضوع رساله همان‌طور که از نامش پیداست، بررسی و شرح اصطلاحات فلسفی و عرفانی است که نویسنده تا آن زمان آنها را نزد حکیم سبزواری و سایر اساتیدش تلمذ نموده است.

این اصطلاحات که در قالب کلمه از آن ها یاد شده، مشتمل بر ٦٧ کلمة است، این کلمات برخی تک واژه و برخی به صورت عبارتی می باشد. برخی از این اصطلاحات فلسفی و برخی از آن ها عرفانی است. بعضی از اصطلاحات عبارتی برگرفته از آیات قرآن و یا احادیث هستند.

٤-١. اشاره‌ای بر تک‌نسخه‌ای بودن

در کتابخانه‌های دیجیتال از جمله کتابخانه مرکزی دانشگاه فردوسی و بانک نسخ خطی آقابزرگ، نسخه‌ای از کلمات الربوبیة یافت نشد. اما بعضی دیگر از آثارِ موسی بن فضل الله در این کتابخانه‌های دیجیتال موجود است که در زیر به آن ها اشاره شده است.

در کنسرسیوم محتوای ملی مجموعه تفسیر قرآن، حاشیه بر بحث نسبت ارتفاع اعظم الجبال، رساله‌ای در طینت، شرح قصیده عینیه ابن سینا، حاشیه بر تحریر اقلیدس، رساله در تصوف، رساله در غنا و رساله در عرفان ایشان موجود بود.

در گنجینهٔ بازِ نسخه‌های خطی اسلامی و ایرانی آمده که شرح قصیده عینیه ابن سینا، رساله در تصوف و عرفان، حاشیه بر تحریر اصول اقلیدس، روية العين در علم فیزیک، نسبت ارتفاع اعظم الجبال در ریاضی و هندسه، طینت در روانشناسی، غنا در روانشناسی و فقه مذاهب، علم الاصول در روانشناسی و فقه مذاهب، فوائد و قواعد در فقه الاصول در اصول فقه و الأکرلثاوذوسیوس در ریاضیات و هندسه موسی بن فضل الله در کتابخانه حائری قم نگهداری می‌شود.

۵-۱. راهنمای نشانه‌گذاری متن و تغییرات صورت گرفته توسط مصحح

در تصحیح نسخه، به نکات و مواردی برخوردیم که در این مجال به آنها پرداخته‌ایم:

۱. متن اصلی فاقد هرگونه ارجاع و پاورقی است. دراین تصحیح که به شیوه قیاسی انجام شده، کلّیه پاورقی ها توسط مصحح به متن اضافه شده‌اند.

۲. در آغاز هر صفحه در نسخه اصلی عبارت دعایی «ربّ یسّر و لاتعسّر» موجود است که در تصحیح، این عبارت تنها در ابتدای صفحه اوّل ذکر گردیده و از آوردن آن در بقیه صفحات صرف نظر گردیده است.

۳. متن، فاقد هرگونه توضیح در پرانتز یا قلاب است و این موارد به منظور فهم بهتر برای مخاطبین گرامی، توسط مصحح به متن اضافه شده‌اند. به عنوان مثال: بعضی از کلمات در متن به صورت مخفف ذکر شده‌اند که در قلاب توسط مصحح توضیح داده شده است. مانند کلمه: "تع" : [تعالی].

٤. اصل نسخه، پاراگراف بندی مشخصی ندارد و در تصحیح، تلاش بر این بوده که با شروع هر اصطلاحی، بند جدید باز شود و اصطلاحات به عنوان مدخل در سرآغاز بند قرار گیرند.

۲. نگاه بر برخی اصطلاحات موجود در رساله

همانطور که پیش از این بیان شد، برای اینکه بتوانیم مکتب فلسفی سبزوار به رهبری حکیم حاج ملا هادی سبزواری را بهتر بشناسیم، باید به دقت به مطالعه آثار و احوال شاگردان ایشان بپردازیم و خط مشی شاگردان را از لحاظ همانندی به استاد بررسی نماییم.

در رساله الکلمات همدانی حدود ٦٧ اصطلاح با عنوان "کلمة" موجود است و ما در این مجال به بررسی ۸ اصطلاح از آن ها می‌پردازیم.

مضمون این اصطلاحات فلسفی و عرفانی است که گاه به صورت مفرد "کلمة فی القضاء" و گاهی به صورت عبارتی "کلمة فی کون القدرة تابعا للعلم" است. بعضی از این عبارات آیه قرآن "هو الاول و الاخر و الظاهر و الباطن" (حدید:۳) و برخی برگرفته از احادیث هستند: "من لم یعرف امام زمانه فقد مات میتة الجاهلیة" (کلینی، د.ت ، ۱۲/ ۳۹۲)

روش ما برای بررسی این اصطلاحات به صورت زیر بوده است: ابتدا تعریف اصطلاح در رساله الکلمات آورده شده و سپس این اصطلاح به شیوه معنوی ترجمه شده است. در شیوه معنوی، تلاش مترجم بیشتر بر رسانایی معنایی کلمات و جملات معطوف است و هدف، ادای بهتر مطالب برای مخاطبین می باشد.

۱-۲. کلمة فی القضاء:

« و هو عبارة عن نسبة فاعليّتة سبحانه مطابقاً لمقتضى العلم و العناية الى العالم الكبير من حيث شخصيّتها الوحدانيّة و مثله القدر فی تلک النّسبة لكن لا من تلک الحيثيّة بل مِن حيث تشريح اعضائه و اجزائه و تفصيل اركانه و ارواحه والجمهور يطلقون القضاء على العلم الكلّىّ الاجمالىّ والقدر على العلم التّفصيلىّ و ارید بالاوّل عن كون الحقّ سبحانه بداية منشاء لانكشاف جميع الاشياء لديه و بالعلم التّفصيلىّ الاعيان الخارجة والموجودات العينيّة و هو مشتمل على المراتب الاربع؛ الاوّل ما يعبر عنه بالقلم و النور و العقل فی الشريعة و يقول الكلّ عند العرفاء و بالعقول عند الحكماء؛ الثّانی اللوح المحفوظ و يعبر عنه بنفس الكلّ فی اصطلاح اصحاب التعريف وبالنّفوس الفلكيّة المجرّدة عند الفلاسفه؛ الثالث كتاب المحو والاثبات و هی عبارة عن النّفوس المنطبعة؛ الرابع الموجودات الخارجيّة من الاجرام العلويّة و السفليّة و الصّور الادراكيّة؛ و كلّ واحد من تلک المراتب عاليها مجمل بالنّسبة الى سافلها على الترتيب.» (حسینی همدانی، ۱۲۷۳ : ۳۲۰)

اصطلاح قضاء: قضاء فاعلیت خداوند سبحان به مقتضای علم و عنایت اوست از حیث وحدانیتش، قدر نیز همان است امّا بیشتر به جزییات و ارکان اشاره دارد. اصطلاح قضاء در بین عموم مردم به علم کلّی اجمالی و اصطلاح قدر به علم تفصیلی باری تعالی اشاره دارد. در قضاء منشاء انکشاف همه چیز نزد خداوند است و در علم تفصیلی (قدر) اعیان خارجی و موجودات عینی مطرح هستند که چهار مرتبه برایشان مطرح است: اوّل، آن است که از آن به قلم و نور و عقل در شریعت تعبیر می شود و عرفا به آن «کلّ» می‌گویند و نزد حکما به عقول مشهور است. دوم، لوح محفوظ که در اصطلاح اصحاب تعریف به نفس کلّی تعبیر می‌شود و نزد فلاسفه به نفوس فلکی مجرّد مشهور است. سوم، اصطلاح محو و اثبات که عبارت است از نفوس منطبعه، چهارم، موجودات خارجی از اجرام عالی و سافل و صور ادراکی، که در هرکدام از این مراتب مقام عالی آن نسبت به مقام سافل از اجمال بیشتری برخوردار است.

در منظومه حکیم سبزواری (شرح آیت الله خمینی (ره)) از قضاء به صور تجردی عقلانی و از قدر به صور مثالی تعبیر می شود: « قضا صور تجردی عقلانی قائم به عقل یا مثل افلاطونی، و قدر صور مثالی و مثل معلقه که در تجرد خالص نیستند یا صور مرتسمهٔ در نفوس منطبعهٔ جزئیهٔ فلکیه می‌باشد و این قدر علمی است و قدر عینی هم، کل ما فی العین کل فی مادته و زمانه و مکانه است و الحاصل قدر طبیعی، قدر عینی است. لیکن سید محقق داماد، در بیان قضا و قدر، چیزی فرموده که حق است و آن این است که نظام اتمّ و اکمل عالم من البدایة الی النهایة و تمام عالم از جهت «یلی الربّی» که فیض مقدّس و وجود منبسط است، قضای الهی است و از جهت «یلی الخلقی» که جهت ماهیتی و بروز و ظهور مجالی و حدودات و وجههٔ غیری است، قدر الهی است. (قبسات، د.ت: ٤١٧-٤١٨)» (خمینی، ۱۳۸۱ : ۲۸۵/۲)

۲-۲. کلمة الابداع:

«اخراج جوهر الذّات من متن العدم بلا سبق مادّة و مدّة لا سبق بالذّات و لا بالزّمان و لا بالدّهر و ذلک فی العقول.» (حسینی همدانی، ۱۲۷۳: ۳۲۰)

اصطلاح ابداع: خروج جوهر ذات از عدم بدون مسبوقیت به ماده و مدت و مسبوقیت ذاتی و زمانی و دهری، که آن در عقول است.

۲-۳. کلمة الاختراع:

«هو ذلک (الابداع) لکن مع سبق المادّة و ذلک فی الفلکیّات و البسایط الکلّیه من العناصر و الهیولی و الصّورة المطلقة. »(حسینی همدانی، ۱۲۷۳ : ۳۲۰)

اصطلاح اختراع: آن همان ابداع است ولی با مسبوقیت ماده، که آن در فلکیات و بسایط کلّی از عناصر و هیولی و صور مطلقه است.

٤-۲. کلمة التّکوین:

«اخراج الهویّات الحادثة الکونیّة الزّمانیّة مع سبقهما (مادّة و مدّة).» (حسینی همدانی، ۱۲۷۳: ۳۲۱)

اصطلاح تکوین: اخراج هویت های حادث شدنی زمانی با مسبوقیت هر دوی آن ها (ماده و مدت)

در شرح حکیم سبزواری بر شواهد ملاصدرا، درباره اصطلاح تکوین چنین آمده است: «و التّکوین إیجاده مسبوقا

بهما(مادّة و مدّة)» (صدرالدین شیرازی، حاشیه سبزواری، ۱۳۷۵ : ۲/ ٦۳۷)

«هو ما یتوقّف علی صلوح القابل» (صدر الدین شیرازی، حاشیه سبزواری، ۱۳٦۰ : ۱۷۹)

«التّکوین في مقام فاعلیّتها بالقصد الحرکات الاختیاریّة.» (صدر الدین شیرازی، حاشیه سبزواری، ۱۳٦۰ :۲/ ٤۲۳)

۲-۵. کلمة ظرف الزّمان:

«یسمّی بالدّور و ظرف الدّهر الّذی هو حاقّ الّتی المتی الخالی من الامتدادات و هو وعاء الجواهر الثّانیة یسمّی بالکور و ظرف السّرمد الّذی هو وعاء الصّفات الواجبیّة یسمّی الطّور.» (حسینی همدانی، ۱۲۷۳: ۳۲۳)

اصطلاح ظرف زمان: که «دور» نامیده می‌شود و ظرف دهری که خالی از امتدادات است و ظرف جواهر ثانیه است که «کور» نامیده می‌شود و ظرف سرمدی که ظرف صفات واجب تعالی است و طور نامیده می‌شود.

۲-٦. کلمة فی کون القدرة تابعا للعلم:

«لانّ القدرة لا تتعلّق ما هو غیر معلوم امکان وقوعه بخلاف العلم فبانّه یتعلّق بالمقدور و غیره بل یمکن ان یقال ان القدرة هو {هی} کالمرتبة الاخیرة من العلم.»(حسینی همدانی، ۱۲۷۳: ۳۲٤)

اصطلاح قدرت تابعی از علم می‌باشد: چرا که قدرت به آن چیزی که امکان وقوعش معلوم نیست تعلّق نمی گیرد، برخلاف علم که به امور مقدور و غیر آن تعلّق می گیرد. به همین خاطر هم ممکن است که بگویند قدرت آخرین مرتبه علم است.

۲-۷. کلمة «هو الاوّل و الاخر و الظّاهر و الباطن» (حدید:۳) :

«فاوّلیّته و باطنیّة تع [تعالی] بالنّسبة الی الاعیان الثّابتة و الاخریة و الظّاهریة بالنّسبة الی الموجودات الخارجیّة.» (حسینی همدانی، ۱۲۷۳: ۳۲٤)

اصطلاح او اوّل و آخر و ظاهر و باطن است: پس اوّلیت او و باطنیتش (تعالی) به نسبت به سمت اعیان ثابته است و آخریت و ظاهریتش به نسبت به سمت موجودات خارجی است.

۲-۸. کلمة من لم یعرف امام زمانه فقد مات میتة الجاهلیة (کلینی، د.ت : ۱۲/ ۳۹۲):

«النَّبِيُّ اوْلىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ » (احزاب: ٦) اقول بیانه اعلم انّ للوجود ثلث مراتب الاوّل الوجود المحض

الواجبی الثّانی الوجود المطلق الّذی یعبر عنه فی الشّرع بالمشیّة و الرّحمة الواسعة الثّالث الوجودات المقیّدة المتعیّنة و الاوّل بلا تشبیه کالماء المحض الخالی من جمیع التقیّدات و الثّانی کالبحر و الثالث کالحباب و الامام هو الوجود المطلق «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ» (انبیاء: ۱۰۷) مع ملاحظة الرّحمة الّتی وسعت کلّ شیء و لذا قالوا انّ امام جمیع المراتب و الوجودات المقیّدة فی التّوجه الی جانب کعبة الوجود المحض هو الصّاحب لمرتبة الوجود المطلق لما انّه لا یمکن وصول الحباب الی الماء المحض الخالی من جمیع انحاء التقیّدات و الاطلاقات الّا بعد الوصول الی البحر فالوجود المطلق عبارة عن الامام فلایمکن للوجودات المقیّدة العبور لمقام الوجود المحض الّا بعد العبور من مقام الاطلاق فمن لم یعرف امام زمانه و لم یعبر من مقام الاطلاق و لم یرتحل من دار الفناء الی دار البقاء کان میتة کالجاهل.» (حسینی همدانی، ۱۲۷۳: ۳۳۹)

۳. تاثیرپذیری *الکلمات الربوبیة* از *الکلمات المکنونة* فیض کاشانی:

۳-۱. ملا محسن فیض کاشانی:

«ملا محسن فیض کاشانی (۱۰۰۷-۱۰۹۱هـ) از عالمان بزرگ اسلامی قرن یازدهم است که از محضر دانشمندان برجسته‌ای چون حکیم ملاصدرای شیرازی و محدّث بحرانی معقول و منقول را فرا گرفت و خود با نبوغی فوق العاده و دانش فراوان در شاخه‌های علوم اسلامی جامعیت یافت و همین جامعیت او موجب گردید تا بتواند بین فلسفه و دین،علوم عقلی و شرعی هماهنگی و هم بستگی به وجود آورد و ده‌ها اثر گران سنگ در زمینه‌ی تفسیر،حدیث،کلام،عرفان و فلسفه و اخلاق تألیف نماید.» (فیض،۱۳۸٦ : ۷)

۳-۲. معرفی رساله *الکلمات المکنونة*

از این عالم گرانقدر حدود ۲۰۰ عنوان کتاب و رساله به یادگار مانده که یکی از آنها، رساله الکلمات المکنونة است.

این رساله در سال ۱۰۵۷ هـ.ق و در حدود یک صد کلمه در معارف اعتقادی و اخلاقی با دیدگاهی حِکمی و عرفانی نگاشته و در آن به مباحثی همچون هستی مطلق، اسماء و صفات حق‌تعالی، اعیان ثابته، چگونگی علم

خداوند، کیفیت خلق عالم، نفس آدمی، انسان کامل و دیگر مسائل حکمت اسلامی پرداخته شده است . مؤلف رحمه الله نام کتاب را در مقدّمه با عنوان «هذه کلمات مکنونة من علوم أهل الحکمة و المعرفة و أقوالهم» ذکر کرده است. (فیض، ١٣٨٦ : ١٢)

زبان اثر فارسی آمیخته به زبان عربی است و در آن از اشعار فارسی و عربی عارفانه به خصوص اشعار شاعرانی مانند : جامی و ابن عربی به وفور استفاده شده است. فیض در کنار اشاره به موضوعات عرفانی و مرتبط با اهل طریقت شاهد مثال‌هایی از آیات و احادیث نیز می‌آورند که مؤید این مضامین است. ایشان می‌فرمایند: «واستشهدت لأکثرها بالثقلین کتاب اللّه والعترة المصطفین لئلّا یظنّ به الجزاف والمین» (فیض،١٣٨٦ : ١٢)

همانطور که از نام این رساله پیداست هدف از نگارش آن پرده برداری از اسرار مکنون در موجودیت خلقت بوده است.

۱-۲-۳. شیوه تصحیح و تحقیق *الکلمات المکنونة*

«این کتاب از سه نسخه خطّی به شرح ذیل تصحیح و تحقیق شده است:

۱. نسخه خطّی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره «۲۲۳۳» با حرف اختصاری «دا» این نسخه به خط نسخ، در سده ۱۱ هـ کتابت شده، و حاشیه‌هایی با نشان «منه دام ظلّه»، «منه سلّمه اللّه تعالی» و «منه »دارد. وجود این حواشی حاکی از این است که نسخه در زمان حیات فیض رحمه الله کتابت شده است. متن نسخه خط خوردگی دارد و در حاشیه گویا به دستور خود فیض اصلاحاتی انجام شده است. و در صفحه عنوان مهر تملّك حسین بن عبدالغنی و احتشام الملك به تاریخ ۱۲۸۷ هـ دیده می‌شود. این نسخه دارای ۱۳۵ برگ و ۱۷ سطر می‌باشد.

۲. نسخه خطّی مرکز احیای میراث اسلامی به شماره «٦٥٨» با حرف اختصاری «الف»: این نسخه به خط نستعلیق در سده ۱۲ کتابت شده، نام کاتب و تاریخ کتابت محو شده و دارای ۱۲۱ برگ و ١٦ سطر می‌باشد.

۳. نسخه خطّی مدرسه عالی شهید مطهری به شماره «٦٥٤١» با حرف اختصاری «مط»: این نسخه به خط نسخ و تاریخ کتابت آن نامعلوم است و از ۱۲۹ برگ و ١٦ سطر تشکیل یافته، و دارای حواشی‌ای از «ملا خلیل» و «نوری» است که در پاورقی متن کتاب درج شده است.» (فیض کاشانی، ۱۳۸۷: ١٤)

۳-۳. وجوه شباهت و تفاوت رساله *الکلمات الربوبیة و الکلمات المکنونة*

آغاز و پایان هر دو رساله به حمد خداوند باریتعالی و مدح پیامبر (ص) و ائمه اطهار (علیهم السلام) مزین شده است. در هر دو رساله اشعار فارسی و عربی و آیات و روایات به وفور استفاده شده و شروع هر قسمت با عبارات «کلمه فیها» و «کلمه بها» از قسمت های دیگر متمایز است. موضوع هر دو رساله فلسفی و عرفانی است. متن اصلی در الکلمات الربوبیة عربی و در الکلمات المکنونة فارسی-عربی است.

نتیجه‌گیری

بررسی آثار خطی به خصوص در حیطه اصطلاح شناسی و کتب مرجع می‌تواند در بسط و گسترش علوم کمک شایانی کند.

از میان شاگردان حکیم سبزواری، موسی بن فضل الله کلانتری همدانی توانسته نزدیک به ۲۰ اثر را به رشته تحریر درآورد.

رساله الکلمات که در این تحقیق به تصحیح آن پرداخته شد، از مجموعه رسالات ایشان که به صورت نسخه خطی در بخش مخطوطات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی نگهداری می شد، تهیه گردید و در مطالعه‌ای که بر روی آن صورت گرفت، معلوم شد هدف همدانی از نگارش آن گسترش آثار فلسفه و عرفان اسلامی در حیطه حکمت متعالیه بوده است. رساله الکلمات در واقع یک دایرة المعارف فلسفی عرفانی است که هر اصطلاح را با عنوان "کلمة" به صورت تک‌واژه‌ای یا عبارتی مورد بحث و بررسی قرار می دهد و در این راه و به منظور جذب مخاطبین از اشعار فارسی و عربی به وفور در آن استفاده می نماید.

در مطالعه تطبیقی که بین کتاب الکلمات الربوبیة و الکلمات المکنونة فیض کاشانی انجام گرفت، مشخص گردید که جناب همدانی تاثیرات فراوانی را در حیطه نگارش از جناب فیض داشته است.

پیشنهادات

۱) بررسی و احیاء نسخ خطی به خصوص در حیطه اصطلاح‌شناسی و کتب مرجع به دلیل اهمیت فراوان در

بسط و گسترش علوم مختلف، به جویندگان علم و دانش توصیه می شود.

۲) نظر به اینکه برای شناخت بهتر و بیشتر مکتب فلسفی سبزوار، شناخت بیشتری از آثار و احوال شاگردان حکیم حاج ملا هادی سبزواری نیاز است، به جویندگان علم و فلسفه توصیه می گردد که به بررسی آن دسته شاگردانی که آثار و احوالشان به فراموشی سپرده و کمتر درباره آن ها کار شده است، بپردازند.

۳) آثار الهیاتی جناب موسی بن فضل الله کلانتری همدانی بالغ بر ۲۰ اثر گرانقدر است و بررسی و مطالعه آن به عزیزان علاقه مند توصیه می شود.[٤]

منابع

- ***قرآن کریم.***
- جهانبخش، جویا (۱۳۹۰). ***راهنمای تصحیح متون.*** تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- همدانی، موسی بن فضل الله (۱۲۷۳)، ***مجموع رسایل.*** رسالة الکلمات الرّبوبیّة. نسخه خطی. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی. شماره ثبت: ۱٦۰۱۸
- سبزواری، هادی بن مهدی (۱۳٦۹)، ***شرح المنظومه.*** تعلیقات: حسن حسن زاده آملی. تحقیق: مسعود طالبی. تهران: نشر ناب. جلد پنجم.
- صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳٦۰). ***الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة.*** محشی: هادی بن مهدی سبزواری. مصحح: جلال الدین آشتیانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم(۱۳۷۵)، ***الشواهد الربوبیه فی مناهج السلوکیه.*** تصحیح سید جلال الدین آشتیانی. حاشیه نویسی حاج ملاهادی سبزواری.
- فیض، علیرضا (۱۳۸٤ هـ ش). ***شرح آثار و احوال فیض کاشانی.*** نشریه رهنمون، شماره ۲۳ و ۲٤

۱)لازم به یادآوری است که نسخه کامل تصحیح شده رساله الکلمات جناب همدانی، در پایان‌نامه نگارنده و به همین عنوان در سامانه ایرانداک قابل دسترسی است.

- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۳۸٦). ***الکلمات المکنونة (چاپ کنگره فیض)***. مصحح: علیرضا اصغری. تهران: مدرسه عالی شهید مطهری
- کلینی، محمد بن یعقوب (د.ت). ***شرح الکافی***. شارح: محمد صالح بن احمد مازندرانی. حاشیه: ابوالحسن شعرانی. تصحیح: علی اکبر غفاری. تهران: انتشارات المکتبة الاسلامیة للنشر و التوزیع. ج: ۱۲.
- مایل هروی، نجیب (۱۳٦۹). ***نقد و تصحیح متون (مراحل نسخه شناسی و شیوه های تصحیح نسخه های خطی فارسی)***. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مرعشی نجفی، سید محمود (۱۳۷۹). ***دو کتابخانه نفیس شخصی***. مجله میراث شهاب، شماره ۲۱.

ضمیمه مقاله: تصاویری از اصل نسخه خطی:

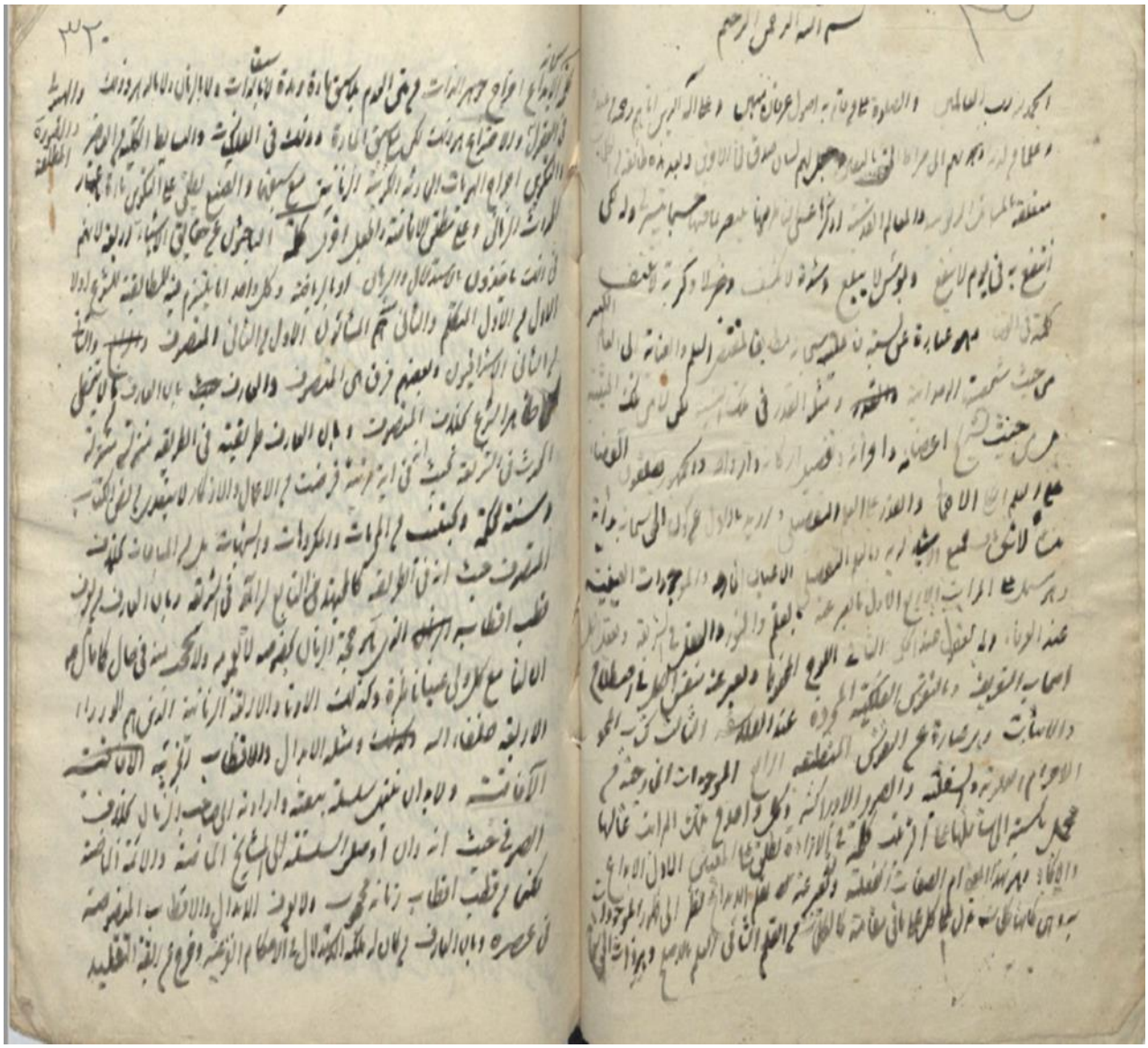

تصویر ۱: صفحه آغازین رساله

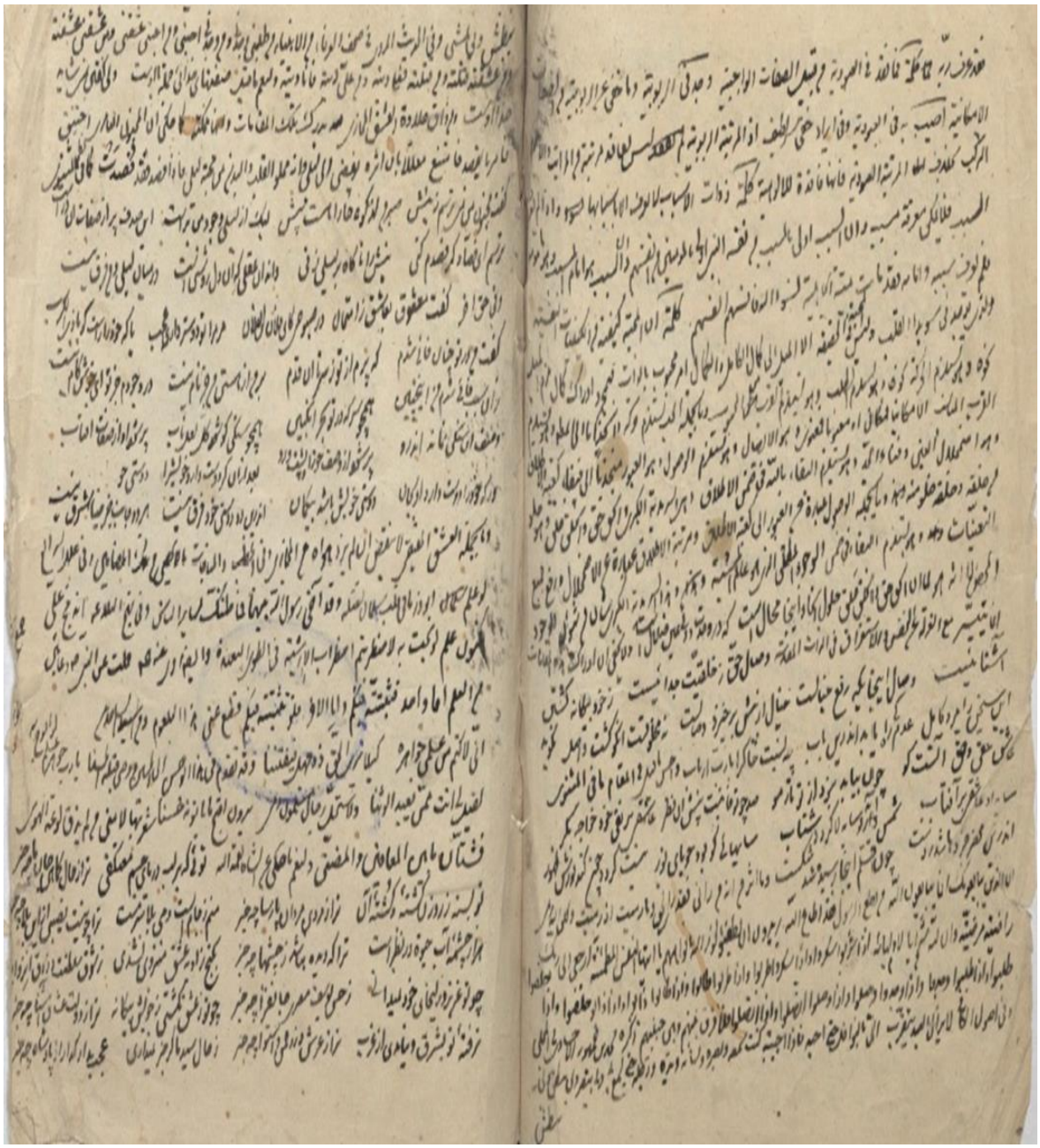

تصویر ۲: استفاده از اشعار فارسی و عربی در متن رساله

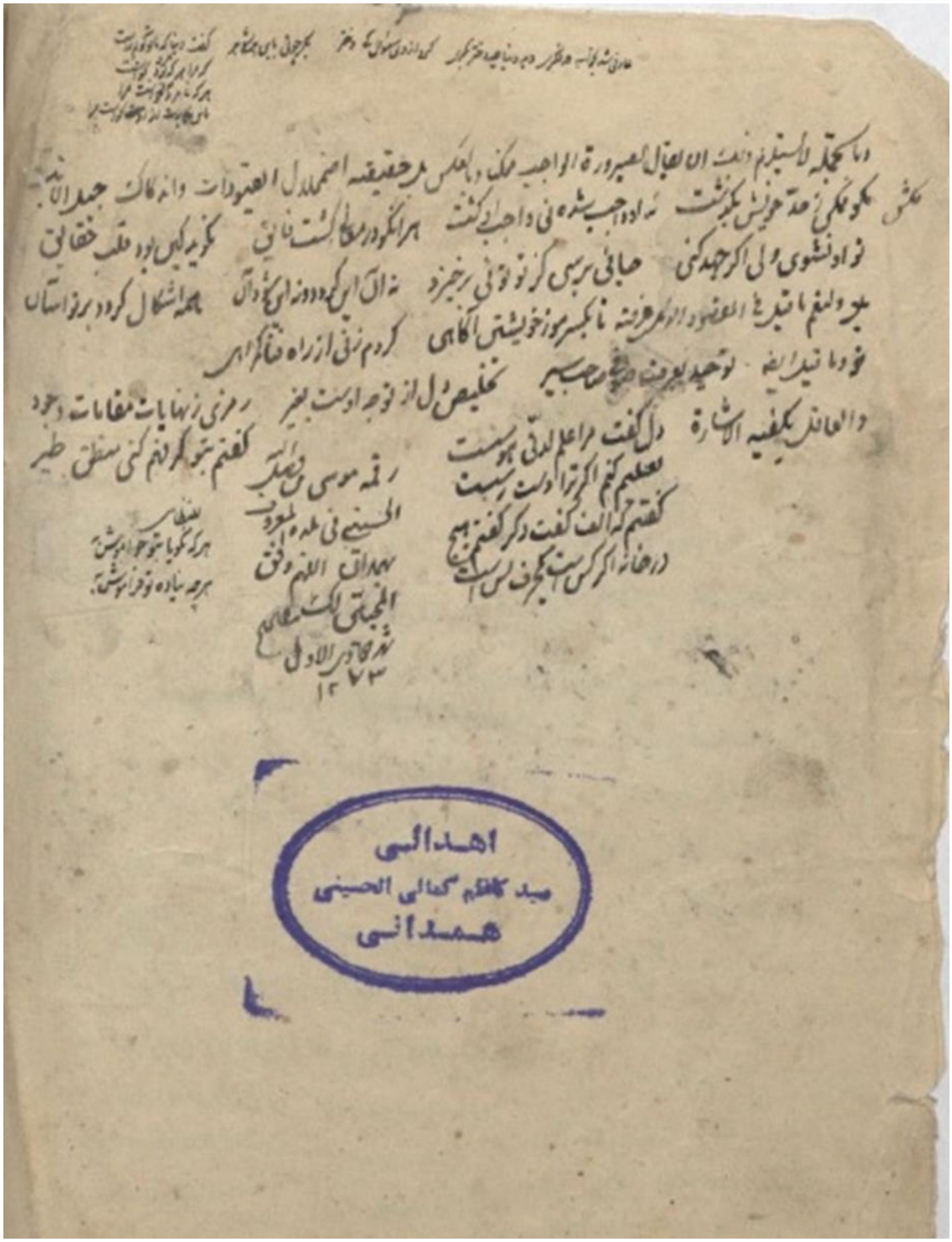

تصویر ۳: صفحه پایانی که تاریخ اتمام نگارش و مهر اهدایی در آن مشخص است.

مجموعه مقالات علمی نخستین همایش ملّی تحقیق و تصحیح نسخه های خطی ایران
انجمن علمی تحقیق و تصحیح نسخه های خطی ایران کد اختصاصی ISC: ۰۱۲۲۰-۷۶۳۳۳
اخبار و گزارشها | مقالات علمی | مطالعات علمی

لزوم آشنایی با تصحیح و تحقیق نسخه‌های خطّی قرآنی و حدیثی و منابع و روش‌های آن

فرزین حبیب زاده[۱] معصومه سعیدی[۲]

چکیده

وجود نسخه‌های خطّی فراوان در علوم اسلامی و مطالعات قرآنی، گنجینه‌ای غنی از علوم ناب و دست‌نخورده‌ای را در این زمینه‌ها فراهم کرده است که نمایانگر هویت ملّی و دینی و میراث فرهنگی هر جامعه به شمار می‌رود. احیاء و بازیابی متون خطّی و آثار گذشتگان که در علوم مختلف اسلامی و قرآنی به یادگار مانده، از امور علمی و پژوهشی مهم است که اغلب بر پایهٔ نقد، تحقیق و ترجمه بنیان نهاده می‌شود، تا ارزش علمی و اعتبار آن‌ها مورد قضاوت قرار گیرد. در پژوهش حاضر که با هدف آشناساختن پژوهشگر علوم دینی با امر تصحیح و تحقیق متون خطّی و منابع و روش‌های تصحیح به نگارش درآمده، ضرورت و لزوم توجه به تصحیح و تحقیق نسخه‌های خطّی قرآنی و حدیثی با روش توصیفی ـ تحلیلی مورد واکاوی و مطالعه قرارگرفته است و از این پژوهش این نتیجه حاصل شد که احیاء و انتشار شایستهٔ نسخه‌های خطّی در موضوعات قرآنی و حدیثی امری بایسته و ضروری است و پژوهشگران و دانش‌آموختگان رشته‌های مطالعات دینی و الهیات به ویژه گرایش‌های قرآنی و حدیثی، لازم است ضمن آشنایی با نسخه‌پژوهی متون دینی، قواعد و فنون نسخه‌شناسی، شیوه‌های تصحیح، مقدمه‌نویسی و نقد و ترجمه این آثار، فرصتی از مطالعات و پژوهش‌های علمی خود را به شناسایی، تصحیح و احیاء آثار و متون خطّی مرتبط با قرآن و حدیث که میراث فرهنگی و هویت ایرانی ـ اسلامی آن‌ها به شمار می‌روند، اختصاص دهند.

واژگان کلیدی: نسخه‌های خطّی، تصحیح متون، منابع تصحیح، روش‌های تصحیح، علوم قرآنی و حدیثی.

درآمد

[۱]. دانش‌آموختهٔ کارشناسی‌ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران f.habibzadeh@alumni.ut.ac.ir
[۲]. پژوهشگر الهیات masoomehsaeedi۵۲@gmail.com

از آنجا که شناسایی آثار کهن، تصحیح و تحقیق علمی و نهایتاً عرضهٔ مناسب آن‌ها در هر زمانی، از ضرورت‌های علمی فرهنگی به شمار می‌رود، لازم است انگیزه‌ای ایجاد شود تا دانشجویان و پژوهشگران، به سراغ تصحیح و انتشار آثار ارزشمند خطی بزرگان تاریخ تفکر رفته و حفظ و احیاء میراث فرهنگی این مرز و بوم را در اولویت‌های علمی قرار دهند. این امر موجب می‌شود، غبار مهجوریتی که بر این گنجینه‌های ارزشمند نشسته، زدوده شوند. به زعم نسخه‌پژوهان و فهرست‌نویسان متون خطی، بسیاری از نسخه‌های خطی در کتابخانه‌های ایران و جهان وجود دارد که در معرض خطر نابودی هستند و سامان‌دادن و انتشار این آثار که نمایانگر تاریخ علم و تکامل علوم مختلف در دوره‌های زمانی یک ملت است، نیازمند نیروی انسانی کارآزموده در این زمینهٔ علمی است.

پژوهشگران و فارغ‌التحصیلانی که در حوزه‌های مطالعات قرآنی و حدیثی پژوهش می‌کنند همچنین دانشجویانی که در رشته‌های مرتبط با این حوزه‌ها مشغول به تحصیل هستند، ضرورت دارد که آموزش‌های لازم در زمینه‌های نسخه‌شناسی متون کهن قرآنی و حدیثی را دیده و نسبت به تصحیح و تحقیق این آثار که سرمایه و پشتوانه فرهنگی ملی است، اقدام کنند. با تدوین برنامه‌های آموزشی جدید و برگزاری کلاس‌های نظری و کارگاه‌های عملی در زمینهٔ نسخه‌شناسی، باید انگیزه‌ای ایجاد شود که دانشجویان و پژوهشگران آینده، برای پایان‌نامه‌ها و رساله‌های خود به سراغ تصحیح و انتشار آثار ارزشمند خطی بروند و بخش عظیمی از میراث فرهنگی این مرز و بوم را بشناسند و بشناسانند. جامعهٔ علمی امیدوار است که با آموزش کارشناسان و متخصصان در این حوزه، برنامه‌ریزی برای تأمین و توسعه منابع انسانی مورد نیاز حوزه‌های مختلف امور قرآنی که از مصوّبات منشور توسعه فرهنگ قرآنی است انجام شود و نیروی انسانی متخصص و خبره، در داخل و خارج از ایران، پژوهش‌های سودمند و راهبردی را دستور کار خود قرار دهند. (شورای عالی انقلاب فرهنگی، منشور توسعه فرهنگ قرآنی، ۱۳۸۸: ۹)

در میان واحدهای درسی مختلف در رشتهٔ علوم قرآن و حدیث که ذیل دو عنوان اصلی قرآن و حدیث به تصویب رسیده، از همان آغاز تأسیس و شکل‌گیری این رشته، جای خالی واحد درسی علمی، تحقیقی و نقدمحوری با عنوان «بررسی، نقد و تصحیح متون خطّی کهن» در مقاطع تحصیلات تکمیلی این رشته ، همچنان احساس می‌شود. این موضوع در سال‌های اخیر که روند پیشرفت روزافزون مطالعات قرآنی و حدیثی سرعت پیدا کرده و بسیاری از دیدگاه-ها و نظریات در این حوزه به صورت ناتمام مانده و نیاز به بازبینی و بازخوانی دارد، از جملهٔ کاستی‌ها و آسیب‌های

این گرایش دانشگاهی در تدوین برنامه‌های درسی به شمار می‌رود.

عدم توجه به موضوع اخیر در شرایطی گریبان‌گیر این رشتهٔ تحصیلی است که از یک طرف، منابع موجود، دیگر نیازهای علمی دانشجویان و محققان را آن‌چنان که باید تأمین نمی‌کنند و از طرف دیگر، مطالبی که عرضه می‌شوند، اغلب تکراری، ناکارآمد و از جنبه‌های تحقیقی و نقادانه خالی هستند و دانشجو را به کاوش و پژوهش وانمی‌دارند. از آن‌جا که از دیرباز، کتاب‌ها و رساله‌های متعددی در موضوع قرآن و حدیث به نگارش درآمده و بعضاً علوم جدیدی در آن‌ها یافت می‌شود و این آثار، امروزه می‌توانند منابع این رشتهٔ تحصیلی را تأمین کنند، ضرورت احیای این متون بیشتر احساس می‌شود. افزون بر این، تصحیح و انتشار نوشته‌های پیشینیان و تحقیق در این آثار که در قالب نسخ خطی به یادگار مانده‌اند، در موارد بسیاری، بر وسعت دامنهٔ دانش‌های قرآنی و حدیثی می‌افزایند و تا حدودی در روشن‌ساختن و شناساندن زمان تدوین تاریخ علم این دانش‌ها در قرون مختلف، یاری‌رسان پژوهشگر است. این موارد، نقش مهمی در نمایاندن دوره‌های شکوفایی و رکود این دانش‌های گوناگون دارد.

بنابراین با توجه به اهمیت تصحیح و انتشار نسخه‌های خطی که از آن‌ها با عنوان پیشینه و تاریخ علم در فرهنگ و تمدن ایران و اسلام یاد می‌کنند، لازم است با تهیه و تدوین سرفصل‌هایی متناسب، در کنار آموزش مباحث قرآنی و حدیثی، منابع اصلی موجود در اصول و مبانی نسخه‌شناسی و روش تصحیح و تحقیق نسخه‌های خطی و متون کهن در حوزهٔ قرآن و حدیث مورد مطالعه و آموزش قرارگیرد. در این میان، آشنایی با اصول و فنون نسخه‌پژوهی، روش‌های تصحیح، نقد و ترجمهٔ متون و نیز مقدمه‌نویسی برای متون مصحَّح، از نخستین گام‌ها برای ورود به وادی متون خطی و تصحیح و انتشار آن‌هاست.

در مقالهٔ پیشِ رو، ضمن بیان ضرورت توجه به امر تصحیح و تحقیق نسخه‌های خطی و متون کهن قرآنی و حدیثی و آشنایی با منابع این حوزه و انواع روش‌های تصحیح، مباحثی تحت این عناوین مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است: ۱) برخی اقدامات مهم پیش از تصحیح و تحقیق نسخه‌های خطّی؛ ۲) دلایل لزوم آشنایی با تصحیح و تحقیق متون خطّی در حوزهٔ قرآن و حدیث؛ ۳) عناوین و موضوعات مهم در آموزش تصحیح متون خطّی قرآنی و حدیثی؛ ٤) برخی منابع علمی در زمینهٔ نسخه‌پژوهی و روش‌های تصحیح نسخ خطّی.

۱) برخی اقدامات مهم پیش از تصحیح و تحقیق نسخه‌های خطی

پیش از هر چیز برای آغاز کار تصحیح یا نقد متون مصحَّح،[۱] لازم است پژوهشگر یا دانشجو، چند متن موفق که به شیوهٔ علمی و انتقادی[۲] تصحیح شده‌اند را از جنبه‌های مختلف مطالعه کرده، مورد ارزیابی قرار دهند و این متون را الگو و سرمشق خود برای این زمینهٔ پژوهشی قرار دهند. در این صورت است که بهتر و واقع‌بینانه‌تر می‌توانند با شیوه‌های صحیح مقدمه‌نوشتن، طریقهٔ توضیح یا تعلیقه‌نوشتن، دست‌یافتن به نسخهٔ اساس[۳] و نسخه‌بدل‌ها، نحوهٔ مقابله نسخ با یکدیگر، یافتن اغلاط و اسقاطات متن، تغییرات،[۳] تحریف‌ها و تصحیف‌ها،[۴] پاورقی‌ها، فهرست‌های راهنما،[۴] شیوه‌های تصحیح و مواردی از این قبیل، آشنایی پیدا کنند و از این نمونه‌ها در عمل به نحوی نیکوتر و صحیح‌تر بهره ببرند. یک مسئلهٔ مهم این است که نسخه‌های خطی چون از روزگاران گذشته به جای مانده‌اند، قسمت‌هایی از آن‌ها پاره شده یا ناخوانا است، یا کاتب دقت خاصی در نوشتهٔ خود نداشته است، در نتیجه باید نسخه‌ها را منقّح نمود و سپس به چاپ آن اقدام کرد. (ر.ک. رنجبر، ۱۳۷۷: ۱۳۵)

به باور محققان حوزهٔ تصحیح متون خطی اسلامی، آشنایی با قرآن و دیگر آموزه‌های اسلامی، نقش اساسی و مهمی در تصحیح متون خطی دارند و توجه به این مقوله بسیار حائز اهمیت است. بدیهی است که دانشجویان رشته‌های مطالعات دینی از جمله علوم قرآن و حدیث که از امتیاز آشنایی کافی با قرآن و متون حدیثی برخوردار هستند، یک گام به هدف تصحیح علمی و شایسته، نزدیک‌تر هستند و می‌توانند عملکرد بهتری در انتشار و احیای این مکتوبات گران‌سنگ داشته باشند.

در تصحیح متون علمی، لازم است مصحّح به دانش‌های مرتبط با نسخهٔ موردنظر احاطهٔ کافی داشته باشد.[۵] استاد جلال‌الدین همایی در مقدمهٔ کتاب التفهیم می‌نویسند: «پیداست که برای تصحیح و توضیح عبارات و مطالب این کتاب... سابقهٔ ممتد تحصیلی و مقدمهٔ احاطهٔ علمی به مسائل ریاضی، هندسه، حساب، حساب، جبر، مقابله، هیئت، نجوم و اسطرلاب را که در مقالات و ابواب و فصول این کتاب مندرج است، نیز لازم داشت. چراکه اصلاح و

---

[۳]. برای توضیح بیشتر دربارهٔ نسخه اساس یا اصلی ر.ک. بینش، ۱۳۵۴: شمارهٔ ۱۱۶، ۵۷۲ـ۵۷۶.

[۴]. در مورد فهرست‌های مذکور و انواع آن، ر.ک. مصطفی جواد، ۱۳۷۷: ۱۰۴ و نیز ر.ک. مایل هروی، ۱۳۷۹: ۵۰۴ـ۵۱۰؛ بینش، ۱۳۵۴: شمارهٔ ۱۱۶، ۵۶۹ـ۵۷۱؛ جهانبخش، ۱۳۹۰: ۷۱ـ۷۶.

شرح مطالب کتب علمی که از قبیل کتاب التفهیم باشد، بدون مقدمهٔ خبرت و اهلیت و سابقهٔ تحصیلی امکان‌پذیر نیست.» (بیرونی، ص۷ به نقل از ستوده، ۱۳۸٦: ٤۳۳) مؤلف کتاب راهنمای تصحیح متون نیز در مورد ویژگی مصحِّح آورده‌اند: «مصحّح اهلیّتمند در تصحیح متن، باید با منطق زبانی ـ بیانی، موضوعی، فکری و هنری حاکم بر متن آشنا باشد و این آشنایی را دخالت دهد» (جهانبخش، ۱۳۸۷: ۲٦)

مصطفی جواد در مقالهٔ «فن تصحیح متون»، دربارهٔ صفات علمی و فنی مصحّح می‌نویسد: «مصحّحان کتب به حسب موضوعات علومی که در آن تحقیق می‌کنند، متفاوت‌اند. مصحّحی که دربارهٔ یکی از علوم یا رشته‌ای از فنون ادبی تحقیق می‌کند باید به جز دانستن زبان عربی، عالم بدان رشته و آگاه از مصطلحات آن باشد. از انواع کتابت و تاریخ تطوّر آن در دوره‌های مختلف مطّلع باشد.» این نویسنده، به عنوان نمونه در مورد محققی که بر آن است کتاب لغویِ چاپ‌نشده‌ای را منتشر کند به این مطلب اشاره می‌کند که باید اولاً شروط عمومی نشر علمی را رعایت کند؛ و بعد به پژوهش دربارهٔ زبان علاقه‌مند باشد؛ حافظ بسیاری از مفردات باشد؛ به شکل‌های تصحیفات به طور کلی آگاه باشد و خصوصاً تصحیفات کلمات را بشناسد...» (مصطفی جواد، ۱۳۷۷: ۱۰۰)

زرین‌کوب ضمن بحث از نحوهٔ تهیه و ترسیم نسب‌نامه و شجرةالنسب نُسَخ، دربارهٔ یکی دیگر از ویژگی‌های مصحّح می‌نویسد: «این مرحلهٔ تصحیح [ترسیم شجرةالنسب نسخ] که مشکل‌ترین و دقیق‌ترین مراحل نقد متون است، گذشته از دقت ریاضی، ذوق سلیم و سلیقهٔ مستقیم لازم دارد و مخصوصاً همین‌جاست که تا منتقد محقق در مطالب و مسائل علمی و فنی مندرج در مطاوی کتاب کاملاً وارد نباشد نمی‌تواند برای آن‌چه مشکوک و مردّد است و غلط و نارواست، صورتی صحیح و مناسب نزدیک بدانچه موردنظر مؤلّف و مصنّف بوده است بیابد.» (زرین‌کوب، ۱۳۳٦: ٦/٢٦٤)

دکتر سمیعی نیز دانش‌های فراوانی را نام می‌برند که مصحِّح متون خطی مصحَّح، ناگزیر از دانستن و به کارگرفتن آن‌ها در امر تصحیح متون است. به اعتقاد ایشان، «تصحیح متون به پایه و مایه نیاز دارد، از تبحّر در لغت و علوم ادبی و سابقهٔ تتبع در منابع و آشنایی با سبک‌ها و مکاتب و تحول ساختمانی زبانی و آگاهی از تأثیر گویش‌ها و لهجه‌ها و هم زبان‌های بیگانه و فرهنگ رسمی و مردمی عصر و انس با عربیّت و الفت با قرآن و علوم قرآنی و تخصص در فنی که متن در حوزهٔ آن است گرفته تا علم به سیر تطوّر خط و کتابت و هنر خوشنویسی، و همراه همهٔ اینها دقت

و وجدان علمی و قوهٔ تمییز و استعداد تفرّس و سرانجام شمّ و ذوق زبانی.» (سمیعی، ۱۳٦۱: ٤٨) البته این نویسنده، این مطلب را یادآوری کرده که بندرت پیش می‌آید که همهٔ این مهارت‌ها و دانش‌ها و مواهب در فردی فراهم آید، از این‌رو در تصحیح متون، توجه به کار گروهی ضرورت دارد. (ر.ک. همان: ٤٨) مؤلف کتاب راهنمای تصحیح متون، سه عنصر اصلیِ دخیل در فرآیندِ تصحیح متن را عبارت می‌داند از موادّ و منبع، شایستگی و اهلیّت مصحّح (منتقد) و شیوه و روش استدلالی کار، که تفکیک‌شدگی جدائیِ این عناصر، تنها در حوزهٔ نظری تصحیح، قابل تصوّر است؛ وگرنه در مسیر عمل، در رابطه‌ای تنگاتنگ و پیچیده مشاهده خواهند شد. (ر.ک. جهانبخش، ۱۳۹۰: ١٤)

مسئلهٔ مهم دیگری که لازم است در تصحیح متن و رفع مشکلات محتوایی و ساختاری متن به آن توجه شود، آشنایی و اطلاع از متون و منابع نوشته‌شده در موضوع همان کتاب و در فاصلهٔ زمانی نزدیک به آن است. تقی بینش توجه به این مسئله را یکی از راه‌های حل مشکلات متن می‌داند و می‌نویسد: «مطلب مهم دیگر، کتاب‌شناسی است، زیرا بنا به قاعدهٔ «یفسر بعضهم» متون و کتب مفسر یکدیگر هستند و می‌توان مشکلات آن‌ها را از روی هم حل کرد... استفاده از کتاب‌شناسی در تصحیح متون به این شکل است که باید دید چه کتاب‌هایی با متن موردنظر رابطهٔ نزدیک دارد و از این کتاب‌ها در جای خود استفاده کرد.»[٥] (بینش، ۱۳٥٤: ۱۱٥ / ٤۰۷)

نسخه‌یابی صحیح؛[٦] اولین و مهم‌ترین مرحلهٔ تصحیح نسخ خطی[۷]

برای دسترسی به نسخه‌های موجود در مراکز و کتابخانه‌ها و جمع‌آوری اطلاعات در مورد ویژگی‌هایی محتوایی و ساختاری نسخه‌ها و همچنین نسخه بدل‌ها، لازم است به فهرست‌های منتشرشده در این زمینه مراجعه کرد.[۸] به گفتهٔ یکی از محققان، «برای جستجوی کامل از مخطوطات و نسخه‌های موجود از آن، رجوع به فهارس چاپ‌شده کافی نیست، بلکه باید به کسانی که آشنایی با کتابخانه‌های خصوصی دارند، رجوع شود، چه کتابخانه متعلّق به خودشان باشد یا به دیگری. مخطوطاتی در این خزائن هست که کسی از آن‌ها آگاهی ندارد و در فهرستی هم ثبت

[٥]. برای مشاهدهٔ نمونه‌هایی از حل مشکلات متن به وسیلهٔ منابع و کتب دیگر؛ ر.ک. بینش، ۱۳۵۴: شمارهٔ ۱۱٥، ص۴۰۷ـ۴۰۹.

نشده است.» (مصطفی جواد، ۱۳۷۷: ص۹۹)

انتخاب و اطلاع از نسخه‌های خطی، مانند انتخاب موضوع برای یک کار علمی و تحقیقی، یکی از مراحل مهم در تصحیح و انتشار نسخه‌های خطی به شمار می‌رود. برای این‌کار، باید به فهرست‌هایی که توسط مراکز مختلف، از جمله کتابخانه‌ها، دانشگاه‌ها و... در قالب کتاب منتشر شده‌اند، مراجعه کرد. فهرست نسخ خطی سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی در ۳۸ مجلد[۶] و فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی در ٥٤ جلد،[۷] از مهم‌ترین آن‌ها در ایران است. علاوه بر این‌ها، فهرستگان نسخ خطی ایران (فنخا)، توسط مصطفی درایتی، زیر نظر سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی جمهوری اسلامی ایران تدوین شده و ۳۰۰ هزار نسخه از نسخ خطی موجود در کتابخانه‌های ایران را که مربوط به سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۹۰ است دربرگرفته و در این اثر معرفی شده است. فهرستوارهٔ دست‌نوشت‌های ایران (دنا) نیز به کوشش مصطفی درایتی در دوازده جلد تدوین شده است و انتشارات کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی آن را منتشر کرده است.

به اعتقاد یکی از محققان، برای شناختن نسخه‌های خطی و کسب اطلاع از محل نگهداری آن‌ها و تعداد نسخ موجود، بهترین وسیله، فهرست کتب خطی فارسی، تألیف احمد منزوی، و فهرست‌های تهیه شده توسط محقق ارجمند استاد محمدتقی دانش‌پژوه و سایر فهرست‌های موجود از جمله فهرست نسخ خطی استوری است. (ر.ک. ستوده، ۱۳۸٦: ٤٤٤) غلامرضا ستوده، فهرست کتب خطی احمد منزوی را که در دو بخش کتابشناسی و نسخه‌شناسی است، کاری متفاوت با دیگر فهرست‌ها دانسته و امتیازات بی‌شماری برای آن برشمرده است. فهرست نسخه‌های خطی منزوی در ٦ جلد و هفت مجلد چاپ شده است که جلد یکم این فهرست، شامل تفسیر، قرائت قرآن و دربارهٔ قرآن و موضوعات دیگر است و در سال ۱۳٤۸ منتشر شده است. (ر.ک. همان: ۱۹۱و۱۹۲)

محمدتقی دانش‌پژوه نیز یکی از افرادی است که در زمینهٔ کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی خدمات بسیار ارزنده‌ای انجام داده است.[۹] جهانی‌بودن خدمات دانش‌پژوه یکی از ممیّزات برجستهٔ زندگی علمی اوست. فهرست‌هایی که

---

[۶]. انتشارات سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی جمهوری اسلامی ایران.

[۷]. انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

دانش‌پژوه از نسخه‌های خطی و میکروفیلم‌ها منتشر کرده‌است، مرجع مسلم در تحقیقات اسلامی و ایرانی به شمار می‌رود و از جهت احتوای بر معرفی تعداد زیادی از نسخ خطی و مخصوصاً نسخ ناشناخته، مکمل فهرست‌های دیگر است. (ر.ک. ستوده، ۱۳۸٦: ۱۹۵ـ۱۹۷) دانش‌پژوه مجموعه‌ای از فهارس مربوط به بیست و پنج کتابخانهٔ ایران و چهل و چند کتاب‌های ممالک دیگر (آمریکا، شوروی، هندوستان، پاکستان، افغانستان، ترکیه، فرانسه، انگلیس، هلند، عربستان سعودی) و ده مجموعهٔ خصوصی مهم را تألیف و نشر کرده است؛ به نحوی که این فهارس معرّف حدود پنجاه هزار نسخهٔ خطّی است. (همان‌جا)

علاوه بر مراکز مهمی که گنجینهٔ ارزشمند نسخه‌های خطی دارند و فهرست‌هایی از این آثار را در اختیار علاقه-مندان قرار داده‌اند، کتابخانه‌ها و مراکز دیگری مثل کتابخانهٔ ملی ملک، کتابخانه آستان مقدس حضرت معصومه (س)، کتابخانهٔ امیرالمؤمنین نجف (علامه امینی)، کتابخانهٔ عمومی آیت‌الله گلپایگانی، کتابخانهٔ مروی، کتابخانهٔ مسجد اعظم قم، کتابخانهٔ مبارکه فیضیه قم، کتابخانهٔ وزیری یزد، کتابخانهٔ سپهسالار، کتابخانهٔ اهدایی سید محمد مشکاة و... نیز، نسخه‌های خطی موجود را فهرست نموده و به چاپ رسانده‌اند. (ر.ک. فدائی، ۱۳۸٦: ۲٦۵ـ۲۸۱) برخی از محققان، از فهرست‌های نسخ خطی نیز فهرست‌هایی تهیه کرده و به عبارتی، «فهرست فهرست‌های نسخه-های خطی» را تنظیم کرده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

کتاب‌شناسی فهرست‌های نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه‌های دنیا، ایرج افشار، تهران: انتشارات دانشگاه، ۱۳۳۷.

فهرست‌های چاپ‌شده در ایران و خارج از ایران، احمد منزوی، جلد چهارم فهرست نسخه‌های خطی، تهران، ۱۳۴۹.

کتاب‌شناسی فهرست‌های نسخه‌های خطی؛ پاکستان، سیدعارف نوشاهی، مجلهٔ کتابداری (نشریهٔ کتابخانهٔ مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه)، دفتر هشتم، تهران، ۱۳٦۰.

نگرشی جامع بر جهان کتاب‌شناسی‌های ایران، غلامحسین تسبیحی، تهران: انتشارات نیما، ۱۳٦۵.

المجمع الملکی لبحوث الحضارة الاسلامیة، دلیل فهارس المخطوطات، اردن: ۱٤۰۵ هـ ق. (ر.ک. مایل هروی

(۱۳۷۹)، ۳۷۵

سایت‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی بسیاری نیز در ایران و خارج از ایران، اطلاعات مفیدی از نسخه‌های خطی موجود در مراکز و مؤسسات مختلف را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند. در بسیاری از این پایگاه‌ها، امکان جست‌وجوی نام کتاب، مؤلف و محل نگهداری نسخه خطی وجود دارد. سایت کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی (majlislib.com)، سایت کتابخانهٔ ملی ایران (nail.ir)، سایت کتابخانهٔ آستان قدس رضوی (library.razavi.ir)، سایت کتابخانهٔ آیت‌الله مرعشی نجفی (marashilibrary.com)، سایت میراث مکتوب (mirasmaktoob.ir)، سایت «کدنا» (کتابخانهٔ دیجیتالی نسخه‌های خطی و اسناد شرقی) zakhair.net، سایت آقابزرگ تهرانی aghabozorg.ir، بانک نسخ خطی الجواد؛ مؤسسهٔ فرهنگی الجواد (ع) aljavad.org، سایت بساتین manuscripts.ir، پایگاه اطلاع‌رسانی نسخ خطی ایران (manuscripts.scict.ir)، سایت اطلاع‌رسانی و پژوهش در عرصهٔ متون کهن (bayaz.net)، سایت حامیان نسخ خطی (hamian.com)، بانک اطلاعات نسخ خطی فارسی (knowledgebase.icro.ir) از جملهٔ این تارنماها هستند که می‌توان نسخه‌های موجود در کتابخانه‌های ایران را به راحتی در آن‌ها جست‌وجو و تهیه کرد.[۸]

امروزه در کتابخانه‌های خطی بسیاری در ایران و جهان، گنجینه‌هایی ارزشمندی از نسخه‌های خطّی در الهیات و علوم مختلف اسلامی، به ویژه علوم مرتبط با قرآن و حدیث وجود دارند که خوشبختانه فهرست بسیاری از این متون خطّی منتشر شده و در اختیار علاقمندان و متخصصان حوزهٔ نسخه‌پژوهی قرار گرفته‌اند. پژوهشگر نسخ خطّی، برای شناسایی و یافتن نسخه‌های متعدد این آثار، ناگزیر باید به این فهرست‌ها مراجعه کند. بسیاری از کتابخانه‌هایی که نسخه‌هایی خطّی در آن‌ها موجود است، اقدام به معرفی نسخه‌ها و شناساندن آن‌ها، در قالب مجموعه‌هایی با عنوان «فهرست نسخه‌های خطّی» کرده‌اند. در ادامه به چند مجموعهٔ مهم از این فهرست‌ها که

[۸]. برای شناخت بیشتر این سایت‌ها ر.ک. فدائی، ۱۳۸۶: ۲۱۸ـ۲۲۰ و ۲۹۵.

منتشر شده، اشاره می‌شود. فهرست‌های مهم داخلی عبارت‌اند از:[۹]

کتاب الذریعه الی تصانیف الشیعه؛ شیخ آقا بزرگ تهرانی[۱۰]

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی؛[۱۱] استاد عبدالحسین حائری

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ دایرةالمعارف اسلامی؛ استاد احمد منزوی

فهرست کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران؛ استاد محمدتقی دانش‌پژوه

فهرست نسخ خطی کتابخانهٔ آیت‌الله مرعشی نجفی؛ سید احمد حسینی اشکوری

فهرست نسخ خطی کتابخانهٔ ملی؛ استاد سید عبدالله انوار

فهرست نسخ خطی کتابخانهٔ مرکزی آستان قدس رضوی؛ محمد آصف فکرت

فهرست نسخ خطی کتابخانهٔ سلطنتی؛ بدری آتابای

فهرستگان نسخه‌های خطی (حدیث و علوم حدیث شیعه)؛ علی صدرایی خویی

فهرست‌های فؤاد سزگین، استوری، بروکلمان، پرچ و... از فهرست‌های مهم خارجی هستند و نیز فهرست نسخ خطی کتابخانهٔ ملی پاریس (نسخه‌های خطی) تدوین فرانسیس ریشار از فهرست‌های مهم و قابل توجه در این زمینه است. مراکز و کتابخانه‌های مهم دیگری نیز در اروپا و امریکا برای کتاب‌های خطی اسلامی و عربی، فهرست‌هایی تهیه کرده‌اند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: فهرست نسخ خطی موزه بریتانیا از دکتر چارلز ریو، فهرست نسخ خطی فارسی کتابخانهٔ سلطنتی وین نوشتهٔ ویلیام پرتسچ، فهرست نسخ خطی کتابخانهٔ بودلین اثر ساشو و هرمان اته، فهرست دست‌نویس‌های فارسی در کتابخانهٔ ملی اتریش و آرشیو دولتی اتریش در وین، نوشتهٔ ایرج افشار و موزه

[۹]. برای ملاحظهٔ تعداد بیشتری از فهرست‌های نسخه‌های خطی ایران و کشورهای دیگر، ر.ک. عظیمی، ۱۳۹۶: ۴۵ـ۵۵ و مسجدی، ۱۳۹۷: ۲۱۵ـ۲۲۵ و نیز، چرمگی عمرانی، ۱۳۹۸: ۴۸ـ۵۰ و برای مطالعهٔ دربارهٔ شیوه‌های فهرست‌نویسی نسخه خطی و اصول و قواعد کلی حاکم بر فهرست‌نویسی، ر.ک. عظیمی، ۱۳۹۶: ۲۲۹ـ۲۸۱.

انگلیس و فهرست کتابخانهٔ کنگرهٔ امریکا، (ر.ک. فدائی، ۱۳۸٦: ۱٤۳ـ۱٤٥) فهرست‌های دارالکتب‌المصریه در قاهره، فهارس کتب موزهٔ بریتانیا، فهارس کتابخانهٔ ملی برلین، فهارس مخطوطات اوقاف بغداد، فهرست‌کتابخانهٔ موزهٔ عراق (مصطفی جواد، ۱۳۷۷: ص۹۹) در امریکای شمالی، کتابخانهٔ دانشگاه مک‌گیل کانادا نیز مجموعه‌های غنی نسخ خطی اسلامی وجود دارد که مشهورترین این نسخ در کتابخانهٔ ویلیام آزلر در دانشگاه مک گیل نگهداری می‌شود. نسخه‌های خطی اسلامی دیگری که متعلق به مجموعهٔ دکتر کیسی ای. وود بوده نیز در این کتابخانه نگهداری می‌شود.[۱۲] (ر.ک. رُمن، ۱۳۷۳: ۷٤ و ۷٥) کتابخانهٔ مؤسسهٔ مطالعات اسلامی مک‌گیل وابسته به دانشگاه مک‌گیل که در سال ۱۹٥۳ توسط پورفسور کَنترل اسمیت تأسیس شد، در تبادل افکار و عقاید بین غرب و جهان اسلام نقش مهمی را ایفا می‌کند. این کتابخانه بالغ بر ۸۱۰۰۰ جلد کتاب در موضوعات دین، فرهنگ و تمدن اسلامی است و ۱۸۸ نسخهٔ خطی به زبان‌های فارسی، عربی و ترکی دارد که اکثر آن‌ها دربارهٔ الهیات، فقه، تفسیر، عرفان، اخلاق، معانی و بیان و صرف و نحو است. علاوه بر این‌ها، مجموعهٔ نفیس دیگری از نسخ خطی اسلامی در کانادا موجود است که در دانشگاه تورنتو نگهداری می‌شود و شامل نسخ خطی عربی، فارسی و ترکی در موضوعات تاریخ، حقوق، عرفان، شعر و ادبیات است. (ر.ک. همان: ۷۸ و ۷۹)

ستوده در کتاب مرجع‌شناسی و روش تحقیق، فضل تقدم در تهیه فهرست مشترک نسخ خطی فارسی را از آنِ استوری، ایرانشناس فقید انگلیسی (م۱۹٦۷) دانسته است. این محقق، کتاب خود را میان سال‌های ۱۹۲۷ تا ۱۹٥۸ م. انتشار داد و در آن، نسخ خطی فارسی در علوم قرآنی و تاریخ و جغرافیا و علوم ریاضی و جز آن را معرفی کرد. (ر.ک. ستوده، ۱۳۸٦: ۱۹۰) نخستین کسی که به ترجمهٔ بخشی از کتاب استوری اقدام کرد، عباس اقبال بود که بخش علوم قرآنی را ترجمه کرد؛ این ترجمه در دفتر نخستین نشریه نسخه‌های خطی دانشگاه تهران چاپ شده است. تقی بینش نیز بخش‌هایی از کتاب استوری را به فارسی ترجمه کرده است. (ر.ک. همان‌جا)

در حوزهٔ قرآن و حدیث، باید از «فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی علوم قرآن در ایران» احمد منزوی یاد کرد که فهرستی جامع از نسخه‌های خطی علوم قرآنی را در خود جای داده و با سه مشخصه تدوین شده است: بخش اول شامل اطلاعات کتاب‌ها دربارهٔ تفسیر و ترجمهٔ قرآن، بخش دوم، کتاب‌های در زمینهٔ قرائت قرآن و در نهایت بخش سوم، به معرفی منابعی که در باب قرآن نوشته شده، اختصاص دارد. فهرست نسخ خطی کتابخانهٔ

تخصصی مرکز تحقیقات مؤسسهٔ دارالحدیث قم، اثری ارزشمند در زمینهٔ فهرست نسخه‌های خطی در هشت موضوع قرآنی و حدیثی، به ویژه علوم حدیثی است که به تحقیق علی صدرایی خویی منتشر شده است.

علاوه بر این‌ها، مجموعه‌ای ۱۵ جلدی مربوط به نسخه‌های قرآن و علوم قرآنی با عنوان «فهرست دستنویس‌های علوم قرآنی در کتابخانه‌های ایران و برخی کتابخانه‌های جهان» توسط یوسف بیک باباپور و سید حسین مرعشی منتشر شده است. در این اثر، ۳۶ هزار نسخهٔ خطی فهرست شده که از این تعداد، ۳۰ هزار نسخه مربوط به علوم قرآنی اعم از تفسیر، تجوید، قرائت، فقه‌القرآن، قصص‌القرآن و.. است و ٦ هزار نسخه دیگر نیز قرآن‌های دستنویس در کتابخانه‌های ایران و جهان است.[۱۰]

لازم به یادآوری است که فهرست‌نگاران نسخ خطی، در تهیهٔ فهرست‌های خود به دو اصل کتابشناسی و نسخه-شناسی توجه داشته و فهرست‌های نسخ خطی را بر مبنای همین دو اصل تدوین کرده‌اند. در بخش کتابشناسی، اطلاعات ثابت و معین یک عنوان خاص از کتاب که جنبهٔ موضوعی و محتوایی دارد را آورده‌اند و در قسمت نسخه-شناسی، اطلاعات متغیر نسبت به نسخه‌های متعدد از یک عنوان کتاب خاص را که مشتمل بر قسمت‌های ظاهری و فیزیکی نسخه است ذکر کرده‌اند. (ر.ک. عظیمی، ۱۳۸۹: ۹) مهم‌ترین مرحله در نسخه شناسي متن، كشف ارتباط و پيوند نسخه ها با يكديگر و سنجش ميزان صحت و اصالت آنهاست. اين كار مستلزم آن است كه مصحح بخش هاي مهم و حساس متن را در نسخه هاي برگزيده با يكديگر مطابقت دهد و با سبك و سياق ديگر آثار مؤلف يا آثار هم خانوادة آن (از حيث موضوع و تاريخ) مقايسه كند. (ر.ک. عمادی حائری، ۱۳۸۷: شمارهٔ ۲۵ و ۲٦: ٦)

یکی از کتاب‌هایی که در زمینهٔ مراحل نسخه‌شناسی و نسخه‌یابی، مطالبی مفید و کاربردی ارائه کرده است، کتاب تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، نوشتهٔ نجیب مایل هروی است. مطالعهٔ بخش دوم کتاب که متضمن مطالبی نظیر «سه مرحلهٔ نسخه‌شناسی به لحاظِ تصحیح نسخه‌های خطی، شناخت توصیفی نسخ، نسخه‌شناسی تاریخی و معایب آن، نسخه‌شناسی تطبیقی و صعوبت و فایدهٔ آن، اهمیت نسخه‌های مکتوب پیش از ۸۰۰ هـ، نسخه‌جویی و نسخه‌یابی» است، بسیار سودمند است.

[۱۰]. این مجموعهٔ ۱۵ جلدی، توسط مرکز طبع و نشر قرآن کریم به چاپ رسیده است.

۲) دلایلِ لزوم آشنایی با تصحیح و تحقیق متون خطی در حوزۀ قرآن و حدیث

شکل‌گیری و پیشرفت علوم مختلف در میان مسلمانان، سبب شده است که تقریباً از ظهور اسلام، آثار و نوشته-هایی در علوم گوناگون به نگارش درآید. نگارش این آثار که از قرن پنجم به بعد شتاب بیشتری داشته است، متضمن علوم و موضوعاتی هستند که یا دانش جدیدی را معرفی کرده یا در تکمیل و تصحیح برخی دانش‌ها مؤثر بوده و راه را برای تحقیق بهتر و گسترده‌تر گشوده‌اند.

مکتوبات کهن بازمانده از گذشتگان و نسخ خطی ایرانی ـ اسلامی، میراث علمی و عامل پیوند فرهنگی و اجتماعی میان ملل مختلف است و آگاهی از این آثار و محتوای آن موجب می‌شود که هر ملتی به ذخایر فکری و معنوی و غنای فرهنگ ملی و دینی خود پی ببرد. نسخه‌های خطی فارسی و عربی، نمودار هویّت و حیثیّت ایرانی و فارسی‌زبانان جهان است و بی‌توجهی به احیاء و تصحیح این نگارش‌ها، منجر به بی‌اعتنایی به پاره‌ای از پاره‌های تنِ تمدن اسلامی و هویت ایرانی ـ اسلامی و فارسی‌زبانان خواهد شد.

نسخه‌های خطی، نمایانندۀ فرهنگ پرمایۀ اسلام و ایران و در حقیقت کارنامۀ دانشمندان و نوابغ بزرگ مسلمان در طول قرن‌ها کوشش علمی و فرهنگی است. این گنجینه‌های گرانقدر، عامل ترویج و انتقال علوم و معارف نسل گذشته به نسل‌های آینده است. بر عهدۀ هر نسلی است که این میراث پرارج را پاس دارند و برای شناخت و شناساندن تاریخ و فرهنگ و ادب و سوابق علمی و دینی خود به احیاء و بازسازی آن ذخایر مکتوب اهتمام ورزند. خوشبختانه بخش قابل‌توجهی از میراث ملی ما در میراث مکتوب الهی ریشه دارد، بدین معنی که اساس میراث مکتوب در دوران اسلامی، قرآن مجید بوده و بنابراین میراث مکتوب مبتنی بر کتاب‌های آسمانی در این سرزمین به ظهور رسیده است.

در مورد اهمیت تصحیح و تحقیق نسخه‌های خطی قرآنی و حدیثی و لزوم توجه به این بخش از مطالعات علمی باید گفت که این آثار و مکتوبات کهن، میراث علمی و عامل پیوند فرهنگی و اجتماعی میان ملل مختلف بوده و آگاهی از این آثار و محتوای آن، ضمن اینکه زمینه‌های انتقال فرهنگ، دانش و تجربه‌های گذشته به نسل بعد را فراهم می‌سازد، احیای فرهنگ پرمایۀ گذشته را به دنبال دارد و موجب می‌شود که هر ملتی به ذخایر فکری و معنوی

و غنای فرهنگ ملی و دینی خود پی ببرد. کتب خطی بازمانده از گذشتگان، ضمن آنکه حاوی اطلاعات ارزشمند فراوانی در زمینه‌های علمی، تاریخی، دینی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است و منبع اولیه برای تحقیق در گذشتهٔ فرهنگ و تمدن ملل مختلف و انتقال فرهنگ و تجربه‌های گذشته به نسل‌های بعد به شمار می‌رود، بدون تردید، نشان‌دهندهٔ سیر تکامل علوم مختلف در دوره‌های زمانی مختلف و به عبارتی، نمایانگر تاریخ علم در جوامع گوناگون است. آنچه بیش از هر چیز در تمدن اسلامی در میان دانشمندان هر عصر متداول بود، سنت تصحیح متون و مقابله و اصلاح نسخه‌ها، به ویژه در حوزه‌های مرتبط با علوم عربی و اسلامی نظیر تفسیر، حدیث، لغت و... بوده است.

بررسی آماری نسخ خطّی در کتابخانه‌های ایران و کشورهای اسلامی و عربی و همچنین غربی، نشان‌دهندهٔ این مطلب است که نسخه‌های خطّی با موضوعات قرآنی و اسلامی از نظر تعداد، تقریباً در رتبهٔ نخست قرار دارند و موضوعاتی از قبیل تفسیر قرآن، قرائت و تجوید، علوم قرآن، زیارات، حدیث و درایه، رجال، اجازات، بلاغت، لغت، صرف، نحو و... از جملهٔ این نسخه‌هاست. البته ناگفته نماند که موضوعات نسخ خطّی در هر کتابخانه بستگی به نوع کتابخانه دارد و آمار مذکور، نسخه‌های خطّی کتابخانه‌هایی را شامل می‌شود که نسخ خطّی با موضوعات علوم دینی و قرآنی در آن‌ها غالب است. به عنوان نمونه، در فهرست نسخه‌های خطّی فارسی احمد منزوی و فهرست‌های نسخ خطّی کتابخانهٔ آیت‌الله مرعشی نجفی، نسخ خطّی با موضوعات تفسیر قرآن، قرائت و تجوید، علوم قرآن، حدیث و... تعداد بیشتری را به خود اختصاص داده است.[۱۳]

در حال حاضر ـ صرف‌نظر از برخی مراکز و اشخاصی که در این زمینه فعالیت دارند ـ یکی از مهم‌ترین بخش‌های جامعهٔ علمی و دانشگاهی کشور که می‌تواند در زمینهٔ تحقیق و تتبّع، احیاء و انتشار متون خطی قرآنی و حدیثی به مطالعه و تحقیق بپردازند و در این زمینهٔ علمی دست به قلم برند، پژوهشگران و دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی رشته‌های علوم اسلامی و الهیات، به ویژه گرایش علوم قرآن و حدیث می‌باشند. این دانشجویان ضمن آموزش دانش‌های تخصصی در زمینه‌های مرتبط با قرآن و حدیث، لازم است در کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی نظری و عملی نسخه‌پژوهی که توسط اساتید متخصص نسخه‌شناس در محل تحصیل یا مراکز دیگر برگزار می‌شود، شرکت کنند و قواعد و مبانی تصحیح و تحقیق نسخ خطی را آموزش ببینند. بدیهی است که احیاء و بازیابی نگاشته‌ها و متون گذشتگان، اگر بر پایهٔ اصول و موازین نقد و تصحیح متون صورت نگیرد، ضمن اینکه نمی‌توان اثری را به

درستی تصحیح و عرضه کرد، این کار بهره‌ای دربر ندارد و چه‌بسا شایستهٔ انتشاریافتن و معرفی نیز نباشد.

از آن‌جا که مباحث مرتبط با نسخه‌شناسی و اصول و روش‌های تصحیح متون خطّی، به عنوان یک دانش مستقل به حساب می‌آیند و متون موجود در علوم مختلف در قالب نسخ خطّی به نگارش درآمده‌اند، پژوهشگران حوزه‌های مختلف، مانند دانشجویان و محققان علوم قرآنی و حدیثی که به تصحیح متون خطّی مرتبط با حوزهٔ خود اقدام می‌کنند، ناخودآگاه وارد حوزهٔ مطالعات میان‌رشته‌ای شده و همان‌طور که استحضار دارند گام‌نهادن در این زمینهٔ پژوهشی، نیازمند پشتکار بسیار و دقت علمی فراوان است.

به طور کلی، احیای میراث غنی علمی و فرهنگی ایران و اسلام، نیاز جامعهٔ علمی و فرهنگی به آشنایی با علوم و معارف دانشمندان مسلمان در هر دورهٔ زمانی و همچنین تربیت متخصصان در احیاء و انتشار این گنجینه‌های ارزشمند، می‌تواند از مهم‌ترین و اصلی‌ترین دلایل لزوم آشنایی با تصحیح و تحقیق نسخه‌های خطی در حوزهٔ علوم قرآن و حدیث به حساب بیاید. بی‌تردید، بکر بودن موضوع برخی از این متون کهن و همچنین سبک ادبی و ارزش علمی و میزان اعتبار این مکتوبات خطی، انگیزهٔ تصحیح و انتشار این متون را دوچندان کرده و ضرورت این بخش از مطالعات علمی را به خوبی نمایان سازد.

صرف‌نظر از آن‌چه در باب لزوم آشنایی با امر تصحیح و تحقیق نسخه‌های خطّی بیان شد، یکی از موارد اصلی و مهم تدوین و اجرای سیاست‌های هدایتی و حمایتی جمهوری اسلامی ایران که در شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز به تصویب رسیده است، احیای میراث مکتوب و توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی است که از لزوم توجه به این سنخ از مطالعات حکایت دارد. (مصوبه اهداف، سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب، جلسه ٦٦٠، سال ١٣٨٩: ٤)

مطلب آخر اینکه «ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های دولتی، مؤسسات و گروه‌های فعال غیردولتی در جهت هم‌افزایی و ارتقاء فعالیت‌های قرآنی در سطح ملی و بین‌المللی»، یکی از اهداف مهم در منشور مصوب توسعه فرهنگ قرآنی است و بدیهی است که تحقیق بر روی نسخه‌های خطی ایرانی ـ اسلامی و احیاء و انتشار این گنجینه-های ارزشمند که در کتابخانه‌ها و مراکز داخلی و خارجی وجود دارد، یکی از موارد اصلی این بند از اهداف مصوب به شمار می‌رود. (منشور توسعه فرهنگ قرآنی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، جلسه ٦٤٣، سال ١٣٨٨، ص٤)

۳) عناوین و موضوعات مهم در آموزش تصحیح متون خطی قرآنی و حدیثی

ورود تخصصی به وادی تصحیح متون خطی و انتشار شایستهٔ این آثار، نیازمند مطالعه در زمینه‌های علم نسخه-شناسی یا codicologie و آشنایی با اصول، ضوابط و روش‌های تصحیح متون خطی و مکتوبات کهن است. از این رو، پیش از انتخاب یک متن برای تصحیح و دست‌یافتن به نسخه‌های موجود آن، لازم و ضروری است که پژوهشگر و مصحّح، یک آشنایی دقیق و علمی دربارهٔ نسخه‌شناسی و روش‌های تصحیح متون خطی به دست آورد. کتاب‌ها و مقالاتی که در زمینهٔ نسخه‌شناسی و روش تصحیح متون خطی به نگارش درآمده‌اند، اغلب اصول و مبانی کلی نسخه‌پژوهی را ارائه داده‌اند و به همین جهت در رشته‌های مختلف علوم انسانی و اسلامی مورد استفاده و بهره-برداری هستند. علاوه بر این آثار که جزو منابع این زمینهٔ علمی به شمار می‌روند، لازم است اصول و ضوابط تصحیح متون خطی، متناسب با رشته‌های مختلف علوم اسلامی تدوین و تألیف شود و در قالب منبع همان درس مطالعه شوند. بدیهی است که سبک و شیوهٔ کار در هر یک از موضوعات علمی، متفاوت از دیگری است و هر مؤلف، روشی جز روش دیگری برمی‌گزیند. به عنوان نمونه، تصحیح یک نسخهٔ خطی در موضوع قرآنی یا حدیثی، با تصحیح نسخه‌ای دیگر، با موضوع نجوم یا ریاضی که بعضاً متضمّن اَشکال و جداول و مواردی از این قبیل است، تفاوت بسیاری دارد و تدوین قواعد و مبانی تصحیح، بایستی بر پایهٔ این تفاوت‌ها در موضوعات و روش‌ها صورت گیرد.

انتخاب روش تصحیح و آشنایی با شیوه‌های تصحیح، از مراحل مهم و اساسی تصحیح و تحقیق متون خطی به شمار می‌رود که هر کدام دارای مزیت‌ها و نیز اشکالاتی هستند. در مورد اینکه بهترین روش برای تصحیح متن کدام است، نظرات مختلفی بیان شده است.[۱۴] مسعود فرزاد در مقالهٔ روش علمی برای تصحیح متون، عمل تصحیح را بر طبق روش علمی صحیح می‌داند و به این مطلب اشاره می‌کند که در تعریف «روش علمی» اختلاف‌نظر وجود دارد. (ر.ک. فرزاد، ۱۳۵۳: شمارهٔ ۲۲، ص۸۸۵) به اعتقاد این نویسنده، نخستین قدم علمی در تصحیح متون آن است که توجه کنیم که کار به دو مرحلهٔ عمدهٔ مستقل که اولی جمع‌آوری و دومی قضاوت باشد، تقسیم می‌شود. (ر.ک. همان، ص۸۸٦) تقی بینش در مورد اختلاف‌نظرها در این زمینه آورده‌اند: «با تمام پیشرفت‌ها و کوشش‌ها، هنوز توافق‌نظر به وجود نیامده است و کسانی که در کار تصحیح متون، سابقه یا تخصص دارند نتوانسته‌اند وحدت نظر پیدا کنند. به این جهت اغلب نمونه‌های زشتی از برخورد سلیقه یا طرز فکر دیده می‌شود که گاهی کار را به شتم و

غیض و هتک می‌رساند و موجب تأسف و تأثر علاقه‌مندان می‌شود.» (بینش، ۱۳۵٤: شمارهٔ ۱۱۵، ۳۹۵)

دکتر زرین‌کوب در توضیح بایسته‌های نقد و روش صحیح تصحیح متون می‌گوید: «آنچه نزد محققان مسلم است، این است که در نقد متون باید قطعاً و حتماً از تصحیحات قیاسی و اصلاحات استحسانی خودداری کرد. و نباید توقع داشت که اجتهادات شخصی و احتمالات فردی ذوقی منتقد را همهٔ خوانندگان کتاب با چشم بسته در حکم وحی منزل بشمارند. بلکه باید با روش معقول دنیاپسندی که امروز مقبول جمیع محققان عالم است در احیاء متون قدیم، نخست تا حد مقدور جمیع نسخ خطی معتبر قدیم آن متن را در هر جا و هر کتابخانه که هست جمع آورد و از طریق مقابله و مقایسهٔ بدوی شجره‌نامهٔ آن‌ها را معلوم داشت و سپس از آن میان نسخه‌ای را که قطعاً اصیل‌تر است اساس تشخیص داد و از سایر نسخ آن‌هایی را که نسبت اصلی و معتبر هستند و به جهاتی در خور توجه و اهتمام می‌باشند نگه داشت و اختلاف قرائات و نسخه‌بدل‌های آن‌ها را هر قدر جزئی و ناچیز هم به نظر بیاید با کمال دقت ضبط کرد.» (زرین‌کوب، ۱۳۳٦: شمارهٔ ۷، ۳۱۳ و ۳۱٤) به نظر دکتر سمیعی نیز، درجهٔ بالاتر تصحیح متون، سنجش انتقادی نسخه‌هاست برای دست‌یافتن به نسخه‌های مادر. برای نیل به این مقصود باید کار تحقیقی بس پیچیده و ظریفی انجام گیرد تا در نتیجهٔ آن بتوان شجرهٔ نسخه‌ها را ترسیم کرد و هر گروه از آن‌ها را به یک نسخهٔ مادر متصل ساخت... عالی‌ترین درجهٔ تصحیح متون، تصحیح انتقادی محتوایی است. در این مرتبه، مصحح علاوه بر نقد منابع و نسخه‌ها، بینش خود و تصویری را که بر اثر تحقیق از شخصیت و نگرش صاحب اثر حاصل کرده به یاری می‌خواند. (ر.ک. سمیعی، ۱۳٦۱: ۵۲) دکتر زرین‌کوب نیز احیاء و تصحیح انتقادی متون قدیم را مورد توجه قرار داده و از ضرورت‌ها دانسته است. (ر.ک. زرین‌کوب، ۱۳۳٦: ۳۱٤)

به طور کلی روش‌هاي تصحيح متن عبارت است از: ۱. تصحيح بر پايه نسخه اساس ۲. تصحيح التقاطي. در تصحيح بر پايه نسخه اساس، نسخه‌ای که از نظر اصالت، صحت و قدمت بر دیگر نسخه‌های موجود برتري آشكاري دارد، اساس متن نهايي قرار مي‌گيرد. در تصحيح التقاطي، از آنجا كه هيچ نسخه‌ای را نمي‌توان كاملاً اصيل‌تر و صحيح‌تر از ديگر نسخه‌ها دانست، ضبط متن نهايي از ميان ضبط نسخه‌هاي گوناگون (هر كدام اصيل‌تر و صحيح‌تر) برگزيده مي‌شود. (ر.ک. عمادی حائری، ۱۳۸۷: شمارهٔ ۲۵ و ۲٦، ٦ و ۷) روش بینابین و روش تصحیح قیاسی نیز از روش‌های دیگر تصحیح متون به شمار می‌روند. در تصحيح قياسي، مصحح در جايي كه ضبط همگي نسخه‌هاي

موجود متن را «ناصحیح» (یا «نااصیل») تشخیص می‌دهد، بر پایهٔ شناختی که از الفاظ، مفاهیم، متون هم‌خانواده، زمان و مکان تألیف متن و به دست آورده، ضبطی را که صحیح‌تر و اصیل‌تر می‌پندارد، به جای ضبط نسخه‌ها پیشنهاد می‌کند و (با ذکر ضبط نادرست نسخه‌ها در پانوشت) در متن نهایی جای می‌دهد. (ر.ک. همان‌جا)

در ادامه این بخش، برخی از مهم‌ترین عناوین و موضوعاتی که لازم است محقق و پژوهشگر نسخ خطی اسلامی و قرآنی نسبت به آن‌ها آشنایی کافی به دست آورد، فهرست شده است. پژوهشگر یا دانشجو، پیش از تصحیح و چاپ متن‌های خطی، با توجه به موضوع نسخهٔ خطی که قرار است تصحیح یا مورد نقد و تحقیق قرار دهند، باید آشنایی کامل و دقیقی از این موضوعات داشته باشند و اطلاعات کافی در این زمینه به دست آورند:[۱۱]

آشنایی با تاریخ و پیشینهٔ نسخه‌های خطّی اسلامی و قرآنی؛ آشنایی با مصطلحات نسخ خطّی و متون کهن؛ آشنایی با ساختار و گونه‌های نسخ خطی؛[۱۲] شناخت مجموعه‌های نسخ خطّی در کتابخانه‌های ایران و جهان؛ شناخت مراجع معتبر در نسخه‌های خطّی و ویژگی‌های آن‌ها (فهارس، کتابشناسی‌ها، فرهنگ‌ها، زندگی‌نامه‌ها، دایره‌المعارف‌ها)؛ آشنایی با فهرست نسخه‌های خطّی مهم خارجی و داخلی و شناخت ساختار و ویژگی‌های آن-ها؛[۱۳] آشنایی با پایگاه‌های اطلاعاتی و سایت‌های اطلاع‌رسانی نسخه‌های خطّی؛ مراحل و شیوه‌های گوناگون در روش‌های تصحیح نسخه‌های خطّی اسلامی؛[۱۵] روش‌های تصحیح نسخ خطّی شامل: تصحیح بر مبنای نسخهٔ اساس، تصحیح التقاطی، شیوهٔ بینابین و تصحیح قیاسی؛[۱۶] شناخت سیر فرآیند تصحیح متون خطّی؛[۱۷] بررسی و تحلیل مزیت‌ها و ایرادهای هر یک از روش‌های تصحیح متون خطّی؛ شناخت روش‌های تحقیق و مرجع‌شناسی در نسخه‌های خطّی؛ شناخت علامات و روش‌های تشخیص نسخه‌های اصلی و جعلی؛ شناخت علامت‌های اختصاری در نسخه‌های خطّی؛ آشنایی با شیوه‌های تصحیح و نقد متون در میان گذشتگان؛ آشنایی با روش کار مصحّحان بزرگ در تحقیق و تصحیح[۱۸] (روش علامه قزوینی در تصحیح متون)؛[۱۹] آشنایی با شیوهٔ مصحّحان اروپایی و غربی

[۱۱]. فهرست ارائه شده، فاقد ترتیب خاصی است و در تدوین منابع، با توجه به دیدگاه‌های صاحب‌نظران و اساتید، می‌تواند ترتیبی منطقی در موضوعات رعایت شود.

[۱۲]. برای مطالعهٔ بیشتر در زمینهٔ انواع و ساختار نسخه‌های خطی ر.ک. مایل هروی، ۱۳۷۹: ص۲۵ـ۷۲ و ۱۹۹ـ۲۳۰؛ چرمگی عمرانی، ۱۳۹۸: ص۱۴ـ۱۶.

[۱۳]. پیش‌تر به چند مورد از مهم‌ترین این فهرست‌ها اشاره گردید.

در احیاء و تصحیح متون؛[۲۰] اصول نوشتن مقدمه برای متون مصحَّح؛ طریقه و روش نوشتن توضیحات و تعلیقات برای متون خطّی علمی؛[۲۱] آشنایی با تاریخچهٔ خط و انواع خطوط اسلامی در نگارش نسخ خطّی؛[۲۲] شناخت رسم-الخط و کتابت نسخه‌ها و نحوهٔ قرائت صحیح آن‌ها.

لازم به ذکر است که هر یک از عناوین و موضوعات پیش‌گفته و بسیاری از موارد دیگر که اختصاص به رشته‌های تخصصی نسخه‌شناسی دارد و از ذکر آن‌ها صرف‌نظر شد، از سرفصل‌های دروس مقاطع تحصیلات تکمیلی در رشته‌های ایران‌شناسی، گرایش اصول نسخه‌شناسی و مرمت نسخه‌های خطی و همچنین رشتهٔ علم اطلاعات و دانش‌شناسی و رشتهٔ کتابداری به شمار می‌رود. تخصص‌یافتن در آن زمینه‌ها و آشنایی با موضوعات مذکور در رشته‌های علوم انسانی و اسلامی، از جمله زبان و ادبیات فارسی و عربی و ترکی و گرایش‌های آن‌ها، رشته‌های الهیات و گرایش‌های آن‌ها از جمله علوم قرآن و حدیث، فقه و اصول، فلسفه و کلام اسلامی، ادیان و عرفان اسلامی، تاریخ و جغرافیا و... به عنوان مقدمه کلی و علمی برای تصحیح و تحقیق متون خطی در حوزه‌های قرآنی و حدیثی و دیگر حوزه‌ها به شمار می‌رود و بدون اطلاع از اصول و ضوابط تصحیح متون خطی و همچنین مراحل و روش‌های تصحیح این متون و مزایا و معایب آن‌ها، نمی‌توان اثری معتبر و قانونمند به گنجینهٔ عظیم علوم و معارف اسلامی افزود.

٤) برخی منابع علمی در زمینهٔ نسخه‌پژوهی و روش‌های تصحیح نسخ خطّی

مطالعه و نگارش دربارهٔ نسخه‌پژوهی، اصول و مبانی آن و نیز شیوه‌ها و روش‌های تصحیح نسخه‌های خطی، اغلب در عصر حاضر مورد توجه پژوهشگران و نسخه‌شناسان قرار گرفته است. این آثار، در قالب کتاب، مقالات و مدخل‌های دایرةالمعارف‌ها و مقدمهٔ فهرست‌های نسخ خطی کتابخانه‌ها در آغاز مجلدات، به نگارش درآمده‌اند. دانشجویان برای آشنایی و یادگیری با قواعد و اصول نسخ خطی و شیوه‌های تصحیح متون خطی و مقابلهٔ نسخه‌ها و ثبت نسخه بدل‌ها،[۲۳] باید به کتاب‌ها و مقالات و منابع الکترونیکی در این زمینه مراجعه کنند. از کتاب‌هایی مهم در این زمینه می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

۱ـ تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، تألیف نجیب مایل هروی (کتابخانه مجلس شورای

اسلامی)

۲ـ نقد و تصحیح متون، اثر نجیب مایل هروی (بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی)

۳ـ روش تصحیح نسخه‌های خطی، ترجمهٔ کتاب قواعد تحقیق المخطوطات اثر دکتر صلاح‌الدین المنجّد؛[۲۴] مترجم: حسین خدیوجم. ترجمهٔ دیگری از این کتاب با عنوان «روش تحقیق و تصحیح نسخه‌های خطی» از محمود فاضل (یزدی مطلق) انجام شده است.

٤ـ روش تحقیق انتقادی متون، تألیف: برگشتراسر و عبدالسلام هارون، ترجمه: جمال‌الدین شیرازیان.

٥ـ تحقیق التراث؛ اثر : عبدالهادی فضلی، مکتبهٔ‌العلم، ١٤٠٢.

٦ـ تحقیق النصوص و نشرها؛ عبدالسلام هارون، قاهره: ١٩٥٤.

٧ـ تحقیق النصوص بین اخطاء المولفین و اصلاح الرواة و النساخ و المحققین، اثر : بشار عواد معروف، دارالغرب-الاسلامی، ٢٠٠٩.

٨ـ نقد و تصحیح متون و روش‌های آن؛ تألیف جمال‌الدین شیرازیان

٩ـ توضیحی در باب روش تصحیح متون کهن به شیوهٔ علمی ـ اجتهادی؛ نوشتهٔ محمدمهدی ناصح

١٠ـ روش تصحیح انتقادی متون؛ تألیف منصور ثروت (انتشارات پایا)

١١ـ آشنایی با نسخ خطی و آثار کمیاب (فارسی و عربی)؛ نوشتهٔ غلامرضا فدایی (انتشارات سمت)

١٢ـ شیوه‌نامه تصحیح متون: راهنمای تحقیق و احیای متون خطی؛ محمدجواد اصغری هاشمی

١٣ـ اصول و مبانی نسخه‌شناسی در کتب خطی؛ دکتر حبیب‌الله عظیمی (سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی)

١٤ـ نسخه‌نامه؛ کانون‌های استنساخ، عناصر نسخه‌شناسی، رویّه‌های فهرست‌نویسی، شناخت جعل و اصالت نسخه‌ها؛ دکتر حبیب‌الله عظیمی، (بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی)

۱۵ـ راهنمای تصحیح متون؛ جویا جهانبخش (دفتر نشر میراث مکتوب)

۱۶ـ فرهنگ مصطلحات نسخه‌شناسی؛ نوشتهٔ دکتر مهدی باقی (نشر نی)

۱۷ـ کتابشناسی کتاب‌های خطی؛ تألیف محمد مهدی بیانی

۱۹ـ واژه‌نامه نسخه‌شناسی و کتاب‌پردازی؛ حسن هاشمی میناباد

۱۹ـ نسخه‌های خطی و آثار کمیاب؛ تألیف حسین مسجدی (دانشگاه پیام نور)

۲۰ـ کارگاه روش تصحیح نسخه‌های خطی، نوشتهٔ مرتضی چرمگی عمرانی و علی (پدرام) میرزایی (دانشگاه پیام‌نور)

۲۱ـ دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی، مدخل‌های مرتبط با نسخه‌شناسی

۲۲ـ سنت تصحیح متن در ایران پس از اسلام؛ مجتبی مجرد (رسالهٔ دکتری نویسنده و برندهٔ جایزهٔ دکتر فتح‌الله مجتبایی)

کتاب «مجموعه مقالات روش‌های تصحیح نسخ خطی»، به کوشش محمود نظری، در دو مجلد، در سال ۱۳۸۶ از سوی کتابخانهٔ مرکزی مرکز اسناد دانشگاه تهران منتشر شده است.

در زمینهٔ نسخه‌پژوهی و اصول و فنون تصحیح نسخ خطّی، نشریه‌ها، مجلات و فصلنامه‌های مختلفی به صورت تخصصی و علمی فعالیت دارند و مقالات متعددی در این موضوعات در آن‌ها به نگارش درآمده‌اند. مجلهٔ نامهٔ بهارستان و پیام بهارستان (کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی)، مجلهٔ آیینهٔ میراث (مرکز پژوهشی میراث مکتوب) و نشریهٔ نسخه‌های خطّی کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران (بنیان‌گذاران: ایرج افشار و محمدتقی دانش‌پژوه) از جملهٔ این مجلات تخصصی در حوزهٔ متون و نسخه‌های خطّی است. مجلهٔ «آینهٔ میراث» که توسط مؤسسهٔ میراث مکتوب به چاپ می‌رسد، مقالاتش منحصراً در قلمرو شناساندن نسخه‌های خطّی و طریقهٔ تصحیح متون و ارائهٔ انتقاد از متونِ چاپ‌شده است. در ادامه به ذکر چند مقالهٔ مهم و مفید در تحقیق و تصحیح متون خطّی که مطالعهٔ آن‌ها به محققان نسخ خطی توصیه می‌گردد، اکتفا می‌شود:

عبدالحسین زرین‌کوب، روش علمی در نقد و تصحیح متون ادبی، مجلهٔ یغما، سال دهم، شماره ٦: شهریور ١٣٣٦ و شماره ٧: مهر ١٣٣٦. این مقاله در مجلهٔ آینهٔ میراث نیز با این مشخصات منتشر شده است: دربارهٔ تصحیح متون: روش علمی در نقد و تصحیح متون ادبی، شمارهٔ ١، زمستان ١٣٧٧.

احمد سمیعی، نکته‌هایی در باب تصحیح متون، نشر دانش، جلد ٤، شماره ١٢ و شمارهٔ دوم سال چهارم: بهمن و اسفند ١٣٦٢.

عباس اقبال، لزوم احیای کتب قدیمه، مجلهٔ یادگار، جلد ٢، شماره ٢، شهریور ١٣٢٤.

تقی بینش، روش تصحیح متون فارسی، نشریهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی تبریز، جلد ٢٧، شمارهٔ ١١٥ و ١١٦: زمستان ١٣٥٤.

انوار، سیدعبدالله، چگونگی نسخ خطی و نقد روش‌های آن، کتاب ماه کلیات، شمارهٔ ٩٢ و ٩٣، مرداد و شهریور ١٣٨٤.

جعفر شعار، لزوم طبع انتقادی متون معتبر فارسی، راهنمای کتاب، جلد ١٠، شماره ٢، تیر ١٣٤٦.

مسعود فرزاد، روش علمی برای تصحیح متون، مجلهٔ گوهر، سال دوم، شمارهٔ ٢٢: دی ١٣٥٣.

نصرت‌الله فروهر، روش تصحیح نسخه‌های خطی، کیهان فرهنگی، شمارهٔ ١٦٥، تیر ١٣٧٩.

جویا جهانبخش، تصحیح متون کهن: مفهوم، عناصر، روش‌ها (١ و ٢)، پژوهش و حوزه، شمارهٔ ١٠ و ١١، تابستان ١٣٨١.

رنه ولک و اوستین وارن، از گردآوری نسخ تا تصحیح انتقادی، مترجم: ضیاء موحد و پرویز مهاجر، مجلهٔ فرهنگ، شمارهٔ ٢ و ٣، بهار و پاییز ١٣٦٧.

مصطفی جواد، دربارهٔ تصحیح متون: فن تصحیح متون، مجلهٔ آینهٔ میراث، مترجم: علی محدث، شمارهٔ ٢، پاییز ١٣٧٧. مقالهٔ مزبور در مجلهٔ مطالعات اسلامی با این مشخصات منتشر شده است: فن تصحیح متون، شمارهٔ ٢٥،

زمستان ۱۳۵٦.

بشار عواد معروف، تصحیح متن و تعلیقه‌نویسی بر آن، مجلهٔ مشکوة، ترجمهٔ علی محدث، شمارهٔ ۷۰، ص۸۲ـ۹۹.

لازم به ذکر است که مطالعه و آموزش منابع مذکور (کتب و مقالات) برای پژوهشگران و محققان رشته‌های علوم انسانی و اسلامی، به ویژه رشته‌های مطالعات قرآن و حدیث، تنها باید محدود به کلیات مسائل مربوط به نسخه‌های خطّی و اصول و شیوه‌های تصحیح متون خطّی باشد و بر روی مباحث علمی و تخصصی دیگر نظیر تاریخ خط و کتابت، انواع خط، خوشنویسی، انواع مرکب، تذهیب، کتاب‌آرایی، صحافی و جلدسازی، شیوه‌های مرمت، انواع کاغذ، مُهرشناسی، حفاظت و نگهداری نسخ خطّی و بسیاری اطلاعات دیگر که به جلوه‌های هنری نسخ خطّی و مستقیماً با تصحیح و تحقیق متن ارتباط ندارد، وقت نگذارند. بیشترین تمرکز باید بر روی محتوای نسخه‌ها و شناساندن نسخه‌های خطّی مرتبط با علوم قرآنی و حدیثی و تصحیح عملی و علمی، مقدمه‌نوشتن، نقد و ترجمه این آثار و در نهایت آماده‌نمودن پژوهشگران و فارغ‌التحصیلان این رشته برای کار علمی و تخصصی تصحیح نسخ خطّی در حوزهٔ مرتبط باشد.

نتیجه‌گیری

بدون تردید وجود نسخه‌های خطّی و متون مکتوب کهن فراوان در حوزه‌های مختلف علوم و معارف اسلامی و مطالعات قرآنی و حدیثی در کتابخانه‌های جهان اسلام و غرب و همچنین سیر تکامل آن علوم در دوره‌های زمانی گوناگون و نیاز به احیای این میراث غنی و بهره‌بردن از آن‌ها در علوم مختلف، لزوم و ضرورت آشنایی با روش تصحیح نسخ خطّی و متون کهن قرآنی و حدیثی و تربیت کارشناسان و متخصصان در این حوزه را بیشتر نموده است. در این راستا، لازم است زمینه‌های تعامل و هم‌گرایی میان اساتید گروه‌های مختلف آموزشی علوم انسانی و اسلامی با استادان نسخه‌شناسی خطّی هر چه بیشتر فراهم شود و ضمن ارائهٔ آموزش‌های نظری در این زمینه، به برگزاری کارگاه‌های عملی و کاربردی، با هدف تربیت دانش‌آموختگان رشته‌های علوم اسلامی و انسانی، به ویژه علوم قرآن و حدیث، برای تصحیح و احیای آثار به جای مانده از گذشتگان همّت گمارده شود. بنابراین شرکت در کارگاه‌های

آموزشی نسخه‌شناسی و بهره‌بردن از اساتید و متخصصان حوزۀ نسخه‌پژوهی در جنب اساتید قرآن‌پژوه و حدیث-شناس، از موارد مهم و ضروری در بازدهی مفید این امر و تصحیح و انتشار شایستۀ نسخ خطّی است. بدیهی است که پیش از اقدام به تصحیح و تحقیق در زمینۀ نسخه‌پژوهی متون دینی، بایسته است پژوهشگران و محققان این حوزه، با قواعد و فنون نسخه‌شناسی، شیوه‌های تصحیح، مقدمه‌نویسی و نقد و ترجمه این آثار، آشنایی کامل و کافی پیدا کنند.

از دیرباز دانشمندان و اساتید بسیاری در رشته‌های گوناگون مطالعات اسلامی به ویژه علوم قرآنی و حدیثی، در زمینه‌های نسخ خطّی و متون کهن فارسی و عربی تخصص داشته و در تصحیح و احیای این آثار اهتمام ورزیده‌اند. وجود نسخه‌های خطّی فراوان قرآنی و حدیثی در کتابخانه‌های ایران و جهان، نمایانگر عظمت تمدن اسلامی و اهمیت دانش‌های قرآنی و اسلامی در بین مسلمانان جهان در طول ۱۴۰۰ سال دورۀ درخشندۀ اسلامی است. بر هر محقق اندیشه‌ور و پژوهشگر دغدغه‌مند فرض است که با استفاده از دانش و تخصّص، دقت و حوصلۀ فراوان و همچنین رعایت اصول و ضوابط علمی در امر تصحیح متون کهن، شناساندن، احیاء و انتشار این گنجینه‌های ارزشمند که نتیجۀ سال‌ها تلاش دانشمندان اسلامی و ایرانی است در درجۀ اول فعالیت‌ها و مطالعات علمی خود قرار دهند.

نسخه‌های خطّی ضمن اینکه نمایانندۀ قرن‌ها پیشینۀ فرهنگی و هنری هر کشور و آیین آن است، سرمایه و پشتوانۀ فرهنگی هر ملت نیز به شمار می‌رود و دارای ارزش فراوان علمی و هنری هستند و تصحیح و تحقیق این آثار سبب می‌شود تا گنجینه‌ای از علوم، احیاء و در اختیار عموم و خواص قرار گیرد. بنابر این با توجه به شمار فراوان نسخه‌های خطی در علوم مختلف اسلامی و تعداد بسیاری از پژوهشگران و دانش‌آموختگان مقاطع تحصیلات تکمیلی که در رشته‌های قرآنی و حدیثی تحصیل نموده‌اند، لازم است فرصتی فراهم گردد که این گروه از جامعۀ دانشگاهی، وظیفۀ احیا و انتشار بخشی از این میراث غنی بازمانده از گذشتگان را بر گردن نهاده و ضمن آموزش-های مقدماتی اصول نسخه‌شناسی و روش‌های تصحیح متون توسط اساتید این حوزه، تصحیح و تحقیق نسخه‌های خطّی در قالب طرح‌های علمی، کتاب، مقاله، پایان‌نامه و رساله‌های دانشجویی را در دستور کار خود قرار دهند. در این راستا در مقالۀ حاضر، ضمن بیان عناوین مهم و موضوعات پیشنهادی در آموزش تصحیح و تحقیق متون خطّی

قرآنی و حدیثی و دلایل لزوم آشنایی با تصحیح و تحقیق متون خطی در حوزهٔ قرآن و حدیث، به برخی امور مقدماتی مهم در زمینهٔ تصحیح متون خطّی، از جمله روش‌های صحیح نسخه‌یابی و معرفی فهرست‌های مشهور نسخه‌های خطّی و همچنین معرفی برخی منابع در زمینهٔ نسخه‌پژوهی و آموزش اصول، مبانی و روش‌های تصحیح نسخ خطّی، به صورت گذرا اشاره گردید.

منابع و مآخذ

- افشار، ایرج (۱۳۸٤)، «مسائل نقل و تصحیح متن‌های فارسی و مشکل حفظ اصالت نسخهٔ خطی»، ***نامهٔ بهارستان***، سال ششم، شمارهٔ اول ـ دوم، دفتر ۱۱ و ۱۲، ص۱۷۹ـ۱۸۸.
- امیدسالار، محمود (۱۳۸۵)، «تاریخچه‌ای از تصحیح متن در مغرب زمین و در میان مسلمین»، ***آینهٔ میراث***، سال چهارم، شمارهٔ ۳۳ و ۳٤، ص۷ـ۳۲.
- امیدسالار، محمود (۱۳۸٤)، «علامه قزوینی و فن تصحیح متن»، ***نامهٔ بهارستان***، سال ششم، شمارهٔ اول ـ دوم، دفتر ۱۱ و ۱۲، ص۱۸۹ـ۲۰٦.
- انوار (استعلامی)، پروین (۱۳۷۸)، ***مأخذشناسی و استفاده از کتابخانه***، ویرایش پنجم، تهران: زوّار.
- بینش، تقی (۱۳٥٤)، «روش تصحیح متون فارسی»، ***دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز***، دورهٔ ۲۷، شمارهٔ ۱۱٥ و ۱۱٦، ص۳۹۰ـ٤۲٦ و ٥٦۱ـ٦۱۲.
- جواد، مصطفی (۱۳۷۷)، «فن تصحیح متون»، مترجم: علی محدث، ***آینهٔ میراث***، شمارهٔ ۲، صص۹۷ـ۱۰۸.
- جهانبخش، جویا (۱۳۹۰)، ***راهنمای تصحیح متون***، چاپ سوم، تهران: دفتر نشر میراث مکتوب.
- جهانبخش، جویا (۱۳۸٤)، «سخت‌تر از تألیف / دربارهٔ روش‌های تصحیح متون خطی»، ***ضمیمهٔ خردنامهٔ همشهری***، شمارهٔ ٦۸، ص٦ و ۷.
- چرمگی عمرانی، مرتضی و علی (پدرام) میرزایی (۱۳۹۸)، ***کارگاه روش تصحیح نسخه‌های خطی***، چاپ

دوم، تهران: دانشگاه پیام نور.

- رُمن، استیفن (۱۳۷۳)، «نسخه‌های خطی اسلامی در کتابخانه‌های کانادا (مونترال و تورنتو)»، ترجمهٔ پروین انوار (استعلامی)، ***مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات***، شمارهٔ ۱۷ و ۱۸، ص۷۳ـ۷۹.
- رنجبر، احمد (۱۳۷۷)، ***روش تحقیق و مأخذشناسی***، چاپ پنجم، تهران: اساطیر.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۳٦)، «روش علمی در نقد و تصحیح متون ادبی»، ***یغما***، سال دهم، شمارهٔ ٦: شهریور ۱۳۳٦، ص ۲٦٤ـ۲۵۹ و شمارهٔ ۷: مهر ۱۳۳٦، ص۳۱۰ـ۳۱٤.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۷)، «روش علمی در نقد و تصحیح متون ادبی»، ***آینهٔ میراث***، سال اول، شمارهٔ اول، ص٤٦ـ۵۳.
- ستوده، غلامرضا (۱۳۸٦)، ***مرجع‌شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی***، چاپ دوازدهم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- سمیعی، احمد (۱۳٦۱)، «نکته‌هایی در باب تصحیح متون»، ***نشر دانش***، شمارهٔ ۱۲، ص٤۸ـ۵۳.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۳)، «نقشِ ایدئولوژیکِ نسخه بدل‌ها»، ***نامهٔ بهارستان***، سال پنجم، شمارهٔ اول و دوم، دفتر ۹ و ۱۰، ص۹۳ـ۱۱۰.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی، ***مصوبه اهداف، سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب***، تهران، جلسهٔ ٦٦۰، مورخ ۱۳۸۹/۱/۲٤.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی، ***منشور توسعه فرهنگ قرآنی***، مصوب جلسات ٦٤۳، ٦۵۱، ٦٦٤ و ٦۷۹، جلسه ٦٤۳، مورّخ ۸۸/۲/۲۲.
- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۸٤)، «ضوابط تصحیح متن‌های کهن»، ***نامهٔ بهارستان***، سال ششم، شمارهٔ اول ـ دوم، ص۲۰۷ـ۲۱۰.
- عظیمی، حبیب‌الله (۱۳۸۹)، ***اصول و مبانی نسخه‌شناسی در کتب خطّی***، چاپ اول، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- عظیمی، حبیب‌الله و ایوب نازی (۱۳۸۹)، «نسخ خطی و فهرست‌نویسی آن در ایران»، ***تحقیقات کتابداری***

و اطلاع‌رسانی دانشگاهی، سال چهل و چهارم، شمارهٔ ۵۲، ص۷۱ـ۹۲.

- عظیمی، حبیب‌الله (۱۳۹٦)، ***نسخه‌نامه***: کانون‌های استنساخ، عناصر نسخه‌شناسی، رویّه‌های فهرست‌نویسی، شناخت جعل و اصالت نسخه‌ها، چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- عمادی حائری، محمد (۱۳۸۷)، «تصحیح متون با تأکید بر تصحیح متون فارسی»، ***گزارش میراث***، دورهٔ دوم، سال سوم، شمارهٔ ۲۵ و ۲٦، ص٤ـ۱۲.
- فدائی، غلامرضا (۱۳۸٦)، ***آشنایی با نسخ خطی و آثار کمیاب (فارسی و عربی)***، چاپ اول، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- فرزاد، مسعود (۱۳۵۳)، «روش علمی برای تصحیح متون»، ***مجلهٔ گوهر***، سال دوم، شمارهٔ ۲۲، ص۸۸۵ـ۸۹۱.
- مایل هروی، نجیب (۱۳۷۹)، ***تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطّی***، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- مجرد، مجتبی (۱۳۹۳)، «زمینه‌های پیدایش و تطور دانش تصحیح متن در جهان اسلام»، ***مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات***، دورهٔ ۲۵، شمارهٔ ۹۸.
- مسجدی، حسین (۱۳۹۷)، ***نسخه‌های خطی و آثار کمیاب***، چاپ اول، تهران: دانشگاه پیام نور.
- مشتاق مهر، رحمان (۱۳۷۸)، «محدّث ارموی و تصحیح متون»، ***آینهٔ پژوهش***، دورهٔ ۱۰، شمارهٔ ۵۹، ص۲ـ۱۱.
- منجّد، صلاح‌الدین (۱۳۷۷)، «روش تصحیح نسخه‌های خطی، ترجمهٔ حسین خدیوجم»، ***آینهٔ میراث***، سال اول، شمارهٔ سوم و چهارم، ص۱۰۳ـ۱۱۱.
- المنجّد، صلاح‌الدین (۱۹۸۷)، ***قواعد تحقیق المخطوطات***، الطبعة السابعة، بیروت: دارالکتب الجدید.
- ولک، رنه و اوستین وارن (۱۳٦۷)، «از گردآوری نسخ تا تصحیح انتقادی»، ***مجلهٔ فرهنگ***، مترجم: ضیاء موحد و پرویز مهاجر، شمارهٔ ۲ و ۳، ص٤٤۱ـ٤٥٦.
- یوسفی، غلامحسین (۱۳۸٦)، ***برگ‌هایی در آغوش باد***، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران: علمی.

پیوست‌ها:

[۱]. لازم به ذکر است که برخی از محققان، گاهی دو تعبیر «نقد متون» و «تصحیح متون» را به جای همدیگر به کار برده‌اند و از «مصحّح» در برخی مواقع، به «منتقد» یاد کرده‌اند. (ر.ک. زرین‌کوب، ۱۳۳٦: شمارهٔ ٦، ص۲۵۹ و ۲٦۰ و شمارهٔ ۷، ص۳۱۳ و جهانبخش، ۱۳۹۰: ص۱٤) در این‌باره، مایل هروی نیز به طور مکرّر در کتاب خود، از تعبیر «مصحِّح منتقد» استفاده می‌کند. (برای نمونه ر.ک. مایل هروی، ۱۳۷۹: ص۵۰۱ و ۵۰۲)

[۲]. «منظور از روش انتقادی در متون فارسی [و عربی] این است که با استفاده از روش علمی بتوان تا حد امکان یک متن را به صورت اصلی و حقیقی خود نزدیک کرد. به این ترتیب در روش انتقادی، انتخاب نسخه اهمیت خیلی زیادی دارد و می‌توان گفت مهم‌ترین کار است. طبعاً هرقدر نسخه‌ای قدیم‌تر باشد ارزش بیشتری دارد و به نسخهٔ اصلی نزدیک‌تر خواهد بود.» (بینش، ۱۳۵٤: شمارهٔ ۱۱۵، ص٤۱۵)

[۳]. شفیعی کدکنی دربارهٔ علت تغییرات در نسخ خطی می‌نویسد: «کسانی که با تصحیح نسخه‌های خطی کهن سر و کار داشته‌اند، به تجربه دریافته‌اند که بخش قابل‌ملاحظه‌ای از تغییرات به علت عامل شنیدار aural و یا گفتار oral است که یکی املا می‌کرده است و دیگری کتابت و این نکته در دوره‌های آغازی کتابت که انتقال از متن شفاهی به متن کتبی است، البته، اهمیت بیشتری دارد.» (شفعیی کدکنی، ۱۳۸۳: ص۹٦)

[٤]. برای مطالعه و شناخت انواع تحریف‌ها، اغلاط، اسقاطات و الحاقات در نسخ خطی ر.ک. زرین‌کوب، ۱۳۳٦: روش علمی در نقد و تصحیح متون ادبی، شمارهٔ ۷، ص۳۱۰-۳۱۳ و برای نمونه ر.ک. یوسفی، ۱۳۸٦: یادداشتی در تصحیح متون، ٦۳۱-٦۳٤؛ بینش، ۱۳۵٤: روش تصحیح متون فارسی، شمارهٔ ۱۱۵، ص٤۲۵ و ٤۲٦. بنا بر نظر مسعود فرزاد، یافتن اغلاط و حذف آن‌ها، پس از مرحلهٔ جمع‌آوری و به هنگام تصحیح متن است. وی در این باره می‌نویسد: «محقّق باید در ضمن اشتغال به طی مراحل جمع‌آوری تعمد داشته باشد که از تصحیح (حتی تصحیح آن‌چه به نظر او غلط ساده و آشکار است) خودداری کند، زیرا در سرتاسر مرحلهٔ جمع‌آوری هنوز نوبت قضاوت فرا نرسیده است و قصاص قبل از جنایت (یا به تعبیر امروزه مجازات قبل از محکومیت) روا نیست. کار ماشینی ولی دقیق و مهم جمع‌آوری، که به پایان رسید، نوبت تصحیح فرا می‌رسد و در آن هنگام است که باید اغلاط را اعم از آشکار و غیر آن، با ذکر منابع و دلایل حذف کرد.» (فرزاد، ۱۳۵۳: شمارهٔ ۲۲، ص۸۸۷ و ۸۸۸)

[۵]. یکی از کتاب‌هایی که در آن به تفصیل و با نگاه علمی، به ویژگی‌ها و خصیصه‌های مصحِّح متون خطی اشاره شده است، کتاب تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی نوشتهٔ استاد نجیب مایل هروی است که در بخش دوم، قسمت دوازدهم، با عنوان «آمُخته‌ها (عادت‌ها) و آموخته‌های مصحِّح» این مطلب را بررسیده است. (ر.ک. همان، ۱۳۷۹: ص٤۱۱-٤۲٦)

[٦]. به جستجو و بررسی نسخه‌های خطی موجود متن که برای این منظور می‌باید به فهرست‌های نسخه‌های خطی کتابخانه‌های دنیا مراجعه کرد، به طور عام «نسخه‌شناسی» گفته می‌شود. مراحل سه‌گانهٔ نسخه‌شناسی عبارت‌اند از: نسخه‌شناسي توصيفي (جستجو و بررسي فهرست ها)، نسخه‌شناسی تاریخی (شناخت کهن ترین نسخه‌ها) و نسخه‌شناسی تطبیقی. (تشخیص اصیل‌ترین و صحیح‌ترین

آن‌ها) (عمادی حائری، ۱۳۸۷: شمارهٔ ۲۵ و ۲۶، ۵ و ٦ و برای آگاهی بیشتر در مورد مراحل سه‌گانهٔ نسخه‌شناسي ر.ک. مایل هروی، ۱۳۷۹: ص۳۳۳ـ۳۵٦ و ر.ک. چرمگی عمرانی، ۱۳۹۸: ص۳۵ و ۳٦)

[۷]. دکتر منجّد در کتاب قواعد تحقیق المخطوطات، بحث مفیدی دربارهٔ نحوهٔ صحیح گردآوری و ترتیب نسخه‌ها بیان داشته‌اند که مطالعهٔ آن، به محققانی که در حوزهٔ تصحیح متون خطی کار خواهند کرد، توصیه می‌شود. (ر.ک. المنجّد، ۱۹۸۷: ص۱۲ـ۱٤) «مرحلهٔ اول در تصحیح متون فارسی و به طور کلی متون، استقراءِ نسخه‌هاست تا معلوم شود از آن کتاب چند نسخه موجود است و این نسخه‌ها در چه زمانی نوشته شده‌اند.» (بینش، ۱۳۵٤: شمارهٔ ۱۱۵، ص٤۱٦)

[۸]. یکی از محققان، فهرست‌کردن نسخه‌های خطی را امری مشکل دانسته و اموری را که در این کار باید به آن توجه شود را بیان نموده است. (ر.ک. رنجبر، ۱۳۷۷: ص٤۸) در مورد فهرست‌نویسی نسخ خطی، کارکردها، اصول و قواعد کلی آن و همچنین شیوه‌ها (سنتی، میانه و مدرن) و انواع فهرست‌های نسخ خطی: ۱ـ بر اساس نوع اطلاعات هر اثر: تحلیلی ـ انتقادی، موضوعی، تاریخی؛ ۲ـ بر اساس کیفیت تحقیق فهرست‌نگار: نامگو، توصیفی، توصیفی ـ تحلیلی. ر.ک. عظیمی و نازی، ۱۳۸۹: ص۷۸ـ۹۱.

[۹]. دربارهٔ شخصیت علمی و مطالعات نسخه‌شناسی این مصحّح عالی‌قدر متون عربی و فارسی، بزرگ‌ترین نسخه‌شناس و فهرست‌نگار معاصر، به مقالهٔ شارل هانری دوفوشه کور، استاد بخش مطالعات ایرانی دانشگاه سوربُن که به یاد استاد محمدتقی دانش‌پژوه به نگارش درآمده است و توسط دکتر علی‌اکبرخان محمّدی به فارسی ترجمه شده است (مجلهٔ آینهٔ میراث: سال اول، شمارهٔ دوم) مراجعه کنید.

[۱۰]. برای آشنایی بیشتر با شخصیت علمی و آثار شیخ آقابزرگ، به ویژه کتاب الذریعه ایشان، به کتاب ارزشمند «زندگی و آثار شیخ آقابزرگ تهرانی»، تألیف استاد محمدحسین حسینی جلالی، ترجمهٔ محمدعلی احمدی ابهری که توسط انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی به چاپ رسیده است، مراجعه کنید.

[۱۱]. کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ضمن نگهداری و تهیه نسخ خطی، در سالیان اخیر تلاش‌هایی شایسته‌ای در زمینهٔ تصحیح، احیاء و نشر آن‌ها داشته است. «گنجینهٔ بهارستان» عنوان مجموعه‌ای است شامل تصحیح رساله‌های کم‌حجم خطی در موضوعات مختلف که از سوی کتابخانه مجلس شورای اسلامی منتشر می‌شود. این مجموعه در قالب هشت موضوع عرضه شده است: علوم قرآنی و روایی، حکمت (شامل منطق، فلسفه، کلام و عرفان)، فقه و اصول، اخلاق، ادبیات فارسی، ادبیات عرب، تاریخ و جغرافیا، علوم و فنون (شامل ریاضیات، نجوم، پزشکی و...).

[۱۲]. علاقه و توجه دکتر کیسی ای. وود به گردآوری نسخ خطی اسلامی، در اثر سفر به کشورهای اسلامی و دیگر کشورها، از جمله ترکیه، سوریه، هند، قاهره، لیبی و تونس پدید آمده بود. دکتر وود با کمک دکتر ایوانف، محقق روسی، توانست مجموعه‌ای نفیس از نسخ خطی اسلامی را گردآوری کند و سال‌ها بعد این مجموعه را به دانشگاه مک گیل اهدا کرد. (ر.ک. رُمن، ۱۳۷۳: ص۷٦)

[۱۳]. محقق محترم، آقای دکتر فدائی این دو فهرست را از نظر موضوعات بررسی و فهرست نموده و در پیوست سوم کتاب آشنایی با نسخ خطی و آثار کمیاب ذکر کرده‌اند. (ر.ک. همان، ص۲٦۱ـ۲٦٤)

[۱٤]. اغلب مصحّحان و محقّقان در مقدمه‌هایی که بر کتاب‌های مصحَّح نوشته‌اند، روش خود در تصحیح متن را شرح داده‌اند. یادداشت استاد خانلری در ابتدای کتاب‌های چاپ بنیاد فرهنگ و یادداشت آقای دکتر یارشاطر در آغاز سلسلهٔ متون فارسی بنگاه ترجمه و نشر کتاب، از بهترین نمونه‌های بیان روش تصحیح متون است. (ر.ک. بینش، ۱۳۵٤: شمارهٔ ۱۱۵، ص۳۹۷)

[۱۵]. یکی از نوشته‌های مفید که مراحل تصحیح انتقادی یک اثر را شرح می‌دهد، مقالهٔ رنه ولک و اوستین وارن با عنوان «از گردآوری نسخ تا تصحیح انتقادی» است که در آن، اشاره‌های فراوان و جالب به چگونگی انجام این کار در ادبیات غرب آمده است. این مقاله ترجمهٔ فصل ششم از کتاب نظریه ادبیات است که توسط پرویز مهاجر و ضیاء موحد به فارسی ترجمه شده است.

[۱۶]. در مقالهٔ روش تصحیح متون فارسی نیز، انواع روش‌های تصحیح (انتقادی، التقاطی و قیاسی) و توضیحات هر یک، به تفصیل بیان شده است. (ر.ک همان، شمارهٔ ۱۱۵، ص۴۱۳ـ۴۲۵)

[۱۷]. جویا جهانبخش در کتاب راهنمای تصحیح متون بیش از هفت مرحله، از آغاز فرآیند تصحیح تا نشر ذکر کرده است که تا حدودی کامل و سودمند است. (ر.ک. همان، ۱۳۹۰: ص۳۵ و ۳۶)

[۱۸]. در مورد مصحّحان و محقّقان بزرگ تصحیح متون و روش‌ها و دیدگاه‌های ایشان در تصحیح متون ر.ک. مایل هروی، ۱۳۷۹: ص۳۹۴ـ۴۰۰ و چرمگی عمرانی، ۱۳۹۸: ص۵۳ـ۵۹. از جمله مصحّحان بنام ایرانی عبارت‌اند از: محمد قزوینی، نصرالله تقوی، محمد علی فروغی، محمدتقی بهار، عبدالعظیم قریب، احمد بهمنیار، عباس اقبال آشتیانی، حبیب یغمایی، جلال‌الدین همایی. سیدمحمد مشکاة، مجتبی مینوی. نسل دیگر: یحیی مهدوی، ذبیح‌الله صفا، محمد معین، بدیع‌الزمان فروزانفر، محمدتقی دانش‌پژوه، مهدی بیانی، جلال‌الدین محدث ارموی، احمدعلی رجائی، غلامحسین یوسفی. (ر.ک. افشار، ۱۳۸٤: ص۱۸۲ و ۱۸۳)

[۱۹]. یکی از محققان، در مورد روش علامه قزوینی در تصحیح متون می‌نویسد: «در حوزة متون فارسي، تا آنجا كه مي دانيم، نخستين ايراني كه به شيوة جديد به تصحيح متن پرداخت، محمد قزويني (متوفي ۱۳۲۸ش) است كه هرچند در ايران تحصيلات علوم قديمه داشت، با مهاجرت به اروپا (در سال ۱۳۲۲ق) و بر اثر آشنايي با ادوارد براون و به تشويق او، به روش خاورشناسان اروپايي به تصحيح و انتشار متونی مانند مرزبان‌نامه، چهارمقاله، المعجم فی معاییر اشعار العجم، تاریخ جهانگشای جوینی، و دیوان حافظ پرداخت.» (عمادی حائری، ۱۳۸۷: شمارهٔ ۲۵ و ۲۶، ص٤)

برای مطالعه دربارهٔ روش علامه قزوینی در تصحیح متن ر.ک. امیدسالار، محمود، ۱۳۸۵ـ۱۳۸٤: مقالهٔ علامه قزوینی و فن تصحیح متن، نامهٔ بهارستان، سال ششم، شمارهٔ اول ـ دوم، دفتر ۱۱ و ۱۲، ص۱۹۸ـ۲۰۶ و نیز چرمگی عمرانی، ۱۳۹۸: ص۵۵ و ۵۶. استاد ایرج افشار، آغاز تصحیح و نشر متون فارسی با اصول علمی و انتقادی را همزمان با فعالیت‌های علمی محمد قزوینی (م ۱۳۲۸ش) در اروپا دانسته است. (ر.ک. افشار، ۱۳۸٤: ص۱۸۲)

[۲۰]. نسخه‌شناسان: کارل لاخمان، هرمان اته، استُوری، فلوگل؛ مصحّحان: لسترنج، ادوارد براون، هلموت ریتر، برتلس، پاول هرن، پطروشفسکی. (ر.ک. مایل هروی، ۱۳۷۹: ص۳۹٤)

[۲۱]. نویسندهٔ مقالهٔ فن تصحیح متون، در مورد حواشی و تعلیقه‌نویسی بر متون خطی می‌آورد: «برای توضیح کلمات غریب و اصطلاحات مجهول، لازم است تعلیقات کافی نوشته شود، باید از مصادر خطی دیگر آنچه محتوا و مادّهٔ علمی و ادبی کتاب را افزایش می‌دهد، بدان افزوده گردد.» (مصطفی جواد، ۱۳۷۷: ص۱۰۲) «رسم شده است که مشکلات لغوی و ادبی و تاریخی متن را در تعلیقات مورد بحث قرار بدهند و خوانند را از مراجعه به کتب متعدد بی‌نیاز کنند» (بینش، ۱۳۵٤: شمارهٔ ۱۱۶، ص۵۶۳) و برای مطالعهٔ بیشتر در این موضوع ر.ک. مایل هروی، ۱۳۷۹: ص۵۰۲ و ۵۰۳؛ بینش، ۱۳۵٤: شمارهٔ ۱۱۶، ص۵۶۳ـ۵۶۵ و جهانبخش، ۱۳۹۰: ص۶۵ـ۷۰.

[۲۲]. شناسایی انواع خطوطی که کاتبان در روزگاران گذشته جهت کتابت کتب مختلف علمی و ادبی از آن بهره جسته‌اند، از آن جهت که خواندن و فهم متن را برای مصحّح آسان می‌سازد، امری بسیار ضروری و لازم است. برای آشنایی با انواع خطوط و ویژگی‌های هریک،

تحولات خط در نسخ خطی و خطهای متداول در نسخه‌نویسی و کتابت ر.ک. مایل هروی، ۱۳۷۹: ص۲٦۰ـ۲۷۳ و مسجدی، ۱۳۹۷: ص۹۷ـ۱۳٤.

[۲۳]. در مورد اهمیت ضبط کامل نسخه‌بدل‌ها ر.ک. علی‌اشرف صادقی، ۱۳۸٤: مقالهٔ ضوابط تصحیح متن‌های کهن، نامهٔ بهارستان، شمارهٔ اول و دوم،ص ۲۷٤ و ۲۷۵. و نیز ر.ک. شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۸۳: مقالهٔ نقشِ ایدئولوژیکِ نسخه‌بدل‌ها، نامهٔ بهارستان، سال پنجم، شمارهٔ اول و دوم،ص ۹۳ـ۱۱۰، بینش، ۱۳٥٤: شمارهٔ ۱۱٦، ص٥٦۱ـ٥٦۳. نجیب مایل هروی نیز در بخشی از کتاب تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، با عنوان «سازوارهٔ نسخه بدَل‌ها»، به تفصیل دربارهٔ نسخه‌بدل‌ها و نحوهٔ ضبط آن‌ها سخن گفته است. (مایل هروی، ۱۳۷۹: ص٤۷۷ـ ٤۹۸)

[۲٤]. تقی بینش در مقالهٔ مفصل خود، روش تصحیح متون فارسی، این مطلب را یادآور شده‌اند که آقای دکتر منجّد به طوری که از عنوان و متن عربی مقاله‌اش (قواعد تحقیق المخطوطات) برمی‌آید، به کتاب‌های عربی نظر داشته، نهایت می‌توان از آن مقالهٔ سودمند در کلیات برای متون فارسی استفاده کرد. (بینش، ۱۳٥٤: شمارهٔ ۱۱٥، ص۳۹۷)

مجموعه مقالات علمی نخستین همایش ملّی تحقیق و تصحیح نسخه های خطی ایران
انجمن علمی تحقیق و تصحیح نسخه های خطی ایران کد اختصاصی ISC: ۰۱۲۲۰-۷۶۳۳۳
اخبار و گزارشها | مقالات علمی | مطالعات علمی

معرفی قرآن‌های خطی منسوب به امام حسین(ع)

اعظم سلمانی صفا[۱]

چکیده

امروزه در نقاط مختلف جهان، از هندوستان تا اروپا، نسخه‌های خطی متنوعی به پیامبران(ص) و ائمه اطهار(ع) نسبت داده می‌شود و به سبب علاقه و توجّهی که مسلمانان، به ویژه شیعیان، به نُسخ خطی منسوب به معصومین(ع) دارند، این اسناد همواره مورد توجه بوده‌اند. برخی از این اسناد در کتاب‌ها، مقالات و مراجع علمی معرفی و با روشهای مختلف بررسی شده‌اند. در این مقاله، هشت نسخه از قرآن‌های خطی منسوب به حضرت امام حسین(ع) معرفی و تا حدودی بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها

نسخه خطی، قرآن‌های خطی، امام حسین(ع)

۱- مقدمه

قرآن کتاب وحی و اعجازآمیز خداوند است. قداست و شکوه این کتاب آسمانی موجب شده تا مسلمانان از دیرباز به منظور احترام به ساحت عتبات مقد سه ائمه اطهار(ع) یا اعتبار بخشیدن به کتابخانه‌ها، نسخه‌های خطی قرآن را وقف و از این طریق آن‌ها را از خطر نابودی و دست‌درازی فرصت‌طلبان در امان نگاه دارند. در میان این قرآن‌های خطی گرانبها، چندین نسخه که کتابت آن به ائمه اطهار(ع) نسبت داده شده، یافت می‌شود. زیارت قرآن‌های خطی منسوب به ائمه اطهار(ع) بسیار شورانگیز است و حس معنوی عجیبی به بیننده می‌دهد. به راستی

۱. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، مشهد، ایران - Salmanisafa۵@gmail.com

برای خوانندهٔ علاقه‌مند شوق‌آور است که از نزدیک به صفحه‌ای خیره شود که گفته می‌شود امام حسین(ع) آن را با دست خود نگاشته‌اند. البته برای پذیرش چنین انتسابی باید محتاطانه عمل کرد. مسئله سندسازی و افزودن امضای کتابتی در صفحات آخر این نسخ خطی جای بررسی و تأمل دارد. با کنکاش در رَسم‌الخط (سبک نگارش)، بررسی بستر خط (پوست یا کاغذ)، ویژگی‌های کتاب‌آرایی و بهره‌گرفتن از روش‌های آزمایشگاهی و رایانه‌ای نیز می‌توان به قدمت این مصاحف شریف پی برد.

۲- پیشینه پژوهش

بی‌تردید، ائمه اطهار(ع) در زمره نخستین کاتبان، حافظان و مروّجان قرآن کریم هستند. دست‌نوشته‌های آن بزرگواران که در منابع تاریخی و احادیث نقل شده شامل مَصاحف، اَدعیه، وقف‌نامه‌ها، معاهدات، نامه‌ها، رسید وُجوهات شرعی، کتاب و رساله است. برخی دانشمندان مسلمان، کتاب های مستقلی درباره مکتوبات ائمه اطهار(ع) نوشته‌اند. از جمله، عبدالکریم حسینی قزوینی کتاب «الوثائق الرّسمیَه لثورة الامام حسین(ع)» را در سال ۱۳٤٦ش/۱۳۹۰ق نگاشت که بیشتر به نامه‌های آن حضرت پرداخته، اما از قرآنی که مکتوب به دست ایشان باشد، خبری نداده است (حسینی قزوینی، ۱۳۹۰: ص ٤۷-۸۵). در سال ۱۳۵۱ بدری آتابای در کتاب فهرست قرآن‌های خطی کتابخانه سلطنتی به دو قرآن منسوب به امام حسین(ع) که در کاخ گلستان نگهداری می‌شود، پرداخته است. در سال ۱۳٦۰ سیدمحمدباقر حجتی در ضمائم کتاب تاریخ قرآن و در سال ۱۳٦۳ محمدمهدی رکنی در ضمائم کتاب نامه هدایت، یک نسخه قرآن منسوب به امام حسین(ع) در آستان قدس رضوی را معرفی کرده‌اند. در سال ۱۳۸۷ رامین رامین‌نژاد در کتاب برگ‌هایی زرین از قرآن‌های منسوب به خط ائمه معصومین(ع)، به بررسی تعدادی از قرآن‌های منسوب به امام حسین(ع) پرداخته است.

۳- بحث و بررسی

با مراجعه به فهرست‌ها، نسخه‌های متعددی از قرآن‌های منسوب به حضرت امام حسین(ع) شناسایی شد که در گنجینه قرآن و نفایس آستان قدس رضوی (۲ نسخه)، مرکز دایرة المعارف انسان شناسی (۱ نسخه)، کاخ

موزه گلستان (۳ نسخه) و مجموعه خانوادگی یکی از سادات تهرانی (۱ نسخه) نگهداری می‌شود. همچنین قرآنی دیگر که در یک مستند تلویزیونی معرفی شده و محل نگهداری آن نامعلوم است. در این مقاله، هشت نسخه از قرآن‌های منسوب به حضرت امام حسین(ع) معرفی و مشخصات آنها بیان شده است.

۳-۱ معرفی قرآن‌های خطی منسوب به امام حسین(ع)

۳-۱-۱ قرآن خطی منسوب به امام حسین(ع) در گنجینه قرآن و نفایس آستان قدس رضوی به شماره ۱۴ که به خط کوفی بر روی پوست آهو در قطع بیاضی هفت سطری کتابت شده و شامل آیه ۷۲ سوره کهف تا پایان سوره طه است. این قرآن در ۴۱ ورق شامل جزء ۱۵ تا ۱۷ است و بخشی از یک مجموعه سی پاره است. در صفحه آخر چنین نوشته‌اند: «کَتَبَهُ حُسَینُ بنُ عَلی» و با نقاط تیره (حدود ۱۰۰ نقطه) عبارت مذکور را مخدوش و روی آن را چرک و چرب نموده‌اند تا کهنه جلوه نماید. وقفنامه قرآن که به خط و امضای شیخ بهایی است از انتساب آن به حضرت امام حسین(ع) خبر می‌دهد. پنج فقره یادداشت متولیان وقت آستانه از سال ۱۲۸۷ تا ۱۳۴۲ق در صفحه آخر نوشته شده است (حجتی، ۱۳۶۰: ضمائم؛ رکنی، ۱۳۶۳: ضمائم).

شکل ۳-۱-۱.تصاویر برگهایی از *قرآن* خطی منسوب به امام حسین(ع) در موزه آستان قدس رضوی، به «شماره ١٤»

۳-۱-۲ قرآن خطی منسوب به امام حسین(ع) به شماره ۳۳۸۲ که در سال ۱۳۸۷ توسط حضرت آیت‌الله خامنه-ای به کتابخانه آستان قدس رضوی اهدا شد (روزنامه کیهان، ۲۹ فروردین ۱۳۸۷، ص ۳). این قرآن به خط کوفی و بر روی پوست در هشت ورق نوشته شده و شامل بخشی از سور مبارکه سجده، سبأ، احزاب و لقمان است. در صفحه آخر با رسم الخطی که به متن اصلی شباهت دارد، عبارت «کَتَبَهُ حُسَینُ بنُ عَلی» نوشته شده و در زیر آن، یادداشتی از دوره صفویه با این مضمون نگاشته‌اند: «قَد تَشَرَّفت بِزیارَتِ هَذَا المُصحَفِ الشَّریفِ المُبارک اِسمعیل الموسوی الحُسینی الصَّفوی -بَهادُرخان- وَ هِیَ ثَمانٍ وَ سِتّینَ دَفاتِر فی سَنَةِ ۹۲۱». دو مهر شاه اسماعیل صفوی با سَجع «اَلمُلکُ لِلّه» در همین صفحه دیده می‌شود. با استناد به این یادداشت، تعداد اوراق قرآن در ابتدای دوره صفویّه ٦٨ ورق بوده که اکنون فقط ۸ ورق آن باقی است. در همان صفحه یادداشتی از خزانه دار شاه قاجار است: «به توسط حاجی علی ... در منزل هوک عرض دیده شد. فرمان همایون اَشرف والا شد ... ت (تومان)» و مُهری بادامی با سَجع «جانشینِ حَسن، حُسینِ علیست ۱۲۳۲». روایتی با مضمون «قالَ رسولُ الله صلی الله علیه و آله القرآنُ مَعَ

الحُسین وَ حُسینٌ مَعَ القُرآن» نیز در این صفحه نوشته شده است. در صفحه پشت جلد، دو یادداشت به این شرح آمده است: «بسم الله الرّحمن الرّحیم. این مُصحف شریف را به نور چشمی میرزا علینقی دادم به شرط این که مجتهدِ مرحوم و والدین ایشان و والدین مرحومین روحی لهما الفداء و والدین خودش را در هر وقتِ زیارت مُصحف شریف با صلوات و دعا و طلب مغفرت یاد و فراموش ننمایند. والسَّلامُ علَیکُم الکاتب محمدرضا المُحدِّث المجتهدی». نقش مُهر نگارنده این یادداشت با عبارت «محمدرضا» در پایان دست‌نوشته دیده می‌شود. یادداشت دیگر از این قرار است: «بِسمِهِ تَعالی شَأنُه. این مُصحف مبارک را در تاریخ ششم ذِی الحَجَّةِ الحَرام زیارت نمودم. تعداد مکتوبه مبارک به خط مولانا الحُسین علیه السّلام هشت ورق و پنج ورق دیگر که یک ورق در اول و چهار ورق در آخر بِلامَکتوب و سفید است. اَحقرُ العاصی محمّدعلی محدِّث مجتهدی [امضاء]». همه صفحات متن و حاشیه

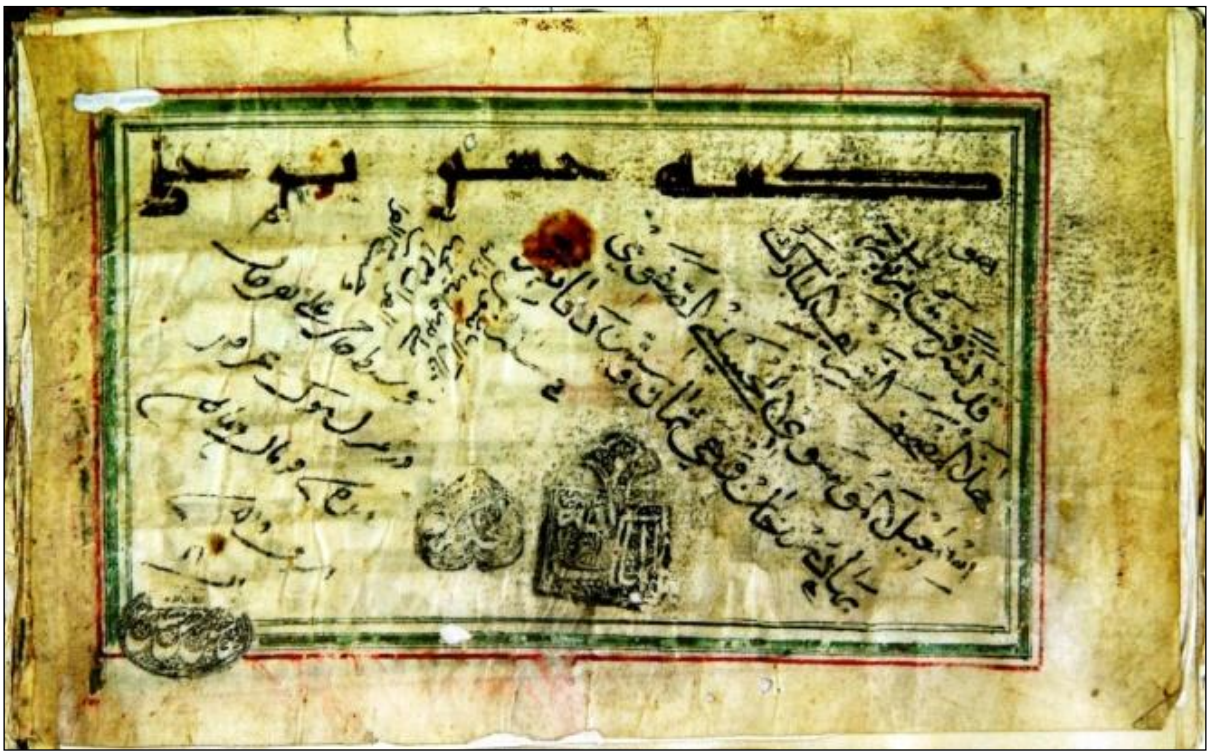

شده‌اند و آثار رطوبت‌زدگی و لکه‌هاي رنگ قابل مشاهده است (آستان حرم، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۷: ۲).

شکل ۳-۱-۲ تصاویر برگهایی از *قرآن* خطی منسوب به امام حسین(ع) (اهدایی حضرت آیت الله خامنه‌ای) در کتابخانه آستان قدس رضوی

۳-۱-۳ قرآن خطی منسوب به امام حسین(ع) در مرکز دایرة المعارف انسان‌شناسی در تهران، که شامل جزء یازدهم به خط کوفی شرقی و بر روی پوستِ آهار داده به صمغِ عربی در ١٤ ورق بیاضی نوشته شده و در هر صفحه ۹ سطر کتابت دارد و اِعراب آن به روش اَبوالاسود با شَنگرف است. در صفحه آخر عبارت «کَتَبَ حُسینُ بنُ عَلی» دیده می‌شود. تعلق این قرآن به امام حسین(ع) توسط مِهرالنساء (همسر ناصرالدین شاه قاجار) که مُهر وی نیز بر ورق اول قرآن دیده می‌شود، تحقیق شده و به تأیید آیات عظام وقت رسیده است (روزنامه جام‌جم، ۱۸ مهر ۱۳۸۱: ۳).

شکل ۳-۱-۳ *قرآن* خطی منسوب به امام حسین(ع) در مرکز دایرة المعارف انسان‌شناسی

۳-۱-٤ قرآن خطی منسوب به امام حسین (ع) به شماره ۱۰٤۱ در کاخ موزه گلستان که به خط کوفی و بر روی پوست شامل ۸ ورق به ابعاد ۱۳/۵×۱٦/۵ سانتی‌متر است و در هر صفحه ۱٦ سطر کتابت دارد. در آخرین سطر صفحه ۱٦ این عبارت آمده است: «کَتَبَهُ حُسَینُ بنُ عَلی». همچنین یادداشتی از دوره صفویه با این مضمون در پایین صفحه دیده می شود: «هو قَد تَشَرّفت بِزیارتِ هَذَا المُصحَفِ الشّریفِ المُبارَک اِسمعیل الحُسینی الموسَوی الصَّفوی بَهادُر خان وَ هِیَ سَبعَ وَ عَشَرَ دَفاتِر سَنة ۹۸۱» و مُهر شاه اسماعیل صفوی با سَجع «اَلحُکمُ لِلّه» در زیر آن

نقش بسته است. در همان صفحه در یادداشت دیگری مربوط به عهد قاجاریه چنین آمده است: «توسط جناب میرزا محمد حکیم‌باشی عرض دیدار شد. فرمان همایون اَشرف والا ششصد تومان» و مُهری با سَجع «جانشینِ حَسَن، حُسینِ علیست» در پایان آن دیده می‌شود. این مصحف دارای اِعراب به روش اَبوالاسود و علائم اِعجام به سبک نَصر بن عاصم به صورت خطوط کوتاه مورَّب است. قرآن موصوف، دارای تذهیب حواشی و جلدی چرمی است (رامین-نژاد، ۱۳۸۹: ۱٤٥).

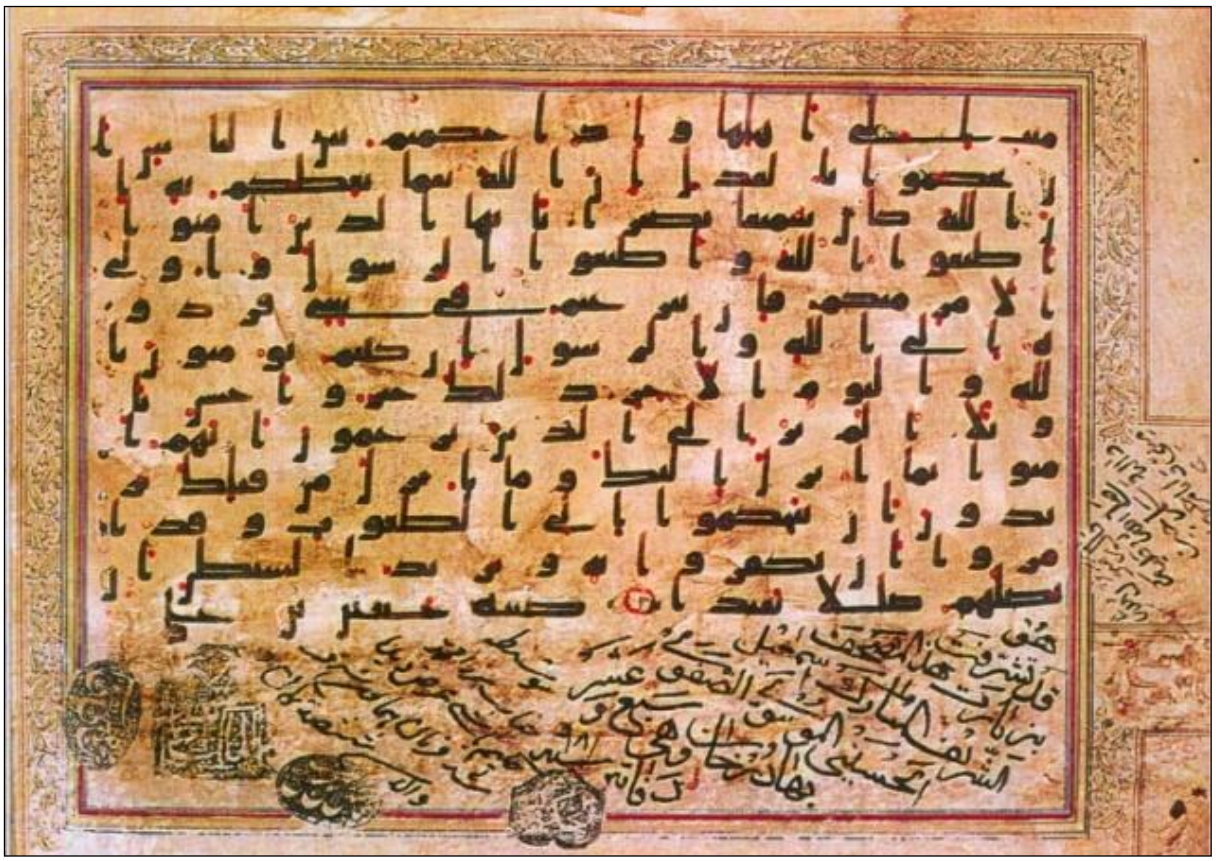

شکل ۳-۱-٤ *قرآن* خطی منسوب به امام حسین(ع) در کاخ موزه گلستان، به شماره ۱۰٤۱

۳-۱-۵ قرآن خطی منسوب به امام حسین(ع) که در کاخ موزه گلستان، نگهداری می‌شود و به خط کوفی بر روی هفت ورق پوست به ابعاد ۱۲×۱۹ سانتی متر نگارش شده و در هر صفحه ۱٤ سطر کتابت دارد. در سطر هفتم صفحه ۱٤ آمده است: «کَتَبَهُ حُسَینُ بنُ عَلی» (تجلی نور، ۱۳۸۲: ۱۵). نیمه یایین صفحه آخر با مواد حلّال پاک شده و این عبارت جایگزین شده است: «قَد تَشَرّفت بهَذهِ النَحریر المُصحَفِ الشّریفِ المُبارَک اِسمعیل الحُسینیِ الموسَوی الصَّفوی بَهادُر خان وَ هِیَ سَبعون وَ ثمان دَفاتِر فی شهر شعبانُ المعظّم سَنه ۱۰۱۰». مُهر شاه اسماعیل صفوی با سَجع «اَلحُکمُ لِلّه» در پایان عبارت و در حاشیه صفحه دیده می شود. نشان مهری با سجع «محمد بهرام» با تاریخ ۹۹۵ق و مُهری با سَجع «جانشینِ حَسَن، حُسینِ علیست» بر صفحه نقش بسته است. در یادداشت دیگری مربوط به عصر قاجار چنین نوشته‌اند: «فرمان همایون اشرف والا شد ۱۲ تومان» و «بوساطت حاجی عبدالرشید در منزل هوک عرض دیده شد» و «فرمان همایون اشرف والا شد دوهزار و سیصد تومان» (رامین‌نژاد، ۱۳۸۹: ۱٤۷).

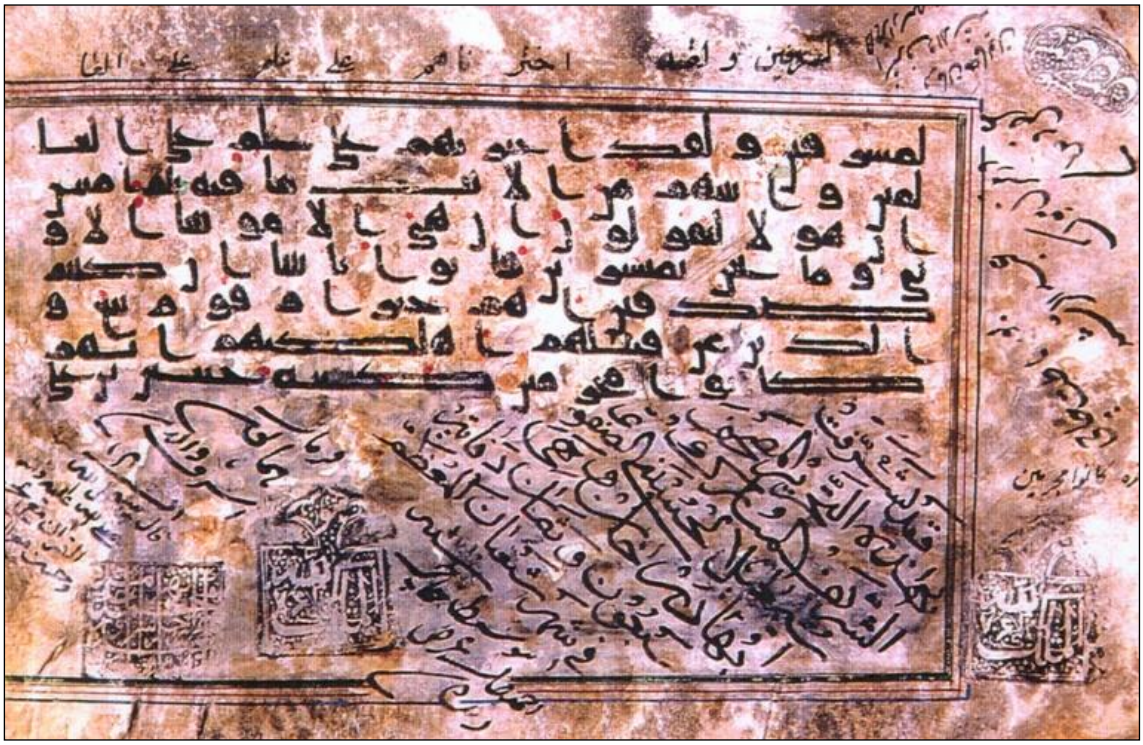

شکل ۳-۱-۵ *قرآن* خطی منسوب به امام حسین با مهر شاه اسماعیل صفوی، کاخ موزه گلستان

۳-۱-٦ قرآن خطی منسوب به امام حسین(ع) در کاخ موزه گلستان به شماره ۱۰٤٦ که به خط کوفی در قطع بیاضی ربعی و بر روی ۲۸ ورق پوست به ابعاد ۱۱×۱۷ سانتی‌متر است و در هر صفحه ۹ سطر کتابت دارد. در سطر هفتم صفحه ۵۸ با رسم الخطی مشابه متن قرآن عبارت «کَتَبَهُ حُسَینُ بنُ عَلی» نوشته شده و در زیر آن یادداشتی از دوره صفویه به این شرح دیده می شود: «قَد تَشَرَّفت بِزیارَتِ هَذَا المُصحَف الشَّریفِ المُبارَک اِسمعیل الموسوی الحُسینی الصفوی». مُهر شاه اسماعیل صفوی با عبارت «المُلکُ لله سَنة ۷٦۱» و مهر دیگری با مضمون «جانشین حسن حسین علیست» در پایین همین صفحه نقش بسته است. این قرآن شریف متن و حاشیه شده و بر حاشیه آن چنین نوشته اند: «۲۸ ورق مطابق ثبت کتابچه کتابخانه مبارکه است ۱۲۸۲» و مهرهایی با نام «حسین هدایت الله» و «رضاالحسینی» قابل مشاهده است. قرآن دارای جلد چرمی نیلی رنگ با حاشیه ضربی و دندان موشی طلایی است (آتابای، ۱۳۵۱: ۲٤٦).

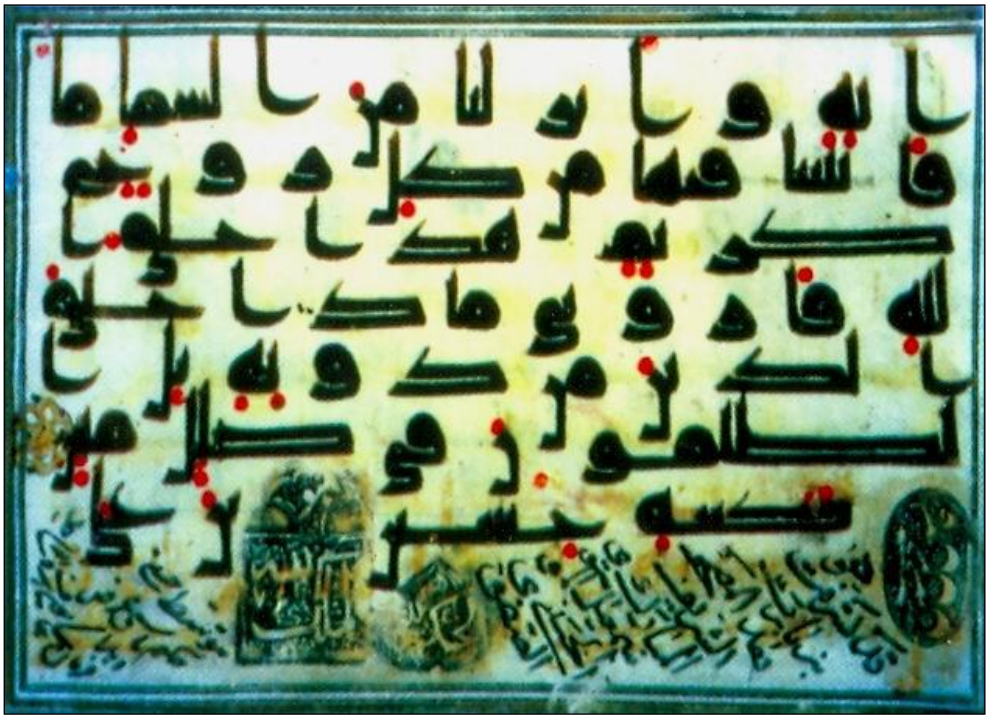

شکل ۳-۱-٦ *قرآن* خطی منسوب به امام حسین(ع) در کاخ موزه گلستان، به شماره ۱۰٤٦

۳-۱-۷ قرآن خطی منسوب به امام حسین(ع) که در مجموعه خانوادگی یکی از سادات تهران نگهداری می‌شود. این قرآن به خط کوفی و بر روی پوست شامل ۲۶ ورق به ابعاد ۱۷/۵×۲۶ سانتی‌متر است و در هر صفحه ۱۵ سطر کتابت دارد. در پایان سطر چهارم صفحه آخر عبارت «کَتَبَهُ حُسَینُ بنُ عَلی» قابل مشاهده است و در ذیل آن یادداشت‌ها و مهرهایی مربوط به دوره شاه اسماعیل صفوی به این شرح آمده است: «قَد تَشرَّفت بزیارت هَذَا الخطِّ الشَّریف المُبارک اِسمعیل الموسوی الصفوی بَهادُرخان» و «قالَ رسولُ الله صلّی الله علیهِ و آلِه حسینُ مِنّی وَ اَنا مِن حسین». مُهر شاه اسماعیل صفوی با سَجع «اَلمُلکُ لِلّه» در این صفحه نقش بسته است. سَرسوره ها به قلم زَرِ مُحَرَّر نوشته شده و علائم اِعراب با نقاط قرمز رنگ به سبک ابوالاسود نگاشته شده است (رامین‌نژاد، ۱۳۸۹: ۱۴۹).

شکل ۳-۱-۷ *قرآن* خطی منسوب به امام حسین(ع) در مجموعه خانوادگی یکی از سادات تهرانی

۳-۱-۸ قرآن خطی منسوب به امام حسین(ع) به خط کوفی شامل ۷۹ صفحه که در هر صفحه ۳ سطر کتابت دارد. در صفحه آخر قرآن یادداشت هایی مربوط به دوره قاجاریه دیده می شود که خبر از انتساب کتابت قرآن به حضرت امام حسین می دهد: «کاتب امام حسین رَضِیَ اللهُ عَنهُ بخط کوفی کاغذ متن ...حاشیه ... سه سطری، یک صفحه اول و یک صفحه آخر ...». در یادداشت دیگری آمده است: «بتاریخ بیست و نهم سنه ۳۳ عرض دیده گردید. محمّد ذاکری». علائم اِعراب با نقاط مُدوّر و علائم اِعجام (نقطه) با خطوط مورَّب کوتاه در بعضی کلمات مشخص شده و علامت ختم آیات نیز با دو دایره مُتَداخل نشان داده شده است. صفحات قرآن متن و حاشیه شده است. تصاویر قرآن از فیلم مستند «هنر قدسی» به کارگردانی مجید خدابنده‌لو که در خرداد ۱۳۸۷ از شبکه یک سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد، برداشت شده است، اما محل نگهداری نسخه اصلی نامعلوم است (رامین نژاد، ۱۳۸۹: ۱۶۱).

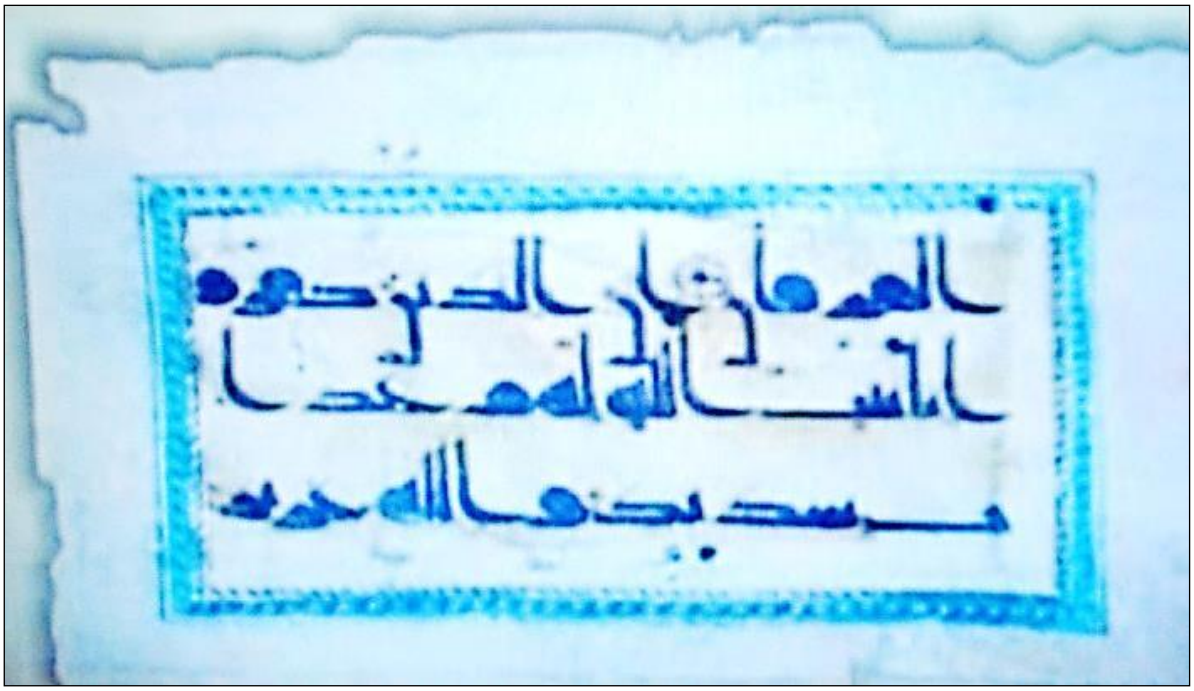

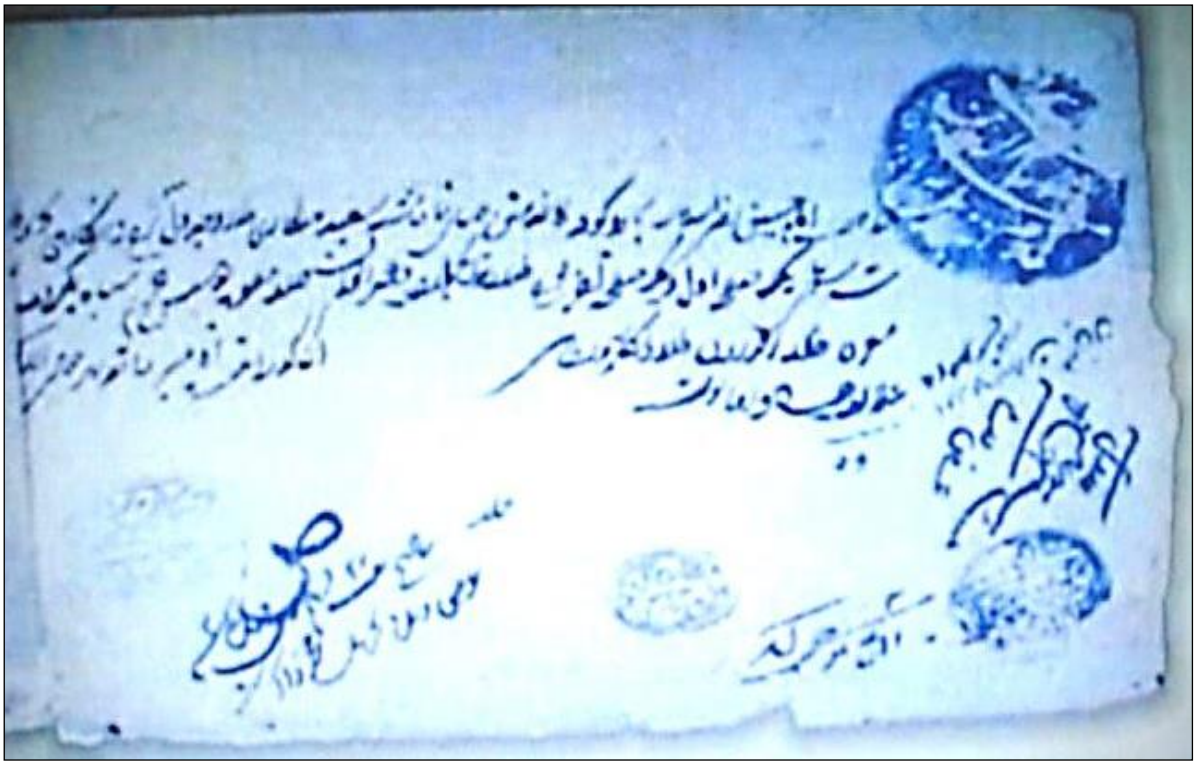

شکل ۳-۱-۸ *برگهایی از قرآن* خطی منسوب به امام حسین(ع)، تصاویر برگرفته از مستند تلویزیونی هنر قدسی

٤- نتیجه‌گیری

با توجه به پایه‌گذاری قواعد اِعجام (نقطه) در اواخر نیمه دوم قرن نخست هجری، می توان گفت: انتساب قرآن هاي داراى اِعجام (نقطه) به امام حسین(ع) محل اشکال است؛ مگر آن که با روش‌های آزمایشگاهی ثابت شود که این اِعجام در دوره های بعد جهت سهولت قرائت به متن اصلی اضافه شده است (رامین نژاد، ۱۳۸۹: ٤٧).

با توجه به سبک نگارش کوفی در قرن های اول تا سوم، درمی‌یابیم که بیشتر قرآن‌های منسوب به امام حسین(ع) با رسم الخط قرن سوم نوشته شده‌اند که نشان از اِلحاقی بودن امضاهای کتابتی و مخدوش بودن انتساب آن است (رامین نژاد، ۱۳۸۹: ۵۲). البته درباره قرآن‌های منسوب به ائمه اطهار(ع) بحث‌های زیادی وجود دارد و

برخی معتقدند این رقم‌ها (کتبه فلان‌بن فلان) جعلی است اما همان‌طور که ۱۰۰درصد نمی‌توان انتساب آنها را به دست‌خط ائمهٔ اطهار(ع) پذیرفت، ۱۰۰درصد هم نمی‌توان آن را رد کرد (صحراگرد، ۱۳۹۹).

با روش‌های آزمایشگاهی و رایانه‌ای و سالیابی قرآن‌های کهن خطی می‌توان با اطمینان بیشتری درباره اصالت سایر قرآن‌های دست‌نویس منسوب به ائمه هُدی(ع) که از بندهای فوق مُستثنی هستند، تصمیم‌گیری نمود. در سال ۱۳٦۹ش چند پژوهشگر فرانسوی ضمن بازدید از موزه ملی ملک، نمونه کوچکی از ورق قرآن منسوب به امام حسن مجتبی(ع) را برای بررسی و سالیابی به اروپا بردند و پس از انجام آزمایش به روش «کربن ١٤» مشخص شد که قدمت این قرآن شریف متعلّق به قرن هفتم هجری است (رامین‌نژاد، ۱۳۸۹: ۵۳). در عین حال، حتی در صورت اثبات الحاقی بودن امضای کتابتی در مصاحف منسوب به دستخط ائمه اطهار(ع) و ردّ این اِنتساب، هیچ خدشه‌ای به عظمت و مقام رفیع این دست‌نوشته های قرآنی که کلام مکتوب خداوند قادر و متعال است، وارد نمی شود؛ ضمن این که این قرآن های کهن اهمیت بسیاری در مقوله تاریخ هنر و خوشنویسی، تاریخ قرآن، مباحث علم رسم المصحف، صحّافی و جلدسازی و همچنین تَذهیب در قرون گذشته دارند و از نظر مادی و معنوی گرانبها و ارزشمند هستند (رامین نژاد ۱۳۸۹: ۱۹).

اگر چه اِنتساب قرآن‌های منسوب به امام حسین(ع) که در این مقاله معرفی شده‌اند، با قاطعیت قابل تایید نیست، اما ریشه در حقیقتی آشکار دارد و از اصلی غیرقابل انکار خبر می‌دهد که حاکی از همراهی و پیوند همیشگی «قرآن و عترت» است. چنان که پیامبر اسلام(ص) در حدیث مشهور «ثَقَلین» فرمودند: «من دو چیز گرانبها در میان شما بر جای می گذارم؛ کتاب خدا و اهل بیتم که هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض [کوثر] بر من وارد شوند. اگر به این دو تَمَسُّک جویید، هرگز گمراه نخواهید شد» (نسائی، ١٤١١ق: ٥/ ٤٥)

منابع

- آتابای، بدری،(۱۳۵۱)، **فهرست قرآنهای خطی کتابخانه سلطنتی**، تهران: بی‌نا.
- بی‌نا؛ (۱۳۸۷) «گزارش معرفی قرآن خطی منسوب به امام حسین(ع) (اهدایی مقام معظم رهبری)»،

آستان حرم، اداره کل روابط عمومی آستان قدس رضوی، مشهد: ش ۱٦۸، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۷.

- بی‌نا؛ (۱۳۸۱)، «**گزارش معرفی قرآن خطی موجود در گنجینه مرکز دایرة المعارف انسان شناسی**»، روزنامه جام جم، تهران: ۱۸ مهر ۱۳۸۱.
- بی‌نا؛ (۱۳۸۷)،«**گزارش معرفی قرآن خطی منسوب به امام حسین(ع) (اهدایی مقام معظم رهبری)**»، روزنامه کیهان، تهران: ۲۹ فروردین ۱۳۸۷.
- بی‌نا؛ (۱۳۸۲)، تجلّی نور، تهران: معاونت فرهنگی وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی.
- حجتی، سید محمد باقر، (۱۳٦۰)، **تاریخ قرآن**، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- حسینی قزوینی، سید عبدالکریم، (۱۳۹۰ق)، **الوثائق الرّسمیه لثورة الامام حسین**، نجف: مطبعه النعمان.
- رامین‌نژاد، رامین، (۱۳۸۹)، **برگ‌هایی نفیس از قرآن‌های منسوب به خط ائمه معصومین(ع)**، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- رکنی، محمدمهدی، (۱۳٦۳)، **نامه هدایت**، مشهد: آستان قدس رضوی.
- صحراگرد، مهدی؛ (۱۳۹۹)، سخنرانی در هفتادوهفتمین جلسه سه‌شنبه‌های علمی فرهنگی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، مشهد: ۲۰ اسفند ۱۳۹۹، برگرفته از پایگاه اینترنتی خبرگزاری کتاب ایران به نشانی: www.ibna.ir/fa/report/۲۷۲۱۱۱.
- نسائی، احمد بن‌شعیب، (۱٤۱۱ق)، **السنن الکبری**، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
- خدابنده‌لو، مجید(۱۳۸۷)، «**هنر قدسی:** گزارش مستند شبکه یک سیمای جمهوری اسلامی ایران»، ۸ خرداد ۱۳۸۷.

پوست

پوسترو ینارهای علمی
نخستین همایش ملی تحقیق و تصحیح نسخه های خطی ایران
یکم تا سوم آبان ۱۴۰۱

وبینار
ضرورت تصحیح دوبارهٔ دیوان جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی
WEBINAR
Scientific CONFERENCE
The Scientific Association of Manuscript Research and Codicology of IRAN
دانشگاه تهران . دانشگاه اصفهان
دانشگاه شهید بهشتی . دانشگاه علامه طباطبایی
انتشارات بین المللی تراث اسلامی
دکتر غلامرضا مستعلی پارسا
دانشیار زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه علامه طباطبایی
تهران
یکشنبه اول آبان 1401
ساعت 09:30 صبح
نخستین همایش ملی
تحقیق و تصحیح نسخه های خطی ایران
Attend the meeting...
WWW . MCONFERENCE . IR
October 2022, 23TH
09:30 - 10:00

وبینار
اهمیت زبان ها و گویشهای ایرانی در تصحیح متون کهن
WEBINAR
Scientific CONFERENCE
The Scientific Association of Manuscript Research and Codicology of IRAN
دانشگاه تهران . دانشگاه اصفهان
دانشگاه شهید بهشتی . دانشگاه علامه طباطبایی
انتشارات بین المللی تراث اسلامی
دکترتیمور مالمیر
استاد زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه کردستان
سنندج
سه شنبه سوم آبان 1401
ساعت 10:00 صبح
نخستین همایش ملی
تحقیق و تصحیح نسخه های خطی ایران
Attend the meeting...
WWW . MCONFERENCE . IR
October 2022, 25TH
10:00 - 10:30

وبینار
ضرورت بازنگری در بعضی باورها و روشهای تصحیح متن
WEBINAR
Scientific CONFERENCE
The Scientific Association of Manuscript Research and Codicology of IRAN
دانشگاه تهران . دانشگاه اصفهان
دانشگاه شهید بهشتی . دانشگاه علامه طباطبایی
انتشارات بین المللی تراث اسلامی
دکتر سعید شفیعیون
دانشیار زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه اصفهان
تهران
یکشنبه اول آبان 1401
ساعت 10:30 صبح
نخستین همایش ملی
تحقیق و تصحیح نسخه های خطی ایران
Attend the meeting...
WWW . MCONFERENCE . IR
October 2022, 23TH
10:30 - 11:00

وبینار
نسخه شناسی و تحلیل بن مایه های داستانی منظومه خرّم و دیبا
WEBINAR
Scientific CONFERENCE
The Scientific Association of Manuscript Research and Codicology of IRAN
دانشگاه تهران . دانشگاه اصفهان
دانشگاه شهید بهشتی . دانشگاه علامه طباطبایی
انتشارات بین المللی تراث اسلامی
دکتر نجمه درّی
دانشیار زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه تربیت مدرّس
تهران
سه شنبه سوم آبان 1401
ساعت 10:30 صبح
نخستین همایش ملی
تحقیق و تصحیح نسخه های خطی ایران
Attend the meeting...
WWW . MCONFERENCE . IR
October 2022, 25TH
10:30 - 11:00

وبینار
آیین نامه پردازش و پذیرش رساله های دانشگاهی تصحیح متون
WEBINAR
Scientific CONFERENCE
The Scientific Association of Manuscript Research and Codicology of IRAN
دانشگاه تهران . دانشگاه اصفهان
دانشگاه شهید بهشتی . دانشگاه علامه طباطبایی
انتشارات بین المللی تراث اسلامی
دکتر سید محمدرضا ابن الرسول
استاد زبان و ادبیات عربی
دانشگاه اصفهان
اصفهان
یکشنبه اول آبان 1401
ساعت 11:00 صبح
نخستین همایش ملی
تحقیق و تصحیح نسخه های خطی ایران
Attend the meeting...
WWW . MCONFERENCE . IR
October 2022, 23TH
11:00 - 11:30

وبینار
آسیب شناسی خوانداری متون تصحیح شده
WEBINAR
Scientific CONFERENCE
The Scientific Association of Manuscript Research and Codicology of IRAN
دانشگاه تهران . دانشگاه اصفهان
دانشگاه شهید بهشتی . دانشگاه علامه طباطبایی
انتشارات بین المللی تراث اسلامی
دکتر مهرداد چترایی عزیزآبادی
استادیار زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد
اصفهان
یکشنبه اول آبان 1401
ساعت 11:30 صبح
نخستین همایش ملی
تحقیق و تصحیح نسخه های خطی ایران
Attend the meeting...
WWW . MCONFERENCE . IR
October 2022, 23TH
11:30 - 12:00

وبینار
نقطه، پیدایش، تطور و کارکرد
WEBINAR
Scientific CONFERENCE
The Scientific Association of Manuscript Research and Codicology of IRAN
دانشگاه تهران . دانشگاه اصفهان
دانشگاه شهید بهشتی . دانشگاه علامه طباطبایی
انتشارات بین المللی تراث اسلامی
امیر منصوری
پژوهشگر دکتری زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه فردوسی خراسان
مشهد
یکشنبه اول آبان 1401
ساعت 12
نخستین همایش ملی
تحقیق و تصحیح نسخه های خطی ایران
Attend the meeting...
WWW . MCONFERENCE . IR
October 2022, 22TH
12:00 - 12:30

وبینار کهن ترین نسخه شناخته شده ترجمه فارسی تورات و رموز نگارشی ویژۀ آن
WEBINAR
Scientific CONFERENCE
The Scientific Association of Manuscript Research and Codicology of IRAN
دانشگاه تهران . دانشگاه اصفهان
دانشگاه شهید بهشتی . دانشگاه علامه طباطبایی
انتشارات بین المللی تراث اسلامی
دکتر محسن محمدی فشارکی
دانشیار زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه اصفهان
اصفهان
یکشنبه اول آبان 1401
ساعت 12:30 ظهر
نخستین همایش ملی
تحقیق و تصحیح نسخه های خطی ایران
Attend the meeting...
WWW . MCONFERENCE . IR
October 2022, 23TH
12:30 - 13:00

وبینار
مؤلفان بی تألیف و تألیفات بی مؤلّف
WEBINAR
Scientific CONFERENCE
The Scientific Association of Manuscript Research and Codicology of IRAN
دانشگاه تهران . دانشگاه اصفهان
دانشگاه شهید بهشتی . دانشگاه علامه طباطبایی
انتشارات بین المللی تراث اسلامی
دکترسید محمد منصور طباطبایی
دانشیار زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه تهران
تهران
دوشنبه دوم آبان 1401
ساعت 13:00 ظهر
نخستین همایش ملی
تحقیق و تصحیح نسخه های خطی ایران
Attend the meeting...
WWW . MCONFERENCE . IR
October 2022, 24TH
13:00 - 13:30

وبینار
چند نکته دربارهٔ روش تصحیح علامه قزوینی در تاریخ جهانگشا
WEBINAR
Scientific CONFERENCE
The Scientific Association of Manuscript Research and Codicology of IRAN
دانشگاه تهران . دانشگاه اصفهان
دانشگاه شهید بهشتی . دانشگاه علامه طباطبایی
انتشارات بین المللی تراث اسلامی
دکتر احمد خاتمی
استاد زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه شهید بهشتی
تهران
سه شنبه سوم آبان 1401
ساعت 13:30 ظهر
نخستین همایش ملی
تحقیق و تصحیح نسخه های خطی ایران
Attend the meeting...
WWW . MCONFERENCE . IR
October 2022, 25TH
13:30 - 14:00

وبینار
کودیکولوژی
دانشگاه تهران . دانشگاه اصفهان
دانشگاه شهید بهشتی . دانشگاه علامه طباطبایی
انتشارات بین المللی تراث اسلامی
WEBINAR
Scientific CONFERENCE
The Scientific Association of Manuscript Research and Codicology of IRAN
دکتر زُهَیر طیّب
رئیس انجمن علمی تحقیق و تصحیح
نسخه های خطی ایران
تهران
دوشنبه دوم آبان 1401
ساعت 16:00 بعد از ظهر
نخستین همایش ملی
تحقیق و تصحیح نسخه های خطی ایران
Attend the meeting...
WWW . MCONFERENCE . IR
October 2022, 24TH
16:00 - 16:30

وبینار
تصحیح متون و تأثیرگذاری آن بر متون عرفانی
WEBINAR
Scientific CONFERENCE
The Scientific Association of Manuscript Research and Codicology of IRAN
دانشگاه تهران . دانشگاه اصفهان
دانشگاه شهید بهشتی . دانشگاه علامه طباطبایی
انتشارات بین المللی تراث اسلامی
دکتر سید علی اصغر میرباقری
استاد زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه اصفهان
رئیس انجمن علمی ترویج زبان و ادبیات فارسی
اصفهان
سه شنبه سوم آبان 1401
ساعت 17:00
نخستین همایش ملی
تحقیق و تصحیح نسخه های خطی ایران
Attend the meeting...
WWW . MCONFERENCE . IR
October 2022, 24TH
16:30 - 17:00

وبینار
واژگان فارسی در متون کهن و سنگ نوشته های چینی
WEBINAR
Scientific CONFERENCE
The Scientific Association of Manuscript Research and Codicology of IRAN
دانشگاه تهران . دانشگاه اصفهان
دانشگاه شهید بهشتی . دانشگاه علامه طباطبایی
انتشارات بین المللی تراث اسلامی
دکتر محمد امیرجلالی
استادیار زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه علامه طباطبایی
استاد مدعو دانشگاه دولتی پکن
تهران
یکشنبه اول آبان 1401
ساعت 10:00 صبح
نخستین همایش ملی
تحقیق و تصحیح نسخه های خطی ایران
Attend the meeting...
WWW . MCONFERENCE . IR
October 2022, 23TH
10:00 - 10:30